



تجھرانے

از لغزنا امور در لیغ

نخجیران در یک نگاه

کتاب «نخجیران» دربرگیرندهٔ اهم تلاش گسترده‌ایست در عرصه‌های شکار و شکارگری از سده‌های پیشین تا امروز در ایران.

انتشار چنین مجموعه‌ای، ریشه در شکل‌یابی موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران - دارآباد - دارد... گرچه اندیشهٔ پیدائی چنین موزه‌ای از زمان دور وجود داشت اما تهور ساخت‌وسازی که منطبق بر نیازهای جامعهٔ امروزی ما باشد، فقط از سوی شهردار تهران نشان داده شد.

این مهم از سال ۱۳۷۱ به دنبال تشکل اعضای هیئت مدیرهٔ موزه که از میان رجال و شخصیت‌های برجسته گزینش شده‌اند، آغاز گردید. همزمان با اجرای عملیات ایجاد و احداث، فراخوانی متخصصان و زیست‌شناسان زبدهٔ کشور و شکل‌یابی شورای علمی موزه عملی گردید... سیر تحول موزه اما، از زمان تحویل ساختمان به شهرداری منطقه یک تهران آغاز گردید.

در چنین مقطعی هماهنگ شکل‌یابی قسمت‌های مختلف موزه، اصل تحقیق، پیدائی و گسترش انتشارات موزه از اولویت ویژه‌ای برخوردار شد، زیرا از نخستین مصوبه‌های اعضای هیئت مدیره: تهیه و تحقیق و تدوین و چاپ و انتشار کتاب - پوستر - بروشور، کاتالوک و... بود که کتاب «نخجیران» یکی از مهمترین انتشارات آن است.

اعضای هیئت مدیره موزه عبارتند از: آقایان محمدعلی قاسمی رئیس هیئت مدیره سیدکمال عظیمی‌نیا نایب رئیس - هدایتا... تاجبخش - دکتر محمود شجاعی و معزالدین اعضای هیئت مدیره.



کتابخانه آستان قدس
مخطوطات و کتب نفیسه
تبریز

تبریز

۱۰۰	۱
۵۱	۸

حضور پویای فعلی بخش انتشارات موزه که در نخستین روزهای فعالیت، چون میلاد غنچه‌ای زیبا وجدانگیر اما خام می‌نمود، هم‌اکنون با گسترش تولیدات فرهنگی به‌ویژه «نخجیران» می‌رود تا جوانی آگاهانه‌ای را پشت‌سر گذارده و چهره‌ای مصمم و مسلط از خود بجای گذارد.

در حالی که روزهای نخستین را با انتشار چند کارت پستال - بروشور کاتالوک آغاز کردیم، اینک خرسندیم اعلام کنیم در طول کمتر از دو سال، علاوه بر چند و چندین حرکت فرهنگی کوچک موفق به تهیه - تحقیق - تدوین - چاپ و انتشار ۲۴ عنوان کتاب رنگی «حیوانات زیبای من» شدیم این مهم در حالیکه ۲۴ عنوان دیگر از همین مجموعه در دست تدوین قرار دارد.

از سوی دیگر همزمان با انتشار کتاب بزرگ و نفیس «نخجیران» کتاب تمام‌رنگی «آینه طبیعت» که سخن از چگونگی پیدایش موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران دارد مراحل نهایی چاپ را سپری می‌کند.

جان کلام اینکه بخش انتشارات موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران با هدف تولید فرهنگی برای یک سازمان علمی - فرهنگی - ارتباطی، عرصه تازه ایست برای توسعه و گسترش امر کتاب و کتابخوانی در پهنه حیات وحش.

«دفتر نشر»



موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران - تهران - نیاوران - دارآباد تلفن ها: ۲۲۸۷۷۸۹ و ۲۲۹۰۰۰۲ فاکس: ۲۲۹۰۰۰۱

الحمد لله
الرحمن الرحيم



موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران
تهران؛ نیاوران، دارآباد

تلفن: ۲۲۸۷۷۸۹ و ۲۲۹۰۰۰۲ فاکس: ۲۲۹۰۰۰۱

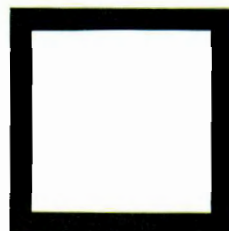
The Museum Of Natural Remains And Wildlife of Iran

Tehran; Niavaran, Darabad

Tel : 2287789 - 2290002 Fax : 2290001

تجملات

از آغاز تا امروز در ایران



«نخجیران» از آغاز تا امروز در ایران

از مجموعه انتشارات موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران

تدوین - طرح و اجرا: دفتر نشر

نویسندگان: اطلاعات علمی؛ دکتر هدایت تاجبخش

بررسی تاریخی؛ سیروس جمالی

عکس و اسلاید روی جلد: سعید بهروزی

عکس و اسلاید زیستگاه‌ها و پستانداران ایران: فریبرز شکرائی

با سپاس از استاد رسام عرب‌زاده به خاطر تخصیص طرح‌های فرش به «نخجیران»

چاپ اول: تابستان ۱۳۷۴

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نظارت فنی: پرند

چاپ: رجاء

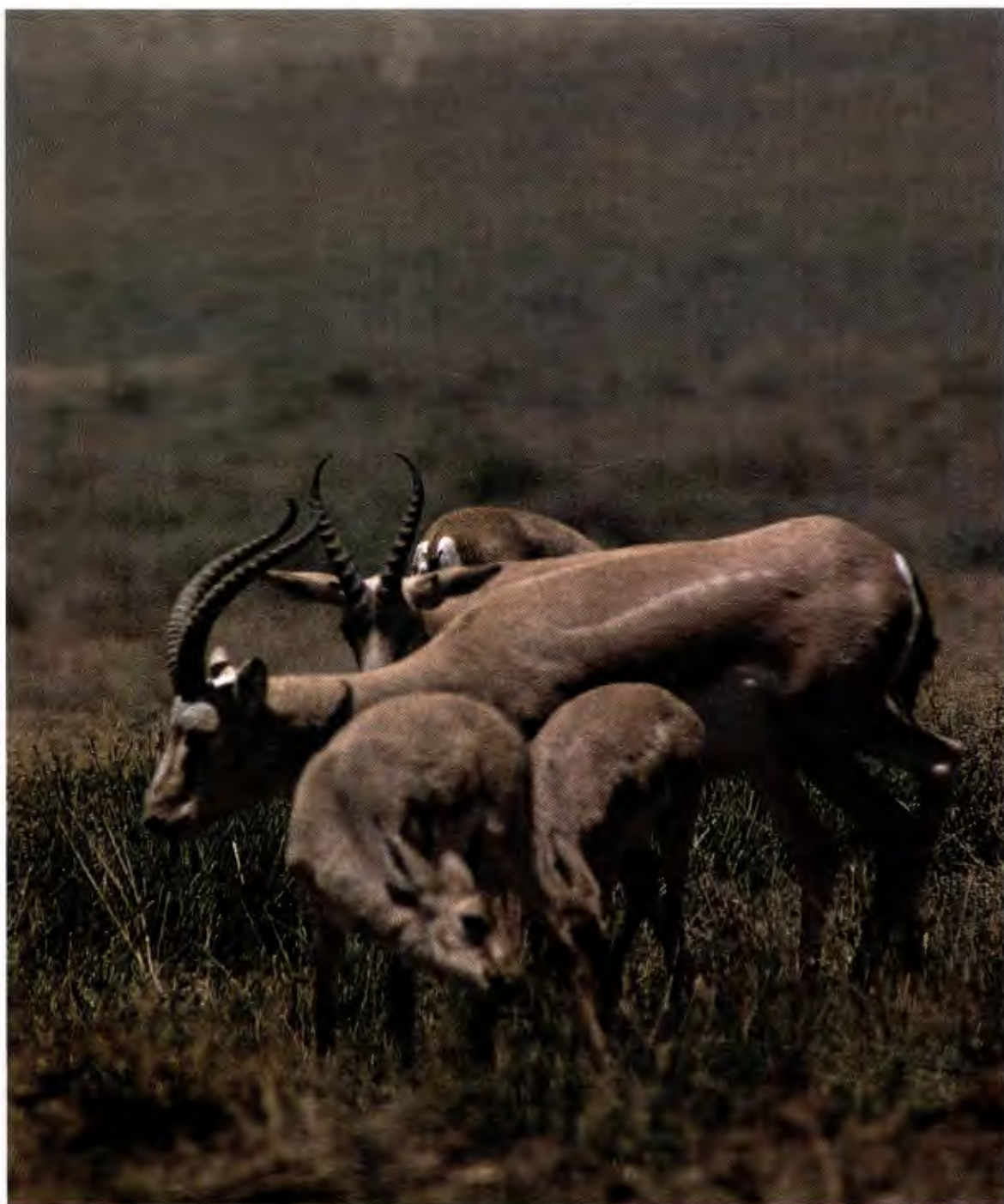
با همکاری انتشارات روایت

به اهتمام:

دکتر شجاعی - دکتر لطیفی - دکتر میثمی - دکتر تیرگری - دکتر مظهري -
خسرو سریری - مهندس فیروز - دکتر نوری - دکتر تاجبخش

فهرست

پیشگفتار	۱۷
مقدمه	۱۹
شکار و شکارگری در ایران، از آغاز تا امروز	۲۳
دیرینه‌شناسی ایران و.....	۲۸
نخستین اقوام فلات ایران	۳۰
شکار و شکارگری در ایران و هم‌اوردی شکار با جنگ	۳۲
آلات و افزار شکار	۵۹
شکار و آداب و رسوم شکارگری در ایران	۶۷
شکارگاه‌ها و سلاطین	۷۷
باغ‌وحش و پیشینه آن در ایران	۷۹
قوانین و آیین‌نامه‌های شکار و صید	۸۳
زیستگاه‌ها	۸۹
پستانداران ایران	۹۷
اندازه‌گیری، رکوردها و رکوردداران	۲۰۳



آهو، دشت موته «اصفهان»

فهرست پستانداران ایران

۱۰۴	خانواده گاوسانان	کل، پازن، بز کوهی
۱۱۰		قوچ اورپال
۱۱۴		قوچ البرز مرکزی
۱۲۲		قوچ ارمنی
۱۲۶		قوچ لارستان
۱۳۰		آهو
۱۳۶		جبیر
۱۴۰	خانواده گوزن‌ها	گوزن، مرال، گاوکوهی
۱۴۶		گوزن زرد
۱۵۲		شوکا
۱۵۶	خانواده گراز	خوک وحشی، گراز
۱۵۸	خانواده اسب‌ها	گورخر
۱۶۴	خانواده گربه‌سانان	پلنگ
۱۶۶		یوزپلنگ
۱۶۸		کاراکال
۱۶۹		سیاه‌گوش
۱۷۰		گربه جنگلی
۱۷۲		گربه پالاس
۱۷۳		گربه شنی
۱۷۴	خانواده خرس‌ها	خرس قهوه‌ای
۱۷۹		خرس سیاه
۱۸۱	خانواده کفتارها	کفتار
۱۸۲	خانواده سگ‌سانان	گرگ
۱۸۴		شغال
۱۸۶		روباه شنی
۱۸۸		روباه معمولی
۱۹۲	خانواده سمورها	گورکن، رودک
۱۹۴		سمور سنگی، خز سنگی
۱۹۶		سنگ، سگ آبی
۱۹۷	خانواده خرگوش‌ها	خرگوش
۲۰۰	خانواده تشی	تشی



پیشگفتار

کتاب حاضر پژوهشی است در عرصه شکار و شکارگری و کنکاشی است پیرامون پیشینه شکارگری انسان از پیدایش تا امروز... از آن زمان که بشر اولیه در دل جنگل‌ها زمین را می‌کاوید تا سد جوع کند و زنده‌ماندن کالبد اثیری‌اش را دوام و قوام بخشد تا امروز... این کتاب اثرات تاخت‌وتاز انسان در محیط زیست جانوری را نیز می‌نماید.

برای تهیه و تدوین چنین اثری که ماندگار باشد، در مرحله نخست به پژوهشگران و زیست‌شناسان، نویسندگان، مترجمان و کنکاشگران این عرصه نیاز بود، آنها که همه نیرو و توان خود را معطوف چنین کاری سترگ نمایند... سپاس خدای را که این مهم در نشست اعضای هیئت مدیره و فراخوانی محققان، زیست‌شناسان و نویسندگان اهل فن فراهم آمد.

در مرحله بعد، اعضای هیئت علمی موزه، همراه دیگر پژوهشگران و کنکاشگران این عرصه، برای یافتن زوایای پنهان و پیدای انسان ادوار مختلف به منابع و مآخذ گونه‌گون رجوع نمودند تا مجموعه حاضر تهیه و تدوین گردید.

از سوی دیگر جمع‌آوری اطلاعات علمی مربوط به جانوران، خاصه اطلاعات علمی پستانداران نخبه ایران که بخش مهمی از کتاب را به خود اختصاص داده است از دیگر تلاش‌های شکل‌یافته‌ای بود که به همدلی و همراهی معدود متخصصان این عرصه عملی شد تا نتایج حاصل از این همراهی بر بار علمی کتاب بیفزاید.

برای تهیه عکس و اسلاید و نقشه پراکنش حیات وحش از نخبه پستانداران ایران و زیستگاه‌هایشان و دیگر تصاویر بخش بررسی تاریخی کتاب، تلاش وسیعی صورت پذیرفت تا اطلاعات علمی و دیگر متون تحقیقی و تاریخی، مستند به تصاویری گویا گردد.

سرانجام بعد از ماه‌ها بحث و بررسی و نقد و نظر علمی، طرح به‌بخش کارشناسانه دیگری واگذار گردید تا پس از طبقه‌بندی، تدوین و ویرایش و عبور از مرحله حروفچینی و طراحی کامپیوتری و تهیه اورژینال‌ها، راهی مرحله لیتوگرافی شود.

ورود به مرحله چاپ با پیشرفته‌ترین سیستم چاپ و صحافی و U.V با استفاده از بهترین مواد و امکانات موجود در کشور خوب مقوله‌ایست درخور درنگ که با وسواس بسیار انجام پذیرفت تا کتاب علاوه بر حفظ محتوی از طراوت فرم نیز برخوردار باشد.

و اما در مرحله‌ای مهم و تعیین‌کننده به تأمین بودجه و اعتباری درخور، نیاز بود تا جای خالی چاپ و انتشار چنین اثری در عرصه کتاب و کتابخوانی را پر کند. این مهم نیز به یاری آقای سیدکمال‌الدین عظیمی‌نیا ریاست محترم کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران تأمین و پرداخت شد. ایشان که خود از مدافعان مسایل زیست‌محیطی و شکارگران کشور هستند با علاقه‌مندی تام این مهم را پیگیر و تا نهایی‌ترین مرحله چاپ، رهنمون شدند.

اما برغم تمامی تلاش یادشده، می‌باید اذعان نمود؛ تهیه، تدوین، چاپ و انتشار چنین اثری میسر نبود مگر به‌مدد حمایت مدیریتی که با اعتقاد راسخ به نقش فرهنگی کتاب در جامعه، پشتوانه اجرای چنین طرحی باشند. کتاب «نخجیران» از آغاز تا امروز، این بخت بلند را داشت تا در کنار سایر فعالیت‌های علمی - فرهنگی شهرداری تهران حمایت بزرگ مردی چون آقای غلامحسین کرباسچی شهردار تهران که همواره طراح و متولی پروژه‌های بزرگ برای تهران بزرگ بوده و هستند را پشتوانه داشته باشد. البته موفقیت حرکت‌های بزرگ فرهنگی - اجتماعی همیشه و در تمامی طول تاریخ نیازمند چنین حمایتی بود... شاید انگشت‌شمار بودن تألیفات بزرگ نیز از این روی باشد.

حمایت مشوقانه آقای محمدعلی قاسمی شهردار منطقه یک تهران و ریاست هیأت مدیره موزه که خود آغازگر تهیه و تدوین و انتشار بیش از ۲۴ عنوان کتاب (پیش از چاپ نخجیران) هستند از دیگر عوامل بلندآقبالی واحد تحقیقات و انتشارات موزه بود.

نهایت اینکه برای «نخجیران» سعی بلیغ شکل گرفت تا حق تلاش همگانی برای ارائه کتابی نفیس به نیکوترین وجه ادا گردد.

باشد که این بیست‌وپنجمین کتاب موزه در طول کمتر از یک‌سال، مورد قبول جامعه فرهنگی - علمی ایران واقع شود.

مدیر عامل موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران

مجید سعادت‌مندی



بز بالدار

این مجسمه مربوط به قرن
چهارم پیش از میلاد و از
طلا و نقره ساخته شده
است. بلندای این اثر ظریف
تاریخی ۲۷/۵ سانتیمتر و
متعلق به موزه «لوور» پاریس
است.

مقدمه؛ شکار آموزگار حقیقی جنگی است...

از خردمندی انسان است که بداند بقای خود را از توحش تا مدنیت چگونه دوام و قوام بخشیده است. این مهم و لزوم چنین شناختی در دیگر شاخه‌های علوم زیست‌شناختی، خود مقوله‌ایست بحث‌انگیز و درخور درنگ که یکی از مؤلفه‌های کتاب حاضر را شکل بخشیده است. آگاهی از چندوچون شکار و شکارگری انسان از بدو خلقت تا کنون و رشد حرکت‌های اندیشه‌ای انسان در این عرصه به‌ویژه در ایران نیز مؤلفه‌ای دیگر را... خلق چنین مؤلفه‌هایی با رعایت اختصار، در قالب موجزترین مباحث و با دراختیار گرفتن مستندات ضرور، از هدف‌های تألیف کتاب «نخجیران» از آغاز تا امروز در ایران، بوده است.

در زمینه شکار همواره عقاید و نظرهای گونه‌گونی مطرح و مورد مذاقه و نقد و نظر اندیشمندان قرار گرفته است. گروهی می‌پندارند: مسئله شکار برای انسان فقط تهیه خوراک را دربر داشته، آن‌هم به عزم فرار از گرسنگی و جمعی گفته‌اند: شکار جنگی است که باید به وسیله آن آقایی، سیادت و اطمینان‌خاطر شکارگر فراهم آید، مستند این جمع نیز، آثار و افزار جنگی مانند: کارد، تیر، کمان، نیزه، دام، فلاخن و... است که هم‌اکنون در موزه‌های مختلف جهانی نگهداری می‌شود، ابزاری که انسان به‌وسیله آنها آقایی خود را بر زمین استوار ساخت. نظریه دیگر می‌گوید: شکار و شکارگری، دستاویز تفنن و تفرج قدرتمندان و ثروتمندان به‌ویژه حکام، سلاطین و اصحاب قدرت بوده است. طبعاً هر یک از چنین آرا و عقایدی، تهی از بار معنایی خاص خود نبوده و از جایگاه و منزلتی ویژه در زمانی مشخص برخوردار بوده است.

تدوین «نخجیران» از آغاز تا امروز، رد یک نظریه یا پذیرش و تأیید آن دیگری را ملاک و معیار قرار نداده و مورد نظر نداشته است، که قصد، مروری بر اندیشه متفاوت بشر در طی قرون و اعصار، به عزم دسترسی به چگونگی شکار و شکارگری در ایران بوده، زیرا شکار از آغاز تا کنون یکی از فعالیت‌های مهم بشری را شکل بخشیده است... گویا سرنوشت آن چنین اقتضا می‌کرد تا از عصر حجر به عالیت‌ترین سطوح تمدن امروز نفوذ و رسوخ یافته و ماندگار شود.

شکار و شکارگری، همچنانکه در گذشته رکن اساسی حیات را به‌خود اختصاص داده بود، هم‌اکنون نیز به مثابه امری مهم مطرح است... بر این اساس نمی‌توان یادگارهای قدیم «نخجیران» را نادیده انگاشت که خود از منشاء اطلاعات درخور درنگی برخوردار است. تلاش ما در تدوین کتاب پیش‌روی نیز بر این مهم استوار شد تا تدوینگر موجزترین پیام در قالب و فرمی دلپذیر باشیم.

در این راستا هم‌اوردی شکار با جنگ، علاقه‌وافر ایرانیان به شکار، شکافتن زمان و عبور از ادوار مختلف، ارسال مثل، به‌کارگیری مستندات تحقیقی و تاریخی مطمح نظر قرار گرفت. جستجویی که در این وادی ما را به پیش از تاریخ نیز کشاند. گرچه مستندات این بخش محدود به پاره‌ای از اشارات کتب و رسالات، و آثاری اندک از حجاری‌ها و حکاکی‌ها است که خود برای بررسی تحقیقی و تحلیلی بس ناکافی می‌نماید، برغم نارسایی اما، سرآغازی است نویددهنده برای نسلی پرتکاپو تا این حرکت را تداوم بخشد، به‌ویژه در جامعه‌ای که تاکنون جای خالی چنین اثری ضرور آزارش می‌داد... به هر روی خلق آثاری در این زمینه در تاریخ تألیف کشور، از پیشینه روشنی برخوردار است و پذیرفتنی نبود که تدوین اثری مکمل، بیش از این به بوته فراموشی سپرده شود.

برای نمود گوشه‌هایی از راه دشواری که در تهیه و تدوین «نخجیران» پیمودیم، به یک مستند تاریخی اشاره می‌نماییم: آنگاه که «بوذرجمهر» فرمان انوشیروان برای تدوین کتاب «شکارنامه خسروی» را دریافت می‌کند، در نهایت فراست بیش از ۲۰ تن از نویسندگان

سرآمدان عصر را فرامی‌خواند تا با بهره‌گیری از تمامی توان، کتابی جامع‌الاطراف تهیه، تدوین و به تاریخ سپرده شود... اجلاس نویسندگان به سردبیری بوذرجمهر بیست روز به طول انجامید تا داشته‌ها و مستندات گردآوری شده از اطراف و اکناف جهان آن روز را به بحث و فحص گذارده و نتایج حاصل از اجلاس بیست روزه را در کتاب مورد نظر بیاورند و چنین نیز شد.

یادمان آن اجلاس مهم و طولانی بوذرجمهری دو نکته ظریف را پیش‌روی می‌گشاید: نخست نمایشگر اهمیت شکار و شکارگری است در ایران و از سوی دیگر یادآور این گزند فکری است که چرا برغم اهمیت شکار و شکارگری در ایران، امر تألیف کتاب‌هایی در این پهنه تا مرز بی‌مهری پیش‌تاخته است...؟ به گونه‌ای که به جرئت می‌توان گفت: شمار تألیفات این عرصه از همان دوران تاکنون از شمار انگشتان یک دست کمتر بوده است.

اگر پی‌جوی علل باشیم و ساده‌اندیش، شاید در بدو امر فقدان حضور «بوذرجمهر»ها در دوره‌های پیشین و هزینه‌های سرسام‌آور امروز در «نشر» علت‌العلل آن‌گزند اندیشه‌ای تلقی گردد. اما از عمق وجود صلابی به گوش جان می‌رسد که هرگز چنین مباد، چراکه نه مردانی به کیاست و قلم بوذرجمهر اندک بودند و نه دیگر دشواری‌ها مانع و رادع، که هرآینه مردانی همت بلند داشتند و با علم و آگاهی به دشواری‌ها، گامی «محکم» پیش‌نهادند پاسخ عامه‌های خاصی از درون جامعه گوش جان را نوازش کرد... به‌ویژه آنجا که کار تألیف در محتوی و هم در فرم، توأمان درخور باشد و سترگ و ماندنی، چنان اقبالی نشان می‌دهند که هموارکننده راه صعب است و زداينده نگرانی‌ها...

و اما «نخجیران» به سه فصل اصلی تقسیم شد:

الف: بررسی تحقیقی - تحلیلی و تاریخی از پیشینه شکارگری در ایران

ب: معرفی نخبة پستانداران ایران به عنوان سمبل حیوانات قابل شکار

ج: اندازه‌گیری شاخ‌ها، رکوردها و رکوردداران با استفاده از شیوه علمی C.I.C

در بخش بررسی تحقیقی و تاریخی کتاب، تلاش صمیمانه‌ای شکل گرفت تا مستندات تاریخی در دسترس، به‌دور از هر شائبه، در قالب و فرمی پذیرفتنی مطرح شود تا نه تنها مانع از ملال، که موجب انبساط خاطر نیز باشد... فی‌المثل اگر از «کیومرث» به عنوان اولین انسانی که با جانوران الفت بسیار داشت یاد و نامی به میان می‌آید، سعی بر آن بود تا فقط با نشانی از همراهی شیر و ببر و پلنگ با او در جنگ‌ها، عبوری داشته باشیم گذرا از چگونگی حضور حیوانات در جنگ‌های آن عصر، یا در بهره‌گیری از شاهنامه استاد سخن فردوسی که سرشار از معتبرترین، موثق‌ترین و زیباترین تصاویر شعری شکار است بدان حد موجز انجام شد تا تنها ردپایی از شکار را در آن اثر فناناپذیر به‌نمایش بگذارد، چراکه حواله به لب‌نوش شکار مطمح نظر بود و بس... یا در بخش اسکان انسان و استقرار او در یک محل که یک مقطع مهم تاریخی در زندگی بشر بود، فقط به بیان یک دلیل بزرگ یعنی عدم امکان حمل لاشه ماموت که خود نشانگر شکارگری انسان در آن دوره است، اکتفا شد. و یا آنجا که به تشریح صفات ایرانیان در عرصه‌های شکار می‌رسیم، اشارت‌گونه به چوگان و بزم و رزم و شکار پرداخته شد تا مگر این اشاره موجز «گزنه‌فون» محقق شود که: شکار آموزگار حقیقی جنگی است.

بررسی اجمالی شکار و شکارگری در ایران را با این امید ادامه دادیم تا شاخص‌ترین جانوران قابل شکار یعنی پستانداران ایران را

مطرح کنیم. چنین انتخابی خود نمایشگر این امر است که پستانداران ایران در عرصه شکار و شکارگری سرزمین ما از ویژگی برجسته‌ای برخوردارند. لذا دیگر سرفصل مهم کتاب به نخبه پستانداران ایران اختصاص یافت. در این بخش علاوه بر ارائه اطلاعات علمی، بر زیستگاه‌های این موجودات تأکید بسیار شد، چرا که سرزمین وسیع ایران با طبیعت بسیار متنوع که زائیده شرایط خاص آب و هوایی و عوامل اقلیمی و عناصر زیستی است، نیازمند آنست تا بر حفظ و حراست آن در جهت برقراری توازن طبیعی، تأکید ویژه گذارده شود. به عنوان نمونه از شگفتی‌های طبیعت این سرزمین، می‌توان به اجتماع گونه‌های مختلفی از جانوران با طبایع مختلف در یک منطقه از کشور اشاره داشت؛ در پارک ملی گلستان (شرق مازندران) با مساحت ۹۰ هزار هکتار، می‌توان مرال و شوکای جنگل‌های انبوه «هیرکانی»، قوچ و میش اوربال تپه‌های استپی، پازن (کل و بز) و پلنگ صخره سنگ‌ها و آهو و یوزپلنگ دشت‌های کویری را تمامی مشاهده کرد و به شگفتی این تجمع اندیشید... این همه نشان از تنوع زیستگاه‌های حیات وحش سرزمینی دارد که در میان کشورهای منطقه و حتی در سطح جهان اگر بی‌نظیر نباشد، واقعاً کم‌نظیر است. این همه شگفتی اما هنوز به درستی و متناسب با ارزش‌های خاص خود معرفی نشده و اندیشه چاره‌سازی، بهبود زیستگاه‌ها را هدف قرار نداده است. باشد که «نخجیران» قویترین موجبات توجه به مسایل زیست‌جانوری به ویژه زیستگاه‌ها را در سطح کل جامعه مطرح نماید.

و اما در مورد اسلاید و عکس‌های بخش پستانداران کتاب، این توضیح ضروریست که فقدان حضور پویا و پرتعداد عکاس زیست‌شناس، یکی از مشکلات ما بود، زیرا ضبط و ثبت لحظه‌های ماندنی زیست‌جانوری که نقشی تعیین‌کننده دارد، فقط در ید قدرت عکاسان زیست‌شناسی است که می‌باید به دقایق و ظرایف علمی کار واقف و نیز مجهز به آخرین ابزار پیشرفته این فن باشند و... که چنین نیروی متخصصی در کشور ما از نادر هستند.

در بخش پایانی کتاب که به اندازه‌گیری شاخ‌ها، رکوردها و رکوردداران اختصاص یافته است با نگرشی به شکار به عنوان یک ورزش مطلوب که حاصل آن جاودان نمودن بسیاری از نمونه‌های فناپذیر است، به معرفی رکوردداران این زمینه پرداخته شد که هم این سرفصل را دربرمی‌گیرد. این مهم برای نخستین بار در ایران چهره می‌کند...

با توجه به آنچه آمده است، جا دارد به طراحان و بانیان شکل‌یابی «موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران» که موجب و موجد حرکتی این چنین گسترده در کشور شده‌اند تبریک گفت که توجه به مسایل زیست‌محیطی به‌ویژه زیست‌جانوری را در دستور کار خویش قرار داده‌اند.

امید آنکه توسعه و گسترش امور انتشاراتی موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران نیز که خود گویای رشد اندیشه جامعه انسانی در برابر حیات جانوری است با حفظ حمایت مسئولین، روند روبه رشد خود را تا آنجا تداوم بخشد که پاسخگوی نیازهای جامعه علمی - فرهنگی ایران باشد.

هیئت مدیره موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران

شاد و شادمانی در ایران



خسرو پرویز در حال شکار
قوچ؛ کاسه نقره دوره
ساسانیان

نخجیران از آغاز تا امروز در ایران

امن خود، بالای درخت پایین بیاید و بر خاکی پا نهد که زیستگاه بسیاری از درندگان بود.

گرچه شرایط جدید دشواری‌های بسیار داشت، اما همان افزار ابتدایی، انسان را در غلبه بر مشکلات یاری داد و او بتدریج توانست روی خاک، جای پای خود را محکم کند و توالی نسل‌ها را موجب شود. در این مرحله از زندگی انسان، دیگر تأمین غذا به راحتی مرحله قبل نبود.

با از بین رفتن جنگل‌ها کار جمع‌آوری میوه، دانه و ریشه گیاهان به سختی میسر می‌شد. بنابراین بشر به فکر یافتن منبع غذایی دیگری برای سیرکردن شکم افتاد و این منبع چیزی جز گوشت نبود... گوشت حیواناتی که به وفور در همه جا دیده می‌شد.

انسان ابتدا شکار را با به کار گرفتن همان افزار ساده و با حمله به حیوانات کوچک آغاز کرد. می‌توان گفت از این زمان انسان وارد مرحله شکارگری شد. همین امر موجب تقویت بیشتر گروه‌ها گردید و او آموخت که برای مقابله با خطر حیوانات درنده به صورت گروهی در برابر آنها بایستد.

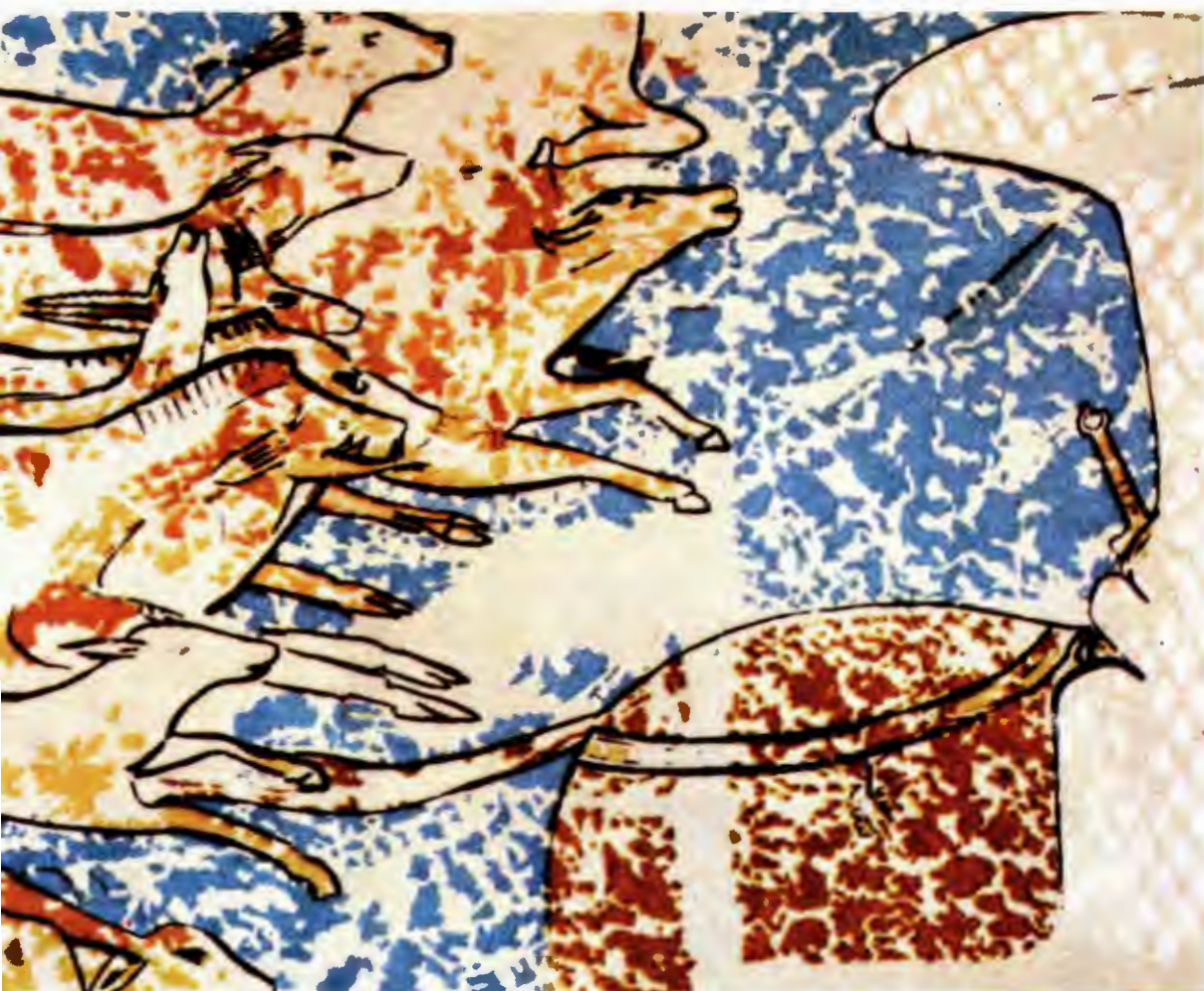
در این دوره از زندگی، انسان به دنبال حیوانات مهاجرت کرد و از دره‌ای به دره دیگر پا نهاد. بتدریج دریافت که تیزی سنگ‌های طبیعی نمی‌تواند تنها وسیله او برای شکار باشد پس به مداخله در طبیعت دست زد و با ساییدن سنگی بر سنگ دیگر، آنها را

عمر شکار به درازای عمر بشر است که از بدو پیدایش تا امروز دلبسته آن بوده است...

با وجود اینکه در مورد چگونگی پیدایش بشر عقاید مختلفی ابراز شده است، اما همه صاحب‌نظران متفق‌القولند که انسان اولیه، زندگی را از جنگل آغاز کرد. درست‌تر اینکه زندگی بشر نخستین وابسته به جنگل بود، چرا که انسان اولیه غذای خود را از میوه، ریشه، برگ و دانه درختان و گیاهان تأمین می‌کرد و برای گریز از خطر جانوران درنده نیز شب‌ها را بالای درختان تناور به روز می‌آورد. همین امر یعنی تأمین غذا و امنیت، انسان را به جنگل وابسته می‌ساخت.

این دوره از زندگی بشر اولیه، تنها صرف یافتن غذا می‌شد؛ او تمامی روز در جنگل پرت می‌زد، از درخت‌ها بالا می‌رفت، با ناخن زمین را می‌کند و می‌کاوید و هرچه می‌یافت می‌بلعید. او حتی از خوردن باقیمانده شکار درندگان نیز ابا نمی‌کرد... و سرانجام با فرارسیدن تاریکی مثل پرندگان به درخت‌ها پناه می‌برد. بتدریج انسان اولیه آموخت که برای یافتن غذا و بیرون آوردن ریشه گیاهان از دل خاک، از سنگ‌ها و چوب‌هایی که بر اثر عوامل طبیعی ساییده و تیز و برنده شده بود، استفاده کند.

هزاران سال بعد، زمانی که بر اثر تغییرات ناگهانی آب و هوا، جنگل‌های گرمسیری رو به نابودی گذاردند و بسیاری از درختان میوه و گیاهان ناپدید شدند، انسان ناگزیر شد از جایگاه



یا «خوراک حیوانی» نام گرفته است. در این دوران هنگامی که مردان به شکار می‌رفتند، زن‌ها و کودکان نیز به گردآوری ریشه، دانه و میوه گیاهان و درختان می‌پرداختند. در همین زمان بود که جابه‌جایی دانه‌ها، رویش گیاه و در نهایت کشاورزی را به انسان آموخت.

کشاورزی، اهلی کردن حیوانات و دامداری را به دنبال آورد. این شناخت و دستاورد مهم، سکونت انسان در یک محل را شکل بخشید. از این تاریخ، جامعه اشتراکی نخستین متلاشی شد و جای خود را به جامعه طبقاتی بخشید. در جامعه جدید بتدریج شکار اهمیتی دیگر یافت و شکلی جدید به خود گرفت. شکار و شکارگری در این دوره دیگر تنها برای سیرکردن شکم نبود بلکه وسیله تفریح و تفتن افراد مرفهی شد که فرصت و

تغییر شکل داد و به صورت دلخواه خود درآورد. انسان با این عمل‌گامی مهم برای بقای خود برداشت. امروزه نمونه‌های بسیاری از این افزار سنگی در سواحل رودخانه‌ها و غارهای مجاور دره‌ها به دست آمده است؛ افزاری که به کمک آن‌ها انسان به شکار حیواناتی چون ماموت و گوزن می‌پرداخت و در مقابل جانوران درنده‌ای چون ببر دندان خنجری، خرس و گراز پایداری می‌کرد.

شکار حیوانات بزرگتر، ذخیره غذایی انسان را افزایش داد و او را به فکر ذخیره گوشت برای ایام نامساعد انداخت. همین امر خود موجب استقرار انسان در یک محل شد، چون حمل لاشه یک ماموت (برای مثال)، کار آسانی نبود.

این دوره از زندگی انسان، «دوران شکار و گردآوری خوراک» و



صحنه شکار؛ نقاشی دیواری، شوش

این نقاشی دیواری ساسانی که در ایران ساخته شده مربوط به نیمه اول قرن چهارم است. این نقاشی بر روی دیواری از یک تالار که دارای شش تهستون بود، نقش بسته بود. دیوار در پی طغیان اقلیتی مسیحی، به وسیله پیلان شاپور دوم افکنده شد و طوری به خاک افتاد که سطح منقش آن بر روی زمین قرار گرفت.

طرح این نقاشی دیواری، از دو سوار شکارچی حکایت دارد که تقریباً به اندازه دو برابر طبیعی هستند و در یک متن آبی نمایان شده‌اند. شمشیری که تنها دسته آن مشخص است، به نظر می‌رسد که به کمر بند سوار بسته شده است. وضع آرنج سوار نشان می‌دهد که تیری را از کمان رها می‌کند. اسب‌ها به رنگ بلوطی و قرمز آجری هستند. بین دو سوار توده فشرده‌ای از انواع حیوانات دیده می‌شود که چهارنعل می‌گیرند و برخی از آنها مجروح یا کشته شده‌اند...

با عمری بالغ بر پنج تا شش هزار سال که از میان حفاری‌های مختلف به دست آمدند، خود مؤید این امر است.^(۱)

«ایوانف» معتقد است در آستانه هزاره نهم، در این مناطق، بز و گوسفند به صورت اهلی نگهداری می‌شد. این امر موجب شکل‌گیری اولین دهکده با خانه‌های گلی در هزاره ششم در تپه حسن‌لو (واقع در جنوب ارومیه) شد. پرداختن به کشاورزی، موجب سکونت در یک محل و شهرنشینی، زمینه رشد کسب و تجارت را فراهم آورد.^(۲)

با مروری اجمالی که گذشت می‌توان گفت عمر شکار، به درازای عمر بشر است و این تنها حرفه‌ای است که بشر از بدو پیدایش تا امروز دلبسته آن بود و بدون شک از عواملی است که موجب بقای انسان و رساندن او به مراحل دیگر شده است.

توانایی تهیه لوازم شکار را داشتند.

رویکرد انسان به کشاورزی و دامداری، یکی از بزرگترین پیشرفت‌های بشر آن روز را به دنبال داشت. در ایران این امر در پایان دوره پالئولیتیک (عصر حجر قدیم) و اوایل دوره نئولیتیک (عصر حجر جدید) شکل گرفت.

ابزار کشاورزی به دست آمده در ایران نشان می‌دهد که برای اولین بار در کردستان، لرستان و سمنان، کشاورزی و دامداری ایران شکل گرفت. دیگر نشانه‌ها نیز حاکی است که در این مناطق، میزان بهره‌گیری انسان از محیط طبیعی افزون‌تر از دیگر مناطق بود.

به عقیده «پتروشفسکی»، ایران از کهن‌ترین کانون‌های زراعت در جهان آن هم در سطحی عالی بود. دانه‌های گندم و جو

۱- پتروشفسکی؛ ایران از دوران باستان تا سده ۱۸ میلادی
۲- ایوانف، تاریخ ایران باستان

دیرینه‌شناسی ایران و...

سنگواره‌هایی که از ماهیان و صدف‌ها در دل بیابان‌ها، دره‌ها و مناطق مرتفع به دست آمده است، حکایت از این دارد که فلات ایران، در دوران دوم زمین‌شناسی زیر آب بود. زمین‌شناسان، بر این نظرند که در اواخر دوران سوم، بر اثر چین‌خوردگی آلپین، این فلات از زیر آب بیرون آمد و سرما و یخبندان دوران چهارم تغییرات عمده‌ای در شکل و موقعیت آن پدید آورد.

«گیرشمن» معتقد است که پس از شکل‌گیری فلات، در دوران کم‌بارانی یا «عهد خشک» که زمان آن به حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار سال پیش از میلاد می‌رسد، تغییرات تدریجی در آب و هوا ایجاد شد و هم‌زمان با کاهش حجم جنگل‌های کوهستانی که هنوز آثاری از آن در غرب کشور به جا مانده، آب دریاچه مرکزی فلات ایران، عقب‌نشینی کرد.

به این ترتیب زمین‌های رسوبی حاصل خیز سر از آب بیرون آورد و بتدریج از مراتع و مرغزارها، پوشیده شد. بنابراین طبیعی می‌نمود که جانوران ساکن کوه‌ها، به سمت این دشت‌های سرسبز سرازیر شوند. به دنبال آن‌ها، انسان شکارگر، از دل غارها و پناهگاه‌های کوهستانی، به این دشت‌ها و سرزمین‌ها راه یافت. زمان این جابه‌جایی به حدود هزاره پنجم پیش از میلاد بازمی‌گردد. (۳)

ایران امروز، بخشی از فلات اصلی ایران است که در طول شرقی ۶۶ تا ۴۴ درجه و عرض شمالی ۴۰ تا ۳۵ درجه واقع شده و مساحتی برابر ۱۶۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع را دربرگرفته است.

ایران، جلگه وسیعی است که توسط سلسله کوه‌های البرز، زاگرس و سلیمان احاطه شده است. بلندترین قله کوه ایران، دماوند، از سطح دریا ۵۶۷۰ متر ارتفاع دارد.

آب و هوای ایران به جز گیلان و مازندران و سواحل خلیج

فارس که مجاور دریاست، خشک است و میزان متوسط بارندگی آن بیش از ۲۲ تا ۲۸ سانتی‌متر در سال نیست.

در میان فلات ایران، کویر لوت و دشت کویر، در ارتفاع ۶۰۹ متر از سطح دریا گسترده است. تنها رود قابل کشتیرانی این فلات؛ کارون، از کوه‌های بختیاری سرچشمه می‌گیرد، در خوزستان به شط‌العرب می‌پیوندد و سرانجام به خلیج فارس می‌ریزد. به موازات رود کارون، رود کرخه جاری است. این رود از به هم پیوستن «قره‌سو» و «گاماساب» ایجاد شده است. این دورود پس از اینکه در کرمانشاه به هم می‌پیوندند «سیمره» نامیده می‌شوند. «هرودت» می‌نویسد: «پادشاهان هخامنشی جز از رودخانه کرخه، آب دیگری نمی‌نوشیدند. در سفرها هم سبوه‌ای سیمین و زرین را پر از آب کرخه کرده، پیک‌ها آن‌ها را در اقصی نقاط کشور به شاه می‌رساندند.» (۴)

از دیگر رودهای مهم ایران می‌توان از ارس، زرینه‌رود، سیمینه‌رود، سرخ‌رود یا قزل‌اوزن که سفیدرود را تشکیل می‌دهد و به دریای خزر می‌ریزد، اترک، رودگر، گرگان‌رود، زاینده‌رود، قره‌آغاج، مرغاب، هری‌رود، تجن، شیررود، هیرمند، اروندرود و قره‌چای نام برد.

ایران دریاچه‌های متعددی نیز دارد. برخی معتقدند این دریاچه‌ها از بقایای همان دریای بزرگی شکل گرفته‌اند که تا دوران سوم زمین‌شناسی تمامی سطح فلات ایران را پوشانده بود. از مهمترین دریاچه‌های ایران می‌توان به دریاچه ارومیه در آذربایجان، بهارلو و نی‌ریز در فارس، هامون در سیستان، حوض سلطان و دریاچه نمک در قم و تهران و دریاچه خزر در شمال ایران اشاره داشت.

شمال و غرب ایران از نظر گونه‌های گیاهی و جانوری از قسمت‌های دیگر غنی‌تر است.

۳- گیرشمن؛ ایران از آغاز تا اسلام

۴- سفرنامه لایارد

اثری نمادین و هنرمندانه از دو حیوان «هستاندار» در کنار درخت انگور؛ موزه لوور پاریس. بلندی اثر ۲۷ سانتیمتر
دو بز دو کنار یک درخت انگور؛ موزه لوور پاریس. بلندی اثر ۲۷ سانتیمتر و عرض آن ۲۵ سانتیمتر است.
و عرض آن ۲۵ سانتیمتر است.





نخستین اقوام فلات ایران

انسان شکارگر که همه جا به دنبال شکار بود، در هزاره دهم پیش از میلاد، پا به فلات ایران گذاشت. او در این سرزمین با دشت‌های سرسبز و حیوانات متنوع مواجه گشت، پس اقامت گزید و ساکن شد.

قرن‌ها بعد با فرارسیدن دوران خشکسالی و کاهش آب دریاچه مرکزی، مراتع و مرغزارها نیز رو به کاهش گذاشت و شکار کمیاب شد. در این دوره ساکنان فلات ایران، برای تهیه غذای خود به کشاورزی و دامداری پرداختند.

آغاز هزاره اول پیش از میلاد بود که اقوام آریایی از محل زندگی خود یعنی سرزمین‌های بین رود آمویه (جیحون) و سیردریا (سیحون) گذشتند و از سمت شمال شرقی وارد فلات ایران شدند. از این میان گروهی در شمال خوزستان (پارت‌ها)، گروهی در ری، آذربایجان، اصفهان، همدان و غرب ایران



(مادها) و گروهی دیگر در فارس و خوزستان (پارس‌ها) سکنی گزیدند.

نام ایران نیز از نام آریایی‌ها گرفته شده است. از مذهب و زبان آریایی‌ها اطلاع درستی در دست نیست. آنچه مسلم است این که، معتقد به وجود خیر و شری بودند که مدام با هم درجنگند؛ روشنایی و باران خوب و شب، زمستان و خشکسالی بد محسوب می‌شدند. آن‌ها وجود خوب را می‌پرستیدند و وجودهای بد را دشمن می‌شمردند.

این اقوام بتدریج حکومت‌های محلی غرب و جنوب ایران را برانداختند و حکومت‌های جدید یعنی مادها، هخامنشیان و اشکانیان را جایگزین ساختند.

حکومتی که مادها در غرب تشکیل دادند از سال ۶۰۶ تا ۵۰۵ پیش از میلاد با اقتدار تمام استقرار داشت. این حکومت به

دست کوروش کبیر منقرض شد. انقراض حکومت مقتدر مادها به دست مردم پارس صورت گرفت؛ مردمی که کوهستانی و مقاوم بودند و به زندگی سخت عادت داشتند. علت انقراض مادها را «هرودت» داشتن قصرهای عالی و مجلل، باغ‌های وسیع که خصوصاً برای شکار مهیا شده بود، انواع و اقسام بازی‌ها و تفریحات و... (۵) می‌داند.

در یک کلام غفلت از احوال مردم و پرداختن به سرگرمی و تفنن، عاملی بود که بعدها موجب انقراض بسیاری از سلسله‌های پادشاهی و قدرت‌های بزرگ شد. شاید اطلاعات دقیقی از وضع اجتماعی مادها در دست نباشد، اما مسلم این که بسیاری از آداب و رسوم آن‌ها از جمله عشق و علاقه به شکار و شیوه‌های متنوع در شکارگری به جانشینانشان یعنی هخامنشیان منتقل شد.

شکار و شکارگری در ایران و...

علاقه ایرانیان به شکار و شکارگری ریشه‌ای دیرینه دارد. جستجو در این وادی ما را به پیش از تاریخ می‌کشاند. گرچه مستندات این زمینه محدود به پاره‌ای اشارات کتب و رسالات است یا آثاری که از حجاری‌ها و حکاکی‌های ادوار گذشته به دست آمده، اما برای یک بررسی تحقیقی و تحلیلی کافی نیست، به همین دلیل به دست‌دادن تصویری روشن از شکار و شکارگری در ایران به منابع و مآخذ وسیعی نیاز دارد. با این وجود می‌توان به جرأت گفت که علاقه و دلبستگی ایرانیان به شکار و شکارگری نقشی تعیین‌کننده در زندگی و فرهنگ ایرانی داشته است.

علاقه ایرانیان به شکار در آن حد بود که کوشیدند مثل بسیاری از امور اساسی چون کشت و زرع، برای آن مبدأ و آغازی بیابند و آن را به شخصیتی نسبت دهند. بر این مبنا معتقد بودند که «کیومرث» نخستین بشری بود که با جانوران الفت داشت و سپاهیان او را انواع حیوانات درنده چون گرگ، ببر، پلنگ و شیر همراهی می‌کردند و وی در نبرد با دشمنان، از آن‌ها استفاده می‌کرد.

و گفته‌اند: «در میان راه خروس و مرغی را دید، مرغ عقب ایستاده بود و خروس با ماری می‌جنگید و در هر حمله بانگی خوش برمی‌آورد، او را خوش آمد و گفت: از مرغان این عجب مرغی است، با جفت خویش مهربان که او را دور همی دارد و از

ع. ا. یوغلی محمد بلعمی
تاریخ بلعمی

قتل او جنگ همی کند با دشمن فرزند آدم. پس سنگی بزد و مار را بکشت و طعامی که داشت پاره‌ای پیش وی انداخت. آن مرغ سر بر زمین زدن گرفت و هیچ نخورد تا این که مرغ فراز آمد و آن علف بخورد. کیومرث گفت: این فرخ مرغی است و خروس را ببرد به میان فرزندان خویش و گفت: ایشان را نیکو بدارید که طبع او با طبع آدمی نزدیک است و به فال نیک است و عجم خروس و بانگ او را به وقت خجسته دارند. خاصه خروس سپید را چنین گویند: خانه که اندر، او باشد دیوان اندر نیایند و این که بانگ خروس به نماز شام بدانند و به فال بد می‌گیرند از آن جهت است که چون روزگار «کیومرث» به آخر رسید و در بستر بیماری افتاد، آن خروس نماز شام بانگ برآورد و وقتی رفتند، دیدند «کیومرث» مرده است. از آن پس بانگ خروس را بدان وقت به فال بد گرفتند و گویند، اگر صاحب خروس هر خروسی را که در آن وقت بانگ کند بکشد، بد از او درگذرد... و «هوشنگ» سگان را شکار آموخت و نخستین کسی است که از چوب درخت تخته برید و برای خانه ساخت و از معدن، مس و روی و آهن بیرون آورد و اولین کسی است که از پوست جانوران برای پوشش استفاده کرد، «طهمورث» نخستین کسی است که بر اسب زین نهاد و نشستن و اشتر را بار نهادن و یوز را شکار کردن آموخت و به رام کردن جانوران پرداخت.^(۶)

متون ادبیات کهن ما نیز سرشار از شواهد و امثله بسیار در نمود نقش شکار و شکارگری است.



«فردوسی» می‌گوید: تا زمان ضحاک ساختن خورش‌های گوشتین چندان معمول نبود. در این زمان اهریمن، برای آشنا کردن «ضحاک» با لذت خوردن و آماده کردن او برای کشتارهای بعدی، از گوشت کبک و تذرو و بره و مرغ و راسته گوساله، برای نخستین بار خورش‌های دلپذیر با چاشنی‌هایی از زعفران و گلاب و مشک ناب ساخت که سخت مطبوع واقع شد.

فراوان نبود آن زمان پرورش

که کمتر بُد از کشتنی‌ها خورش

خورش‌های کبک و تذرو سپید

بسازید و آمد دلی پر امید

بدون تردید شاهنامه فردوسی، استاد بلند آوازه توس، در میان تمام مستنداتی که مبین علاقه ایرانیان به شکار و شکارگری است، از موثق‌ترین و غنی‌ترین آثار به شمار می‌آید. در این اثر فناناپذیر، در قالب داستان‌های پرکشش، نحوه شکار فنون شکارگری و آداب و رسوم آن زمان و آلات و ادواتی که برای شکار مورد استفاده قرار می‌گرفتند، به‌نظم در آمده است.

در این زمینه داستان رستم از گاه تولد تا زمان مرگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ رستم در کودکی فیل سپید بندگیخته پدرش، سپهبد زال را با گرز از پای درمی‌آورد، اسب دلبخواش رخس را با کمند از میان فسیله پدرش می‌گیرد، در نبرد با شیر و اژدها به کمک رخس پیروز می‌شود و هنگامی که در بیابانی سوزان نزدیک است از تشنگی هلاک شود با تعقیب کردن بزی وحشی، با این اطمینان که حیوان سر آبخور می‌رود به آب می‌رسد و نجات می‌یابد و سرانجام از هفت‌خوان می‌گذرد. در شکارگاه راه گم می‌کند و در پی رخس به سمندگان می‌رسد و در آن‌جا، ته‌مین، دختر پادشاه سمندگان را به همسری می‌گزیند و سهراب زاده می‌شود و ماجرای غم‌انگیز کشته شدن فرزند به دست پدر پیش می‌آید. و بعد از نبرد با اسفندیار و کشتن او با تیری از چوب‌گز که شکار در آن ماجرا نقش دارد، به دعوت برادر نابکارش «شغاده»، به شکارگاهی در کابل می‌رود و در چاهی که سر راهش کنده‌اند می‌افتد و تسلیم مرگ می‌شود.



شهر غلطان، موزه بریتانیکا

بود، دیده می‌شود.^(۸)

در تخت جمشید، نقشی از شاه را در حال خفه کردن شیری یافته‌اند. درفش پادشاهی هخامنشیان، شاهینی بوده است از زر که بر نیزه افراشته بودند.

این اشیاء و اشیاء دیگر که بر غالب آن‌ها تصویر حیوانی نقش گردیده نه تنها دلیل سروکار داشتن پادشاهان هخامنشی با جانوران است، بلکه علاقه و وابستگی آنان به این جانوران را می‌رساند. این علاقه و دلبستگی بعد از ۵۰۰ سال به ساسانیان که خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند منتقل شد و تا آن‌جا گسترش یافت که فعالیت عمده و تفریح پادشاهان و بزرگان ساسانی را شکل داد.

«کریستن سن» می‌گوید: «در جامعه پارت، مرد نجیب و آزاده، جنگجو و سواری بود که وقت خود را در جنگ با شکار می‌گذرانید.» علاوه بر شاهان و بزرگان، شکار نزد سایر طبقات نیز دارای اهمیتی خاص بود. «هرودت» در این باره می‌نویسد: «پارسیان به اولاد از سن پنج سالگی تا سن بیست فقط سه چیز می‌آموزند اسب سواری، تیراندازی و راست‌گویی.»^(۹)

«گزنون» در این خصوص می‌گوید: «کودکان به دبستان می‌روند تا خواندن فرا گیرند، آن‌ها اجرای عدالت، حق‌شناسی، میانروی، اطاعت از رؤسا و نظم و ترتیب در خوردن، آشامیدن، قناعت‌کردن، نیزه و زوبین‌اندازی را می‌آموزند. در جوانی به آن‌ها انجام کارهای عام‌المنفعه و پاسداری از قصر پادشاه آموخته

در عصر تاریخ مدون نیز این علاقه بدل به شناخت و فرهنگ جامعه می‌شود. «استرابن» درباره علاقه ایرانیان به شکار می‌نویسد: «برگور کوروش نوشته‌اند: من بهترین سوار و زبردست‌ترین تیرانداز و سرآمد شکاربانان شدم.»^(۷)

هخامنشیان شکار را مناسب‌ترین مکتب برای تعلیم و تربیت و آموزگار حقیقی برای آموختن فنون جنگ، سحرخیزی، بردباری، تحمل سختی‌ها، آموختن نظم و ترتیب به کودکان و جوانان می‌دانستند و فرزندانشان را از کودکی در این مکتب می‌پروراندند. اینان نبرد با جانوران را مقدس می‌شمردند و معتقد بودند که شکار حیوان نیرومندی مانند شیر، موجب انتقال قدرت و نیروی آن حیوان به شکارگر می‌شود.

اصولاً، شکار جزء افتخارات پادشاه بود و دلیل اقتدار و عظمت او به‌شمار می‌آمد و به قول فردوسی «از کارهای شایسته شهریاران بود» و شاه می‌بایست برای ادامه پادشاهی، هر سال به طرق مختلف، از جمله شکار و پهلوانی، قدرت خود را به اثبات برساند. شواهد بسیاری موقف بودن این قول را تأیید می‌کند؛ مهر غلطان مخصوص داریوش که در موزه بریتانیا محفوظ است، او را سوار بر اراپه‌ای در حال شکار شیری نشان می‌دهد؛ شاه باکمان، در چشم یک شیر که روبروی اراپه ایستاده دو تیر نشانده و شیر دیگری که شکار شده، زیر پای اسب اراپه افتاده است. بالای مهر تصویر فروهر و در طرفین آن درخت خرما، که درخت سلطنتی

۷- لغت‌نامه دهخدا؛ ذیل

لغت اسب

۸- گبرشمن، ایران از آغاز تا اسکندر

۹- ایوانف؛ تاریخ ایران باستان



نقش خرس؛ لوحه گچ‌بری، تیسفون

خرسی در میان کوه‌ها و درخت‌ها می‌جهد. این سبک گچ‌بری که در آن حیوانات با حرکتی آزاد در میان دورنمایی نقش شده‌اند، در میان هنر گچ‌بری ساسانی بسیار نادر است. این اثر مربوط به دوره ششم میلادی است.

چنین کنند.

نوجوانان، پس از اینکه ده سال بدین منوال گذراندند، در طبقه مردان داخل می‌شوند و وقتی که ده سال در این طبقه گذراندند و از سن پنجاه قدری بالا رفتند در صورتی که از آنان شکایتی نشده باشد، در ردیف پیرمردان قرار می‌گیرند... پیرمردان به خارج از وطنشان به جنگ نمی‌روند، بل در محل‌های خود مانده به کارهای عمومی و خصوصی می‌رسند. آن‌ها حکم اعدام می‌دهند و رؤسا را انتخاب می‌کنند. بنابراین طبقه پیرمردان، ترکیب یافته از کسانی

می‌شود. وقتی پادشاه برای شکار بیرون می‌رود و این کار هر ماه چندبار روی می‌دهد، نصف این پاسبانان را با خود به شکار می‌برند، این‌ها باید مسلح باشند. اسلحه آن‌ها عبارت است از یک کمان، یک ترکش، شمشیری در غلاف، یک تیر، سپری که از ترکه بید بافته شده، زوبین...

اگر پارسی‌ها، شکار را ورزش عمومی می‌دانند و اگر شاه در رأس شکارچیان، چنان که به جنگی رود، حرکت می‌کند، از این جهت است که او شکار را آموزگار حقیقی جنگ می‌پندارد. واقعاً هم چنین است. شکار می‌آموزد صبح برخیزند، در سرما و گرما بردبار باشند، راه بروند، بدون، به حیوان از هر طرف که می‌آید تیر اندازند و زوبین افکنند. غالباً وقتی که انسان یک حیوان قوی در جلو می‌بیند، روحش تیز می‌شود، زیرا در این وقت لازم است که شکارچی ضربتی به حیوان وارد آورد یا خود را از حمله او ایمن بدارد، بنابراین مشکل است در شکار چیزی یافت که در جنگ نباشد. وقتی نوجوانان برای شکار بیرون می‌روند، برای یک وقت غذا و آذوقه با خود برمی‌دارند و آن تفاوتی با غذای کودکان ندارد، مگر از این حیث که فراوان تر است. تا شکار ادامه دارد، آن‌ها غذا نمی‌خورند، ولی اگر حیوانی که تعقیب می‌شود، آن‌ها را به توقف مجبور کند یا از جهت دیگر بخواهند شکار را امتداد دهند، چیزی که با خود دارند، خورده، باز تا هنگام شام به شکار می‌پردازند و دو روز را یک روز حساب می‌کنند، زیرا غذای یک روز را خورده‌اند. به این ترتیب می‌خواهند فراگیرند که هنگام جنگ هم، اگر لازم باشد،



نقش گراز؛ لوحه گچ‌بری، دامغان

یک سرگراز در میان قاب گردی که دور آن را مرواریدهای سفته فرا گرفته نقش شده است. این نقش از سده‌های پنجم و ششم میلادی به جای مانده است.



چپ - جام نوشیدنی زرین با دسته‌ای از تمثال شیر انسان‌گونه؛
محل یافت: احتمالاً همدان در حدود سده پنجم پیش از میلاد، ارتفاع ۱۶ سانتیمتر
راست - شمشیر زرین با دسته‌ای از شیر دوسر، ارتفاع ۴۳/۲ سانتیمتر
محل نگهداری: موزه هنر متروپولیتن - نیویورک.

که از تمام درجات نیکویی گذشته‌اند.»^(۱۰)

وی دربارهٔ کودکی کوروش و تربیت او می‌نویسد: «سن او بالا رفت... در ورزش‌ها ماهر شد، چنان که به قدری شکار حیوانات می‌کرد که به زودی باغ وحش جدش خالی شد. (منظور «گزنون» پارک یا پردیس جد کوروش بوده است) روزی به جدش گفت: بگذار من به صحرا بروم و تصور کنم که هرچه شکار می‌کنم دست‌پروردهٔ خودم است... بالاخره «استیاک» اجازه داد با دایی‌اش به شکار برود و مستحفظی برگماشت. پس از آن کوروش از آن‌ها پرسید: که کدام حیوان خطرناک است... آن‌ها جواب دادند که خرس، شیر، گراز و پلنگ نفوس زیاد تلف کرده‌اند... در این وقت گوزنی پیدا شد. کوروش اسب خود را به طرف او راند، اسب هنگام دو ناخن‌بند کرده، زانو رفت و کوروش سرنگون گشته به زمین افتاد، ولی فوراً برخاسته بر اسب نشست در حال پیکان انداختن گور را به پهلو خواباند. شادی او را حدی نبود... بعد نعرهٔ حیوانی را شنید، چون دید گراز است، در حال روی اسب جسته، او را هم از پای درآورد. خالش او را توبیخ کرد، ولی کوروش پس از اینکه سخنان او را شنید، گفت: می‌خواهم، این دو شکار را به جدم تقدیم کنم. دایش جواب داد: که اگر اجازه دهم چنین کنی نه فقط شاه تو را سرزنش خواهد کرد، بلکه نسبت به من هم تندخو خواهد شد که چرا به تو اجازه دادم شکار کنی... کوروش، شکارها را نزد جدش برد، او مشعوف شده ولی گفت: من راضی نیستم خودت را برای شکارها به خطر اندازی، به اینها هم احتیاجی ندارم. کوروش گفت: اگر احتیاج نداری بده به رفقایم بدهم. پس از تحصیل اجازه، به رفقایش گفت: ما چقدر ساده‌لوح بودیم که در پارک حیوانات شکار می‌کردیم، آن هم حیوانات لاغر و ضعیفی که در جای تنگی جمع کرده بودند، یکی ناقص بود، دیگری می‌لنگید. در کوه‌ها و چمن‌ها چه حیوانات قوی و فربه دیدم، لازم است شما هم اجازه بگیرید و با من به شکار بیایید... چنین می‌گذراند کوروش اوقات خود را و همه را از خود ممنون می‌دانست.»

شکار در زمان ساسانیان، که پنج قرن ونیم بعد از هخامنشیان به حکومت رسیدند و خود را وارث آن‌ها می‌دانستند و در حقیقت هم حکومت آن‌ها ادامهٔ حکومت هخامنشیان بود، همان اعتبار دوران هخامنشیان را داشت و «مسئولیت عمده و تفریح شاهان و بزرگان ساسانی شکار بود»^(۱۱) و بسیاری از پادشاهان آن سلسله شکارچیان ماهری بودند. «بهرام پنجم، بیشتر وقت خود را به شکار می‌گذراند و به خاطر

علاقهٔ وافری که به شکار گور داشت، بهرام گور نامیده می‌شد و در این راه جان خود را از دست داد.»^(۱۲)

بلعمی در این باره می‌نویسد: «یک روز بهرام به صید رفته بود، از دور آهوئی بدید، اسب برانگیخت و همی تاخت. در آن بیابان چاهی بود کهن، ناگاه پای اسب بهرام بدان چاه فرو شد و او را بدان چاه افکند. مردم گرد شدند و خواستند او را برکشند، اسب را برکشیدند، بهرام را هر چه طلب کردند نیافتند.»

گاه در شکار چنان افراط می‌شد که شکارگر مورد ملامت قرار می‌گرفت. «نظامی» در هفت پیکر می‌نویسد:

کار جز باده و شکارت نیست

با صدای زمانه کارت نیست

و گاه نپرداختن به شکار موجب ملال خاطر می‌شد. «رامین» شاهزاده ساسانی، از اینکه شش ماه به شکار نرفته است چنین شکوه می‌کند:

سمند و رخس من با یوز و با سگ

سراسر خفته‌اند آسوده از تک

نه یوزانم سوی غریبان دویدند

نه بازانم سوی کبکان پریدند

دلم بگیرف از این آسوده کاری

چه، آسایش بود بنیاد خواری

روم زینجا سوی گرگان و ساری

بیرانم در او باز شکاری

تذروان را به بازان آز یابم

سگان را نیز بر خوکان گشایم

چو عزم آید به پیش آندر شکارم

جهنده یوز را بر وی گمارم

بدیدم شش مه این ایوان دیگر

بینم باز شش مه دشت و نخجیر^(۱۳)

در این دوران نیز چون گذشته، برنامهٔ شکار از قبل تنظیم و همراهان شاه معین می‌شد. این نوع شکار همراه با تشریفات بسیار بود. به نقل از کارنامک، در موقع شکار موبدان موبد، ایران سپاهبذ، دبیران مهشت، پشتیگان سالار، نام اندرید و اسبوه‌رگان (معلم اسبوه‌ران) جزء ملتزمین رکاب شاه بودند. «فردوسی» دربارهٔ تشریفات شکار خسرو پرویز می‌گوید:^(۱۴) سبید بالای زرین مقام، هزار و صد و شصت بنده پیادهٔ زین به‌دست، هزار و چهل مرد شمشیردار زره پوشیده، هفتصد

۱۰- همان منبع

۱۱- همان منبع

۱۲- جرج کرزن؛ ایران و

قضیه ایران

۱۳- فخرالدین اسعد

گرگانی؛ ویس و رامین

۱۴- شاهنامه فردوسی

بازدار و چرخ و شاهین، سیصد سوار یوزدار، هفتصد شیر و پلنگ زنجیر کرده که با زنجیرهای زرین دهانشان را دوخته بودند، هفتصد سگ با قلاده زر، دوهزار رامشگر، هشتصد شتر حامل کرسی و خرگاه و دوصد برنا با دسته‌های نرگس و زعفران از پیش می‌رفتند تا باد بوی خوش به شاه برساند. پیش از ایشان، صد آبکش راه را آب می‌زدند تا بادگرد بر شاه فرخ‌نژاد ننشاند.

«نظامی» هم در «خسرو و شیرین» اینچنین می‌گوید:

صد و پنجاه سقا در سپاهش

به آب و گل همی شستند راهش

صد و پنجاه مَجمردار دلکش

فکنده بوی‌های خوش در آتش

گوشه‌ای از این تشریفات پرشکوه در حجاری شگفت‌انگیز و بی‌نظیر طاق بستان واقع در کرمانشاه نشان داده شده است. «آرتور کریستن سن» در توصیف حجاری این شکارگاه می‌گوید: «این محوطه ظاهراً شکارگاه خسرو پرویز بوده که آن را در جدار جبین طاق بزرگ بستان می‌بینیم. بنابر مقیاس آقای «هرتسفلد» این دو تصویر که مختصر برآمدگی دارند، ارتفاعشان ۳/۸ متر و عرضشان ۵/۷ متر است.

در دیوار راست طاق، شکار گوزن را نشان داده‌اند. قسمت میانی این نقش را در خطوطی محصور کرده‌اند که شبیه حصاری شده است. صیادان گوزنان را تعاقب کرده‌اند و آن جانوران هراسان و گریزان، از دریچه‌ای که در جانب راست حصار تعبیه شده، به درون حصار می‌جهند. پادشاه که سوار بر اسب است، در سه جای این تصویر ترسیم شده است. در سمت بالا، پادشاه سوار ایستاده و اسبش مهیای جهیدن است. زنی در بالای سر او چتری را افراشته است که علامت قدیمی شوکت سلطنتی است. در پشت سر او صفی از زنان هستند، بعضی در حال احترام ایستاده و برخی مشغول رامشگری هستند. دو تن از آنان شیپور در دست دارند و یکی طنبور می‌نوازد. بر روی چوب‌بستی که نردبانی بر آن قرار داده‌اند، زنانی نشسته‌اند که بعضی چنگ می‌نوازند و برخی کف می‌زنند. در زیر آن تصاویر، صورت پادشاه دیده می‌شود که کمان را به زه کرده و در پی جانوران گریزنده اسب می‌تازد. در قسمت زیر آن نقش، تصویر دیگری از پادشاه هست که اسب را با حالت یور تمه می‌راند و ترکش در دست از شکار باز می‌آید. در سمت چپ حصار مذکور، اشتران دیده می‌شوند که گوزنان کشته را می‌برند.

نقش دیوار چپ، که با دقت فوق‌العاده ساخته شده، شکار گراز

را نشان می‌دهد. در اینجا تقریباً همه نقش را در خطوطی به شکل قاب محصور کرده‌اند و فقط حاشیه باریکی در سمت راست قرار داده‌اند که جماعتی کثیر از مردان و جانوران در آنجا ازدحام کرده‌اند.

شکارگاه مکانی است نی‌زار و باتلاقی که ماهی و مرغابی در آن بسیار است. در جانب راست، پنج صف فیل دیده می‌شود که بر هر یک دو فیلبان یکی پیش و یکی پس نشسته، به صید گراز مشغولند و گرازان شتابان خود را به میان نی‌زارها می‌کشند. در قسمت بالا قایقی می‌بینیم که بانوان بسیار در آن نشسته به خواندن و کف‌زدن مشغولند. در مقدم و موخر قایق‌ها، زنان پارو می‌زنند. در وسط نقش یک جفت گرجی که پاروزن آن‌ها هم نسوانند، دیده می‌شود و این یک جفت گرجی را دوبار نشان داده‌اند که حکایت از دو موقع شکار بکنند. درست در وسط تصویر، پادشاه با قدی فوق‌اندازه طبیعی حجاری شده که در قایق نخستین ایستاده و کمان را به زه کرده است.

زنی در یسار او ایستاده، تیری به او تقدیم می‌کند، زنی دیگر در یمین او، به نواختن چنگ مشغول است. قایق دیگر که در پشت واقع شده، پر از نوازندگان چنگ است. شاه دو گراز بزرگ را با تیر از پای درآورده است. باز همان دو قایق در سمت راست تصویر دیده می‌شود. در این جا پادشاه که هاله‌ای برگرد سر دارد، در دست خود کمانی سست نگه داشته است. معلوم می‌شود که شکار به پایان آمده است. در قسمت زیرین نقش، فیلان مشغول جمع‌آوری شکار هستند و اجساد جانوران را با خرطوم بر پشت خود می‌نهند. این دو تصویر، خاصه نقش دوم، به قدری پُرکار است که تقریباً هیچ جای بی‌نقشی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

نقوش پارچه لباسها را با دقتی فوق‌العاده رسم کرده‌اند. صورت جانوران مخصوصاً فیلان را چنان با ظرافت و دقت کشیده‌اند که شخص به حیرت می‌افتد و آن‌ها را از حیث حرکات و نمایش حیات از جمله شاهکارهای حجاری می‌شمارد... در اینجا باید گفت که استاد بر روی سنگ، تابلوی نقاشی حجاری کرده است.

«هرتسفلد» می‌گوید: «گاهی زینت جامه‌ها عبارت است از لکه‌های ابر، که اصطلاحاً آن را «ابرنیک‌بختی» گویند و مأخوذ از آثار چینی است، و گاهی گل چهارپر که به اقسام مختلف آن‌ها را ترتیب داده‌اند، در یک جا به صورت صفحه شطرنج و در جایی به شکل جواهر و لؤلؤ و گاهی هم، شاید در روی پارچه مروارید حقیقی دوخته‌اند. بعضی از جامه‌ها را با تصویر حیوانات نقش بسته‌اند مثل



شاه در حال شکار شیران؛

شاهزاده‌ای در حال تاختن اسب، بر دو شیر پیروز می‌گردد. او و شیر مجروح که قد
برافراشته است در دو ردیف محوری موازی قرار گرفته‌اند و حالتی را تداعی می‌کنند
که انسان منتظر حمله شیر به شکارچی است. از سوی دیگر شیری محتضر در زیر
پای اسب شکارچی بر زمین افتاده است. این اثر که در ساری به دست آمده، به اواخر
قرن سوم یا چهارم منسوب شده است.



میش کوهی و خروس و حواصیل و این جانوران را معمولاً به طرزی ساخته‌اند، که گاه رو به جانب یمین و گاهی به سمت یسار قرار گرفته‌اند. همچنین بعضی از نقوش مُرکبه هم می‌بینیم، مثلاً مرغابی‌هایی که رشته‌های برگ به شکل لوزی آن‌ها را احاطه نموده‌اند و در فاصله آن‌ها جابه‌جا ستاره یا گل، با تاج مرواریددوزی ساخته‌اند که محیط بر هلالی هستند و در فواصل آن، شاخه سدر و مرغان بسیار دیده می‌شود. زنانی که در شکار گراز طاق بستان پارو زن قایق‌ها هستند، جامه‌ای دربر دارند منقش به دوایری که سر گراز در آن‌ها ترسیم شده است. یک قطعه از منسوج عهد ساسانی، با نقش در موزه حرفه‌های هنری برلین محفوظ است...

صحنه حجاری «شکار گراز» نمونه‌ای هم از سبک قالی ساسانیان می‌دهد... معروف‌ترین قالی‌های عهد خسرو پرویز از جنس ابریشم زربفت بوده است. «ثعالبی» گوید: «طاقدیس» از چهار قالی زربفت مرواریددوز و یاقوت‌نشان پوشیده بود و هر یک از این فرش‌ها فصلی از سال را نشان می‌داد. «قالی بزرگی که در تالار باریکی از قصور سلطنتی تیسفون بوده، «وهارای خسرو» (بهار کسری) نام داشته یا به قول بلعمی آن را «فرش زمستانی» می‌گفته‌اند، از همان جنس زربفت بوده است. این فرش، که شصت ارش درازا و شصت ارش پهنا داشته، در فصل زمستان منظره بهاری را در برابر شاهنشاه می‌گسترده است که کشت‌زارها و باغچه‌های پرمیوه و سبزی آن را فرا گرفته بودند. شاخ و برگ این اشجار از زر و سیم و گوهرهای رنگارنگ بود.» (۱۵)

«نظامی» در خسرو و شیرین می‌گوید که زنان هم در شکار مهارت داشتند و چندان گور و آهو به زمین می‌افکندند که در حساب نمی‌آمد و ملک از توانایی آن ماده‌شیران شکارافکن برای سوارکاری در شگفت می‌ماند.

وزانجا سوی صحرا ران گشادند
به صید انداختن جولان کشاندند
نه چندان صید گوناگون فکندند
که حدش در حساب آید که چندند
به زخم نیزه‌ها هر نازنینی
نیستان کرده بر گوران زمینی
ملک را ماده‌شیران شکاری
شگفتی مانده در چابک سواری





نخجیرگر؛ سنگ حک شده، موزه بریتانیا

مُهر مورد استفاده عامه مردم، بزرگ و کوچک بود. سنگ‌های محکوک، نگین‌های منقش بهادر و کمپابی بودند که طرح‌های مختلفی بر آنها نقش بسته بود. حیوانات بالدار یا حیوانات حقیقی، فراوان‌ترین موضوع نقش مهرها را تشکیل می‌دادند.

شکارگر مسلمان باید به هنگام شکار نام خدا را بر زبان آورد و پس از شکار حیوان، با تشریفات خاصی سر حیوان را از بدن جدا کند. به این ترتیب که ابتدا دست، صورت، پا و شکم حیوان را رو به قبله بگذارد و نام خدا را بر زبان آورد، سپس با جسم تیز و برنده چهار رگ اصلی گردن حیوان را قطع نماید. حیوان پس از بریدن باید تکانی هرچند مختصر بخورد و به اندازه معمول خون از بدنش خارج و اطمینان حاصل شود که پیش از ذبح زنده بوده است. در صورتی که شکارگر نداند قبله در کدام سو است و یا ذکر نام خدا را از یاد برده باشد، اما ذبح اسلامی صورت گرفته باشد، گوشت حیوان حلال است.

حیوانات حرام گوشت مثل خوک، حتی اگر با دستورات اسلامی شکار و سر بریده شده باشند، حلال نمی‌شوند. ولی حیوانات حرام گوشت درنده که گوشتخوار هستند مثل گرگ، روباه، پلنگ، خرس، شیر و... اگر طبق موازین شرعی شکار و ذبح شوند، پاک می‌شوند. اما در هر حال تنها پوست آنها قابل استفاده و گوشتشان حرام و غیرقابل مصرف است.

اگر مسلمانی با سگ و اسلحه غصبی حیوانی را شکار کند، شکار حلال است ولی شکارگر باید اجرت سگ و اسلحه را به صاحبش بپردازد. شکار وقتی با سگ مجاز است که سگ تربیت شده و تحت فرمان صاحبش باشد و به دستور او دنبال شکار برود و عادت به خوردن شکار نداشته باشد. شکارگر باید هنگام فرستادن سگ به دنبال شکار، نام خدا را بر زبان جاری نماید.

توجه فقها به مسایل و جزئیات مربوط به شکار، دلالت بر اهمیت و رواج شکار در آن دوران دارد. این توجه و دقت متکی بر آیه ۴ از سوره شریفه «مائده» قرآن کریم است که می‌فرماید:

تا پیش از ظهور اسلام، ضابطه و محدودیتی برای شکار وجود نداشت و شکارگر با استفاده از وسایل گوناگون و یا هر کیفیتی، به شکار حیوان مورد نظر می‌پرداخت. با ظهور اسلام، آیین شکار و شکارگری نیز مثل سایر امور اجتماعی دستخوش تحول شد و از نظر نوع و شیوه شکار محدودیت یافت. ضوابطی که در اسلام برای آلات و ادوات و نحوه شکار و نیز نوع حیوان و ذبح آنها وضع شده است، اولین ضوابط تعیین‌شده در این زمینه در طول تاریخ بشر است. بر مبنای این ضوابط، حیوانات به دو دسته اهلی - وحشی و حلال - حرام تقسیم شد و حیواناتی که مصرف گوشت آنها برای فرد مسلمان حرام است، مشخص گردید.

در قانون شکار اسلامی، شکار حیوانات اهلی و نیز حیوانات وحشی که اهلی شده باشند، منع شده است. هرچند مصرف گوشت حیوانات گروه دوم همچنان بر فرد مسلمان حرام است. در ضمن شکار حیواناتی مجاز محسوب می‌شود که توانایی دویدن یا پریدن داشته باشند. بنابراین در صورتی که شکارگر آهو و بچه‌اش را که توانایی دویدن ندارد و یا کبک و جوجه‌هایش را که توانایی پریدن ندارند، با یک تیر بزند، گوشت آهو و کبک حلال، اما گوشت بره آهو و جوجه‌های کبک حرام است.

یکی دیگر از مباحث مهم در این زمینه، قصد و نیت شکار معین با استفاده از سلاح تیز و برنده است. بنابراین در صورتی که شکارگر مسلمان، جای دیگری را هدف بگیرد و اتفاقاً حیوانی را بکشد، گوشت آن حیوان حلال نیست. همچنین گوشت حیواناتی که با ابزار غیربرنده مثل گرز و چوب کشته شوند نیز بر فرد مسلمان حرام است.

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُجِّلَ لَهُمْ قُلْ أَجَلٌ لَّكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا امْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ سَرِيعَ الْحِسَابِ»

«از تو می پرسند که چه چیزی برای آن ها حلال است؟ بگو: چیزهای پاکیزه برای شما حلال است. همچنین شکار سگان که با آن ها شکار می کنند و از آنچه خداوند به شما تعلیم داده است، آن ها را تعلیم دهید. پس از آنچه برای شما نگه دارند بخورید و نام خدا را بر آن یاد کنید و از خدا بپرهیزید که حساب خداوند سریع است.»

تعیین ضابطه برای شکار، خواهی نخواهی موجب محدودیت شکارگری شد. در نتیجه شکار برای مدتی از رونق افتاد، اما این کسادی دیری نپایید و پس از کوتاه مدتی، به صورت یکی از تفریحات پرتکلف و پرهزینه طبقات ممتاز و خلفای بی امیه و بنی عباس که بسیاری از فنون شکارگری را مانند فنون دیگر از ایرانیان آموخته بودند، تجلی کرد. به نحوی که هزینه پرداخت دستمزد خدمتگزاران «متوکل» را غیر از هزینه خرید جانوران و وسایل دیگر و خورد و خوراک آن ها، ۵۰۰،۰۰۰ درهم و بودجه ماهانه علیق و خوراک چارپایان و دیگر جانوران و مرغان «مقتدر» را ۴۴،۰۷۰ دینار نوشته اند.^(۱۶)

«آن ها غالباً زاید بر احتیاج به کشتن حیوانات می پرداختند و جمع کثیری از کشاورزان را وادار به جرگه کردن حیوانات در کوه و دشت می نمودند... «متوکل» در نگهداری حیوانات وحشی تا آن حد پیش رفت که شیرهای درنده را در مجلس به جان مجلسیان می انداخت یا کوزه های پر از عقرب را در مجلس خالی و حضار را از فرار منع می کرد.»^(۱۷)

«جرجی زیدان» در این باره می نویسد:

«عرب های پیش از اسلام هم شکار را می دانستند ولی تنها آهو و پرندگان را با تیر و دام می گرفتند. در دوره تمدن اسلامی شکار چرنده و پرنده معمول شد و مسلمانان از ایرانیان و رومیان چیزهایی تازه آموختند. باز و قوش و سگ و ببر نگاه داشتند و با کمک آنان آهو و گورخر شکار می کردند... «یزید» جُل زربفت برای سگ های خود تهیه کرد و برای هر سگ، یک پرستار معین نمود. خلفای عباسی که بیش از امویان دستگاه و تجمل داشتند، سرگرمی ها و بازی های بیشتر برای خود آماده کرده بودند و پول های فراوان صرف می کردند. اینان، شکارچیان و قوش داران و سگان شکاری و پرندگان شکاری گرد آوردند و املاک مزروعی را به شکارچیان و قوش داران و سگ بانان تیول دادند. خلفا تا آن جا با اینان نزدیک شدند که بدون حاجب و دربان با آن ها آمدوشد می کردند. شاعران هم در مدح سگان شکاری قصیده ها سرودند... پادشاهان سلجوقی، ایوبی، اتابکان ممالیک و غیره به همین ترتیب شکار و شکارچی داشتند و شکار می رفتند. سلطان «ملکشاه سلجوقی» شخصاً ده هزار چرنده و پرنده شکار کرد و از شَم خرهای وحشی و شاخ آهو که او شکار کرده بود، چند منار ساختند. «سلطان مسعود» تمام سگان خود را جُل اطلس می پوشاند و گردن بند جواهرنشان به گردنشان می انداخت.»^(۱۸)

علاقه سلطان ملکشاه سلجوقی به شکار در آن حد بود که وزیر خود «خواجه نظام الملک» را وادار به تدوین و تنظیم کتابی به نام «شکارنامه خسروی» کرد. «سعید نفیسی» در مقدمه کتاب قابوس نامه در این خصوص می نویسد: «در هر صورت، اگر ملکشاه خود کتابی تألیف نکرده باشد، قطعاً دیگران را به تألیف کتاب وادار

۱۶- محمد مناظر احسن؛

زندگی اجتماعی در

حکومت عباسیان

۱۷- مرتضی راوندی؛ تاریخ

اجتماعی ایران

۱۸- جرجی زیدان؛ تاریخ

تمدن اسلام



گلدان با دسته‌هایی به شکل بز؛ این اثر احتمالاً مربوط به اوایل قرن چهارم تا پنجم پیش از میلاد است. جنس گلدان از نقره و طلا و بلندای هر یک از بزها ۲۱ سانتیمتر است.

صحنه شکار؛ بر روی قاب،
کتابخانه ملی پاریس
خسرو دوم یا پیروز در حال
شکار؛ دو گراز، یک بزکوهی،
یک غزال و یک گوزن، زیر
پای اسب بر زمین افتاده‌اند.
این قاب مربوط به سده
ششم و هفتم میلادی است.



روزی جمعی از میرشکاران در پیش او، در باب جانور، از کتب و تجربه بحث می‌کردند. پادشاه طلب فرمود «خواجه بزرجمهر» حکیم را و گفت: «چنان خواهیم کرد که به اطراف کس فرستی و کتب و شکارنامه‌ها که در زمان ملوک ماضی، جهت کتب‌خانه ایشان تصنیف کرده‌اند، جمع کنی و استادان که در این روزگار جمع شده، بر ایشان خوانی و صلاح و فساد آن به کلی بدانی و آنچه خلاصه باشد از کتب جمع گردانی و آنچه این جماعت دانند، اضافه کنی و به زبان فهلوی تجدید کنی تا دستوری باشد و به روزگار بماند و اگر مشکل افتد بدان رجوع توان کرد. به موجب فرموده، خواجه «بزرجمهر» آن کتب به زبان فهلوی ترجمه کرد و آنچه خواجه را از روی حکمت از آن معلوم شده و استادان دانستند، بدان اضافه کردند و آن کتب را «شکارنامه انوشیروان» نام نهادند و استوار شد برای روزگار.

می‌کرده است. چنان که «نظام‌الملک» سیاحت‌نامه را به خواهش وی تألیف کرده و نیز کتابی به زبان فارسی به اسم «شکارنامه خسروی» در زمان وی تألیف شده که در مقدمه آن چنین آمده: «در این کتاب شکارنامه است که در زمان شاه آفریدون باز که استخراج این علوم کرده‌اند و ابتدای جانوران در آن روزگار بوده و حکما و استادان زحمت کشیده‌اند و به انواع ریاضت و فکر بر زبان‌های پیشینیان جهت کتب‌خانه سلاطین، انارالله براهینهم، تصنیفات کرده بودند و به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند، از زبان پهلوی که در زمان انوشیروان از زبان‌های دیگر به پهلوی ترجمه کرده بودند و سبب ترجمه کردن و نهادن این کتاب آن بود که چون نوبت پادشاه انوشیروان رسید، او را هوس جانورداری اتفاق افتاد در این فن به غایت هوس به کمال داشت، چنانکه هیچ ذوق و تنعم و تفریح او را چون شکار جانور نبود و بیشتر اوقات بدین شغل بودی.



پرنده؛ خراسان، قرن دهم یا یازدهم هجری
پرنده برنزی با سری از بزکوهی

پادشاهی به «ملکشاه» رسید که روز و شب مشغول جانوران بود و تمام امرا و شاهزادگان و وزیران او جانوردار بودند. او به «خواجه نظام الملک» دستور داد که رسولان به اطراف و اکناف بفرستد تا کتب و رسالاتی که در عالم جانورداری و پرند و درنده نوشته‌اند جمع کنند. سپس از استادان و میرشکاران مشهور ممالک دیگر دعوت کنی و آنها را به الطاف و مراحم شاهانه امیدوار نمایی و کلیه اطلاعات و کتب آن‌ها را جمع نمایی و کتابی که بهتر از آن در این فن نوشته نشده است تدوین نمایی. «خواجه نظام الملک» چنین کرد... و از شاهان و اکابر ممالک کتب و استادان این علم را طلب نمود و بعد از حضور در مجلسی که بیست روز طول کشید و پس از کسب نظر علمای فن از جمله «ابوالجوارح خواجه علی محمد نیشابوری» که یگانه روزگار بود و در این علم مانند نداشت و استاد «ابوالملک سهیل بلخی» از بلخ و «ابوالعباس بن قصیل» از خوارزم و «حاجی بیگ» از روم و «خواجه زکی» از عراق عرب و «افضل الدین» از فارس و «خواجه محمدنبی» از تبریز و «اسماعیل» از سیستان و «خواجه زنگی» از اصفهان...

به فرمان سلطان، «محمد بن تعلق بسطامی» کتابی به نام «صیدنامه ملکشاهی» تصنیف کرد که مدت‌ها بر آن عمل

بعد از آن «ابوالفوارس عبدالملک ابن نوح»... روزی وزیر را فرمود: که کتاب شکارنامه انوشیروان طلب کنند و به دست آرند و استادان که در آن روزگار او جمع بود حاضر کنند و کتاب بر ایشان خوانند و آنچه را ایشان دانند، اضافه کنند. چون زمان پادشاهی به «سلطان ملکشاه» رسید، «نظام الملک» را گفت: که جمعی از آگاهان بدین فن را گرد آورد و کتابی بپردازند، او هم مردمی به هر دیار فرستاد و از هر کشوری یک تن مرد آگاه بدان فن آوردند که با هم نشستند و این کتاب را برای ملکشاه پرداختند.

در «جوارح‌نامه» در این مورد چنین آمده است: «جمشید اولین کسی بود که دستور داد کتابی در باب جانوران بنویسند. در زمان پادشاهی «انوشیروان» که علاقه او در این فن به غایت کمال و علی‌الدوام به شکار جانوران و تفحص احوال آن‌ها مشغول بود، به «بوذرجمهر حکیم» فرمان داد تا عده‌ای را به اطراف عالم بفرستد و کتاب‌هایی را که در این باب نوشته‌اند جمع و به زبان پهلوی ترجمه کند و آنچه را که استادان روزگار آموخته‌اند به آن اضافه نمایند. بوذرجمهر این دستور را اجرا کرد و آن کتاب را «بازنامه انوشیروانی» نامید. در زمان شهنشاه «ابوالفوارس» این بازنامه به زبان فارسی ترجمه و «جوارح‌نامه شاهنشاهی» نامیده شد. تا

می‌کردند...»

شکار نزد مغولان نیز اهمیت فراوانی داشت و کار اصلی آن‌ها شکار بود و قسمت عمده‌ای از خوراکشان را شکار حیوانات که به صورت جنگ و گریز و جرگه انجام می‌گرفت تأمین می‌کرد.

«چنگیزخان می‌گفت: اگر به من دستور می‌دادند که در جنگ سرده‌ستان و رؤسا را دنبال کنم، من آنان را به سمت کوه می‌راندم تا آسان‌تر بتوانید ایشان را سرنگون سازید و بکشید... بزرگان برگزیده، در برابر «تموچین» قسم یاد می‌کردند و اعلام می‌داشتند: ما در جنگ‌ها در پیشاپیش دیگران اسب خواهیم راند و شکارهای خود را به تو تقدیم خواهیم کرد.»^(۱۹)

اهمیت و اعتبار شکار نزد این قوم صحراگرد و مهاجم، که نیمی از کره زمین را زیر سلطه خود کشیده بودند، در آن حد بود که گفته‌اند: «اغلب معاش لشکریان مغول از شکار تأمین می‌شد و آن‌ها حتی از شکار حیوانات چونده مثل موش خرما و موش صحرایی برای سد جوع مضایقه نمی‌کردند.»^(۲۰)

بازماندگان «سلجوقیان» و «غزنویان» و «تیموریان» هم دلبستگی وافری به شکار داشتند و گاه در این کار، ره افراط می‌پیمودند.

«فرخی سیستانی» شاعر دربار «محمود غزنوی» درباره شکار پسر او «سلطان محمد» می‌گوید: «هر چه دَد و دام بود، در یک دیوار گرد کردند و پره‌ای برکشیدند. کوهسار که بامداد پُر از وحش بود، شامگاهان از وحش خالی شد و دشت از خون دَد و دام لعل شد چون گلستان به هنگام بهار و امیرزاده «سلطان محمد» با تیر و یوز، آن قدر شکار گرفت که حاجب او از بامداد تا نیم‌روز سوار بگشت و همه مانده شدند از کشیدن بار شکار و فراخ دشتی از آهوان پر شد.»^(۲۱)

و بیهقی می‌نویسد: «سلطان مسعود غزنوی» هشت شیر در یک روز بکشت و یکی را به کمند بگرفت و چون به خیمه در آمد نشاط شراب کرد.»^(۲۲)

«مسعود غزنوی» هر بار هوس شکار می‌کرد، یک هفته پیش از آن سپاهیان را به دهات گسیل می‌داشت تا روستاییان را وادارد که شکار به نخجیرگاه برانند و غالباً ده‌هزار روستایی را از کار و زندگیشان باز می‌داشت و روزهای متوالی، آنان را به بیگاری می‌کشید تا نخجیر برای سلطان برانند.^(۲۳)

تفریح عمده سلجوقیان نیز شکار بود و پرورش اسب... و «ملکشاه سلجوقی» که از لُهو و تماشا شکار را دوست داشت، در یک روز هفتاد آهو را شکار می‌کند و بنابر قاعده‌ای که داشت

برای هر شکار یک دینار مغربی به درویش می‌دهد و هنگامی که تعداد شکارهایش به ده‌هزار بالغ می‌شود به کفاره گناهانش ده‌هزار دینار مغربی صدقه می‌دهد و در هر شکارگاهی از عراق و خراسان و اصفهان از سم آهو و گور منارها می‌سازد و آثاری از خود می‌گذارد.»^(۲۴)

خلاصه اینکه شدت و ضعف شکار در ادوار مختلف تابع طبع و اراده سلاطین بود. به قول راوندی، هر زمان که سلطانی نظیر کوروش، بهرام پنجم، مسعود غزنوی، ملکشاه سلجوقی، شاه عباس و ناصرالدین شاه بر اریکه سلطنت تکیه می‌زد، درباریان و طبقات ممتاز و تابعین آن‌ها هم به اقتضای خوی و خصلت و عادتی که به تقلید و دنباله‌روی داشتند به این ملوک درمی‌آمدند و شکارچی می‌شدند، در نتیجه شکار رونق می‌گرفت و هرگاه پادشاهی چون «اردشیر» که تمام وقت خود را به می‌گساری می‌گذراند، یا فردی بی‌علاقه به شکار مانند «کریم‌خان زند» به پادشاهی می‌رسید، درباریان مُقلد هم، تنها باده‌گسار می‌شدند و شکار از رونق می‌افتاد و این فعالیت ترک می‌شد. به عبارت دیگر به تبعیت از میل پادشاهان شکار سیر صعودی و نزولی داشت اما هرگز به صفر نمی‌رسید.

این شدت و ضعف و رونق و کساد، تا زمان صفویه که «آخرین پادشاهانش عمر خود را صرف سه کار می‌کرده‌اند، حرمسرا، شکار و می‌گساری»^(۲۵) جاری بود. در این دوران همزمان با معمول شدن انواع بازی‌های سرگرم‌کننده از قبیل گاو بازی و گرگ بازی، به جنگ انداختن شیر، خرس، گاو، خروس، ریسمان بازی و کبوتر بازی، نرد و گنجفه، قاب و تخم مرغ بازی و... شکار حیوانات مختلف نیز رواج یافت و در دوره پادشاهی «شاه عباس اول» که جنون شکار داشت، به اوج خود رسید.

پس از انقراض صفویه چون «نادرشاه» و «کریم‌خان زند» اهل شکار نبودند از رونق شکار کاسته شد.

دوران قاجاریه، خصوصاً دوران سلطنت طولانی «ناصرالدین شاه» به خاطر علاقه وافر پادشاهان این سلسله به شکار و فراهم بودن امکانات زندگی پر تجمل اشرف و شاهزادگان و وسایل آسایش آنان، دوران رواج انواع تفریح و عیاشی و شکار و گرمی بازار قوشدارباشی‌ها، میرشکارباشی‌ها و تفنگدارباشی‌ها است.

در این زمان مناطق و املاک بسیاری به قرقگاه‌های سلطنتی و خصوصی برای شکار اختصاص داده شده؛ منطقه «سرخه‌حصار» و «خجیر» واقع در شمال شرقی تهران یکی از مکان‌هایی است که در زمان فتحعلی شاه به قرقگاه سلطنتی

۱۹- ولادیمیر تسف؛ نظام

اجتماعی مغول

۲- همان منبع

۲۱- دیوان فروغی؛ به

کوشش دکتر محمد

دبیرسیاقی

۲۲- ابوالفضل بیهقی؛ تاریخ

بیهقی

۲۳- مرتضی رواندی؛ تاریخ

اجتماعی ایران

۲۴- گزنفون؛ تاریخ ایران

باستان

۲۵- جرج کرزن؛ ایران و

قضیه ایران

رستم و هفت خوان در توران: شاهنامه شاه طهماسب، ۱۵۳۰ میلادی
 این اثر منسوب به میرسیدعلی (نقاش) است. از آنجاکه این نقاش به مجموعه نقاشی
 سلطان محمود دسترسی داشت، با الهام از این مجموعه، به خلق آثاری دست زده
 است. شیری که در قسمت چپ پایین اثر مشاهده می‌شود، نمونه‌ای از همین الهام
 است. در این نقاشی چون دیگر آثار دوره صفویه، چهره‌ها مینیاتوری ترسیم شده‌اند.



اختصاص یافت. این شکارگاه از قدیمی‌ترین قرقگاه‌ها است.

منطقه «جاجرود» و بسیاری مناطق دیگر از این قبیل یافت می‌شوند که برای شکار به صورت اختصاصی در اختیار صاحبشان که اغلب از شاهزادگان و اعیان بودند، قرار داشت. این قرقگاه‌ها به شدت از سوی مالکان مقتدرشان حفاظت می‌شدند. حتی در این مناطق بوته‌زنی، خارکشی و چرای احشام نیز برای دیگران ممنوع بود. از همین‌رو این محل‌ها برای زیست حیوانات، نسبتاً امن و مناسب محسوب می‌شد.

در این دوران به اقتضای زمان، علاوه بر شکارچیان چیره‌دستی چون «ناصرالدین شاه»، «مسعودمیرزا ظل‌السلطان»، «مهدی‌قلی‌خان مجددالدوله»، «محمدتقی‌خان بختیاری» که جز شیر شکار نمی‌کرد و «میرزا حسن مستوفی‌الممالک» معروف به «آقا» که مهارت بسیار در تیراندازی داشت، مصنفین و مؤلفینی نظیر «تیمورمیرزا حسام‌الدوله» و «اسمعیل‌خان مصلح‌السلطنه» که خود از شکارچیان بنام بودند، پا به عرصه وجود گذاشتند و بازنامه و نخجیرنامه و خاطراتی نوشتند؛ ستونی که آکنده از اطلاعات ناب پیرامون طبیعت ایران و حیات وحش آن، شیوه و ترفندهای سنتی شکارافکنی و شناخت انواع مختلف شکار و شکارگاه‌ها و روحیات و خلیقات و فرهنگ مردم بود. «بازنامه ناصری»، «نخجیرنامه» اسمعیل‌خان مصلح‌السلطنه، «تاریخ سرگذشت مسعودی» ظل‌السلطان، سفرنامه‌های ناصرالدین شاه و خاطرات رجال علاقه‌مند به شکار و صاحب‌منصب، مانند «معیرالممالک» و «اعتمادالسلطنه» و... از این دست به حساب می‌آیند.

ناصرالدین شاه «چنان شیفته شکار بود که با وجود خست طبع هر سال مبلغ کلانی به تفنگدارباشیش مواجب می‌داد و به انواع و اقسام ترفندها از زیر بار مسئولیت اداره مملکت و شاهی، شانه خالی می‌کرد. او بیشتر اوقات خود را در شکارگاه‌ها می‌گذراند، یا به قولی هر وقت معضلات عظیم حرم‌خانه افسانه‌ایش که «چهار زن عقدی و ۱۰۶ صیغه و ۱۴۰۰ خدمه و مهمان»^(۲۶) ابواب جمعی داشت اجازه می‌داد، یا کسی را پیدا نمی‌کرد که شلاق بزند، برای فرار از زیر بار مسئولیت، با لشکری از باشی‌ها و دوله‌ها و سلطنه‌ها و مالیک و حرم و خدم، به کوه و کمر می‌زد و به جان مرال و آهو و پازن و کبک و تیهو می‌افتاد. «او غالباً از پایتخت دور و در کوهستان‌ها که بزکوهی و آهو و چارپایان شکاری دیگر به حد وفور داشت، سرگرم شکار بود و

همواره انبوهی از برگزیدگان و حرمسرا با خیمه و بساط در التزام رکابش بودند و هیچ مهمی، حتی کسالت وجود مبارک! نمی‌توانست او را از فکر شکار منصرف کند.»^(۲۷)

شاه برای شکار شیوه خاصی داشت؛ ابتدا فوج سربازانی که برای شکار تربیت شده بودند، روستاییان اطراف شکارگاه را وادار به ترک کار و زندگی می‌کردند. تعداد این افراد گاه به ده‌هزار نفر نیز می‌رسید. آن‌ها مجبور بودند که به «مالاندن» کوه بپردازند؛ به این معنی که شکار را به سمتی که شاه اطراق کرده بود برانند.

در این زمینه موارد خاصی نیز وجود داشت، چنانچه شکار قابل توجهی نصیبشان می‌شد مثلاً یک خرس بزرگ، با استادی و مهارت حیوان را وامی‌داشتند تا به غاری پناه برد. اصطلاحی که برای این عمل به کار می‌رفت «خواباندن» حیوان بود. سپس با اطمینان، مراتب را به عرض شاه می‌رساندند. شاه سوار می‌شد و می‌تاخت و در نزدیکی غار پیاده می‌شد و با فاصله‌ای اندک پشت سنگ یا درخت محفوظی می‌نشست. در این زمان خدمه که هر یک تیرانداز ماهری بودند در اطراف کمین می‌کردند تا مانع از چشم زخم حیوان شوند. با انجام این مقدمات، شکاربان برای بیرون آوردن خرس از پناهگاه، ترقه‌ای در سوراخ می‌انداخت. به این ترتیب حیوان وادار می‌شد تا از مأمن خود بیرون آید. در این هنگام شاه زحمت شکار را به خود روا می‌داشت و با تفنگ ممتاز چارپاره‌زنش، از فاصله سه زرعگی گلوله‌ای در سر حیوان خالی می‌کرد... نوکرها به مناسبت شاهکاری که انجام شده بود، دست مریزاد می‌گفتند و رجال ملتزم رکاب، به تناسب وسعشان نازشست می‌دادند!

«دوستعلی‌خان معیرالممالک» ضمن برشمردن قصرها و باغ‌های سلطنتی و ویلاق‌ها و شکارگاه‌های زمان «ناصرالدین شاه» می‌نویسد: «از اواسط بهار هرچند روز، ناصرالدین شاه در یکی از باغ‌های سلطنتی به سر می‌برد... در این سفرها، اردو از هفت تا ده‌هزار تن تشکیل می‌یافت. نزدیک به نیمی از حرم‌نشینان و خواجه‌سرایان و خدمتکاران همه‌جا همراه شاه بودند... پیش از سفر، چندین مهندس و هزار کارگر برای مرمت راه‌ها می‌رفتند... پیوسته هزار سرباز و دو دسته موزیک نظامی همراه بود... در اردو دو خط موازی، تنگ یکدیگر، چادرهای علافی و بقالی و خرازی و بزاز و قهوه‌خانه و کبابی و میوه‌فروشی را می‌افراشتند.»^(۲۸)

«اعتمادالسلطنه» وزیر انطباعات ناصرالدین شاه مطالبی درباره وقایع آن زمان و علایق شاه و رجال و مسایل مبتلا به

۲۶. خاطرات کلنل

کاساکوفسکی

۲۷. جرج کرزن؛ ایران و

قضیه ایران

۲۸. یادداشت‌هایی از زندگی

خصوصی ناصرالدین شاه



۲۹- شرح وقایع روزانه دربار ناصرالدین‌شاه

آن‌ها نگاشته است. بخشی از این مطالب که مربوط به شکار است نقل می‌شود:

«ربیع‌الاول ۱۲۸۹ - شاه به «امین‌السلطان» فرمودند که دولت هرچه هست به جهت شاه خوب است که در موقع تفنگ بخرد و اگر یک کرور هم ضرر کند چاره ضررش را بکند، سایر مردم به قدر زندگی مختصر باید اندوخته داشته باشند نه زیادتر...

شنبه نهم جمادی‌الاول - بعد از ناهار بالای کلاه‌فرنگی دوشان‌تپه تشریف بردند، به دوربین انداختن و سنگ معدنی را که «غلامعلی خان» قهوه‌چی باشی از جاجرود آورده بود تماشا کردن... شیر و گاوی را دعوا انداختند. گاو زخمی شد... خبر رسید ولیعهد شکاری کرده است... از عجایب این بود که وقتی شیر و گاو را به هم انداخته بودند، «ملیجک» بیلی از عملة جات که کار می‌کردند گرفته بود، دم پله ایستاده بود که اگر شیر بالا بیاید و بخواهد خدای نکرده به وجود مبارک! صدمه بزند او با بیل مداخله نماید.

یکشنبه ۱۶ جمادی‌الثانی - شاه امروز به قصد توقف یک‌شنبه در قصر فیروزه حرکت فرمودند... بعد به جهت انداختن دوربین به عمارت بالای کوه دوشان‌تپه تشریف بردند... شکاری دیدند و به آن طرف سوار شدند و راندند... خواستم بخوابم که شاه مرا بیدار کردند و خودشان فرمودند پلنگی شکار کرده‌اند... معلوم شد به قصد «آرغالی» [بز] بیچاره رفته بودند پلنگ موذی به دست آمده بود.

دوشنبه ۶ رجب ۱۲۸۹ - من صبح زود سلطنت‌آباد رفتم، بین راه به موکب همایونی رسیدم که می‌ناختند و به طرف کوه می‌رفتند. معلوم شد که میل همایونی و توجه خاطر مبارک بر این است که علی‌الاتصال سوار شوند و در کوه و بیابان بتازند و به امر سلطنت نپردازند و پدر مردم را بسوزانند. (۲۹)

ناصرالدین شاه علاوه بر شکار به جهانگردی و نوشتن خاطرات سفرهایش علاقه داشت. سفرنامه او به عتبات عالیات که به خط خوش‌نویس معروف «میرزا رضا کلهر» نوشته شده است، حاوی اطلاعات جالبی درباره موقعیت جغرافیایی و طبیعت مکان‌هایی است که در رفت و برگشت، آن‌ها را دیده است. نقل قسمتی از این خاطرات شاید خالی از لطف و فایده نباشد.

«روز دوشنبه ۲۱ رجب ۱۲۸۷ - امروز باید به «کنگور» برویم پنج فرسخ سنگین راه است... الحمدالله باد نیست. جلگه اسدآباد بسیار خوب جلگه‌ایست با روح و دلگشا. اطراف کوه است وسط صحرای صاف و... در این صحرا شکار بسیار است. شکارهای این



مجسمه برنزی؛ اوایل قرن
چهارم تا پنجم پیش از
میلاد



مسعود میرزا «ظل السلطان» ولیعهد ناصرالدین شاه به اتفاق تنی چند از فرزندان و منشی‌باشی‌ها در دهکده «قمشلو»ی اصفهان. او در یکی از یادداشت‌هایش می‌نویسد: «۵۷ سال سلطنت کردم، بی آنکه مسئولیت پادشاهی داشته باشم... من بیشترین سال‌های عمرم را با خدم و حشم در شکارگاه‌ها گذراندم...»
 باز هم به گواه نوشته‌های او، تعداد خدم و حشم همراه او در شکار، بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بود!

صحرا خرگوش است، قل قویروق، باقری قرای، قراقوش، سار بزرگ، سار کوچک، قازالاق بسیار، درنای زیاد، میش مرغ که تئوی تخیلی می‌گویند، اردک، مرغابی به اقسام مختلف...

از کنار راه برای شکار درنا رفتیم، یک دسته درنا نشسته بود، تیمور میرزا چرخ انداخت... یکی را زد... و دیگران اسب تاختند و درنا را گرفتند. طرف راست کوه «آمروله» و پشت آن کوه دیگری موسوم به «ابدال‌خانی»، طرف چپ کوه «خان گورمز»، مرز نویسکان است.

یکشنبه پنجم شعبان - امروز صبح به طاق‌بستان رفتیم... دو طاق ججاری شده است یکی بزرگتر است... ارتفاع آن تخمیناً شش زرع می‌شود و طول هم به همین نسبت. خیلی اثر بزرگی است. در عصر خسرو پرویز ساخته شده است و به درستی می‌توان ادعا کرد کمتر دیده شده است.»^(۳۰)

«مظفرالدین شاه» هم که به دلیل اقامت طولانی دوره ولیعهدیش در آذربایجان نسبت به لهجه فارسی و اسلوب صحیح نگارش آن بیگانه بود، در سفرنامه خود به نام «سفرنامه خوی» و سفرنامه دیگری که به نام «دومین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ» به چاپ رسیده مطالب جالبی آورده است. قسمتی از مطالب که مربوط به شکار است چنین است:

«چهارشنبه ۱۴ محرم - نصرالسلطنه»، اعیان و نوکرها را که در رشت هستند آورد جلو تالار معرفی کرد. بعد نهار خوردیم، نصرالسلطنه و اعیان گیلان تقدیمی گذارده بودند. بعد از نهار قدری استراحت کردیم... وقت غروب دوتا کبک هم با گلوله زدیم و حقیقتاً خوب زدیم.»

از میان شاهزادگان قاجار، «مسعود میرزا ظل‌السلطان» پسر ناصرالدین شاه بیشتر از همه شیفته شکار بود. او در حقیقت چون شکار داشت و با امکانات وسیعی که برایش فراهم بود تمام عمر خود را صرف شکار و اندوختن مال کرد. خود در این خصوص می‌نویسد:

«از چهارده سالگی که از حرمخانه بیرون آمدم و به حکومت مازندران رفتم تا آخر عمر دنبال کمالات رفتم و عمر عزیز را به لهو و لعب و تنبلی گذراندم! با وجود سی سال حکمرانی و فرمانفرمایی

در مازندران و فارس و اصفهان... به هیچ وجه مسئولیت نداشتیم و به قول عوام سروته هیچ کرباسی نبودم و در دنیا، هیچ چیز به اندازه اسب خوب و تفنگ خوب و شکار، پیش من عزیز نبود... در حقیقت ۵۷ سال سلطنت کردم ولی زحمت و مسئولیت سلطنت رانداشتم. صدویست نفر غلام سیاه و سفید از ترکمانان که همه شکارچی بسیار بسیار قابل هستند، سیصد نفر تفنگچی و میرشکار و ششصد سرباز، اجیر دایمی من هستند. این‌ها علاوه بر افواجی بود که همیشه در رکاب داشتیم و همه وقت، حاضر برای شکار و خواباندن و کوه جرگه کردن برای من، در این سی سال بوده است. گاه هم از دهات و بلوک اطراف حواله می‌دادم هزار نفر جمع کرده بیاورند. این‌ها همه شغلشان این است که من شکار بزنم. دستگاه شکار من، می‌خواهم بگویم، از بهرام گور هم روبه‌راه‌تر بوده است...

در عالم خلقت تا امروز به غیر از پدر تاجدارم... گمان نمی‌کنم، بلکه یقین دارم، کسی به قدر من شکار نزده است.»^(۳۱)
این شاهزاده ضمن شرح ماجرای شکارهایش در اصفهان، شیراز، اراک، بروجرد و مازندران، انبوهی از اطلاعات ناب و نادر را درباره طبیعت و حیات وحش ایران، جغرافیای طبیعی و انسانی، هنر و صنایع دستی، فرآورده‌های کشاورزی و دامی، آداب و فنون شکارگری و وضع سیاسی مملکت و... ضبط کرده است.

«شرح شکارهای فارس می‌نویسم، غیر از گوزن که به ترکی آن را «مرال» می‌گویند همه نوع شکار، به کثرت و کمال فراوانی در فارس هست. ببر نیست. اما در عوض شیرهای یال‌دراز بزرگ دارد... قرقاول هم اینجا نیست ولی یقین دارم اگر تخمش را بیاورند و مثل فرنگستان عمل بیاورند اینجا هزارهزار درجه بهتر از مازندران می‌شود. من غیر از شیر همه نوع شکار در شیراز زده‌ام. در فارس خرس‌های بزرگ است... به قدر هشتاد عدد زده‌ام. در اینجا «پی‌رو»های عجیب و غریب هست. شخص تا نبیند باور نمی‌کند که این‌ها این قسم سحر در این کار می‌کنند، پی همه چیز را روی سنگ برمی‌دارند، من خودم مکرر دیدم پی خرس‌ها را برداشته و رانده و در سوراخ‌ها می‌کردند. اگر گاه‌گاهی سوراخ‌هایش

۳۰. سفرنامه ناصرالدین

شاه به عتبات

۳۱. مسعود میرزا

ظل‌السلطان؛ تاریخ

سرگذشت مسعودی

[نگفته‌ام]. خداوند آن قدر به کوه‌های عظیم اینجا برکت داده که ده برابر این همه صیاد باز هزارهزار از همه نوع شکار موجود است. من در دور اردوی خودم هر روز با پانصد سوار ششصد سوار، به شکار کبک می‌رفتم، چه خودم و چه اجزایم، روزی کمتر از ۱۵۰ کبک زده نمی‌شد. بعد از توقف یک‌ماه، دوماه، روز آخر حالت این شکارگاه‌ها و فره کبک و خرگوش مثل حالت روز اول بود... به «دره‌بید» شکار رفتیم باز من به ترتیب خودم بلندی گرفتم. نوکرهایم مشغول شکار راندن بودند برای من، دیدم از کمر کوه یک چیز عجیبی مثل بار پنبه به طرف من می‌آید. فوراً اسبم را پشت‌سنگی پنهان کردم، خودم زیر درختی ایستادم، پانصد نفر یک مرتبه مانند دیوانه‌ها فریاد می‌کشیدند... بزن... در فاصله نزدیک با ساچمه او را زدم. برگردن و صورتش، افتاد. مثل یک گاو خیلی بزرگ و چیز عجیبی بود... تمام اعتراف داشتند که ما در تمام عمر چنین پازن بزرگی ندیده‌ایم، شاخش هفده گره تمام داشت. او را بار قاطر کرده به منزل آوردیم. مطابق ثبتی که از شکارهایم داشتم این بزرگترین پازن‌هایی است که در تمام عمرم زده‌ام... با

مناسب نبود، از این سوراخ درمی‌آوردند و به سوراخهای مناسب دیگر می‌کردند، پیش آن‌ها این کار آسان‌تر از آب خوردن بود، آن وقت می‌آمدند مرا خبر می‌کردند. خرس بیرون می‌آمد زیر دست صیاد، در فاصله یک زرع دو زرع با چارپاره می‌زدمش... اما پلنگ آنچه سعی کردند نشد، تا هزاران تومان هم به آن‌ها وعده دادم، پلنگی بخواباند، نشد. من در تمام عمرم زیاده از هشت پلنگ نزد. در سفر دوم یک روز من ۴۰ عدد آهو به ترتیبی که هر باره رفته و آن‌ها را آوردند زدم. دو جرگه بزرگ به کوه «قره‌پیری» که کوهی است در شمال غربی شیراز، یکی به توسط «رضاقلی‌خان» سرتیپ «فوج ایل قشقایی» کوه‌ها را جرگه کرده در همین «قره‌پیری» جرگه‌ها به هم رسید. ۵۴۰ آهو و قوچ و میش و بز و پازن شکار شد.

در غرب «فارس» دهی است مشهور به «کوه دیان». شاید پنج کرور مخلوق این مملکت باشد، بلکه زیاده‌تر، هر کس یک تفنگ «مارتینی» دارد و شب و روز مشغول شکار است. اگر دعوی کنم که چهارصد هزار نفر تفنگچی بی‌بدیل هستند [دارد] اغراق ندانند



شکار  توسط مسعود میرزا ظل‌السلطان و تاکسیدرومی به سبک یکصد سال پیش در ایران

گرگ و آهو ی نر؛ اتاق شکار مسعود میرزا «ظل السلطان» فرزند ناصرالدین شاه.
قدمت عکس: ۹۵ سال



با وجودی که باید هزار و هفتصد هشتصد تکه زده باشم... هیچ [کدام] دیگر به این سن نبوده. بعد از آن نه خودم چنین پازنی زدم و نه از هیچ شکارچی شنیدم که زده باشد.

در «خوش کوه» فارس ده هزار سوار و پیاده کوه‌مالی کردند و حاصل آن ۱۳۰۰ بز و پازن ۱۰۱۰۰ کبک شد که به چادر آوردند... در «شش چشمه» اردکان در اردوی ۲۵۰۰ نفری... به مدت سی چهل روز کسی که از گوشت شکار و کبک نمی‌خورد نبود.

آنچه در «میانکاله» مازندران شکار شد و «میرزا محمدخان» منشی من یادداشت کرده بود، به حکم من از این قرار است ۶۰۰۰ قرقاول به ساری برای دوستان فرستاده شد، ۳۵ ببر، ۱۸ پلنگ، ۶۳ گاو میش اهلی که وحشی شده بودند، ۱۵۰ مرال که گاوکوهی می‌گویند. چه قدرها فرار کردند... و چه قدرها مردند، خدا می‌داند.

به «هفتاد قله» اراک آمدم. آنچه خودم در عمرم دیدم و گردش کردم، شکارگاهی بهتر از «هفتاد قله» و «لته» ندیدم. در صفحات «فارس» و «لرستان» و «مازندران» شکارگاه‌های بسیار خوب دیده‌ام، اما سه شکارگاه دیده‌ام که در عالم گمان می‌کنم به این خوبی شکارگاه نباشد و به این آسانی شکارش کشته نشود. به قول شکارچی‌ها، برای شکار و شکارکشی خیلی وُلَم است، یعنی آسان، اول «دوشان تپه» در تهران دوم «لته» در «هفتاد قله» سوم «جاجرود» در تهران... در الیاران غرب شمال شهر اصفهان باغی محیط به ۲۸۰ جریب با عمارت زیاد اندرونی و بیرونی و اصطبل و نارنجستان و غیره و مخارج ۴۰۰ هزار تومان ساختم... عمارت بسیار خوب محیط از اندرونی و بیرونی و حمام و خلوت‌های متعدد و تلگراف‌خانه و پارک بسیار خنک و ویلاق من است، آمده دو سه ماه توقف می‌کنم. مرتع «قمشلو» با یکصد و پنجاه فرسنگ مربع زمین تمام قرق شکار من است و ملک طلق من. در هر سال زمستان‌ها خودم و اجزایم آمده و چهل روز در اینجا می‌مانم... گله‌دار اصفهانی... سالی پانزده هزار تومان... این مرتع را اجاره می‌کنند و با وجود میل گرایی که من به پول دارم قبول اجاره نکرده... و عشق شکار بر درم و دینار چربیده.

ایضاً باغ و عمارت به مثل «قمشلو» در «لنجان» ساخته‌ام به اسم «اکبرآباد»... همچنین عمارت مختصری در «حسن آباد» و عمارتی در «کله‌ران» و «مبارکه»... دارم. «عزیزآباد» مرتع «جوزدان» به قرب ۵۰ فرسنگ قُرق است آنجا هم عمارت و غیره ساخته‌ام... شاید دویست فرسنگ الی سیصد فرسنگ مربع زیر قرق‌های من

۳۲. همان منبع

است. این قرق‌ها در کمال نظم حفظ می‌شود.

یکی از شکارگاه‌های من که نمره اول شکارگاه‌ها است «شکارآباد» است که ۴ فرسخ ضرباً در ۴۸ فرسخ مربع باشد کوه‌های بسیار بزرگ دارد... «پلنگاران» چون پلنگ زیاد دارد، «سه پایه»، «چهارپایه»، «لاشیان»، «بلغونی»، «دُراجی» اسم کوه‌های بزرگ اینجاست هزارهزار یز و پازن و... کبک و کبک دری و گراز و مارهای بسیار بزرگ و کلفت و بلند که در تمام عمرم در هیچ جا ندیده‌ام دارد... رعایا با طیب‌خاطر سالی دویست هزار تومان به من حق رعیتی و اربابی می‌دهند...» (۳۲)

از دیگر رجال عهد ناصری که مطالبی درباره شکار نوشته «دوستعلی خان معیرالممالک» است که در کتاب «وقایع زمان یا خاطرات شکاریه» و «رجال عهد ناصری» اشاراتی در این خصوص دارد. او در قسمتی از کتاب رجال عهد ناصری می‌نویسد:

«در «ورداور» به شکار مهمان بودیم... روزی که هوا خوش و آفتابی مطبوع بود و پس از چند روز پیاپی شکار و سواری به اصطلاح اطراق کرده بودیم، دستور داده شد که برای تشکیل حلقه شکارچیان، به منظور طرح نقشه شکار فردا، روی بام اتاق‌های مسکونی فرش گسترده و صندلی بگذارند. پس از اندک زمانی همه چیز آماده شد. نزدیک به شصت تن زیده گردهم نشسته به گفتگو پرداختند. «جلال‌الدوله» که رو به کوه جای گرفته و به کمک دوربین در جستجوی شکار بود ناگهان خطاب به «مستوفی‌الممالک» گفت: «آقا بیایید تماشا کنید، چه کل‌های کهنه در این کوه پیدا کرده‌ام...» و «مستوفی‌الممالک» کل‌ها را یافت. بنده نیز به نوبت خود، دوربین کشیده از دیدن چهارکل کهنه... لذت بردم. پس از نیم ساعت دقت، آقا تفنگ گلوله‌زن دوربین‌دار خود را خواست و بعد از امتحان دقیق، به جلال‌الدوله و بنده گفت: شما با دوربین مراقب باشید، من به کلی که از دیگران سالمندتر به نظر می‌رسد گلوله‌ای می‌اندازم. آقا به زمین نشسته تفنگ را بغل کشید و پس از قراولی دقیق گلوله صدا کرد. فریاد من و جلال‌الدوله هم‌زمان برخاست: آقا زدید!! کل جابه‌جا افتاد...»

وقوع انقلاب مشروطیت و به‌وجود آمدن ناآرامی‌های ناشی از آن و تغییراتی که در تشکیلات مملکتی به‌وجود آمد، خواهی نخواهی از گرمی بازار شکار کاست، تا سرانجام در زمان «محمدعلی شاه» به‌خاطر مصالح امنیتی، حمل تفنگ و اقدام به شکار در تهران موکول به اخذ بلیت از کمیسری شد.



این دسته از شکارگران را به نمایش می‌گذارد، چرا که اعمال رفتار خودسرانه آنان نتیجه‌ای جز تخریب محیط زیست و تهدید جمعیت‌های جانوری را در پی نداشته است. گرچه بروز انقلاب مشروطیت می‌توانست تا حدودی مانع از خودسری‌ها گردد، اما شواهد تاریخی سخن‌نا ساز ادامه رفتارهای مشابه را به وضوح می‌نمایاند.

اندکی پس از انقراض قاجاریه، اسلحه‌ها جمع‌آوری و حمل و نگهداری هر نوع سلاح منوط به داشتن جواز شد. این امر تا حدی موجب محدود شدن شکار گردید، اما دیری نپایید. مالکان

آوردن دست‌نوشته‌ها یا خاطرات حکام و سلاطین و شاهزادگان مستبد در این کتاب، خود می‌تواند عبرت‌آموز باشد؛ افاضات شاهزاده‌ای چون ظل‌السلطان که خود معترف به بسیاری از سهل‌انگاری‌ها است و خاطرات دیگر قدرتمندان زمانه که اندیشه حفظ نسل‌ها هرگز به مخیله‌شان خطور نمی‌کرد، مستنداتی است که سرانجام ناخوشایند نسل حیات وحش ایران در دوره معاصر را به نمایش می‌گذارد.

فقط کافیست به این مهم اشاره کنیم که نشر و پخش یادها و خاطرات این دسته، چگونگی قلع و قمع جانوران و نقش مخرب

بزرگ و سران ایلات و عشایر در تشکیلات مملکتی رسوخ کردند و با توجه به اینکه اغلب اهل شکار و تفنگ بودند، امکانات لازم برای تهیه اسباب تفنن و شکار را فراهم آوردند. به این ترتیب شکار رونق سابق را بازیافت و متداول شد.

در این زمان قشر جدیدی نیز به جرگه شکارچیان افزوده شد. این قشر همان خدمتکاران سابق اعیان و اشراف بودند که با سمت‌هایی چون منشی‌گری، میرآخوری، قوشداری، مهتری و شکارچی‌باشی و... در دستگاه عریض و طویل اشراف، خدمت می‌کردند. این افراد که اغلب از فوت و فن شکار مطلع بودند، بعد از تغییر حکومت و از هم پایداری دستگاه اربابان نشان ناچار به روستاهای زادگاه خود بازگشتند. آنها با دست‌وپا کردن تفنگی به کوه و کمر زدند و طبقه جدیدی به نام شکارچیان محلی را به وجود آوردند.

این گروه در شکارگری و کوهنوردی و تحمل انواع ناملایمات طبیعی بسیار توانمند بودند و شناخت کاملی از جایگاه‌های پنهان شکارگاه‌ها و خلق و خوی جانوران مناطق خود داشتند. آن‌ها بای‌رحمی و بدون رعایت حتی ضوابط اخلاقی، به کشتار حیوانات پرداختند و طی سالیان دراز، بیشترین صدمه را به جمعیت حیوانات قابل شکار ایران خصوصاً پستانداران وارد آوردند، صدمه‌ای که دامنه آن تا امروز نیز قابل مشاهده و بررسی است.

در حقیقت پیش از شکل‌یابی این طبقه، شکار در انحصار طبقه‌ای بود که امکان تهیه لوازم و وقت شکار را داشت. این طبقه حداقل برای حفظ اسباب تفنن خود، اصول و ضوابطی را رعایت می‌کرد که در نهایت به حفظ نسبی جانوران قابل شکار منتهی می‌شد. بسیاری از این شکارگران خود از مالکان بزرگ بودند که در املاک وسیعشان، شکارگاه‌های اختصاصی داشتند. آن‌ها از این شکارگاه‌ها به شدت مراقبت می‌کردند و کسی مجاز به راه‌یابی به این قرقگاه‌ها نبود. حتی رعایای درمانده و محتاج نیز جز چرای دام و زدن گون‌ها و بوته‌کنی در این محدوده، مجاز به انجام کار دیگری نبودند. همین امر موجب می‌شد که جمعیت جانوران این مناطق حفاظت شده با شکارهای صاحبان قرقگاه‌ها در مخاطره جدی قرار نگیرند.

با برکنار شدن این قدرتمندان، این مناطق در معرض تجاوز همگان خصوصاً شکارچیان محلی قرار گرفت و موجب انقراض

نسل یا کاهش قابل توجه بسیاری از جانوران قابل شکار سراسر ایران گردید.

این ضایعات با واقعه شهریور ۱۳۲۰ تشدید شد و سربازان لجام‌گسیخته متفقین که هیچ حقی برای مردم این سرزمین قایل نبودند، با انواع سلاح‌های جنگی حتی مسلسل‌های سبک و سنگین، بی‌رحمانه به قلع و قمع جانوران این سرزمین پرداختند و مرتکب فجایعی شدند که تأثیری فراموش‌ناشدنی در جمعیت جانوری ایران به جا گذاشت.

با خاتمه جنگ و خروج قوای اشغالگر از ایران، به دلیل پخش اسلحه بین ایلات و عشایر، روند نامطلوب شکار بی‌رویه ادامه یافت. تنها نظام‌نامه بی‌محتوای موجود نیز دردی را دوا نمی‌کرد.

امکان استفاده از انواع خودرو به‌ویژه جیپ و نیز دسترسی راحت به مناطق و شکارگاه‌ها که در اثر جاده‌سازی و امنیت منطقه ایجاد شده بود، خود از عوامل مهم در زمینه کاهش حیوانات قابل شکار شد و نسل پستاندارانی چون آهو، جبیر، گورخر، یوزپلنگ، قوچ و میش ارمنی در معرض انهدام قرار گرفت. شکار بی‌رویه و کشتار بی‌رحمانه حیوانات، بسیاری از شکارگاه‌ها به‌ویژه شکارگاه‌های مجاور شهرها را دچار سرنوشتی تأسفبار کرد. حتی تصویب قوانین شکار و تشکیل سازمان شکار و صید و محیط زیست نیز به دلیل ناتوانی در اجرای قوانین و ضعف تشکیلات، تأثیر چندانی در این روند به وجود نیاورد.

به این ترتیب بیشتر شکارگاه‌های قابل دسترسی، خصوصاً از حیوانات دشت‌زی، خالی شدند در شکارگاه‌های دورافتاده نیز جز معدودی به جای نماند. برای مثال در اطراف تهران و دشت قزوین که روزگاری نه‌چندان دور، گله‌های آهو به وفور یافت می‌شد، دیگر هیچ نشانی از این حیوان به جای نمانده است. در سایر شکارگاه‌ها چون شکارگاه‌های اطراف اصفهان، ارومیه، زنجان، سمنان، دامغان و مشهد نیز بندرت می‌توان این حیوان را مشاهده کرد. جانوران قابل شکار دیگر از قبیل کل و بز، قوچ و میش، مرال و انواع پرندگان نیز که از نظر دسترسی به آن‌ها دشواری‌هایی وجود دارد، وضعی بهتر از این ندارند. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت ادامه وضع به همین ترتیب، انقراض نسل بسیاری از این حیوانات پیش‌روی باشد.

آلات و افزار شکار

می‌گرفتی؟ چرا با شیر و ببر و پلنگ و خرس در مبارزه شده...»
«استرابین» می‌گوید: «ترتیب شکار کردن چنین است که پشت اسب «زوبین» به طرف شکار پرتاب کنند، یا «تیر» از «کمان» و یا سنگ از فلاخن اندازند».

تیغ، خنجر، شمشیر، گرز؛ این افزار در فاصله نزدیک به هنگام درگیری و رویارویی با جانوران به کار می‌رفت و بعضی معتقدند برای اولین بار «جمشید» این سلاح‌ها را از فولاد ساخت. در بسیاری از نقوش باقیمانده از گذشته، چنین صحنه‌هایی مجسم شده است؛ از جمله در نقش برجسته‌ای در «سر مشهد»، بهرام دوم با خنجر در حال کشتن شیری مشاهده می‌شود.

نیزه؛ نوشته‌اند که طول آن در حدود دو متر بود و در شکار «شیر» و «گور» به کار می‌رفت. در نقش دیگری که از بهرام دوم بر یک بشقاب باقی مانده است، او را سوار بر اسب در حالی که شیری را کشته و نیزه‌ای را در دهان شیر دیگری فرو کرده است می‌بینیم.

گرز؛ یا به نقل از اوستا «ورز»، از قدیمی‌ترین آلات رزم و شکار بود که گاهی از آهن ساخته می‌شد. بعد از اسلام، گرز از اعتبار افتاد و تنها مورد استفاده پهلوانان قدرتمند قرار می‌گرفت. می‌گویند سلطان مسعود غزنوی، گرز زنی هفتاد منی

آلات و افزاری که از زمان‌های دور مورد استفاده شکارگران قرار می‌گرفت بر دو نوع بود:

آلات و افزار بی‌جان؛ آلات و افزار بی‌جان یا مصنوعات دست بشر، تا اختراع تفنگ منحصر بوده است به خنجر، شمشیر، تیغ، تبرزین، تیر، زوبین، خشت، نیزه، گرز، فلاخن، کمند، تیر و کمان، تور، ارابه و کمان گروهه. بشر از چه زمانی موفق به ساختن این سلاح‌ها شد، دقیقاً معلوم نیست. اما می‌گویند: «هوشنگ با الهام از ایزدان از کوه آهن بیرون آورد و از آن سلاح (کارد و سپر) ساخت. از این جهت او را هوشنگ زین‌آوند، یا هوشنگ تمام‌افزار، یعنی تمام زین و سلاح‌ساز خوانند.» (۳۳)

گزنفون در این زمینه می‌نویسد: «... وقتی کوروش از پدرش کمبوجیه پرسید پدر برای اینکه شخص بر دشمن فایز آید چه چیزهایی لازم است؟ پاسخ داد: شخص باید کمین کند، مزور باشد، فریب دهد و بدزدد. کوروش گفت: پدر، اگر چنین است چرا در کودکی به ما یاد می‌دادند به طور کلی طور دیگر باشیم، او جواب داد: حالا هم می‌گوییم، باید چنین بود، ولی باکی؟ با دوستان و هم‌وطنان. اما برای زیان رساندن به دشمنان باید هزار راه کج آموخت، اگر چنین نبود، چرا «تیر» و «زوبین» اندازی یاد می‌گرفت؟ چرا گراز را به دام می‌انداختی؟ چرا گوزن را با «تور» و «کمند»

داشت.

کمند: برای حمله از فاصله نزدیک به کار می‌رفت. طول کمند، گاه به سی متر می‌رسید و پهلوانانی چون رستم، سیاوش، بیژن و بهرام، درندگان را با آن می‌گرفتند.

تیر و کمان: بهترین و مؤثرترین حربه برای رزم و شکار از فاصله دور بود. نویسندۀ «نوروزنامه جیبی» عقیده دارد که «... «کیومرث» نخستین سازندۀ تیر و کمان بود و «بهرام» بر تیر، چهارپر نهاد...».

از تیر و کمان در «تورات» و «اوستا» نیز نام برده شده است. از این وسیله برای شکار پرندگان هم استفاده می‌کردند. کمان ابتدا شکل ساده‌ای داشت و به مرور تکمیل شد. این سلاح انواع و وزن‌های متفاوتی داشت، از ششصد من تا یک صد من. کمان‌هایی با وزن ۴۰۰ تا ۲۵۰ من را «چرخ» و از ۲۵۰ تا ۱۰۰ من را «نیم چرخ» یا کمان متوسط می‌نامیدند که برای شکار پرندگان به کار می‌رفت.

تیر هم انواعی داشت و از هر نوع آن برای شکار جانور خاصی

استفاده می‌شد، مثلاً تیر با پیکان دو شاخ مخصوص شکار پرندگان روی درخت بود.

اندازۀ تیر متفاوت و متناسب با کمان بود. بر تیر، چند پر که بیشتر پر عقاب بود نصب می‌کردند تا راست بر هدف نشیند. فردوسی در این خصوص می‌گوید:

خدنگی برآورد پیکان چو آب

نهاده بر او چارپر عقاب

زه کمان را از پوست جانورانی مثل گرگ، گوزن، گاو و اسب می‌ساختند. زه کمان «رستم» به نقل فردوسی از چرم شیر بود. ایرانیان در فن تیراندازی با کمان و شکار با آن مهارتی اعجاب‌انگیز داشتند. «اینوستران‌تسلف» در کتاب «تحقیقاتی درباره ساسانیان»، در این باره می‌نویسد: «تیراندازی از کمان از دیرترین روزگاران گذشته جزو بارزترین صفات مختصۀ ایرانیان بود.»

«هرودت» می‌گوید: «... سوارکاری و تیراندازی یکی از مهمترین مواد تربیتی ایرانیان در دوره‌های قدیم بود...»



خنجر کله‌اسبی
کنده‌کاری شده بر روی عاج
شیرماهی، دهنه و
چشم‌های اسب از یاقوت
پوشیده شده است.



تیر و کمان با جای تیر؛
مربوط به دوره عثمانی،
۱۶۸۳ میلادی



در روایات ایرانی نیز از تیراندازی ستایش شده است... «امانوس مارسلینو» می‌نویسد که ایرانیان از دیرزمان به مهارت در تیراندازی مشهور بوده‌اند.

در مُهر غلطانی که از دوران هخامنشیان به دست آمده و در موزهٔ «بریتانیا» محفوظ است، «داریوش» در حال شکار شیر بر دوری سیم‌اندود، «شاپور دوم» در حال شکار گراز بر دوری سیاه قلم و خسرو اول در حال شکار قوچ با کمان مشاهده می‌شود. در شکار و تیراندازی با کمان گاه قدرت و مهارت شکارگر به آن حد می‌رسید که صید را به زمین می‌دوخت. چنانکه بهرام گور شیری را که در حال کشتن «گوری» بود با گور به زمین دوخت.

دل گور بر دوخت بر پشت شیر

پر از خون هُزبر از بر و گور زیر (۳۴)

و گاه تیرانداز گره را از موی باز می‌کرد.

به تیر از موی بگشادی گره را

به نیزه حلقه بر بودی زره را (۳۵)

و از صد گامی کبوتری را هدف قرار می‌داد.

چو تیر از بر چرخ بر کرد شاه

بزخم «کبوتر» ز صد گام راه

و در خم رودخانه‌ها و کنار مرداب‌ها بانگ می‌زد تا مرغ برخیزد و

او در حال پرواز شکارش کند. (۳۶)

«بهرام شاه» دو مرغ را که یکی در زیر می‌پرید و یکی در زُبر با یک تیر زد. (۳۷)

خسرو تیری که در شب تار زند

بر سینۀ مور و دیدۀ مار زند

خواهد که همان تیر دگر بار زند

پیکان دگر بر سر سوار زند

در شاهنامهٔ استاد طوس مکرر فنون کمانگیری و مهارت کمانگیر در تیراندازی، با زیبایی هرچه تمامتر توصیف شده است. در دیوان شعرای دیگر از جمله «نظامی گنجوی» و «فخرالدین اسعد گرگانی» نیز در این باب سخن به میان آمده است.

فلاخن: کفهای از چرم یا پارچه بود که از دو طرف به دو رشتهٔ هم‌طول وصل می‌شد. سنگ را در کفه می‌گذاشتند و بعد از تاباندن، با رها کردن یکی از رشته‌ها به سوی هدف پرتاب می‌کردند.

خشت و زوبین: چون نیزه‌ای کوتاه بود که برای شکار درندگان بزرگ به‌ویژه شیر به کار می‌رفت و شکارگر آن را از فاصله نزدیک به طرف حیوان پرتاب می‌کرد.

۳۴- حکیم ابوالقاسم

فردوسی؛ شاهنامه

۳۵- نظامی گنجوی؛ خسرو

و شیرین

۳۶- حکیم ابوالقاسم

فردوسی؛ شاهنامه

۳۷- محمد بن منصور؛

آداب الحرب و الشجاعة

بی‌هقی درباره مسعود غزنوی که به شکار شیر سخت علاقه‌مند بود می‌نویسد: «خشت بینداخت، سر خویش بدزدید و شیر که سخت بزرگ بود و سبک و قوی... آهنگ امیر کرد پادشاه با دو دست بر سر شیر زد، چنانکه شیر شکسته شد و بیفتاد.» و در جای دیگر گوید: «دیدم در حدود هندوستان شیری سخت از بیشه بیرون آمد و روی به پیل نهاد، امیر خشتی بر سینه شیر زد. شیر از درد و خشم یک جست کرد، چنانکه بقفای پیل آمد، پیل می‌تپید، امیر به زانو در آمد و یک شمشیر زد چنانکه هر دو دست شیر را قلم کرد... روزی قصد هرات داشت، هشت شیر در یک روز بکشت و یکی را به کمند بگرفت.»

تور: از اشاراتی که در پاره‌ای از نوشته‌ها در مورد استفاده از تور شده است می‌توان دریافت که تور علاوه بر صید ماهی برای به دام انداختن پرندگان و چهارپایانی چون گوزن و گراز هم مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ارابه: وسیله‌ای بود چرخ‌دار شبیه گاری‌های دستی امروزی که دو چرخ و دو دستک داشت و آن را به یک، دو و گاهی چهار اسب می‌بستند و بیشتر در شکار جانوران درنده به ویژه شیر و گراز از آن استفاده می‌کردند. ظاهراً ارابه در زمان هخامنشیان بیشتر از ادوار دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفت. «اسب» نیز تا اختراع اتومبیل همواره محبوب‌ترین و کارسازترین مرکب برای رزم و شکار بود و چنان نقشی در پیروزی پهلوانان داشت که نام بسیاری از آن‌ها در تاریخ ضبط شده است. این حیوان از چنان اهمیتی برخوردار بود که رساله‌های متعددی نیز راجع به نگه‌داری و تربیت آن نوشته شده است. بعضی از پادشاهان از جمله مسعود غزنوی برای شکار حیوانات درنده خصوصاً شیر، از «فیل» استفاده می‌کردند. **تُفک:** آلتی بوده است مجوف که گلوله‌های گلی کوچکی را در آن می‌گذاشتند و با زور به میدان پرتاب می‌کردند. تاریخ استفاده از تفک معلوم نیست، اما مسلم است که تا زمان قاجاریه برای شکار گنجشک به کار می‌رفت و به قول ظل‌السلطان وسیله‌ای بسیار مؤثر و کارساز بود.

کمان گروه یا گلوله کمان: «کمانی بوده است که با آن مهره‌های گلی اندازند.»^(۳۸) و آن «عبارت از کمانی است که به دو رشته زه موازی بسته شده و در وسط زه، قطعه چرمی قرار دارد و گلوله‌های ساخته از گل رس یا سنگ را که به اندازه فندق پوست‌دار است با آن می‌اندازند.»^(۳۹) نوعی از آن که دو رشته کش را به دو شاخه دسته‌داری می‌بندند، هم‌اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تفنگ و تاریخچه آن؛

اولین تفنگ در قرن هفدهم میلادی و نخستین تفنگ دولول شکاری برای لویی چهاردهم ساخته شد. تفنگ‌های اولیه به وسیله فتیله و سنگ چخماق آتش می‌شد و سرپُر بود. نحوه آماده کردن تفنگ برای تیراندازی به این صورت بود که ابتدا فتیله‌ای را در مخزن باروت که در انتهای لوله قرار داشت به قنداق متصل می‌شد، قرار می‌دادند. بعد از سر لوله باروت می‌ریختند و پس از کوبیدن و گذاشتن تکه پارچه‌ای، گلوله سربی را روی باروت می‌انداختند. تکه پارچه‌ای نیز به وسیله سنبه روی آن قرار می‌گرفت. سپس فتیله را به وسیله سنگ چخماق آتش می‌زدند. فتیله آتش را به باروت منتقل می‌کرد و تفنگ آتش می‌شد.

در سال ۱۸۲۴ میلادی تفنگ پستانک‌دار که به وسیله چاشنی و ضربه چخماق آتش می‌شد، اختراع شد. در سال ۱۸۳۰ میلادی تفنگ ته‌پُر چخماقی و در سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۳۰ تفنگ‌های کمرشکن کوسه و کمرشکن چخماقی با کالیبرهای ۱۲ و ۱۶ و سپس تفنگ تک‌لول کمرشکن گلوله‌زنی و تفنگ‌های دولول روی هم، به بازار آمد و ساختن تفنگ‌های گلنگدنی و خودکار و نیمه خودکار مراحل تکامل خود را طی نمود.

درباره تفنگ، سابقه و وجه تسمیه آن در ایران «کسروی» می‌نویسد: «تُفک در فارسی نام چوب سوراخ‌داری بوده که گلوله‌های گلی در آن نهاده و با زور دمیدن، با آن گلوله‌ها شکار گنجشک می‌کرده‌اند، و چون در این حال صدای «تُف» از آن درمی‌آمد آن را «تُفک» می‌نامیده‌اند، هم‌چنین فشنگ چون صدای «فش» از آن درمی‌آید، آن را «فشنگ» می‌خوانند. سپس هم که «تفنگ»‌های آهنی فرنگی به ایران رسید آن را نیز با همین نام خوانده‌اند. پس معلوم می‌شود که شکل درست آن «تُفک» بوده که غلط نیست اما عامیانه است. «توپ» پیش از «تفنگ» در جنگ‌ها به کار رفته و ما درباره آن هیچ آگاهی نداریم. اما «تفنگ»، تا آنجا که می‌دانیم نخستین بار که نام «تفنگ» در یک جنگ ایرانی برده شده، در «جنگ چالداران» است که ایرانیان شکست خوردند و گویا از این جنگ عبرت گرفته و به آماده کردن «تفنگ» و یاد گرفتن تفنگ‌اندازی پرداختند. «توماس هربرت» نامی که در زمان «شاه‌عباس بزرگ» به ایران آمده در سفرنامه خود می‌نویسد: در زمان «شاه طهماسب»، در جنگ با ترکان، دسته‌ای از «پرتقالی‌ها» به یاری ایران آمدند و تفنگ با خود داشتند و ایرانیان تفنگ‌اندازی را از اینان یاد گرفتند.»^(۴۰)

۳۸- دکتر محمد معین؛

فرهنگ زبان فارسی

۳۹- دوستلی خان

معیر الممالک؛

یادداشت‌هایی از زندگی

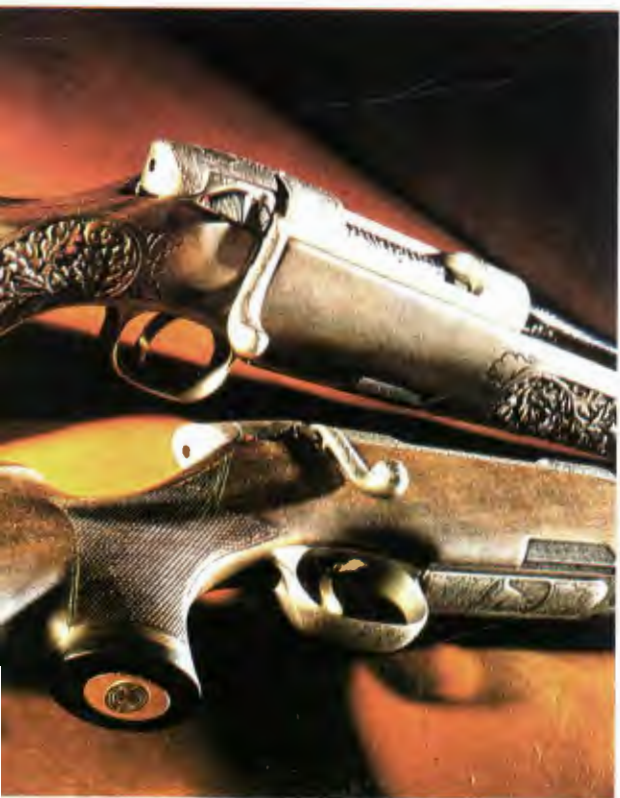
خصوصی ناصرالدین شاه

۴۰- احمد کسروی؛ مقالات

کسروی



بالا: انواع تفنگ‌های سنگ چخماقی سرب‌ر



نمونه‌ای از تفنگ چخماقی،
۱۷۷۸ میلادی، این تفنگ
قنداقی قلاب‌گونه دارد

کسروی عقیده‌ای را که «عبدالرزاق دُنْبلِی» در کتاب خود به نام «مآثر سلطانی» بیان کرده است، نمی‌پذیرد. دنبلی گفته است: «در زمان «سلطان حسین میرزا بایقرا»، «ملاحسین کاشفی» طرح «تفنگ» را که در فرنگ دایر بود، به ایران نمونه آورد و به تدریج می‌ساختند». کسروی چنین نتیجه می‌گیرد: «که از این عبارت پیداست که شیوع بکاربردن تفنگ در ایران پیش از زمان صفویان بوده... و ایرانیان آن را از پرتغالی‌ها یاد نگرفته‌اند».

با وجود این، سوابق امر نشان می‌دهد که استفاده از تفنگ تا اواخر سلطنت «شاه اسمعیل اول» که در تیراندازی با کمان مرد اول و قهرمان بود^(۴۱) در ارتش ایران معمول نبود و قوای دولتی در زمان او از قزلباشان کمان‌دار تشکیل می‌شد. در دوره سلطنت «شاه طهماسب اول» بود که قوای دولتی علاوه بر شمشیر و کمان، به توپ و تفنگ نیز مجهز شد. پس از آن، «بایزید» شاهزاده عثمانی پسر «سلیمان»، شکل‌یابی توپخانه را در ایران پایه نهاد، اما ریخته‌گری توپ چندان گسترش نیافت. در زمان «شاه عباس اول» در اثر تلاش «برادران شرلی» فن گلوله و اسلحه‌سازی توسعه یافت و بتدریج ارتش ایران دارای سلاح گرم شد و مناصب «تفنگچی‌باشی» و «توپدارباشی» به وجود آمد، آنچنان که «شاه عباس دوم» که چندان علاقه‌ای به توپخانه نداشت، نیروی جدیدی مرکب از دویست «صوفی» و ششصد تفنگدار برای خدمت در دربار و نگهبانی قصر ایجاد کرد.

۴۱- دکتر شوستر والد؛ ایران
صفوی از دیدگاه
سفرنامه‌های اروپاییان



تفنگ چخماقی



پایین: تفنگ گلوله زنی گلنگدنی

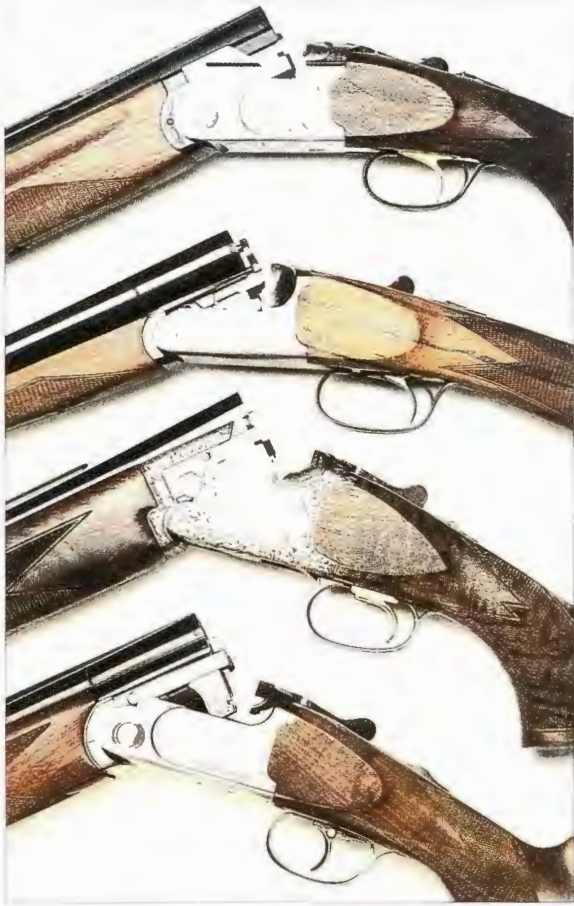
تلاش پادشاهان صفوی از یک سو برای برقراری روابط دیپلماسی با کشورهای اروپایی که جنبه سیاسی داشت و کوشش کشورهای اروپایی به برقراری رابطه با ایران از سوی دیگر که جنبه تجارتي داشت و به خاطر دست یافتن به بازار ابریشم ایران صورت می گرفت، موجب گردید که طرفین سفرایی ردوبدل کنند. این سفرا اغلب هدایای نفیس و نادری همراه داشتند که تفنگ های شکاری از آن جمله بود. چنانکه از جمله هدایای «فیلیپ سوم» پادشاه اسپانیا برای «شاه عباس» پنجاه عدد تفنگ شکاری و اسلحه کمری با خشاب بود که ارزش کل آن ها را در آن زمان ۱۱۱،۱۱۱ تومان برآورد کرده اند.^(۴۲) این امر دلالت بر استفاده از تفنگ برای شکار در این دوران دارد. نوشته «پیترو دلاواله» جهانگرد معروف ایتالیایی نیز همین امر را می رساند:

«همراه شاه عباس کبیر زنان می توانستند از این جایگاه شکار را تماشا کنند... و حتی با تفنگ جانوران را بزنند، زیرا آنان در تیراندازی با تفنگ نیز بسیار ماهرند و هر وقت مردان در شکارگاه باشند شکار را از محل مخصوص خود با تیر می زنند ولی اگر فقط با شاه به شکار روند با کمال چابکی و مهارت بر اسب می نشینند و با شمشیر و تیر و کمان به شکار می پردازند».

به هر حال مسلم است که چندی بعد از ورود تفنگ به ایران صنعت تفنگ سازی رواج گرفت و در چند شهر ایران از جمله اصفهان، کردند و زنجان صنعتگران ماهری به ساختن تفنگ پرداختند و تفنگ هایی ساختند که هنوز هم از نظر استحکام و دقت در تیراندازی و ظرافت، شهرت و محبوبیت خود را حفظ

۴۲. همان منبع





تفنگ‌های دولول روی هم کوسه



تفنگ‌های پنج تیر پران در مدل‌ها و کالیبرهای مختلف



تفنگ‌های دولول روی هم کوسه در مدل‌ها و کالیبرهای مختلف

کرده‌اند و دست به دست می‌گردند. تفنگ‌های سرپر معروف به «حسن موسی» از این جمله‌اند. نمونه‌های جالب این تفنگ‌ها در موزه‌های مختلف از جمله موزه نظامی کاخ سعدآباد نگهداری می‌شود.

دیری از اختراع تفنگ نگذشت که صنعت تفنگ‌سازی تکمیل شد و انواع تفنگ‌های جدید با کالیبرهای مختلف به وسیله علاقه‌مندان وارد ایران شد و بتدریج در اختیار عموم قرار گرفت. معمول‌ترین انواع تفنگ که مورد استفاده شکارگران قرار می‌گیرد عبارتند از تفنگ‌های دولول کوسه و چخماقی کمرشکن و پنج تیرهای دستکش و پران در کالیبرهای ۱۲، ۲۰ و ۱۶ و انواع تفنگ‌های گلوله‌زنی گلنگدنی شکاری در کالیبرهای ۲۷۰، ۳۰/۰۶، ۸/۵۷، ۷ و ۹ میلیمتر و ۷ میلیمتر مگنوم...



تفنگ‌های دولول پهلوی هم کوسه در مدل‌ها و کالیبرهای مختلف

شکار و آداب و رسوم شکارگری در ایران

مختلف کننده می‌شد که رهایی از آن برای حیوان گرفتار شده میسر نبود.

برای آموزش تیراندازی به هدف‌های متحرک، ظاهراً پوست حیوانی را پر از کاه می‌کردند و به ارابه می‌بستند و ارابه را در سرازیری رها می‌کردند و به جانب هدف تیر می‌انداختند. بامداد برای شکار می‌رفتند و ایام سعد و نحس را نیز در نظر می‌گرفتند. «از زهره‌دان و پیه و گوشت و خون شکار برای درمان بیماری آدمیان و جانوران استفاده می‌کردند و هیچ کاری را مطلوب‌تر از آن نمی‌دیدند که از گوشت شکار کباب کنند و در کنار دوستان و بستگان بخورند».^(۴۳)

از گوشت انواع شکار خوراکی‌های لذیذ درست می‌کردند. «آرتور کریستن سن» ضمن شرح عطریات و غذاهای مورد علاقه «خسرو پرویز»، از قول «بلاذری» و «ثعالبی» درباره بهترین غذا چنین می‌نویسد: «گوشت بزغاله دوماهه که شیر مادر و شیر ماده گاو خورده باشد، مخصوصاً اگر با عصاره زیتون بپزند. از میان طیور مخصوصاً از ماکسانی که خوراکش شاهدانه و روغن زیتون باشد، این نوع مرغ پیش از کشتن باید ناشتا باشد، بعد از کشتن باید آن را پر کنند و یک روز به پا و یک روز به گردن بیاویزند و سپس در شورآبک (آب نمک) بپزند. پشت آن مرغ مخصوصاً آن قسمت که نزدیک‌تر به دم است، لذیذترین قسمت‌های آن است. لذیذترین غذاهای سرد آن‌هایی هستند که از گوشت گورخر، شتر یکساله،

با بهره‌گیری از کتاب‌هایی که از تاریخ پیش از اسلام ایران سخن می‌گویند، از جمله «شکارنامه انوشیروان»، «شکارنامه خسروانی» (ملکشاهی)، «آیین‌نامه یا الرسوم»، «خدای‌نامه»، «گاهنامه» و کتب دیگر، می‌توان به آداب شکار و شکارگری، رزم و صف‌آرایی، روش تیراندازی با کمان، فن کشیدن زه و زوبین‌افکنی و... پی برد. تشابه بسیاری از آیین‌های شکارگری در سراسر جهان، مثل برداشتن رد، نزدیک شدن به شکار از جهت مخالف وزش باد (باد چاق کردن)، جلب نمودن حیوان با تقلید صدا و... نشان می‌دهد در هر سرزمینی آداب و رسوم جاری، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و به اقتضای زمان تغییر می‌یابد.

آداب شکارگری هم از جمله آداب اجتماعی است که مثل برگزاری اعیاد، عقد و عروسی، عزاداری و... از ادوار گذشته به ما منتقل گردیده است.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، شکار به دو صورت انجام می‌گرفت؛ جمعی و انفرادی. در هر حال شکارگر پیاده یا بر پشت اسب، زوبین به سوی شکار پرتاب می‌کرد یا تیر از کمان و سنگ از فلاخن می‌انداخت. به کار بردن تور و گذاشتن تله و دام برای شکار انواع مرغان و جانوران نیز معمول بود. برای به دام انداختن پستانداران بزرگ چون گورخر، آهو، گاوکوهی (مرال) و درندگانی چون شیر و یوز، بر سر راه آن‌ها چاله‌هایی با اسامی

۴۳. محمد مناظر احسن؛ زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان

گاو میش و خوک ساخته باشند. از جمله غذاهای سرد بسیار مطبوع و لذیذ، خورشی است که از گوشت خر اهلی که یونجه و جو خورده باشد، ساخته می‌شود. از غذاهای مطبوع قیمة‌های مختلف است که با گوشت خرگوش و سینه اسب و سمور و سر تذرو می‌سازند و بهترین نوع آن را از گوشت آهوی ماده سترون (قصر) پیه‌دار که منجمد شده باشد می‌سازند.»

از پوست و پشم حیوانات نیز برای ساختن کمان و پای افزار و لباس استفاده می‌شد. «هیونگ تسیانگ» می‌گوید: «جامه ایرانیان از پوست یا پشم یا نمد یا ابرایشم بنفش ساخته شده است.»

صاحب قابوسنامه درباره آداب و رسوم شکارگری می‌نویسد: «بدان که بر اسب نشستن و به نخجیر رفتن و چوگان زدن کار محتشمان است، خاصه به جوانی. اما هر کاری به حد و اندازه باید و با ترتیب و همه روز پیوسته به نخجیر که نه به ترتیب بود. هفته هفت روز بود: دو روز به نخجیر رو و روزی دو سه به شراب خوردن مشغول باش و روزی دو به کدخدایی خویش مشغول گرد.

اما چون برنشینی بر اسب کوچک منشین که مرد اگرچه منظرانی بود، بر اسب کوچک حقیر نماید و اگر مردی حقیر بود بر اسب بزرگ بهتر نماید و بر اسب رهوار جز در سفر منشین که چون اسب رهوار بود مرد خویشتن را بر اسب افکنده دارد. اندر شهر و اندر میان مرکب بر اسب تیز و جهنده نشین تا از سبب تندوی او خویش غافل نباشی، مادام راست نشینی تا زشت رکاب نمایی و به نخجیرگاه خیره اسب متاز که بیهوده اسب تاختن کار کودکان و غلامان سرای باشد و از پس سباع اسب متاز که اندر نخجیر سباع هیچ فلاحی نبود و جز مخاطره کردن هیچ چیز حاصل نشود و از اصل ما دو پادشاه بزرگ اندر نخجیر سباع هلاک شدند: یکی پدر من امیر وشمگیر بن زیاد و یکی پسر عم من شرف‌المعالی، پس بگذار تا کههتران تو بتازند و تو متاز مگر پیش پادشاهی بزرگ باشی، آنکه نام جستن و خویشتن نمودن را، روا باشد. پس اگر نخجیر دوست داری به نخجیر یوز و باز و چرغ و شاهین و سگ مشغول باش، تا هم نخجیر کرده باشی و هم بیم مخاطره نبود و آنچه بگیری به کاری باز آید که نه گوشت سباع، خوردن را شاید و نه پوست او پوشیدن را.

پس اگر نخجیر باز کنی، پادشاهان از دو گونه کنند. ملوک خوراسان به دست خود باز نبرانند و ملوک عراق را رسمیت که به دست خود پرانند و هر دو گونه روا است. تو اگر پادشاه نباشی



چنانکه اشتباهی تو باشد همی کنی، پس اگر پادشاه را نشاید که باز دوبار پراند، یکبار بپران و نظاره همی کن، اگر صید گیرد و اگر نه، باز دیگری بستان تا باز دار خود به طلب آن برود. [که مقصود پادشاه از نخجیر باید تماشا بود] نه طلب طعمه. اگر پادشاه به سگ نخجیر گیرد پادشاه را مجبر سگ نباید گرفتن، باید که بندگان در پیش وی می‌کشایند وی نظاره می‌کند. اما پس نخجیر اسب ممتاز. اگر نخجیر یوز کنی البته یوز بر کفل اسب خویش منشان که هم زشت بود ترا کار یوزداران کردن و هم در شرط خرد نیست سبایی را در پیش ققای خویش گرفتن، خاصه ملوک را، این است شرط نخجیر کردن.» (۴۴)

شکار جرگه

با استفاده از شواهد بسیار از جمله نوشته‌های مورخین خارجی و ایرانی و کتب ادبی و آثار مکشوفه در حفاری‌ها و حجاری‌های باقیمانده، راندن وحوش و جمع کردن آن‌ها در محوطه‌ای محدود برای تسهیل شکار که بعدها به صورت ناهنجار کشتار دستجمعی و رقت‌انگیز حیوانات در آمد، از هزاران سال پیش از مادها معمول بوده است.

«جرجی زیدان» درباره شکار جرگه‌ای بعد از ظهور اسلام می‌نویسد: «معتصم شکار جرگه‌ای را معمول کرد، به این قسم که در محلی نزدیک بغداد، موسوم به «دجیل»، دیواری ساخت که طول آن چندین فرسخ می‌شد. شکارچیان معتصم، از راه دور، درندگان را به اطراف این دیوار می‌راندند و همینکه درندگان وارد جرگه می‌شدند، آنگاه معتصم با پسران و نزدیکان و ملازمان می‌آمدند و اطراف درندگان حلقه می‌زدند.» (۴۵)

در زمان غزنویان و سلجوقیان نیز چنین رویه‌ای معمول بود. «فرخی سیستانی» شاعر دربار «سلطان محمود» می‌گوید:

هر چه در ایران درنده و دد و دام بود

همه را گرد هم کردی در یک دیوار

گرد ایشان پره‌ای بستی مانند عقاب

زان برون رفت ندانست، هم از هیچ کنار

بامدادان همه کوهسار پر از وحشی بود

شامگاهان همه پرداخته بودی کهسار

در زمانی همه دشت ز خون دد و دام

لعل کردی چو گلستانی هنگام بهار

«بیهقی» می‌نویسد: «چون پره تنگ شد، نخجیر را در باغ راندند که پیش کوشک است و افزون از پانصد و ششصد بود که به باغ رسید و به صحرا بسیار گرفته بودند به یوزان و سگان، امیر بر خضرا بنشست و تیر انداخت و غلامان در باغ می‌دویدند و می‌گرفتند و سخت نیکوکاری رفت. پادشاهان... ایوبی و ممالیک به همین ترتیب شکارگاه و شکارچی داشتند.»

در تاریخ جهانگشای جوینی آمده است:

«مغولان شکار را کار شیرمردان و فرا گرفتن فنون آن را لازم می‌دانند و چون قصد شکار می‌کنند ابتدا عده‌ای را برای اطلاع از وجود شکار و تعداد و نوع آن به اطراف می‌فرستند. در زمان صلح، برای آماده نگاهداشتن سپاهیان و عادت دادن آن‌ها به سختی و مشقت و تمرین تیراندازی، مقدمات شکار را به این نحو فراهم می‌کنند که ابتدا عده‌ای را برای تجسس و اطلاع از وجود شکار و تعداد و نوع آن به اطراف می‌فرستند و بعد از اطمینان از وجود آن، اول زمستان دستور آماده‌باش می‌دهند و پس از رأی زنی و تعیین آلات و ادوات و لوازم فراخور شکار، آرایش یمین و یسار و قلب، فرماندهی هر یک از جناحین به امیری داده می‌شود و او با مأمولات و مشروبات و خدم و حشم به راه می‌افتد و حلقه شکار یک‌ماهه، دوماهه، سه‌ماهه می‌بندند و شکار را بتدریج و آهستگی می‌رانند و مواظبت تا شکار از حلقه بیرون نرود. اگر ناگاه شکاری از میانه فرار کند، به دقت علت را بررسی می‌کنند و مقصر را هزاروصد چوب می‌زنند و بسیاری از اوقات هم می‌کشند و اگر مثلاً صف را که «نرگه» خوانند، راست ندارند یا قدمی پیشتر یا بازپس تر نهند، در تأدیب او مبالغت کنند و اهماال نمایند. دو سه ماه شب و روز، به این منوال شکار را می‌رانند و مرتب اخبار را به خان می‌رسانند که به کجا رسیده‌اند و وضع شکار چطور است. چون حلقه به هم رسید دو سه فرسنگ رسن به هم وصل کنند و رویش نمدی اندازند. لشکر دوش به دوش، دور شکار حلقه می‌زنند. سپس خان با چندکس از خواص در میان رانند و یک ساعتی تیر می‌اندازند و شکار می‌کنند و چون خسته شدند به جای بلندی می‌روند و پادشاه‌زادگان و بعد از آن‌ها امرا و عوام و سران چند روزی مشغول صید می‌شوند تا چیزی باقی نماند. در این وقت عده‌ای برای شفاعت و نجات باقیمانده، نزد خان می‌روند و برای آن‌ها امان می‌خواهند و باقیمانده شکار را از محلی که آب و علف باقیمانده است، اجازه فرار می‌دهند و آنچه را کشته‌اند جمع و محاسبه می‌کنند. در زمان قاآن و جغتای شکار را در محل محصور می‌رانده‌اند...» (۴۶)

۴۴. عنصرالمعالی

کیکاووس بن وشمگیر؛

قابوسنامه

۴۵. جرجی زیدان؛ تاریخ

تمدن اسلام

۴۶. عطاملک جوینی؛ تاریخ

جهانگشای جوینی

چند تازی بهر صیدم! استاد
 رسام عربزاده ۱۷۱×۱۹۰
 سانتیمتر



یک مرد اسب‌سوار نیز به بالای آن نمی‌رسد، ساخته‌اند. به علاوه، گرداگرد دامنه کوه‌های اطراف این جلگه را نیز دام‌هایی از طناب کشیده‌اند که با تیرهای بلند بسته شده‌اند، به طوری که هیچ جانوری نمی‌تواند از روی آن‌ها بجهد... به این ترتیب، حیواناتی که توسط این مردان رانده می‌شوند، به علت تنگی دره و سروصدا و فریاد آنان، سوی این جلگه روی می‌آورند و همانجا محبوس می‌شوند. من خبر دارم که از «فرح‌آباد» مازندران سیصد بار شتر طناب برای این کار فرستاده‌اند... شاه قرار است در میان جلگه با شمشیر و تیر به شکار مشغول باشد...» (۴۸)

«در سال ۱۰۱۱ هجری هنگامی که شاه به مشهد رفته بود، دستور داد تمام رعایای ولایات طوالش، قوچان، نسا، ابیورد، دشت خاوران، سرخس، جام، خواف، باخزر، تربت و نیشابور برای راندن حیوانات به دشت «اوچ‌تپه» همکاری کنند. شاه در روز معین، به

«در زمان تیموریان نیز شکار جرگه‌ای معمول بود و «تیمور لنگ» به آن علاقه داشت و از آن لذت می‌برد.» (۴۷)

پادشاهان صفوی نیز به شکار جرگه علاقه داشتند. «شاه عباس اول» در این زمینه ره افراط پیمود و یادگارهای تلخی از بیدادگری‌هایش باقی گذاشت.

«شاه عباس برای شکار حیوانات مختلف در خطه مازندران چمنزاری را انتخاب کرده بود که طول تقریبی آن دو میل بود، شاه این محل را برای شکار معین کرده تا از تمام دره‌ها و کوه‌های اطراف جانوران وحشی را به آنجا برانند و از نواحی مختلف مازندران چندین هزار مرد را مأمور این کار کرده است، زیرا در مشرق‌زمین، رعایا کار سگ‌های شکاری را انجام می‌دهند. برای اینکه حیوانات نتوانند از دشت شکارگاه فراتر روند، به دستور او از کوهی به کوه دیگر، در میان دره با شاخه‌های درختان، پرچین بلندی که دست

۴۷. پناهی سمنانی؛ تیمور لنگ چهره هراس‌انگیز تاریخ
 ۴۸. سفرنامه پیترو دلاواله

معیت نزدیکان و ندیمان خوب شراب خورد و به شکار مشغول شد و بسیاری از جانوران را کشت و دسته‌ای را داغ بندگی زدند و رها کردند. سپس شاه همراهان خود را در شکار حیوانات آزاد گذاشت. در این شکارگاه نزدیک ۳۲۰۰۰ شکار گرد آمده بود که از آن میان حدود ۲۰ هزار از انواع آهو، غزال و بز کوهی و ۶ هزار گرگ، روباه و خوک را نیز داغ زدند و رها کردند.» (۴۹)

«در جریان شکار جمادی‌الاول ۱۰۲۸ هجری در جنگل «رانگوه» گیلان، به شاه عرض کردند دوهزار و هفتصد نفر آدم از مؤمنان مسلمان، از صدمات و سرما و برودت هوا هلاک شده‌اند، شاه عباس آن را واقعی نپنداشت.» (۵۰)

«همین پادشاه که به تلف شدن دوهزار و هفتصد نفر آدم مسلمان و مؤمن واقعی نمی‌نهد، در سال ۱۰۰۱ هجری که «باز» محبوب و مورد علاقه‌اش بنام «لوند» به دنبال کبک به چاهی می‌رود و خفه می‌شود، دستور می‌دهد در مقامی رفیع عمارتی عالی جهت دفن او بسازند که ایوانش بر کیوان افراخته شود و این بنا را که هنوز آثار آن باقی است و به نام قبر باز لوند معروف است می‌سازند.» (۵۱)

در گیلان نوعی شکار جرگه‌ای به نام چاه نخجیر مرسوم بود.

«در گیلان رسمی است قدیم که جنگل وسیعی را که گرازان و گوزنان و سایر وحوش در آنجا باشد، چند فرسخ با چوب‌های محکم پرچین و محصور می‌کنند که جانوران وحشی را راه عبور نماند و شکافتن و به در رفتن آن میسر نشود، پرچین دیگری به همین ترتیب بنا کنند که بین آن‌ها یک فرسخ یا دو فرسخ باشد. بعد سر دو پرچین را، اندک‌اندک نزدیک‌تر گردانند، آن چنان که در معبر دو پرچین یک حیوان به ضرورت تواند گذشتن، بعد سر آن دو پرچین محوطه مدوری به مقدار بیست ارش، کمابیش، بنیاد نهند و اطراف آن حایط، حجره‌های کوچک چند بسازند و در آن حجره‌ها، تخت‌های تراشیده چنان تعبیه کنند که به وقت حاجت بالاکشند و هرگاه که خواهند فروگذارند و آن راه‌ها مسدود گردانند و آن جمله را چاه خوانند و نخجیر که آنجا کنند آن را «چاه نخجیر» گویند. در روز نخجیر تمامی «گیل» و «دیلم» را جمع می‌کنند و از دو طرف پرچین شکار را می‌رانند و آهسته آهسته پیش می‌آیند، فلهدا جانوران به طرف آن حایط می‌روند و در حایط جمع می‌شوند و دنبال راهی برای بیرون رفتن می‌گردند، در این هنگام چند نفر که قبلاً در بالای حایط پنهان نشسته‌اند، تخت‌های آن حجره‌ها را بالا کشیده و منتظر آن گردند که چون نخجیر در آن حجره‌ها در روند آن تخت‌ها را فرو زنند و آن‌ها را بدانجا محفوظ گردانند، چندان که

تمامی جانوران، مثل گرگ و شغال و گراز و گوزن در آن حجره‌ها توانند بود... گوزنان را به قوت تیر و تبر و پیش‌دار، صید کنند. حاکم و سلطان عصر با بزرگان چند، بر بالای آن حایط بروند و بنشینند و بعد فرمایند تا تخته‌ی یکی از آن حجره‌ها را بالاکشند و از گرازهای آن حایط یکی را بیرون نگاه می‌دارند و بقیه را برمی‌گردانند و یکی از جوانان شجاعت آثار را با حربه‌ای که پیش‌دار می‌گویند، به داخل آن حایط می‌فرستند و گراز از هول جان چون شیر زبان، بر آن جوان حمله می‌کند و آن جوان به ضرب پیش‌دار که به سر یا پیشانی گراز رساند، به همان یک ضرب، گراز را به قتل آورد، باشد که به یک دو ضرب باید کار آن را آخر کرد... آن روز که چنان نخجیر کنند، خلق انبوه بر حوالی آن حایط جمع شوند و بر شاخ هر درختی که آن حوالی باشد، متعدد بالا روند و تفریح کنند و گاه باشد که از کثرت آدمی که بر بالای یک درخت روند، از بن برآید و بیفتد و چند نفر را دست و پا بشکنند و بعضی هم باشد که بمیرند.» (۵۲)

«نادرشاه نیز که به شکار علاقه‌ای نداشت، هنگامی که به منظور انتقال سلطنت از حکام و رؤسا، قضات و علما و اشراف و اعیان ولایات را دعوت کرد تا در دشت مغان گرد آیند (۱۵ جمادی‌الآخری سال ۱۱۴۹ هجری)، برای مکتوم داشتن نیت خود، فرمان داد تا حکام ترتیب شکار جرگه‌ای بدهند و مردم ولایات قریباغ و دشت ارس را وادار به راندن جانوران وحشی نمایند که شکار به حوالی دشت مغان رانند و... از فریاد و فغان دیوان و نعره و ولوله جانوران نسخه قَزَع اکبر و نمونه دشت محشر، عیان گردید... فرمان قضانشان صادر گردید که اگر حیانا از طرفی جانوری به خروج میل نماید، همان شخصی که آنجا مقیم بوده به انواع سیاست و مؤاخذه گرفتار گردد... و در پایان این شکار شاهانه، صاحبقران، شماره عدد وحشیان را طلب فرمود، محاسبان ذی‌مهارت به عداد مامور شدند، از حاضران صیدگاه استماع افتاده بود که پنج هزار آهو و غزال در آن روز فرخ فال به داغ بی‌همال مزین گردیده بودند.» (۵۳)

شکار جرگه در دوران کریم‌خان رونق چندان نداشت زیرا او اساساً به شکار علاقه‌ای نداشت. معروف است که بزرگان قوم برای راغب گردانیدن او به شکار، روزی به توصیف شکار با باز پرداختند. کریم‌خان پرسید: باز بعد از گرفتن پرنده چه می‌کند؟ پاسخ دادند: آن را می‌خورد. کریم‌خان گفت: بگذارید برای خودش بگیرد و برای خودش بخورد.

در زمان قاجاریه به دلیل علاقه سلاطین آن دودمان، شکار

۴۹. مرتضی راوندی، تاریخ

اجتماعی ایران

۵۰. دکتر منوچهر ستوده؛

تاریخ گیلان

۵۱. نیکوترین ورزش

باستانی؛ مجموعه مقالات

سپهبد نصراللهی

۵۲. سید نصرالدین

مرعشی؛ تاریخ گیلان و

دیلمستان

۵۳. میرزا مهدی

استرآبادی؛ جهانگشای

نادر



شکار شاه طهماسب؛ استاد
رسام عربزاده ۱۹۰×۹۹
سائیمتر

شکار سلطنتی؛

قزوین، ۷۷-۱۵۶۷ میلادی
یکی از مشهورترین
سرفصل‌های شاهنامه
فردوسی که توسط
علی‌اصغر نقاش برای
شاه‌اسماعیل دوم کشیده
شده، شکار سلطنتی است.
در این تصویر شاه سوار بر
اسب سفید، با قدرت تمام
به قصد شکار می‌رود.



قوچ و میش و کل و بز چون شکار جرگه‌ای، متروک شده است، زیرا نه مشکلات زندگی اجازه جمع شدن را می‌دهد و نه امکان تدارک آن برای همه کس فراهم است... از این روی، دیگر بندرت اتفاق می‌افتد مجموع افرادی که با هم به شکار می‌روند از سه نفر تجاوز نماید.

به هر حال رسم رفتن به شکار بزرگ از این قرار است که پس از تدارک لوازم مورد نیاز مثل قند و چای، پنیر، خرما، روغن، حلواارده، نان، انواع کنسرو، میوه، برنج و روغن و... به منزل آشنایی می‌روند که در مجاورت شکارگاه مورد نظر سکونت دارد. این آشنا معمولاً اهل شکار است و از فوت و فن راهنمایی اطلاع دارد. پس از پیدا کردن کوله کش و بلد (راهنما)، در صورتی که شکارگاه نزدیک باشد و رفتن و برگشتن در یک روز میسر، مایحتاج یک روز شکار را برمی‌دارند و در کوله‌پشتی می‌گذارند. این کوله‌پشتی در سمنان «دوش‌دوره» نامیده و از پشم بافته می‌شود. در تاریک و روشن صبح شکارچی با بلد و کوله‌کش خود که شکاربندی هم همراه دارد، راه می‌افتد. گاه دو یا سه نفر

و شکار جرگه‌ای رونق مجدد یافت. در این دوران به نقل از تاریخ مسعودی رعایا و سربازان که گاه تعداد آنها به هزار نفر هم می‌رسید کوه‌های منطقه را می‌مالیدند و شکار را به جایی که شکارگران کمین کرده بودند می‌راندند. این نوع جرگه را که تعداد کوه‌مالان زیاد بود، جرگه عام می‌گفتند. از نظر تعداد، جرگه بزرگ در ردیف بعدی قرار داشت. در جرگه معمولی تعداد کوه‌مالان کمتر از این دو نوع بود. توفیق در این نوع شکار بستگی به نظم و ترتیب و مهارت کوه‌مالان که به آن‌ها روچی می‌گفتند داشت و به همین خاطر، گاه تعداد شکاری که زده می‌شد به پانصد یا پانصد و چهل عدد می‌رسید و گاه نیز به دلیل بی‌نظمی و عدم تربیت جرگه‌چی‌ها و کوه‌مال‌ها، شکار قابل‌ی نمی‌شد و جز دیدن و حسرت خوردن چیزی نصیب شکارچی نمی‌گردید.

«ناصرالدین شاه به شکار جرگه فایل نبود ولی به اغوای اطرافیان که خواهان گوشت بسیار و جلوکباب لذیذ بودند هر دو سال یکبار امر به جرگه می‌کرد. چادر آفتاب‌گردان شاه را در جایی مناسب می‌افراشتند. گروهی انبوه با طبل به راهنمایی میرشکار و قرقچی‌ها کوه‌ها را همه‌جا می‌گشتند و حیوان‌ها را می‌راندند و رفته‌رفته حلقه را تنگتر می‌کردند تا آنجا که شکارها ناگزیر از سینه برابر چادر می‌گذشتند. نخست شاه چند تیر گلوله به شکارها می‌افکند، آنگاه دیگران به تیراندازی می‌پرداختند...» (۵۴)

به این ترتیب مشخص می‌شود که نحوه جرگه در این دوران با گذشته فرق داشت و تعداد شکاری که زده می‌شد نسبت به دوران قبلی کمتر بود.

پس از قاجاریه ظاهراً به علت عدم وجود امکانات، رسم شکار جرگه‌ای تقریباً متروک شد و امروز تنها در پاره‌ای از روستاها و مناطق عشیره‌نشین تعداد محدودی روچی شکار را به طرف معبر یا گذاری که شکارچی در نزدیکی آن کومه نشسته و کمین کرده است، می‌رانند.

شکار در گذشته به شیوه گروهی انجام می‌شد؛ عده‌ای اهل دل و ذوق که هر کدام هنری داشتند، همراه شکارگران راه می‌افتادند و در شکارگاه‌های خوش آب‌وهوا اردو می‌زدند. شکارگران روزها به شکار می‌پرداختند و شب‌ها همه دور آتش بزرگی جمع می‌شدند و ضمن تعریف خاطرات شیرین و تمام‌نشدنی شکارهایشان به عیش و طرب می‌پرداختند. در زمان ما این گونه شکار رفتن، خصوصاً در مورد شکار بزرگ مثل

۵۴. یادداشتی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه

شکارچی با یک بلد و یک یا دو نفر کوله کش به کوه می‌روند. چنانچه شکارگاه دور باشد و رفتن و برگشتن در یک روز میسر نباشد، باروبنه را به وسیله مالدارها، با الاغ یا قاطر به محل مورد نظر حمل می‌کنند. مالدارها پس از رساندن بار به مقصد و تعیین روزی برای مراجعت، باز می‌گردند.

کشیدن دوربین و پیدا کردن شکار را شکارگر و راهنما با هم انجام می‌دهند و معمولاً شکارچی را راهنماهای ورزیده به ماهرخ شکار و سر تیر می‌برند بعد از زدن شکار و ذبح آن، برای جلوگیری از فساد گوشت و سهولت حمل، شکم را خالی می‌کنند و دل و جگر اولین شکار را به سیخ‌های چوبی که از درختچه‌ها بریده‌اند، می‌کشند یا قطعات آن را روی آتش می‌گذارند و کباب می‌کنند و می‌خورند. گاه نیز ممکن است آتش پای سختون‌ها را روشن کنند و تکه‌های جگر را به دیواره‌های عمودی که کاملاً داغ شده‌اند بچسبانند. قطعات کوچک جگر را در داخل روده جای می‌دهند و دو طرف روده را گره می‌زنند و آن را روی آتش می‌اندازند.

بعد از خالی کردن شکم شکار و رفع خستگی، کوله کش شکار را با شکاربند به نحو مخصوصی می‌بندد و به کول می‌کشد و به آبادی یا محل استقرار می‌رساند. قدرت کوله کش‌ها در حمل لاشه شکار که گاهی وزنش از هشتاد کیلوگرم تجاوز می‌کند، در ناهمواری‌های کوه اعجاب‌آور است.

در پایان شکار معمولاً سهمی هم از گوشت به راهنما و کوله کش‌ها داده می‌شود، به این خاطر غالباً شکارچی‌ها بیشتر از حد محاز شکار می‌روند. هنگام مراجعت دستمزدها پرداخت می‌شود؛ دستمزد راهنما حداقل روزی ده هزار ریال، دستمزد کوله کش هر روز پنج هزار ریال، دستمزد مالدار هر روز پنج هزار ریال، کرایه قاطر و الاغ برای هر رأس در روز پنج هزار ریال و هزینه سکونت در منزل پنج هزار ریال برای هر شب. (این نرخ‌ها نشان از دو دهه گذشته دارد) هر یک از شکارگران پس از احتساب کل مخارج، سهم یا دانگ خود را می‌پردازد. حاصل شکار، به‌طور مساوی به تعداد شکارگران تقسیم و کنار گذاشته می‌شود و برای اجرای کامل عدالت به یکی از آن‌ها تکلیف می‌شود که رویش را برگرداند و بگوید قسمتی که با دست به آن

اشاره می‌شود سهم چه کسی است.

یکی از لوازمی که کوله کش‌های سمنان، دامغان و گرگان به هنگام شکار برمی‌دارند، وسیله‌ای است به نام گُندوک. این وسیله شبیه آفتابه بدون لوله‌ای است که از ورقه آهن سفید ساخته می‌شود. کوله کش، هر چند یکبار توقف می‌کند و بوته گونی را آتش زده و گندوک را کنار آن می‌گذارد و پس از به جوش آمدن آب، که در اندک مدتی صورت می‌گیرد، چای خشک در آن می‌ریزد. چای تهیه‌شده به این وسیله بسیار مطبوع و خوش‌رنگ و مورد علاقه محلی‌ها است. اخیراً به جای گندوک از بُطری‌های آلومینیومی که به دقت شسته و تمیز شده است، استفاده می‌کنند.

بلدها در بردن شکارچی به محل شکار و پیدا کردن آن و سرتیر بردن شکارچی و خلاصه موفقیت او در شکار نقش مؤثری دارند و بارها اتفاق افتاده است که بلدها، شکارچی‌های غریبه یا خسیس را سرتیر نبرده‌اند و یا حتی با به هم زدن تنظیم دوربین تفنگشان در موقعیتی مناسب، موجبات ناکامی آن‌ها را در شکار فراهم کرده‌اند.

شکار ترفندهای خاص خود را دارد؛ مثلاً کل‌های کهن سال که سرد و گرم روزگار چشیده‌اند، سوراخی می‌شوند. بدین معنی که سوراخی را در میان سختون و دیواره‌های غیرقابل عبور انتخاب می‌کنند و تمام مدت را در آن می‌مانند و جز دم صبح و غروب بیرون نمی‌آیند و پس از بیرون آمدن هم در همان اطراف غار چرایی می‌کنند و برمی‌گردند. به این خاطر دسترسی و شکار این کل‌ها فوق‌العاده مشکل است. برای رفع این اشکال در منطقه بیستون کرمانشاه، قوطی‌های حلبی را پر از ریگ کرده و با ریسمانی جلوی سوراخ آویزان می‌کنند و با تکان دادن مداوم آن‌ها کل را ترسانده و وادار به ترک سوراخ خود می‌نمایند. گاه بدنه پیت حلبی معمولی را از چند جا سوراخ می‌کنند و بعد از انباشتن آن از کاه، آن را آتش زده و به همان شیوه جلوی سوراخ مورد نظر آویزان می‌کنند و آنقدر نگاه می‌دارند تا دود مدخل سوراخ را پر کند و کل وادار به خروج از آن بشود.

بین گله‌داران و شکارچیان اطراف سمنان طبخ غذایی به نام «دیگی» مرسوم است که در عین ماکول بودن بسیار مقوی است.

طرز تهیه دیگری به این صورت است که ابتدا در گودال آتشی بزرگ می‌افروزند و می‌گذارند تا شعله‌های آتش فروکش کند. بعد مقداری برنج و گوشت شکار یا گوسفند را با چربی‌های آن دردیگ می‌ریزند و پس از افزودن آب و ادویه و نمک، در دیگ را محکم می‌بندند و آن را شب در گودال چال می‌کنند و رویش را با آتش می‌پوشانند. صبح فردا دیگ را که محتویاتش به ملایمت پخته است بیرون می‌آورند و مصرف می‌کنند. قوت این غذا در آن حد است که مصرف‌کننده تا عصر احساس کرسنگی نمی‌کند.

در عرصه شکار هم، چون دیگر زمینه‌ها، اعتقادات و باورهای گونه‌گونی وجود داشته و دارد. تا آنجا که این اعتقادات به خرافات طعنه‌زنند پذیرفتنی است...

اعتقاد به بردن نام خدا و نرفتن شکار در ایام عزیز یعنی روزهای مصادف یا شهادت و وفات ائمه اطهار از جمله اعتقادات همگان است.

علاوه بر این، پاک و طاهر بودن شکارگر و همراهان او جنبه همگانی دارد، بدین معنی که شکارگر نباید جُنُب باشد. اعتقاد به این امر در پاره‌ای از مناطق در آن حد است که یکی از دلایل نیافتن و نزدن شکار را جُنُب بودن یکی از افراد گروه می‌دانند. همچنین برخورد با کسی را که به حمام می‌رود، در شروع شکار به فال بد و برخورد با شخصی را که غسل کرده از حمام می‌آید به فال نیک می‌گیرند. در پاره‌ای از مناطق چنان وسواسی درباره پاک بودن به خرج می‌دهند که به گفته فرد اعتماد نمی‌کنند و همه را وادار به غسل حضوری پیش از شروع شکار می‌کنند.

در بسیاری از مناطق، خصوصاً غرب کشور، دیدن خرگوش در آغاز شکار به فال بد تعبیر می‌شود. برای از بین بردن این اثر نامیمون، شکارچیان مسافتی از راهی را که آمده‌اند برمی‌گردند و سپس دوباره مراجعت می‌کنند. برعکس دیدن روباه را به فال نیک می‌گیرند.

در استان مرکزی عقیده دارند که همراه داشتن پنجه خشک‌شده خرگوش موجب موفقیت در شکار می‌شود.

در بیشتر مناطق خصوصاً غرب کشور، عقیده دارند که رد شدن از روی تفنگ و نظر بد باعث می‌شود که تفنگ به چله

بیفتد و تیرهای آن در شرایط مناسب به هدف اصابت نکند. از این رو گذاشتن تفنگ را به حالت درازکش در روی زمین منع می‌کنند و چنانکه ببینند کسی از روی تفنگ رد شده است او را وادار به مراجعت از همان مسیر می‌نمایند. دودکردن اسفند و ادرارکردن اطراف تفنگ و زدن حیوان حرام گوشت به‌ویژه کلاغ را، برای رفع چله مؤثر می‌دانند.

در اسدآباد و اطراف کرمانشاه نگه‌داری وحوش خصوصاً کبک، قوچ و میش، کل و بز را در منازل بدشگون می‌دانند و معتقدند که موجب بدبختی دارندگان آنها می‌شود. اما برای لک‌لک که با فرارسیدن بهار به روستاها می‌آید و در بلندی‌های منازل آشیانه می‌سازد، احترامی خاص قایلند و عقیده دارند که وقتی لک‌لک پایش را به آب بزند آب‌ها گرم و یخ‌ها ذوب می‌شود. به این پرند زبیا و خوش‌یمن که صدای دلنوازی شبیه غلغل قلیان دارد، حاجی لک‌لک می‌گویند. همچنین شکار لک‌لک و کبوتر، به‌ویژه کبوترچاهی را بدیمن می‌دانند.

در مازندران، پیه خرس را برای معالجه درد مفاصل و در غرب و استان مرکزی، گوشت خرگوش و کلاغ سیاه را برای معالجه سیاه‌سرفه، مفید می‌دانند.

مردم بیشتر مناطق اعتقاد دارند که گوشت بلدرچین و کبوتر خصوصاً جوجه کبوتر که به حد رشد رسیده اما هنوز پرواز نکرده است برای تقویت قوای جنسی مؤثر است و شاید به همین علت باشد که در آذربایجان جوجه کبوترها را قبل از پرواز از کبوترخان‌ها می‌گیرند و گوشت لطیف آن‌ها را مصرف می‌کنند. بسیاری معتقدند مصرف یک بار گوشت شکار در سال شفابخش است. شاید معمول بودن تقسیم گوشت شکار بین همسایه‌ها ناشی از همین اعتقاد باشد.

برخی نیز استعمال پنجه خشک‌شده گرگ را برای رفع آماس پستان زن‌ها و حیوانات شیرده مؤثر می‌دانند، برای این کار پنجه خشک‌شده را به نرمی به محل آماس می‌مالند و به مؤثر بودن این نوع معالجه اعتقادی کامل دارند.

در شاهرود و دامغان و سمنان، زهره کل را درسته می‌بلعند و معتقدند که این امر موجب قدرت در کوه‌رویی و مانع خسته شدن شکارچی می‌شود.



گلیم بهرام گور؛ استاد رسام
 عربزاده ۱۴۸×۲۶۰
 سانتیمتر

شکارگاه‌ها و سلاطین

فراوان بود. بین فارس و خوزستان، سمیرم و اصطخر. در ملک فارس مرغزار بسیار است، آنچه بزرگتر و نیکوتر یاد کنم، مرغزار دشت ارژن... و درو شیر نر شرزه باشند، طول این مرغزار دو و عرض یک فرسنگ است، مرغزار سیکان میان شیراز و کوار، طول این مرغزار پنج فرسنگ و عرض آن سه فرسنگ است و جای شیران و مرغزار کام‌فیروز که در آن شیر است و از بیم شیر آنجا چارپا کم برند و مرغزار کازرون طولش سه فرسنگ و عرض دو فرسنگ، گیاهان این مرغزار همه نرگس خودروست... که از کثرت بوی نرگس در آن مرغزار سرخوش شود و دل تفریح نماید و گوراب واقع در جنوب همدان».

علاوه بر این شکارگاه‌ها، محل‌های وسیع پرآب و گیاهی وجود داشت که محصور شده بود و جانوران را به محوطه آن‌ها می‌راندند و نگه می‌داشتند. به این محل‌ها «پاراداسه» یعنی جای محصور و بسته می‌گفتند.

دکتر معین در این خصوص می‌نویسد: «در زمان هخامنشیان، در ایران زمین بزرگ و در سراسر قلمرو آنان، بخصوص در آسیای صغیر «پیری و ثرها» یا فردوس‌ها که باغ‌های بزرگ و پارک‌های باشکوه پادشاه و «خششه پاون‌ها» (حاکمان) و بزرگان ایران بوده، شهرتی داشت. این محوطه، چنانکه «گزنفون» و «پلوتارک» می‌نویسد، درختان انبوه و تناور داشتند و آب در میان آن‌ها روان بود. چارپایان بسیار برای شکار در آن‌ها پرورش

همانطور که در فصول گذشته اشاره شد، داشتن شکارگاه از زمان‌های دور در ایران معمول بوده است، حتی پادشاهان بابل و ماد شکارگاه‌های عریض و طویلی داشتند. شکارگاه جای عیش و تفنن پادشاه و بزرگان بود و شاهان با تشریفات مفصل در آن‌ها به عیش و شکار می‌پرداختند. این شکارگاه‌ها «جایی بزرگ بود با آب‌ها و سبزه‌های خوش و نزه، مناسب برای نشستن شکار و در آن کمین‌گاه‌ها ساخته بودند برای کمک به شکارچیان... دیده‌بانان به دنبال شکار می‌رفتند و آن‌ها را به سوی شکارگران می‌آوردند.» (۵۵)

وسعت این شکارگاه‌ها به ده فرسنگ در پنجاه فرسنگ می‌رسید. اسامی بعضی از این شکارگاه‌ها که در تاریخ ضبط شده عبارتند از: شکارگاه بلاشان و گاوخانی (گاوخونی) در اصفهان، «که هر شکاری در او باشد» (۵۶) قزوین «که علفزار و شکارهای نیکو دارد» (۵۷) ابهر، فراهان، اسدآباد، خلخال «که ماست آن آنچنان می‌بندد که مانند پنیر به کار می‌برند و شکارگاه‌های فراوان و پرشکار دارد و شکارش سخت فربه بود» (۵۸) کردستان، شوشتر «که شکارگاه‌های بسیار دارد» (۵۹).

رساله ملکشاهی گوید: «چهار شکارگاه است بزرگ، یکی خشی‌آباد ۱۵ در ۱۲ فرسنگ، دوم دورق و هندویان ۲۰ در ۱۰ فرسنگ، سیم شهدکافی ۱۰ در ۶ فرسنگ، چهارم حویزه ۲۰ در ۱۲ فرسنگ با علفزارهای خوب، شیراز که در او نخجیر کوهی و دشتی

۵۵. ابوالحسن نسوی؛

بازنامه نسوی

۵۶. حمدا... مستوفی؛

نزهت‌القلوب

۵۷. همان منبع

۵۸. همان منبع

۵۹. همان منبع



صحنه شکار پیروزشاه؛ چهارترخان، موزه فیلادلفی

ترکیب نقشی صحنه شکار پیروزشاه (۴۸۴ - ۴۵۹ میلادی) که در چهارترخان، نزدیک تهران به دست آمده کاملاً خاص است. در اینجا فن ویژه‌ای از گچ‌بری به کار رفته و موضوع‌های متفاوت، جداگانه قالب‌گیری شده و در کنار هم قرار گرفته‌اند.

محتوی این نقش شامل این موارد است: نقش شاه که دو گراز به او حمله کرده‌اند، شاه که بر این دو حیوان پیروز شده، فرار دسته‌گرازان، حیوانات و اشخاص در این نقش در یکدیگر فشرده شده‌اند و به ردیف‌های موازی و ارتفاع صحنه صف کشیده‌اند و کاملاً تابع طرح پرده‌گچ‌بری هستند.

فرسنگ در دو فرسنگ و بعضی متمر گردانیده، چنانکه همه نوع میوه سردسیری و گرمسیری درو بودی... باقی چون می‌دانی، به علفزار گذاشته و درو انواع حیوانات سرداده، تا توالد و تناسل کردند».^(۶۱)

با ظهور اسلام و انقراض ساسانیان، این رسم نیز مانند سایر رسوم به جانشینان آن‌ها منتقل شد. در دوره تمدن اسلامی، شکار پرنده، چرنده و درنده معمول شد و مسلمانان از ایرانیان و رومیان چیزهای تازه‌ای در مورد شکار آموختند. «سلطان ابو عبدالله المستنصر» مانند «معتصم» برای خود شکارگاه و قرقگاه در ناحیه «برزت» ساخت، به قدری این شکارگاه وسیع بود که حاجتی به راندن شکار نداشت و همه نوع چرنده و پرنده در آن محوطه وسیع یافت می‌شد.

در زمان قاجاریه اراضی پهناوری از مملکت به شکارگاه سلطنتی اختصاص یافت؛ از جمله می‌توان از منطقه سرخه‌حصار و خجیر در شمال شرقی تهران که در زمان فتحعلی شاه قرق شد و شهرستانک، لار، لویزان، هرده رود، امامه، دوشان تپه، لواسان، جاجرود، کلاردشت نام برد. علاوه بر این بسیاری از مالکان بزرگ و شاهزادگان، قرقگاه‌های اختصاصی وسیعی داشتند که به شدت از آن‌ها مراقبت می‌شد و کسی جز صاحبان و بستگان‌شان در آن‌ها حق شکار نداشت.

می‌یافتند. کلمه paradis در زبان‌های اروپایی و فردوس در زبان عربی و پالیز در زبان فارسی از ریشه همین کلمه است».

از اشاره گزنغون به این مطلب که کوروش بعد از دریافت اجازه شکار در منطقه آزاد و شکار کردن در آن گفت: «... ما چقدر ساده لوح بودیم، که در پارک حیوانات شکار می‌کردیم، آن هم حیوانات لاغر و ضعیفی که در جای تنگی جمع کرده بودند، یکی ناقص بود، یکی می‌لنگید، در کوه‌ها و چمن‌ها چه حیوانات فربه و قوی دیدم»^(۶۰) چنین برمی‌آید که حیوانات را صرفاً به منظور شکار به این پارک‌های محصور می‌راندند و تنها مواظبت می‌کردند که از آن محوطه خارج نشوند. از نوشته «آرتور کریستن سن» بدین مضمون «در باغ فردوس خسرو پرویز در قصر اللصوص کنگاور از انواع شتر مرغ، غزال، گورخر، طاوس، تذرو، کبک، پلنگ و شیر به وفور نگهداری می‌کرده‌اند» می‌توان چنین استنباط کرد که بعضی از این پارک‌ها جنبه باغ وحش داشت و شرایط زیست برای این حیوانات غیربومی فراهم آمده بود.

حمدا لله مستوفی درباره باغ فردوس خسرو پرویز می‌نویسد: «کرمانشاه، آن را کتب قرماسین نوشته‌اند، بهرام بن شاپور ذوالاكتاف ساخت و قبادین فیروز ساسانی تجدید عمارت کرد، شهری وسط بوده است اکنون دیهی است و صفه شب‌دیز در آن حدود است، خسرو پرویز ساخته و در صحرای آن باغ انداخته دو

۶۰ ع حسن پیرنیا؛ تاریخ ایران باستان
۶۱ ع حمدا... مستوفی؛ نزّهت‌القلوب

باغ وحش و پیشینه آن در ایران

بیشتر برای ترساندن مردم از دستگاه خلفا و پادشاهان انجام می‌گرفت. «منصور عباسی» مانند پادشاهان ایران، عده زیادی فیل داشت... بعضی از خلفا و پادشاهان اسلام در مواقع رسمی، این حیوانات درنده را با زنجیر و قلاده از باغ وحش به بارگاه خود می‌آوردند. «عضدالدوله دیلمی» برای مرعوب ساختن حضار چند شیر و ببر و پلنگ در مجلس حاضر می‌کرد. در مصر و اندلس و سایر ممالک اسلام هم، این وضع معمول بود. «احمد بن طرلان» باغ وحشی مستطیل برای شیران و پلنگان ساخته بود، در هر اتاق این باغ وحش یک شیر نر و یک شیر ماده می‌زیست. در اتاق‌ها از سقف باز و بسته می‌شد. کنار هر اتاق حوض مرمری بود و از لوله مسی آب به آن حوض می‌آمد. در وسط باغ مقدار زیادی شن می‌ریختند. معمولاً روزی دوبار شیربان‌ها از سقف اتاق، پنجره را باز می‌کردند و درندگان که با صدای او آشنا بودند، به اتاق مجاور می‌ریختند. شیربان از همان بالا، در آهنی [را] که میان این دو اتاق بود می‌ست و خودش پایین می‌آمد، اتاق را تمیز می‌کرد، شن آن را برمی‌داشت و شن تازه می‌ریخت و خوراک کافی برای حیوان می‌گذاشت. سپس بالا می‌رفت... بعضی از روزها همه درندگان را از اتاق‌ها بیرون آورده و به باغ می‌آوردند و مدتی آن‌ها را گردش می‌دادند... دیگر از سرگرمی‌های خلفای اسلام، نگاهداری پرندگان اهلی، وحشی و آهو و امثال آن بود... «الناصر» خلیفه اموی، در کاخ «الزهر» باغ وحش بزرگی ساخت و باغ وحش بزرگتری برای

نگهداری تعداد معدودی از حیوانات، به خاطر عشق و علاقه به آن‌ها و همچنین راندن حیوانات به محلی محصور برای تسهیل شکار آن‌ها، از قدیم‌ترین زمان مرسوم بوده است چنانکه پادشاه بابل، ماد، هخامنشی و ساسانی چنین پردیس‌هایی داشتند. اما از وجود باغ وحش به معنا و مفهوم امروز، یعنی محلی که در آن از گونه‌های مختلف جانوران نگهداری و مراقبت شود، اطلاع کاملی در دست نیست. با وجود این به دلیل آگاهی از علاقه وافر ایرانیان به شکار و سروکار داشتن آن‌ها با حیوانات تا آن حد که بعضی از آن‌ها را سمبل قرار داده‌اند، می‌توان یقین حاصل کرد که در ایران پیش از اسلام، باغ وحش وجود داشت و اعراب فن تاسیس و اداره آن را مانند فنون دیگر، از ایرانیان آموختند و بنا به ذوق و سلیقه و فرهنگ خود در آن تغییراتی دادند، زیرا مسلم است قومی که از شکار و فنون آن چیزی نمی‌دانست از فن تاسیس باغ وحش و اداره آن هم چیزی نداند. نوشته «جرجی زیدان» خود دلیل دیگری است بر این امر: «اعراب چیزی از شکار و فنون آن نمی‌دانستند و در دوران تمدن اسلامی بسیاری از چیزها را از ایرانیان آموختند».

او سپس به توصیف باغ وحش خلفا می‌پردازد و باغ وحش‌های خلفا را چنین توصیف می‌کند:

«یکی دیگر از سرگرمی‌های خلفا و بزرگان اسلام، نگاهداری فیل و شیر و پلنگ در محلی موسوم به باغ وحش بود. این اقدام



اثری کوچک از طلا به شکل شیر شاخدار و بالدار که توسط حلقه‌ای احاطه شده است.

محل یافت؛ همدان (هگمتانه)، قرن چهارم پیش از میلاد

محل نگه‌داری؛ موزه انستیتو شرق‌شناسی شیکاگو

را به نود هزار تومان فروخت و التماس‌های «تلوزان»^{*} را که نگاهدارد که سبب لطافت هوای تهران است، نشنید. در این باغ‌وحش از شیر و پلنگ و خرس و گرگ و بعضی از طیور و حیوانات کوهی نگهداری می‌شد... و دیگری در دوشان‌تپه (تپه خرگوش) در این باغ‌وحش ناصرالدین شاه از شیر میمون‌هایی که بین شیر و میمون یا در حقیقت میمونی بی‌آزار که از کمر به بالا به شکل شیر بوده‌اند، دو عدد شیر و یک عدد خرس و دو عدد ببر و تعدادی گوزن، آهو و بز کوهی که کنار هم به آزادی مشغول گشت‌دادن بودند، نگهداری می‌شد.

«مظفرالدین شاه هم بعد از مراجعت از فرنگ، باغ‌وحشی به سبک آن‌جا تأسیس کرد که حیواناتش از گرسنگی مردند، چون بودجه آن را متصدیان مربوطه بالا کشیدند».^(۶۲)

درباره این باغ‌وحش‌ها داستان‌های مضحک و تأثرانگیزی نقل می‌کنند که مضحک‌ترین همه، حکایت آن شیر ماده‌ایست

نگاهداری پرندگان احداث نمود و تمام اطراف و بالای این باغ سیم‌کشی مخصوصی داشت که پرندگان بیرون نروند. بعضی از آن‌ها به نگاهداری ماهی علاقه داشتند و آن را در ظرف‌های بلورین بزرگ می‌پروردند، حتی بعضی از خلفای اسلام علاوه بر درندگان، عقرب و رطیل هم نگه می‌داشتند و با آن سرگرم می‌شدند.

در «رستم‌التواریخ» که نوشته‌ایست طنزگونه، آمده است: «شاه سلطان حسین صفوی هم باغ‌وحشی داشت که در آن از انواع قوش‌ها، تازی‌ها و سگان شیرگیر پلنگ‌فرسا، فیلان مست منگلو سی، اسب‌های برق‌رفتار، تذروهای خوش‌رنگ، بوقلمون‌ها و خروس‌های رنگارنگ و مرغ‌های نغمه‌سرا و شیر و موسوره و موش خرما و افعی و سنگ‌پشت نگهداری می‌شد».

در خاطرات مخبرالسلطنه هدایت آمده است:

«در زمان ناصرالدین شاه در تهران دو باغ‌وحش بود، یکی در انتهای خیابان لاله‌زار فعلی قرار داشت که بعدها ناصرالدین شاه آن

* تلوزان؛ پزشک معالج ناصرالدین شاه
۶۲- مرتضی راوندی؛ تاریخ اجتماعی ایران



شکار شاه پهماسب؛ استاد
رسم عربزاده ۱۰۴×۱۹۰
سائیمتر

که در باغ وحش دوشان تپه بچه زایید... و شاه برای خاطر مادر آن‌ها به قدری اضطراب می‌نمود که چون خود در تهران پایبند تعزیه‌داری بود، مقرر فرمود خط‌تلگراف مستقیمی موقتاً از پایتخت تا جلو قفس شیر بکشند و آخرین خبر سلامت حیوان را به استحضار برسانند و سرانجام نیز یک منشی بی‌پروا را که تلگراف کرده بود «حال حیوان بد نیست» به این دلیل اخراج کرد که شیر حیوان نیست، بلکه آن کسی در واقع حیوان است که شیر را با چنین نامی خطاب کند».^(۶۳)

و از آن مضحک‌تر: «یک روز مظفرالدین شاه هوس دیدار باغ وحش را می‌کند و چون شیر باغ وحش مرده بود [لابد از گرسنگی] متصدی مربوطه نگران می‌شود و در مقام چاره‌جویی، یکی از عمله‌ها را وادار می‌نماید توی پوست شیر برود و هنگام نزدیک شدن شاه سرش را تکان بدهد تا شاه خیال کند شیر زنده است. او هم همین کار را می‌کند، بعد از رفتن شاه یکی از پلنگ‌ها به طرف شیر می‌آید و شیر می‌ترسد که مبادا پلنگ به او حمله کند ولی وقتی می‌بیند پلنگ به زبان آمد و گفت: کربلایی محمد تویی؟ جقدر برای این کار گرفتی؟ خیالش راحت می‌شود...».^(۶۴)

دکتر فوریه پزشک ناصرالدین شاه، درباره باغ وحش دوشان تپه می‌نویسد: «باغ وحش دوشان تپه در کنار جاده جنوبی عمارت واقع شده... و در آن یک میمون، چهار شیر نر و ماده متعلق به کوه‌های اطراف شیراز، سه ببر از مازندران و یک یوز و سه پلنگ از سواحل جاجرود و پنج خرس دماوندی هست و این خرس‌ها که پای آن‌ها را به کنده درخت بسته‌اند، هر وقت که کسی به آن‌ها نزدیک شود غوغای سختی برپا می‌کنند».

«غلام حسین خان افضل‌الملک» صاحب افضل‌التواریخ درباره باغ وحش دوشان تپه می‌نویسد: «پس از ساخته شدن قصر سلطنتی دوشان تپه در عهد ناصرالدین شاه در سنه ۱۲۶۹ هجری در جنب جنوبی دریاچه عظیمی که با قایق و کرجی روی آن سیر و تفریح می‌نمودند، باغ وحشی یا به تعبیر آن روزگار مجمع‌الوحشی

احداث کردند که اطاق‌ها و رواق‌های گوناگون داشت و آب از میان آن‌ها جاری بود و درندگانی از قبیل شیر و ببر و پلنگ و سایر وحش را در آن جای دادند و هر روز به آن‌ها طعمه می‌دادند و از جانب دیگر بروج و ابنیه مخصوصه برای طیور ساختند. پیش‌ترها باغ وحش در خود شهر، نزدیک دروازه شمیران بود و بعد از ساختن باغ وحش دوشان تپه وحش و طیور به آنجا منتقل شدند».

پس از انقراض قاجاریه نیز اقدامی برای تأسیس باغ وحش صورت نگرفت و تنها عملی که انجام شد، دایرکردن باغ وحشی خصوصی و حقیر در محوطه‌ای نامناسب واقع در خیابان ولی‌عصر در سال ۱۳۳۲ بود.

در این باغ وحش از چندگونه حیوان از قبیل: شیر، ببر، خرس، کرگدن، گورخر، میمون، فیل، ببر، قوچ و میش، کل و بزوحشی، زرافه، پلنگ، گرگ، روباه، مرال، شترمرغ و چندگونه از پرندگان و خزندگان در شرایط و محیطی بسیار نامناسب، زیر نظر متخصصین خارجی نگهداری می‌شد. این باغ وحش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعطیل شد و حیوانات آن به سرنوشتی نامعلوم دچار شدند.

در اواخر رژیم گذشته طرحی بزرگ برای احداث پارک وحشی به نام پردیسان در اراضی شمال غربی بزرگراه کرج-تهران تهیه گردید. مقدمات اجرای این طرح نیز به وسیله مشاوران خارجی فراهم شد و اقداماتی هم در این زمینه صورت گرفت. با پیروزی انقلاب، این طرح معوق ماند و منجر به طرح دعوی علیه ایران در دیوان داور و محکومیت ایران به پرداخت خسارت شد. پس از گذشت مدتی، لزوم احداث این پارک با جرح و تعدیلاتی چند مطرح شد و اقداماتی هم در این خصوص صورت گرفت که هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.

در حال حاضر در محوطه‌ای به نام باغ وحش در مشهد و شیراز و کرمان از چندگونه حیوان نگهداری می‌شود که قابل ذکر و توجه نیست.

۶۳- جرج کرزن؛ ایران و

قضیه ایران

۶۴- مجله پنما؛ آبان ۱۳۳۷

قوانین و آیین‌نامه‌های شکار و صید

درنده و خطرناک بیرون می‌آمدند و به تیراندازی با کمان گروهه اهمیت خاص می‌دادند و یکی از کارهایی که بر ارزش و اعتبار آنان... می‌افزود شکار پرندگان بود، اتخاذ نمود.

بعضی از مرغان بودند که در اصطلاح جوانمردان آن‌ها را «مرغان جلیل» یا «مرغان واجب» می‌نامیدند و هر جوانمردی می‌کوشید تا آنجا که ممکن است از این مرغان بیشتر صید کند، این مرغان چهارده نوع و تمام آن‌ها از مرغان وحشی و شکاری ساکن آب یا خشکی بودند، مثل مرغ سقا، هوبره، تغ‌تغ، عقاب، لک‌لک و غیره... درباره صید لک‌لک شرط آن بوده است که این پرنده را حتماً در خارج شهر و لااقل در فاصله پنج مقام از دیوارهای شهر شکار کنند و طول هر مقام را صد یا صدویست قدم نوشته‌اند. بدین ترتیب وقتی باید به لک‌لک تیراندازی کنند که وی دست‌کم پانصد یا ششصد قدم از شهر دور باشد. درباره «الناصرالدین بالله» نوشته‌اند که وی ۱۴۴۵ «مرغ واجب» را شکار کرده بود.^(۶۵)

برتولد اشپولر نیز در کتاب تاریخ مغول در ایران چنین می‌گوید:

«در دوره ایلخانان که شکار از سرگرمی‌های محبوب فرمانروا بود، اما فصل و زمان معینی برای این کار پیش‌بینی نشده بود، غازان در مورد جمع‌آوری بازها و پلنگ‌های شکاری ترتیبی نو داد و قوش‌چیان و پارس‌چیان را که مأمور جمع‌آوری آن‌ها بودند فرمان داد که دست از تندی و بیرحمی بردارند و نیز تعداد بازهای شکاری

پیش از ظهور اسلام ضابطه و مقرراتی درخصوص شکار وجود نداشت و پس از آن هم تا سال ۱۳۳۵ مقرراتی که کلیت و عمومیت داشته باشد وضع و به موقع اجرا گذاشته نشد.

با وجود این مدارکی در دست است که نشان می‌دهد علاوه بر ضوابط اخلاقی، گاه از سوی حکام و قدرتمندان محلی، مقرراتی در این زمینه وضع می‌شد. با وجود عدم کلیت و مقطعی بودن این مقررات اشاره به آن‌ها ضرورت دارد.

«در زمان خلافت «الناصرالدین بالله» خلیفه مسلمین که می‌دید عملاً اختیار ممالک اسلامی از دست خلفا بیرون آمده و سلجوقیان در غرب و خوارزمشاهیان در شرق ایران فرمانروایی دارند... درصدد اتخاذ سیاستی برآمد که تمام ممالک اسلامی را دوباره به اختیار عباسیان درآورد... و چون انجام این منظور را از راه لشکرکشی و جهانگیری میسر ندید به صرافت تأسیس فتوتی رسمی و دولتی که خود در رأس آن قرار گیرد افتاد و در انجام این منظور به قول «ابن اثیر» تمام کوشش خود را به «کمان گروهه» افکندن و گردآوری مرغان مصروف کرد... و پرنده‌داشتن را منع کرد مگر برای کسانی که از پرندگان او می‌گرفتند و همچنین کمان گروهه‌داری را فقط برای کسانی مجاز داشت که خویشان را به او نسبت می‌دادند. و این سیاست را برای جلب جوانمردان که به نیروی جسم و آشنایی با فنون جنگ و سلاح‌داری اهمیتی خاص می‌دادند و دسته‌دسته با سلاح‌های گوناگون برای شکار جانوران

را به ۱۰۰ و پلنگ‌ها را به ۳۰۰ محدود کرد که تنها دارندگان جواز رسمی می‌توانستند این حیوانات را برای مدتی در اختیار داشته باشند.

معیر الممالک در کتاب یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه می‌نویسد:

«نظر به قرق جاجرود و در اثر سال‌ها زحمت و مراقبت در دو سوی رودخانه، جنگلی انبوه به طول دو فرسنگ از درخت گز و بَیْه* تشکیل یافته بود. به امر شاه دراج بسیار از استرآباد و بعضی نقاط جنوبی آورده و در جنگل سر داده بودند و در زمستان‌ها فضا‌های وسیعی را در میان جنگل از برف پاک کرده برایشان دانه می‌ریختند. شکار آن‌ها ممنوع بود و رفته‌رفته رو به افزونی نهادند... انبوهی درختان سبب شد که گرازهای اطراف در جنگل گرد آیند و آنقدر تخم و جوجه دراج‌ها را خوردند تا آن‌ها را برانداختند... در این زمان شکار کل و بز و قوچ و میش با چارپاره ممنوع بود.»

«... غدغن اکید شده است. بدین خاطر شکار موقوف است. می‌خواستم یفرم‌خان را ملاقات کنم و بلیط جدید برای شکار بگیرم گفت: فردا می‌روم شهر بفرستید آنجا می‌دهم... عصر با بچه‌ها رفتم پشت باغ برای زدن خرگوش یکی در آمد تیرانداخته، نردم. روی سکوی باغ نشسته از دور دو پلیس آمدند، گفتند: برویم کمپرسی گفتیم: برای چه؟ گفتند: غدغن اکید است کسی تیر بیندازد...» (۶۶)

رواج قاچاق مسلحانه خصوصاً قاچاق اسلحه و راهزنی و قتل و غارت‌های مسلحانه موجب تصویب قانونی به نام «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» در ۱۶ اسفندماه ۱۳۰۷ شد. در این قانون مقرر شد «هر گاه کسی قاچاق اسلحه کرد... محکوم به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال خواهد گردید». این قانون در مردادماه ۱۳۰۹ ضمن یک ماده و ۲ تبصره، تفسیر شد. در تبصره ۲ آن قید شد «دولت می‌تواند برای شکار و حفاظت زراعت از حیوانات مضره یا کارکردن در معادن و غیره، داشتن تفنگ شکاری یا تفنگ نوع دیگر... را به افراد اجازه بدهد». بدین ترتیب برای نخستین بار نام شکار در قوانین کیفری ایران ضبط گردید و معلوم شد مسئله شکار مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است. به دنبال این مصوبه، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ قانون «اسلحه و مهمات جنگی» از تصویب مجلس گذشت. این قانون نیز به موجب ماده ۴۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، در بهمن

ماه ۱۳۳۵ اصلاح شد و سرانجام در تاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۱۶ نسخ و قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح، مشتمل بر ۵ ماده و ۶ تبصره جایگزین آن شد.

در خلال این مدت یعنی در سال ۱۳۱۱، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۸ قوانینی درباره جنگل‌ها و مراتع سواحل بحر خزر و جنگل‌ها و مراتع سایر نقاط کشور به تصویب رسید که سرانجام منجر به قانون ملی شدن مراتع و جنگل‌ها در سال ۱۳۴۲ شد. از آنجا که مهم شکار همچنان مسکوت مانده بود، در اسفندماه سال ۱۳۳۵ قانونی به نام «طرح قانونی راجع به شکار» در ۷ ماده و ۱۰ تبصره از تصویب قوه مقننه گذشت و از تاریخ ۳۵/۱۲/۲۵ به مورد اجرا گذاشته شد.

به هر حال تا سال ۱۳۳۵ به جز نظام‌نامه‌ای که از سوی نظمی به منظور جلوگیری از شکار بی‌رویه وضع شده بود و عبارت بی‌محتوای «شکار آهو در شب با اتومبیل غدغن است» که در پشت جوازهای حمل تفنگ نوشته می‌شد، از جهت کیفری قانون و مقرراتی که عمومیت داشته باشد در مورد شکار وجود نداشت. عبارت از جهت کیفری به این دلیل مطرح می‌شود که در مواد ۱۷۹ و ۱۸۰ از باب ششم قانون مدنی مصوب فروردین ماه ۱۳۱۴ گفته شده بود که «شکار موجب تملک است» و «شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد موجب تملک نمی‌شود.»

کانون شکار و قانون شکار

در قانون شکار مصوب سال ۱۳۳۵ قید شده بود که به منظور حفظ نسل انواع شکار و نظارت در اجرای مقررات مربوط به آن، سازمان مستقلی به نام «کانون شکار ایران» تشکیل می‌شود (ماده ۱) که عضویت در آن افتخاری است (تبصره ۱ ماده ۱). کانون شکار در مراکز استان‌ها و شهرها و بخش‌ها شعبه داشت (تبصره ۲ ماده ۱) و ریاست آن در استان‌ها با استاندار و در شهرستان‌ها با فرماندار و در بخش‌ها با بخشدار بود و اعضای آن‌ها از طرف علاقه‌مندان برای مدت دو سال انتخاب می‌شدند. (مواد ۱۲ تا ۲۶ آیین‌نامه قانون شکار مصوب سال ۱۳۳۶). وظایف کانون شکار به موجب ماده ۳ از قانون فوق‌الذکر، عبارت بود از «صدور پروانه برای شکار در مناطقی که کانون تعیین می‌نماید و تعیین حیوانات غیرمجاز و مناطق و فصول ممنوعه».

* بَیْه: درخت پسته وحشی
۶۶- خاطرات شکار به

بهای پروانه نیز به تناسب نوع شکار از سیصد تا ده هزار ریال تعیین شد و مقرر شد که وجوه حاصل از آن برای حفظ نسل شکار هزینه شود.

ضامن اجرای مقررات مصوبه، ماده ۵ این قانون بود که به موجب آن اقدام به شکار بدون پروانه، شکار در مناطق و فصول ممنوعه و غیرمجاز، شکار با طرق و وسایل ممنوعه و فروش شکار غیرمجاز، مجازات حبس تأدیبی داشت. این مجازات شامل حبس تأدیبی از یازده روز تا دو ماه و جریمه نقدی از دوهزار تا بیست هزار ریال یا هر دو مجازات می شد. در این قانون برای کسانی که مرتکب تکرار جرم شوند و هم چنین مأمورینی که گزارش خلاف واقع بدهند نیز مجازات هایی پیش بینی شده بود.

آیین نامه اجرایی قانون مذکور مشتمل بر ۵۷ ماده و چند تبصره در ۳۶/۱۰/۱۶ به تصویب رسید و بعدها آیین نامه های مصوب سال ۱۳۳۸ و ۱۳۴۲ جایگزین آن شد. این آیین نامه تا تصویب قانون شکار و صید در سال ۱۳۴۶ اجرا می شد.

بعد از تصویب قانون شکار و تشکیل قانون شکار در تهران و مراکز استان ها و تعدادی از شهرستان ها، اعضای آن که از مطلعین و علاقه مندان به شکار بودند، از طرف شکارچیان انتخاب شدند. آنها با شناختی که از مناطق خود داشتند، برای اجرای مقررات وضع شده، از شکارچیان محلی که در مناطق حضور داشتند و از شکارگران به نام بودند، بهره گرفتند. به این ترتیب با اتخاذ این رویه، هم دست آن ها را از کوه بردند و مقیدشان ساختند و هم از اطلاعات وسیع و مهارت آن ها در اجرای قانون و کنترل مناطق استفاده کردند.

تصویب این قانون و تشکیل قانون شکار ایران، نخستین قدمی بود که در جهت سامان دادن به آشفته گی ها و حفظ و حمایت از حیات وحش کشور برداشته شد و مقدمات حرکت های بعدی را که در اجرای این امر صورت گرفت و تاحدی موفقیت آمیز بود، فراهم نمود.

سازمان شکاربانی و نظارت بر صید

در ۱۶ خرداد ماه سال ۱۳۴۶ با تصویب قانون شکار و صید در ۳۱ ماده «سازمان شکاربانی و نظارت بر صید» که سازمانی بود مستقل و تحت نظر وزارت کشاورزی اداره می شد جایگزین

قانون شکار گردید. در آذرماه آن سال با تشکیل وزارت منابع طبیعی، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید تحت پوشش این وزارت قرار گرفت.

به موجب ماده ۶ از این قانون که بعد از انجام اصلاحاتی در سال ۱۳۵۳ به قوت خود باقی ماند، وظیفه نظارت بر شکار و صید به سازمان شکاربانی و نظارت بر صید محول شد. علاوه بر آن انجام امور تحقیقاتی و مطالعات مربوط به حیات وحش کشور، تکثیر و پرورش حیوانات و مطالعات مربوط به حیات وحش کشور، تکثیر و پرورش حیوانات وحشی و حفاظت از زیستگاه های آن ها، تعیین مناطقی برای احداث پارک وحش و تأسیس موزه حیوان شناسی به عهده این سازمان واگذار گردید.

سازمان حفاظت محیط زیست

در بهمن ماه ۱۳۵۰ همزمان با انحلال وزارت منابع طبیعی و تشکیل وزارت کشاورزی، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به «سازمان حفاظت محیط زیست» تغییر نام داد. علاوه بر وظیفه حفاظت از محیط زیست طبیعی، وظیفه حفاظت از محیط زیست انسانی نیز به این سازمان محول شد. این امر گرچه ابتدا بسیار مؤثر بود اما بعدها مشکلات عمده ای را فراهم نمود، چراکه مسئله محیط زیست انسانی در رأس مسایل قرار گرفت.

اگر بپذیریم بیشترین نیروی سازمان حفاظت محیط زیست، صرف حل مشکلات محیط زیست انسانی شده باشد، غفلت از محیط زیست طبیعی و حفاظت و حمایت از جمعیت جانوری، موجب نقصان در بسیاری از زیستگاه ها و پارک ها و مناطق حفاظت شده که اعتبار و عنوانی یافته بودند گردید و جمعیت وحش که می رفت احساس امنیت و آسایش کند پراکنده شد.

در خرداد ماه ۱۳۵۰ قانون «حفاظت و به سازی محیط زیست» در ۲۱ ماده تصویب شد. طبق این قانون سازمان حفاظت محیط زیست وابسته به نخست وزیری و اداره امور آن به شورای عالی حفاظت محیط زیست مرکب از ۹ وزیر و پنج نفر از اشخاص واجد صلاحیت محول شد. رییس سازمان به پیشنهاد شورای عالی و موافقت نخست وزیر (یا رییس جمهور) طبق ضوابط ماده ۵ این قانون منصوب می شود و سمت معاونت نخست وزیر (یا رییس جمهور) را دارد. آیین نامه اجرایی این

این قانون، اسفندماه ۱۳۵۴ از تصویب هیئت وزیران گذشت.

به این ترتیب «سازمان حفاظت محیط زیست» علاوه بر حفاظت از محیط زیست انسانی، عهده دار حفاظت از محیط زیست طبیعی و انجام دادن اقداماتی گردید؛

- تنظیم و اجرای مقررات شکار و صید، حفظ و نگاهداری شکارگاه ها و فضای حیاتی جانوران وحشی، حمایت جانوران در برابر گرسنگی، تشنگی و صید بی رویه و عوامل و حوادث نامساعد جوی، فراهم آوردن امکانات تکثیر و پرورش و کوشش در اصلاح نژاد آن ها، ایجاد پارک های وحش و موزه های حیوان شناسی، تنظیم برنامه های آموزشی به منظور تنویر افکار عمومی و آشنایی مردم با طبیعت و حیات وحش.

- برقراری محدودیت و ممنوعیت از نظر زمان، مکان، نوع، شیوه و تعداد شکار و صید.

- همکاری با سازمان های مربوط به جنگل ها و مراتع، آب و خاک و سازمان های مشابه خارجی و بین المللی به منظور حفظ منابع طبیعی و حفظ و حمایت جانوران وحشی و مهاجر.

در انجام وظایف تعیین شده، شورای عالی حفاظت محیط زیست مقررات نسبتاً جامعی در مورد طبقه بندی مناطق و جانوران و ممنوعیت و محدودیت های شکار و صید وضع نمود. ضمن مصوبات ذکر شده، شکار و صید چنین تعریف شد: «شکار عبارتست از کشتن یا گرفتن یا تعقیب کردن به هر کیفیت و وسیله و طریق و صید عبارت است از کشتن یا گرفتن آبیان قابل صید به هر وسیله و طریق یا تیراندازی به آن ها».

«جانوران وحشی به چهار دسته: پستانداران، پرندگان، خزندگان و آبیان قابل صید تقسیم شدند و حیوانات در شرف تکثیر یا در معرض خطر یا نادر و نافع «حمایت شده» اعلام و شکار و صید آن ها در هر زمان و مکان ممنوع اعلام شد مگر در موارد استثنایی و با اجازه مخصوص (پروانه ویژه) سازمان محیط زیست» (۶۷)

ممنوعیت ها و محدودیت ها...

در مقررات شکار و صید، علاوه بر تحصیل پروانه، محدودیت ها و ممنوعیت های دیگری نیز پیش بینی شده است. **ممنوعیت زمانی**؛ منظور ممنوعیت شکار و صید در فصولی است که از سوی سازمان محیط زیست، تعیین و اعلام

می شود. برای مثال شکار و صید از یک ساعت بعد از غروب آفتاب تا یک ساعت قبل از طلوع ممنوع است. فصل مجاز شکار کل و بز و قوچ و میش وحشی در سال ۱۳۷۰ از تاریخ پانزدهم شهریور ماه تا اول دی ماه تعیین و اعلام شده بود.

ممنوعیت و محدودیت مکانی؛ منظور ممنوعیت شکار و صید در مناطق معین (پارک ها، مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش) است. برای مثال شکار در مناطق حفاظت شده در تمام فصول سال ممنوع است مگر پس از کسب اجازه مخصوص (پروانه ویژه) از سازمان مسئول.

ممنوعیت کیفی؛ منظور منع زنده گرفتن پرندگان و پستانداران بدون داشتن پروانه است. علاوه بر این از بین بردن تخم پرندگان و تیراندازی از داخل اتومبیل از فاصله پنجاه متری حریم جاده ها ممنوع است.

ممنوعیت طریقی؛ منظور ممنوعیت شکار و صید با اسلحه خودکار و نیمه خودکار، تفنگ های سرپر و خفیف کالیبر ۱۲، ۱۶، ۲۰ و ۲۲ برای شکار پستانداران است. همچنین استفاده از چهارپاره برای شکار کل، بز، قوچ، میش، خرس و پلنگ در تفنگ های ساچمه زنی و صید با سم، بستن سد و کلهام در مسیر رودخانه ها ممنوع است. شکار بلدرچین با پروانه عادی، شکار مرغابی با تور هوایی، تعقیب و شکار پرندگان آبی با قایق موتوری، تعقیب و شکار پستانداران با وسایل نقلیه موتوری، شکار جرگه، صید از طریق میدان مغناطیسی و جریان برق و همچنین شکار و صید زاید بر تعداد منع شده است.

تعیین این محدودیت ها و تغییر و تبدیل آن ها از وظایف شورای عالی سازمان محیط زیست است. این شورا با در نظر گرفتن مقتضیات، شرایط زیست و تعداد جانوران قابل شکار، پس از بررسی های لازم و کسب نظر کارشناسان اعلام نظر می کند. برای مثال منطقه ای را حفاظت شده اعلام می کند، محدوده ای را از مناطق حفاظت شده خارج می نماید، تعداد شکار مجاز انواع جانوران قابل شکار را کاهش یا افزایش می دهد.

پروانه شکار و صید و انواع آن

پروانه شکار اجازه نامه ای است که در قبال دریافت مبلغ معینی در اختیار شکارگر و صیاد قرار می گیرد. به موجب این پروانه، دارنده می تواند تعداد معینی از حیوانات را در محدوده و

۶۷ آیین نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب دی ماه ۱۳۴۶

زمانی معلوم صید و شکار کند. تعیین ضوابط شکار و صید و قیمت پروانه، که در سال‌های اخیر افزایش چشم‌گیری یافته از اختیارات شورای عالی سازمان محیط‌زیست است.

سال ۱۳۷۰ قیمت پروانه صید ماهی قزل‌آلا با قلاب و تعداد مجاز صید آن در رودخانه‌ها و دریاچه‌ها متفاوت بود. مثلاً در کرج (زیر سد) ۵ عدد ۱۰۰۰ ریال، سد کرج در رودخانه جاجرود ۵ عدد ۲۰۰۰ ریال، رودخانه سد لار ۱۰ عدد ۳۰۰۰ ریال، رودخانه‌های بلور و ليقوان و زاینده‌رود ۷ عدد ۱۰۰۰ ریال بود. قیمت پروانه صید در رودخانه‌های داخلی کشور به استثنای رودخانه‌های گیلان و مازندران در رودخانه‌های حفاظت شده ۲۵۰۰ ریال و مدت اعتبار آن از تاریخ صدور تا آخر اسفندماه بود. در گیلان و مازندران قیمت پروانه ۴۰۰۰ ریال و اعتبار آن از اول آریبهشت تا ۱۵ اسفندماه تعیین شده بود.

قیمت پروانه شکار پرنده وحشی غیرحمایت شده در سال ۷۰۰۰ ریال است و هر شکارچی می‌تواند از سه استان پروانه بگیرد.

قیمت پروانه شکار کل و بز و قوچ و میش ۲۰۰۰۰ ریال و اعتبار آن در هر نوبت سه روز است و شکارگر می‌تواند ۴ نوبت در سال پروانه بگیرد و در سه نوبت یک رأس کل یا قوچ و در یک نوبت یک رأس بز یا میش شکار کند.

خلاصه‌ای از دستورالعمل صدور پروانه شکار کل و بز و قوچ و میش در سال ۱۳۷۰ به‌عنوان نمونه نقل می‌شود.

- ۱- بهای پروانه ۲۰۰۰۰ ریال
- ۲- مدت اعتبار پروانه سه روز است و تمدید نخواهد شد.
- ۳- فصل مجاز شکار کل و بز و قوچ و میش وحشی از تاریخ ۱۵ شهریورماه تا اول دی‌ماه سال ۱۳۷۰ و برای تمام شرایط آب‌وهوا یکسان است.
- ۴- در فصل مجاز شکار، جهت متقاضی حداکثر سه برگ پروانه شکار کل یا قوچ و یک برگ پروانه بز یا میش صادر می‌گردد.
- ۵- متقاضیان باید شخصاً جهت دریافت پروانه مراجعه نمایند.
- ۶- دارنده پروانه در مدت اعتبار آن می‌تواند فقط یک رأس کل و بز و قوچ و میش که در پروانه مشخص شده شکار نماید.
- ۷- صدور پروانه منوط به ارائه جواز حمل اسلحه گلوله‌زنی و دفترچه شناسایی ویژه شکارچیان از طرف متقاضی است.
- ۸- استفاده از تفنگ‌های سرپر و هرگونه اسلحه گلوله‌زنی که کالیبر آن از شش میلیمتر کمتر باشد از جمله تفنگ‌های خفیف

کالیبر ۲۲ و استفاده از تفنگ‌های ساچمه‌زنی از قبیل ۲۰، ۱۶، ۱۲ و... و استعمال فشنگ ساچمه‌زنی و چهارپاره و تک‌گلوله‌زنی برای شکار کل و بز و قوچ و میش ممنوع است.

۹- پروانه غیرقابل انتقال است و جهت افراد مختلف از قانون شکار و صید صادر نمی‌شود.

- در حال حاضر چهار نوع پروانه شکار و صید صادر می‌شود:
- ۱- پروانه عادی برای شکار پستانداران، پرندگان، خزندگان و آبی‌زیان غیرحمایت‌شده در مناطق آزاد.
 - ۲- پروانه ویژه برای شکار و صید انواع حیوانات در مناطق حفاظت‌شده، پارک‌ها و حیوانات حمایت‌شده.
 - ۳- پروانه انتفاعی برای شکار و صیدی که جنبه حرفه‌ای و تجارتي داشته باشد.

۴- پروانه رایگان که به کشاورزان و دامداران برای دفع جانوران زیانکار و درنده مثل خوک، گرگ و تشی داده می‌شود و ضوابطی که برای دریافت آن مقرر شده این است که اسلحه مورد استفاده باید سرپر باشد و طول لوله آن از ۴۰ سانتیمتر تجاوز نکند.

حیوانات حمایت‌شده

حیوانات حمایت‌شده به چهار دسته تقسیم شده‌اند:

پستانداران حمایت‌شده: شامل گوزن زرد، ببر، یوزپلنگ، خرس سیاه، گورخر، جبیر، آهو، مرال و شوکا است. از میان این حیوانات نسل ببر منقرض شده و سال‌ها است که نشانی از آن به دست نیامده است. نسل آهو و جبیر نیز که تا چندی پیش در مناطق کویری ایران به وفور یافت می‌شد، به دلیل شکار بی‌رویه و تعقیب آن‌ها با اتومبیل، به‌ویژه موتورسیکلت و کشتار و زنده‌گیری آنها در شرف انقراض است. این امر به نوبه خود موجب کاهش تعداد یوزپلنگ که دشت‌زی است و از گوشت آهو و جبیر تغذیه می‌نماید شده است.

پرندگان حمایت‌شده: شامل کلیه پرندگان شکاری گوشتخوار و دیگر پرندگان است. عقاب‌ها، کرکس‌ها، قوش، بحری، بالابان، طرلان، باز، قرقی، شاهی، سارگپه، هما، موش‌خور، بوف، جغد، سیاه‌خروس، میش‌مرغ، هوبره، قو، قرقاول، دراج، جیرفتی، فلامینگو، مرغ سقا یا پلیکان، پرستو، بلبل، سار صورتی، سسک، سینه سرخ و سهره از این زمره‌اند.

آبزیان حمایت‌شده؛ شامل ماهی قزل‌آلا، ماهی آزاد و ماهی کورغار است.

خزندگان حمایت‌شده؛ شامل تمساح و انواع لاک‌پشت دریایی می‌شود.

مجازات‌ها

برای اعمال خلاف مقررات شکار و صید و از بین بردن رستنی‌ها در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش علاوه بر مجازات‌های مقرر شده در مواد ۱۰ تا ۱۶ قانون شکار و صید مصوب سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه قانون مصوب ۵۶/۱۱/۳۰ مواد دیگری وجود دارد.

به موجب بند ج ماده ۳ قانون شکار و صید، مصوبه شماره ۱۲۰ تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۷ شورای عالی، سازمان حفاظت محیط‌زیست با استفاده از ماده ۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری، می‌تواند از مرتکبین جرایم، به‌عنوان مدعی خصوصی، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم نماید و بهای جانوران وحشی را دریافت کند.

بهای جانوران به این ترتیب تعیین شده است:

پستانداران وحشی؛ ببر و یوزپلنگ دو میلیون و پانصد هزار ریال، گوزن زرد ایرانی دو میلیون ریال، خرس سیاه یک میلیون و پانصد هزار ریال، گورخر یک میلیون و دویست هزار ریال، پلنگ نهصد هزار ریال، مرال، جبیر و شوکا هفتصد هزار ریال، آهو پانصد هزار ریال، خرس قهوه‌ای چهارصد هزار ریال، سیاه‌گوش و کاراکال سیصد هزار ریال، کل و بز و قوچ و میش وحشی دویست هزار ریال، گربه شنی، گربه پالاس و شاه‌روبه صد هزار ریال، سنجاب، سمور و روبه سیاه هشتاد هزار ریال، انواع دیگر گربه وحشی و سگ آبی (شنگ) هفتاد هزار ریال، انواع رودک، گرگ، سایر انواع روبه و موش خرما (راسو) سی هزار ریال و انواع دیگر پستانداران وحشی ده هزار ریال.

پرنندگان وحشی؛ شاهین، بحری، بالابان (چرخ)، طرلان و لاجین پنج میلیون ریال، انواع قوش‌ها از قبیل قرقی و پیغو سه میلیون ریال، دلجه‌ها، کورکورها، سنقرها و انواع ترم‌تای و لیل یک میلیون ریال، انواع عقاب و هما پانصد هزار ریال، درنای سبیری، میش مرغ و هوبره دویست و پنجاه هزار ریال، سایر پرنندگان شکاری و انواع دال‌ها و سیاه‌خروس صد و پنجاه هزار

ریال، قو، مرغ آتشی (فلامینگو)، مرغ سقا (پلیکان)، عروس‌غاز و زنگوله بال صد هزار ریال، جیرفتی، درنا، دراج، قرقاول، کبک‌دری، لک‌لک و زاغ‌بور پنجاه هزار ریال، آنقوت، طاووسک، غاز، اردک سرسفید، اردک مرمری و مینا سی هزار ریال، انواع مرغابی، انواع کوکر مانند باقرقره، کبک، کبک‌چیل، تیهو، ابیا و دودوک پانزده هزار ریال و دیگر انواع پرنندگان وحشی پنج هزار ریال.

خزندگان وحشی؛ برای تمساح (کروکودیل) یک میلیون ریال و انواع دیگر خزندگان وحشی چهار هزار ریال.

جانوران دریایی؛ انواع نهنگ (وال‌ها) یک میلیون ریال، انواع دلفین و گاو دریایی (دوگونگ دوگونگ) پانصد هزار ریال، انواع لاک‌پشت دریایی دویست هزار ریال و سگ دریایی (فک) هشتاد هزار ریال.

آبزیان؛ ماهی آزاد چهل هزار ریال، ماهی کورغار (کورماهی) و ماهی سفید پانزده هزار ریال، ماهی قزل‌آلا هفت هزار ریال و سایر انواع ماهی‌ها هزار ریال.

سایر موارد؛ بهای هر عدد از نوزاد پستانداران وحشی که به‌هنگام شکار در رحم مادر باشند نصف مبالغ مربوط به آن حیوان مندرج در بند الف این مصوبه تعیین شده است.

بهای هر عدد از تخم خزندگان و پرنندگان وحشی یک‌سوم مبالغ مربوط مندرج در بندهای ب و ج و د این مصوبه است.

قوانین و آیین‌نامه‌های نارسایی که طی سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تدوین، تصویب و به اجرا گذارده شد، به وضوح نشان از ضعف و فتور بسیار دارد. همین امر موجب زیان‌های فراوانی در عرصه مسایل زیست‌محیطی به‌ویژه حفظ و حمایت از جانوران قابل شکار این سرزمین گردید.

ناکام ماندن بسیاری از طرح‌ها، خود دلیل نارسایی قوانین و مقررات و آیین‌نامه است... جا دارد با توجه به نیازهای موجود و ضرورت حفظ و حمایت از نسل جانورانی که در چرخه مسایل زیستی، نقشی تعیین‌کننده دارند، در اندیشه باشیم تا پیشروترین قوانین تدوین و تصویب گردد. از سوی دیگر به‌کارگیری نیروهای متخصص و حضور کارشناسان زیست‌شناس در این عرصه، به ما مدد خواهد کرد تا با اتخاذ بهترین شیوه‌ها، پیشگیر انقراض نسل جانوران و مهمتر، تقویت بنیادهای زیست‌محیطی باشیم.

زیستگاه‌ها

تیراندازی و شکار، تعلیف احشام و قطع اشجار، بوته‌کشی و به‌طورکلی هر عملی که موجب از بین رفتن رستنی‌ها شود و ورود و عبور به استثنای جاده‌های عمومی، در این مناطق ممنوع است مگر در موارد ضروری و بنا به تشخیص سازمان حفاظت محیط‌زیست.

این مناطق شامل پارک ملی «گلستان» در گرگان، «کویر» در تهران و سمنان، «ارومیه» در آذربایجان شرقی و غربی، «تندوره» در خراسان، «خجیر» و «سرخه‌حصار» در تهران و «بمو» در استان فارس است.

■ **آثار طبیعی ملی؛** عبارت از پدیده‌های نمونه و نادر گیاهی، حیوانی، اشکال یا مناظر کم‌نظیر و کیفیات ویژه طبیعی زمین یا درختان کهنسال تاریخی است که با منظورنمودن محدوده متناسبی تحت حفاظت قرار می‌گیرند.

اثر ملی «خشکه‌داران» در مازندران، اثر طبیعی ملی «دهلران» در ایلام، اثر طبیعی ملی «سوسن سفید» در گیلان و درخت سرو هرزه‌ویل گیلان از این زمره هستند.

■ **منطقه حفاظت‌شده؛** به محدوده‌ای از مناطق طبیعی کشور اعم از جنگل، مرتع، دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که از نظر ضرورت حفظ و تکثیر نسل جانوران وحشی یا

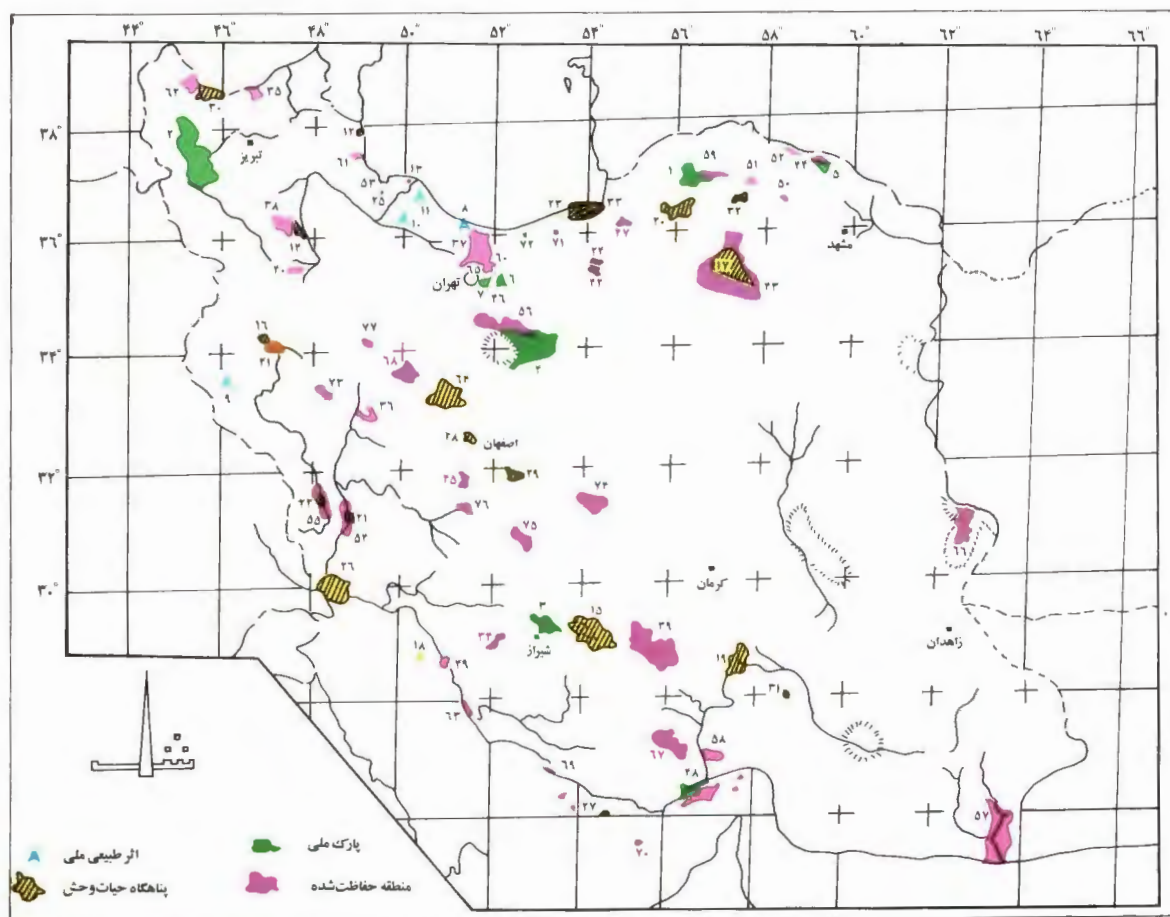
بسط فرهنگ حفاظت از عرصه‌های محیط‌زیست و نگهداری ارزش‌های زیست‌بومی، عاملی است تعیین‌کننده در گسترش زیستگاه‌های جانوری.

از آنجائی که دامنه تخریب منابع طبیعی از یک سو و فقدان ابرهای باران‌زا از سوی دیگر سرنوشت حیات گیاهی و در نتیجه حیات جانوری را با ابهام روبرو ساخته است، جا دارد تأکید بر حفظ زیستگاه‌های جانوری، از اولویت خاص برخوردار گردد.

در قوانین و آیین‌نامه‌های شکار و صید زیستگاه‌های شکار به دو منطقه تقسیم شد؛ منطقه آزاد که شکار در آن‌ها در فصول مجاز با رعایت ضوابط مقرر شده آزاد است و مناطق حفاظت‌شده، پارک ملی، آثار ملی و پناهگاه وحش که شکار در آن‌ها جز در موارد استثنایی ممنوع است.

مناطق چهارگانه در آیین‌نامه چنین تعریف شده‌اند:

■ **پارک ملی؛** به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل، مرتع، بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی، دشت، آب و کوهستان اطلاق می‌شود که نمایانگر نمونه‌های برجسته‌ای از مظاهر طبیعی ایران باشد. این مناطق به منظور حفظ وضع طبیعی این محدوده و هم‌چنین ایجاد محیط مناسب برای تکثیر و پرورش جانوران وحشی و رشد پوشش گیاهی، تحت حفاظت قرار می‌گیرند.



شماره	پارک ملی	مساحت (هکتار)	محل جغرافیایی
۱	گلستان	۹۱۸۹۵	مازندران، خراسان، سمنان
۲	دریاچه ارومیه	۴۶۳۶۰۰	آذربایجان غربی و شرقی
۳	بمو	۴۸۰۷۵	فارس
۴	کویر	۴۲۰۰۰۰	تهران، سمنان
۵	تندوره	۳۰۷۸۰	خراسان
۶	خجیر	۱۱۵۷۰	تهران
۷	سرخره حصار	۹۳۸۰	تهران

حفظ و احیای رستنی‌ها و وضع طبیعی آن دارای اهمیت خاصی است و تحت حفاظت قرار می‌گیرد. شکار و صید در این مناطق با پروانه عادی ممنوع است. چرای احشام نیز در این مناطق تابع ضوابطی است که با توافق سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست تدوین می‌شود. مقررات شکار و صید در این مناطق هر سال از طرف سازمان وضع و اعلام می‌گردد.





شماره	منطقه حفاظت شده	مساحت (هکتار)	محل جغرافیایی
۳۴	منطقه حفاظت شده ارژن	۵۲۸۰۰	فارس
۳۵	منطقه حفاظت شده ارسباران	۷۲۴۶۰	آذربایجان شرقی
۳۶	منطقه حفاظت شده اشترانکوه	۹۳۹۵۰	لرستان
۳۷	منطقه حفاظت شده البرز مرکزی	۳۹۹۰۰۰	تهران - مازندران
۳۸	منطقه حفاظت شده انگوران	۹۶۱۳۰	زنجان
۳۹	منطقه حفاظت شده بهرام‌گور	۳۸۵۰۰۰	فارس - کرمان
۴۰	منطقه حفاظت شده بیجار	۷۲۶۰۰	کردستان
۴۱	منطقه حفاظت شده بیستون	۵۰۸۵۰	کرمانشاه
۴۲	منطقه حفاظت شده پرور	۵۹۸۴۰	سمنان - مازندران
۴۳	منطقه حفاظت شده توران	۱۲۹۵۴۰۰	سمنان
۴۴	منطقه حفاظت شده تندوره	۲۳۰۰۰۰	خراسان
۴۵	منطقه حفاظت شده تنگ‌صیاد	۲۷۰۰۰۰	چهارمحال و بختیاری
۴۶	منطقه حفاظت شده جاجرود	۵۱۶۵۰	تهران
۴۷	منطقه حفاظت شده جهان‌نما	۳۰۶۰۰۰	مازندران
۴۸	منطقه حفاظت شده حرا	۸۵۶۸۶	هرمزگان
۴۹	منطقه حفاظت شده حله (هله)	۴۲۶۰۰۰	بوشهر
۵۰	منطقه حفاظت شده ساریگل	۲۸۰۰۰۰	خراسان
۵۱	منطقه حفاظت شده سالوک	۱۶۰۰۰۰	خراسان
۵۲	منطقه حفاظت شده سرانی	۱۷۸۰۰۰	خراسان
۵۳	منطقه حفاظت شده سیاه‌کشیم	۴۵۰۰۰	گیلان
۵۴	منطقه حفاظت شده دز	۱۰۶۳۳	خوزستان
۵۵	منطقه حفاظت شده کرخه	۹۴۲۷	خوزستان
۵۶	منطقه حفاظت شده کویر	۲۵۰۰۰۰۰	تهران - سمنان
۵۷	منطقه حفاظت شده گاندو	۳۸۲۴۳۰	سیستان و بلوچستان
۵۸	منطقه حفاظت شده گنو	۲۷۵۰۰۰	هرمزگان
۵۹	منطقه حفاظت شده قرخود	۳۴۰۰۰۰	خراسان
۶۰	منطقه حفاظت شده لار	۲۸۰۰۰۰	تهران - مازندران
۶۱	منطقه حفاظت شده لیسار	۳۳۰۵۰	گیلان
۶۲	منطقه حفاظت شده مراکان	۹۲۷۱۵	آذربایجان غربی و شرقی
۶۳	منطقه حفاظت شده مند	۴۶۷۰۰۰	بوشهر
۶۵	منطقه حفاظت شده ورجین	۲۸۰۰۰۰	تهران
۶۶	منطقه حفاظت شده هامون	۱۹۳۵۰۰	سیستان و بلوچستان
۶۷	منطقه حفاظت شده هرمد	۱۵۱۲۸۴	فارس - هرمزگان
۶۸	منطقه حفاظت شده هفتادقله	۸۲۰۰۰۰	مرکزی
۶۹	منطقه حفاظت شده نای‌بند	۱۹۵۰۰۰۰	بوشهر
۷۰	منطقه حفاظت شده جزایر فارور	۲۶۲۰	هرمزگان
۷۳	منطقه حفاظت شده سفیدکوه	۶۹۵۰۰۰	لرستان
۷۴	منطقه حفاظت شده کالمندوبیهداران	۱۷۵۰۰۰۰	یزد
۷۵	منطقه حفاظت شده دنا	۸۶۵۰۰۰	کهکیلویه و بویراحمد
۷۶	منطقه حفاظت شده سبزکوه	۶۰۷۸۰	چهارمحال و بختیاری
۷۷	منطقه حفاظت شده لشکر در	۱۶۰۰۰۰	همدان



ارتفاعات شکرآب؛ منطقه حفاظت‌شده تندوره



سرو هرزویل منجیل، آثار طبیعی



منطقه حفاظت‌شده جهان‌نما

■ **پناهگاه حیات وحش؛** به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که دارای زیستگاه‌های طبیعی نمونه و شرایط اقلیمی خاص برای جانوران وحشی هستند و به‌منظور حفظ و احیای این زیستگاه‌ها تحت حفاظت قرار می‌گیرند.

قطع اشجار، بوته‌کشی، خازنی و به‌طور کلی هر عملی که موجب از بین رفتن رستنی‌ها شود در این مناطق ممنوع و چرای احشام و شکار در آن‌ها تابع ضوابطی خاص است.

در حال حاضر هفت «پارک ملی»، چهار منطقه «آثار طبیعی ملی»، بیست و چهار «پناهگاه حیات وحش» و چهل و شش «منطقه حفاظت‌شده» وجود دارد، که از این میان پنج منطقه هم پارک است و هم حفاظت‌شده.

علاوه بر موارد فوق رودخانه‌های جاجرود و کرج در تهران و چالوس، سرداب‌رود، لار و هراز در مازندران نیز رودخانه‌های حفاظت‌شده را تشکیل می‌دهند.

کلیهٔ مرداب‌ها، روگاه‌ها و خلیج‌های مجاور دریای خزر و همچنین رودخانه‌های واقع در استان‌های گیلان و مازندران که به این آب‌ها یا دریای خزر می‌ریزند تا مصب دریا، حفاظت‌شده محسوب می‌شوند.

شماره	پناهگاه حیات وحش	مساحت (هکتار)	محل جغرافیایی
۱۲	پناهگاه حیات وحش آستارا (لوندویل)	۹۴۹	گیلان
۱۳	پناهگاه حیات وحش امیرکلا به	۱۲۳۰	گیلان
۱۴	پناهگاه حیات وحش انگوران	۲۸۶۰۰	زنجان
۱۵	پناهگاه حیات وحش بختگان	۳۲۷۸۲۰	فارس
۱۶	پناهگاه حیات وحش بیستون	۳۱۲۵۰	کرمانشاه
۱۷	پناهگاه حیات وحش توران	۵۶۵۰۰۰	سمنان - خراسان
۱۸	پناهگاه حیات وحش خارکو	۳۱۲	خوزستان
۱۹	پناهگاه حیات وحش خبر و روچون	۱۷۳۷۵۰	کرمان
۲۰	پناهگاه حیات وحش خوش‌یلاق	۱۵۴۴۰۰	سمنان - مازندران
۲۱	پناهگاه حیات وحش دز	۵۲۴۰	خوزستان
۲۲	پناهگاه حیات وحش کرخه	۳۶۰۰	خوزستان
۲۳	پناهگاه حیات وحش دشت ناز	۵۵	مازندران
۲۴	پناهگاه حیات وحش دودانگه	۶۷۰۰	مازندران
۲۵	پناهگاه حیات وحش سلکه	۳۶۰	گیلان
۲۶	پناهگاه حیات وحش شادگان	۲۹۶۰۰۰	خوزستان
۲۷	پناهگاه حیات وحش شیدور	۱۶۰	هرمزگان
۲۸	پناهگاه حیات وحش قمیشلو	۴۹۲۵۰	اصفهان
۲۹	پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی	۵۰۷۲۵	اصفهان
۳۰	پناهگاه حیات وحش کیامکی	۸۴۴۰۰	آذربایجان شرقی
۳۱	پناهگاه حیات وحش مهر و نیه	۷۴۶۸	کرمان
۳۲	پناهگاه حیات وحش میان‌دشت	۵۲۰۰۰	خراسان
۳۳	پناهگاه حیات وحش میانکاله	۶۸۸۰۰	مازندران
۶۴	پناهگاه حیات وحش موته	۲۰۰۰۰۰	اصفهان - مرکزی
۷۱	پناهگاه حیات وحش سمسکنده	۹۳۷	مازندران
۷۲	پناهگاه حیات وحش فردین‌کنار	۱۴۸	مازندران

پنهانی



پستانداران ایران

فخرالدین اسعد گرگانی در توصیف این شکارگاه می‌گوید: (۶۹)

زبیم تیغ او در مرز «گوراب»
همی با شیر بیشه خورد گور آب
گهی شیران گرفتند از نیستان
گهی جام نبید اندر گلستان

در باغ فردوس خسرو پرویز، در کنگاور، نیز شیر به وفور یافت می‌شد. (۷۰)

لایارد در جایی از سفرنامه‌اش می‌نویسد: «شیرهای آسیایی از لحاظ جنه و رنگ و قدرت و جسارت با شیرهای آفریقایی تفاوت دارند و بندرت به کسی حمله می‌کنند. ولی قدرت و جسارت شیرهای شوشان (خوزستان) به حدی است که قادرند یک گاومیش را شکار و حمل کنند. در نواحی رامهرمز و کناره‌های کارون شیر یافت می‌شود... یک شیر بسیار قوی در تنگ «هلاگون» (۷۱) شکار شده بود. ده پاونیم طول داشت. چون اسب‌ها از شیر خیلی می‌ترسند و با دیدن آن زم می‌کنند، بعضی از خوانین پوست شیر را به اسب‌های خود نشان می‌دهند تا با بو و شکل آن انس بگیرند و در موقع برخورد با شیر دچار ترس و وحشت نشوند.

«مسعود میرزا ظل‌السلطان» درباره شیر می‌نویسد: «من غیر از شیر از همه نوع شکار در شیراز زده‌ام شکار شیر هم مکرر رفته‌ام ولی گیر نیامد، با ده‌هزار پیاده و... بیشه‌ها را احاطه کردند،

طبیعت متنوع ایران، گوناگونی جانوران این سرزمین را به همراه داشته است. همین امر موجب تنوع بسیار پستانداران ایران نیز شده است. تاکنون ۱۵۱ گونه پستاندار در ایران شناسایی گردیده که از این میان ۱۱ گونه آبی هستند.

از مهمترین پستانداران ایران می‌توان از مرال، گوزن زرد، آهو، جبیر، شوکا، گورخر، انواع قوچ وحشی شامل اوریال، ارمنی، البرز مرکزی و لارستان، کل و بز، انواع گربه‌های وحشی مثل پلنگ، یوزپلنگ، کاراکال، سیاه‌گوش، گربه جنگلی و گربه پلاس، خرس سیاه، خرس قهوه‌ای، کفتار، دله یا عروس، راسوی بزرگ و کوچک، روباه معمولی، روباه شنی، گرگ، گراز، تشی، خرگوش، خفاش، گورکن، گورکن عسل‌خوار، سنجاب، سمور، شنگ، انواع موش، حشره‌خوار و خز جنگلی و دشتی نام برد.

علاوه بر حیواناتی که نام برده شد، شیر و ببر از پستانداران بارز شی بودند که زمانی در این سرزمین به‌وفور یافت می‌شدند و امروز نسل آن‌ها منقرض شده است.

شیر ایران

زمانی شیر بومی ایران بود و به جز دشت ارژن در ۵۳ کیلومتری شیراز و کام فیروز که «جای شیران شرزه» (۶۸) لقب گرفته بود، در شکارگاه گوراب در جنوب همدان نیز زندگی می‌کرد.

۶۸- حمدا... مستوفی؛

نزهت‌القلوب

۶۹- فخرالدین اسعد

گرگانی؛ ویس و رامین

۷۰- آرتور کریستین سن؛

ایران در زمان ساسانیان

۷۱- هلاهیجان فعلی

دهستانی است از توابع ایذه

واقع در سمت خاوری

مسجد سلیمان

در کام فیروز که بلوکی است از بلوک سرحد و دشت ارژن، با مخارج زیاد رفتم ولی به شکار نایل نشدم. اما چهار پنج شیر در این جرگه تفنگچی‌ها شکار کرده‌اند. از جمله یک نره شیر خیلی بزرگ بود که از دُمش تا میان دو گوشش ده وجب حد متوسط بود. (حدود دو مترونیم). به آن بزرگی شیر دیده نشده، یال‌هایش مثل دُم یابوهای «بال خانی»، زیاد و تا زمین ریخته بود و سر بزرگی داشت...» (۷۲)

وجود شیر، تا هفتاد سال پیش، در کوه‌های اسماری، واقع در خوزستان و اطراف شوش و دزفول، نیز تأیید شده اما متأسفانه از آن به بعد اثری از این حیوان زیبا و با قدرت و با بهت به دست نیامده است.

ببر ایران

ببر نیز زمانی در نواحی جنگلی کوه‌های البرز و جنوب

دریای خزر از آستارا تا نواحی ترکمن صحرا فراوان بود. هنوز روستاییان از حمله این حیوان درنده به گاوها و گوسفندان‌شان خاطره‌ها دارند. این در شرایطی بود که زیستگاه‌های این حیوان رو به نابودی می‌رفت.

«ظل السلطان» از شکار ببر در کتاب خود بسیار گفته است؛ از جمله اینکه «در میانکاله سی و پنج ببر شکار شد». اما به هر حال از چهل سال پیش که برای آخرین بار ببری در اطراف بجنورد دیده و شکار شد، نشان دیگری از آن حیوان به دست نیامد و تمامی تلاش‌ها در این زمینه بی‌نتیجه ماند. باید گفت نسل این حیوان، مثل شیر در ایران منقرض شده است.

علت انقراض نسل شیر و ببر، علاوه بر شکار بی‌رویه و نابودی زیستگاه‌های این دو حیوان، نابودی گراز، خوراک اصلی آن‌ها، ذکر شده است.



تصویر راست: شیر در حال غریدن؛ احتمالاً تبریز، ۱۴۱۰ - ۱۴۰۰ میلادی. این نقاشی شیری را نشان می‌دهد که در قلمروی خود در حال غریدن بر میمون‌هایی موذی است. تصویر چپ: یکی از آخرین ببرهای ایرانی... که در اسارت می‌زیست و عمر کوتاهی داشت.

۷۲. مسعود میرزا ظل‌السلطان؛ تاریخ سرگذشت مسعودی



آخرین ببر ایران...
این ببر در سال ۱۳۳۲ در
بیشه‌ای نزدیک و مشرف به
روستای «آق‌قمیش» شکار
شد. این روستا در ده
کیلومتری شرق کلاله بر سر
راه مینودشت - بجنورد واقع
شده است.
آخرین ببر ایران توسط
سروان احمد هنرور که از
شکارچیان حرفه‌ای بود
شکار شد.

گوزن زرد

جمجمه، شاخ مرال و بز کوهی و گوزن‌های بزرگ که به وسیله
شکارچیان در نخجیرگاه‌ها صید شده نصب گردیده بود...
خاطرات ظل‌السلطان نیز سند معتبر دیگری در این زمینه
به‌دست می‌دهد:

«در لرستان به شاهان‌کوه رفتیم با یکصد و پنجاه نفر از اجزاء
خودمان و شکارچیان مخصوص، لذت غریبی از این شکار بردم...
به‌قدر ده‌هزار تفنگچی خوب جمع کرده بودیم. چندین روز کوه‌ها را
جرگه کرده بودند، به‌غیر از آنچه خورده و نیاورده بودند، به‌قدر
هزار شکار از هر قبیل قوچ، میش، بز، پازن، خرس زیاد و گراز زیاد
شکار شد. من احتراز می‌کنم و نمی‌نویسم که چقدر پازن‌های ده -
دوازده ساله زدم شاید حمل بر اغراق بشود. ولی دو مرالی زدم که
یکی از آنها تک بود او را می‌نویسم دو مرال با چهار پاره پی‌درپی
زدم. یکی از آنها شاخی داشت که تمام لرها حتی حاجی عالی‌خان
سگونه که صدسال داشت می‌گفت چنین مرال بزرگی ندیده‌ام.
شاخ‌های عجیب و غریبی داشت. چنانچه وقتی عمارت من در
طهران سوخت عمارت مسعودیه یک قسمتش بقدر چهل‌هزار لیبره
که دویست‌هزار تومان باشد، از فقدان آنهمه مبل و اسباب بقدری
که در سوختن این دو شاخ مرال متأثر شدم از چیزی متأثر نشدم.»
باتوجه به پراکندگی گوزن زرد ایرانی در منطقه جنگلی

گوزن زرد ایرانی که در زبان محلی خوزستان «یه‌مور» نامیده
می‌شود، یکی از نادرترین و ارزشمندترین پستانداران جهان
وحش محسوب می‌شود.

قدیمی‌ترین نوشته درباره‌ی گوزن زرد، کتاب مقدس «تورات»
است که این حیوان را مورد توجه حضرت سلیمان «پیامبر» و در
زمره‌ی حیوانات حلال‌گوشت، قرار داده است.

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، حدود ۱۲۰ سال پیش، این
حیوان در مناطق جنوب‌غربی ایران و بین‌النهرین عراق به‌سر
می‌برد و در کتاب‌های مختلف از آن نام برده شده است.

نخستین کسی که از وجود گوزن زرد، یکی از نادرترین
و پربارزش‌ترین پستانداران جهان در ایران سخن می‌گوید،
«لایارده» است. او در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «از شیب ملایم کوه
(در اطراف رودخانه بورس و کارون) به آسانی و بدون خستگی به
طرف پایین حرکت کردیم و به یک دره‌ی باتلاقی که چند گله‌گراز
وحشی در آنجا دیده می‌شدند رسیدیم. در این قسمت از سرزمین
ایران، که من عبور می‌کردم، انواع و اقسام شکار زیاد بود. در
جنگل‌ها و مناطق کوهستانی یک نوع گوزن شاخ‌پهن و سایر
گوسفندان کوهی، از قبیل بز و قوچ وجود داشت... بر فراز
کنگره‌برج‌ها و سردر سقف دروازه قلعه، (قلعه لردگان)، انواع



اولین گوزن‌های زرد...
این گوزن‌ها توسط گروه
تجسس سازمان
محیط زیست زنده دستگیر
شدند و پس از مدت
کوتاهی، از زادگاه خود
(کرخه و دز) برای تکثیر و
نگهداری به دشت ناز ساری
انتقال یافتند.

دستگیر و به پارک وحش دشت ناز ساری منتقل نماید. این پارک به وسعت ۵۵ هکتار به همین منظور ایجاد شده و از محیط مساعدی برای تکثیر حیوانات برخوردار بود.

این گروه مجدداً در اسفند ۱۳۴۳ با همان هدف به منطقه کرخه و دز اعزام شدند و موفق شدند تا به همان ترتیب گذشته دو رأس دیگر گوزن زرد (یک نر و یک ماده) را زنده دستگیر و به دشت ناز منتقل نمایند.

با مراقبت کارشناسان و مناسب بودن محیط، این حیوانات به سرعت تکثیر یافتند و پس از مدتی با توجه به این که پارک گنجایش نگهداری و تأمین غذای آن‌ها را نداشت، بتدریج تعدادی از آن‌ها به جزیره «اشک» از جزایر دریاچه ارومیه، پناهگاه وحش «کرخه» و پارک «سمسکنده» ساری منتقل شدند. تعدادی از گوزن‌های زرد نیز به باغ وحش‌های خارج از کشور انتقال یافتند. در سال ۱۳۶۸ نیز تعداد دیگری از آن‌ها به شیراز و جنگل‌های اطراف پاهو و سواحل رودخانه کرخه منتقل شدند.

لرستان، باید گفت مقصود ظل السلطان از دو مرالی که در شاهان کوه شکار نموده، به احتمال قریب به یقین گوزن زرد ایرانی بوده است و این نوشته وجود این حیوان را در آن سال‌ها در منطقه لرستان تأیید می‌نماید.

از آن زمان تا سال ۱۹۵۵، از گوزن زرد نشانی به دست نیامد، آن چنان که تصور انقراض نسل آن به وجود آمد. اما بررسی‌های کارشناسان خارجی به سرپرستی فون آپل، که در این تاریخ در جنگل‌های حاشیه رودخانه کرخه در خوزستان انجام شد، با صرف هزینه بسیار دو رأس (یک نر و یک ماده) از این حیوان با ارزش را به دست آورد و برای تکثیر نسل راهی آلمان نمود.

در فروردین ماه ۱۳۴۲ هیئتی به سرپرستی خسرو سریری از سوی کانون شکار ایران به خوزستان اعزام گردید. این هیئت موفق شد تا با تلاش شبانه‌روزی در طی شش هفته، با نصب تور و جرگه کردن بخش‌های مختلف بیشه‌زار انبوه کرخه و دز، سرانجام چهار رأس گوزن زرد (یک نر و سه ماده) را زنده

مهربانتر بیندیشیم تا...

نشانه‌های غفلت در حفظ و نگهداری نسل جانوری است. در یک نگاه چنین استنباط می‌شود: مهمترین دلیل انقراض نسل‌های جانوری، علاوه بر شکار بی‌رویه، عدم توجه به زیستگاه‌های جانوری است که یا به کل تخریب شده یا در معرض تخریب قرار دارند. آنگاه که بپذیریم مأمّن و مأوای امن، همواره تسلسل نسل‌ها را موجب شده است می‌توان به تکثیر و اصلاح نژادها نیز اندیشید.

آیا برای لحظه‌ای، با لختی درنگ به مأمّن امن اندیشیده‌ایم؟ اگر چنین است که می‌دانیم هست، پس چگونه بسیاری از زیستگاه‌های جانوری را خطر انهدام می‌آزارد...؟ این نیست مگر گفته شود به دانسته‌هایمان جامه عمل نپوشانده‌ایم. لذا جا دارد، حفظ ارزش‌ها و حفاظت از عرصه‌های گونه‌گون زیست محیطی مجدانه، در دستور کار قرار گیرد.

مهربانتر بیندیشیم تا مانع قحط‌سالی برای نسل‌های جانوری باشیم که هرآینه این مهم از دیده عبرت بین انسانی دور ماند، انهدام و انقراض را پیش روی یافت.

در عصر پیشرفت‌های شگرف تکنولوژی، در زمانه پرشتاب ارتباطات جهانی، حیف است اگر فرصت نفس‌کشیدن تالابی را از رود بگیریم... آنجا که تالابی به آب رودخانه‌ای نفس می‌کشد، آنجا که جنگلی به نور خورشید زنده می‌ماند، آنجا که کویری در سایه «گونی» به آرامش می‌رسد و آنجا که... دریغ است اگر برنامه‌ای و طرحی و بودجه‌ای نداشته باشیم تا تسلسل حیات جانوری را دوام و قوام بخشد... حیاتی که بی‌تردید در ارتباطی تنگاتنگ با حیات انسانی است.

بخش پستانداران کتاب شامل نخیه پستانداران ایران نه تمامی آنهاست، از این روی تهیه و تدوین اطلاعات علمی، به دو زبان فارسی - انگلیسی، طرح، نقشه پراکنش، تصاویر و اسلایدها نیز به برجسته‌ترین پستانداران ایران اختصاص یافت.

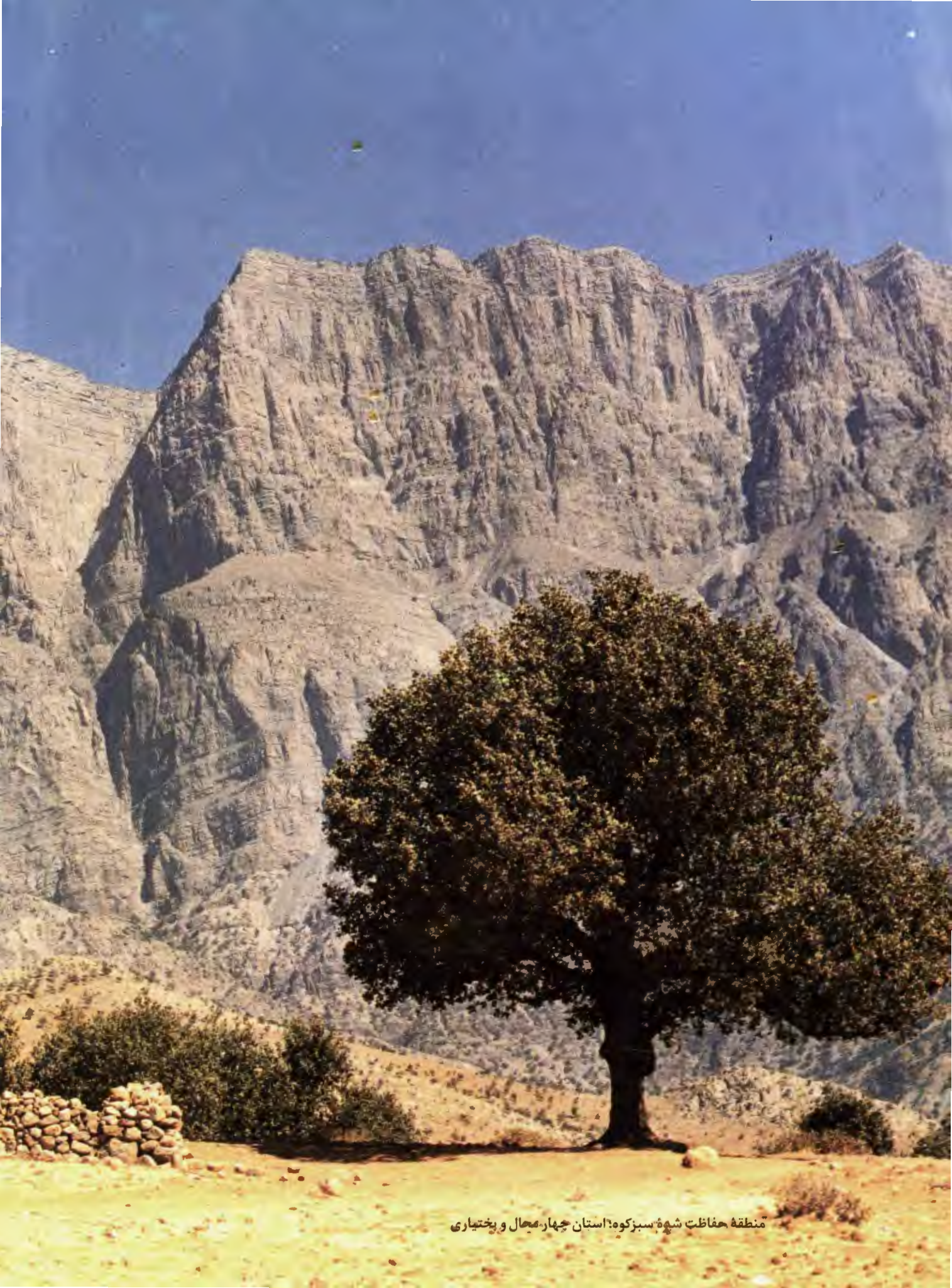
در جامعه جانوری سرزمین ما، پستانداران شاخص‌ترین هستند... از ببر و شیر شریزه گرفته که انقراض نسل‌شان دل‌آزار است تا «کل» که سلطان صخره‌ها و سمبل حیوانات شکاری ایران محسوب می‌شود.

در صفحات پیشین «نخجیران» از انقراض نسل شیر و ببر ایرانی به اشارتی گذشتیم. اینک می‌رویم تا در سرفصلی دیگر به نخیه‌ترین و برجسته‌ترین پستانداران موجود ایران بپردازیم.

در این بخش جا دارد یک‌بار دیگر بر حفظ و حراست از زیستگاه این مهمترین رده حیوانات قابل شکار ایران تأکید شود، زیرا طبیعت متنوع ایران که پدیدآورنده گونه‌گونی جانوران است، خود نیازمند توجه خاصی است تا پناهگاه امنی برای حیات جانوری باشد. به ویژه در شرایطی که ابرهای باران‌زا کمتر راهی به این سرزمین می‌یابند و شنباده‌ها و داغبادها، بخش‌های وسیعی از کشور ما را عرصه تاخت‌وتاز خود قرار داده و به جد خطری برای زیست‌جانوری ایران محسوب می‌شوند، توجه به حفظ و گسترش زیستگاه‌های جانوری اهمیتی حیاتی می‌یابد.

عدم مساعدت وضعیت آب‌وهوایی، از میان رفتن جنگل‌ها و مراتع، آسیب‌پذیری تالاب‌ها و در نهایت انهدام روزافزون منابع طبیعی و عدم رعایت بسیاری از مسایل و اصول علمی زیست‌محیطی دیگر، علاوه بر خطراتی که برای زیست انسان دربردارد، از مدت‌ها پیش زنگ خطر انهدام زیستگاه‌های جانوری را نیز به صدا درآورده است.

انقراض نسل شیر ایرانی که دامنه ابهت و هیبت و شکوه و جلالت، عرصه‌های متفاوتی از ادبیات کهن میهن ما را به خود اختصاص داده است... یا ببر تیزچنگ مازندرانی که از چهار دهه پیش، هیچ نشانی از او در سرزمین پهناور ایران به دست نیامد، خود مؤید حضور یک غفلت چهل‌ساله است. در معرض خطر بودن آهو و جبیر و بسیاری دیگر از پستانداران نامی ایران از دیگر



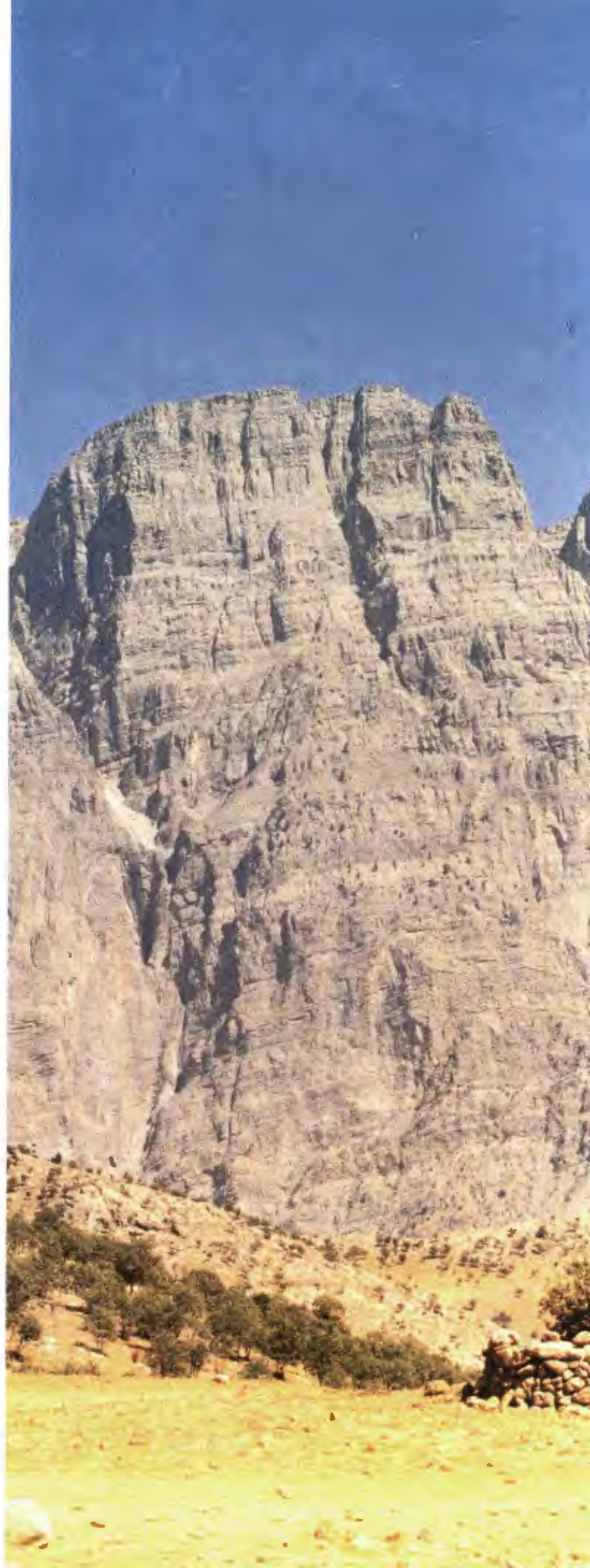
منطقه حفاظت شوه سبزکوه: استان چهارمحال و بختیاری

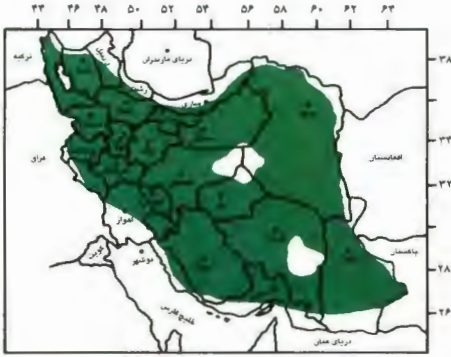
کل، پازن، بزکوهی

Persian Ibex , Wild Goat
Capra aegagrus



کل، سمبل پستانداران شکاری ایران است. این حیوان در تمامی نقاط کشور در دل صخره‌ها و کوه‌ها زیست می‌کند. نر این حیوان در نقاط مختلف، با نام‌های تکه، پازن، کل شناخته می‌شود.





کل، پازن، بزکوهی

Order : Artiodactyla راسته: زوج سمان

Family : Bovidae خانواده: گاوسانان



Distribution : *Most provinces of Iran*

Habitat : *Mountainous regions*

Diet : *Grasses, leaves*

Weight - Male : *70 to 95 Kg*

Weight - Female : *45 to 55 Kg*

Shoulder Height - Male : *80 to 90 Cm*

Shoulder Height-Female : *60 to 70 Cm*

Body Length - Male : *140 to 165 Cm*

Body Length - Female : *125 to 145 Cm*

Maximum Age : *12 to 14 years*

Breeding Season : *End of fall*

Gestation Period : *About 5 months*

Number Of Young : *1-2; Mid spring*

Length - Male Horn : *151 Cm*

Circumference - Male Horn: *27 Cm*

Female Horn : *10 to 20 Cm (thin)*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی: اکثر استانهای کشور

محل زیست: مناطق کوهستانی

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۷۰ تا ۹۵ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۴۵ تا ۵۵ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۸۰ تا ۹۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۴۰ تا ۱۶۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۲۵ تا ۱۴۵ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۲ تا ۱۴ سال

فصل جفتگیری: اواخر پاییز

دوران بارداری: حدود ۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۱ تا ۲ بچه، اواسط بهار

بلندترین طول شاخ نر: ۱۵۱ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: ۲۷ سانتیمتر

شاخ ماده: حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر (نازک)

تعویض مو: اواسط بهار

شاخ کل، شمشیری و زیبا است و سن آن از روی برجستگی‌های شاخ تعیین می‌شود. معمولاً در نقاط سردتر، شاخ‌ها ضخیم‌تر و طول آن بیشتر است. جنس نر این حیوان، دارای نواری قهوه‌ای رنگ متمایل به سیاه بر روی سینه و گردن است که با افزایش سن، رنگ آن تیره‌تر می‌شود. کل و بز، به راحتی از صخره‌ها بالا می‌روند؛ از همین رو سلطان صخره‌ها نام گرفته‌اند. برجسته‌ترین نمونه‌های کل و بز در ارتفاعات وروشت البرز مرکزی و رمنجه بیستون یافت می‌شود.

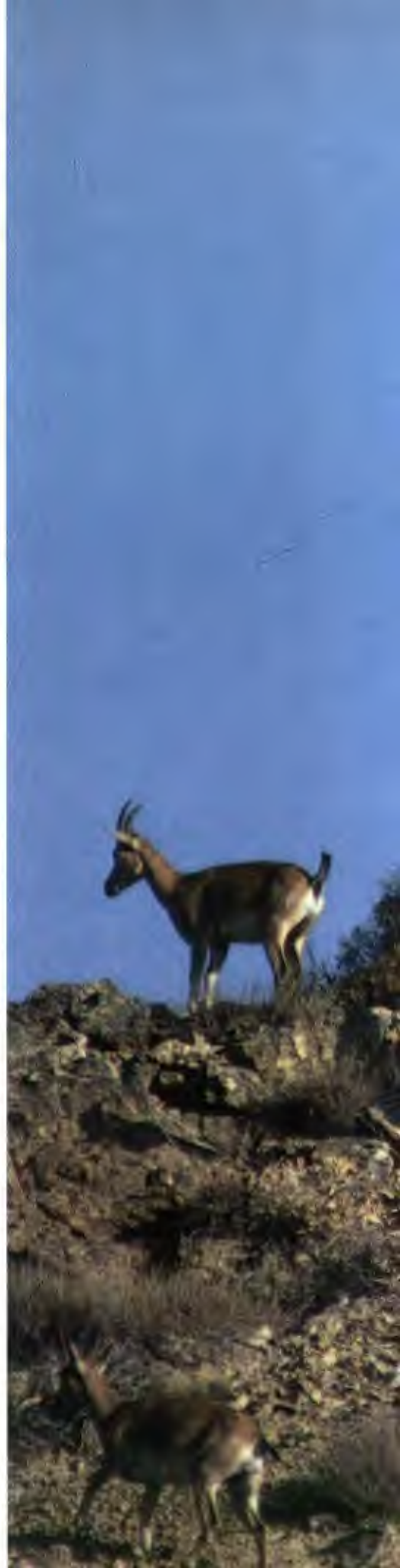


چشمه آبش، پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی؛ استان اصفهان





وارنگه رود، کل‌ها بر فراز ارتفاعات البرز مرکزی



قوچ اوریال

Urial Sheep
Ovis Ammon Arkal

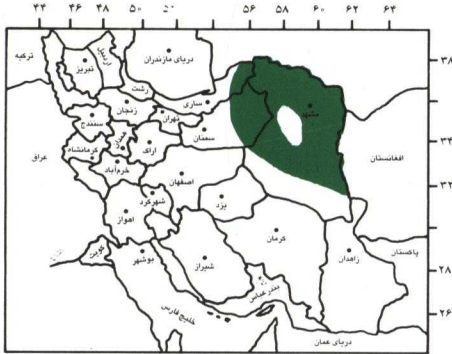


قوچ اوریال یا قوچ شرق کشور، از بزرگترین قوچ‌های ایران است. از مشخصات اصلی قوچ اوریال، ریش بلند و سفید اوست که چهره‌ای با ابهت به او می‌بخشد. شاخ این قوچ نیز بسیار برجسته است و به سمت جلو با پیچش به دور محور اصلی حرکت می‌کند. مقاطع شاخ قوچ اوریال بُعده‌دار است و موجب زیبایی خاص شاخ می‌شود. این قوچ ده‌ساله، در فصل بهار و در حال تعویض مو است.



زیستگاه اصلی قوچ «اورپال» استان خراسان است؛
در دل تپه ماهورها، صخره‌ها و جنگل‌های تَنک... در
حال حاضر قوچ اورپال در پارک ملی گلستان واقع در
شرق استان مازندران منطقه گرگان و دشت و مناطق
حفاظت‌شدهٔ اسفراین تجمع بیشتری دارد.





قوچ اوریال

Order : Artiodactyla راسته : زوج سمان

Family : Bovidae خانواده : گاوسانان

پراکندگی : شرق ایران
 محل زیست : مناطق استپی و تپه ماهور
 نوع تغذیه : علقخوار
 متوسط وزن نر : ۷۵ تا ۸۵ کیلوگرم
 متوسط وزن ماده : ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم
 متوسط ارتفاع از شانته نر : ۸۵ تا ۹۵ سانتیمتر
 متوسط ارتفاع از شانته ماده : ۷۲ تا ۷۷ سانتیمتر
 متوسط طول بدن نر : ۱۴۵ تا ۱۵۵ سانتیمتر
 متوسط طول بدن ماده : ۱۲۵ تا ۱۳۳ سانتیمتر
 متوسط طول عمر : ۱۲ تا ۱۳ سال
 فصل جفت گیری : اواخر پاییز
 دوران بارداری : حدود ۵/۵ ماه
 تولد و تعداد نوزادان : ۱ تا ۲ بچه، اواسط بهار
 بلندترین طول شاخ نر : ۱۱۸ سانتیمتر
 پیرامون بن شاخ نر : ۳۰ سانتیمتر
 شاخ ماده : حدود ۱۰ تا ۲۵ سانتیمتر (نازک)
 تعویض مو : اواسط بهار

Distribution : East of Iran

Habitat : Steppes and hilly regions

Diet : Grasses

Weight - Male : 75 to 85 Kg

Weight - Female : 50 to 60 Kg

Shoulder Height - Male : 85 to 95 Cm

Shoulder Height- Female: 72 to 77 Cm

Body Length - Male : 145 to 155 Cm

Body Length - Female : 125 to 133 Cm

Maximum Age : 12 to 13 years

Breeding Season : End of fall

Gestation Period : About 5.5 months

Number Of Young : 1-2 at mid spring

Length - Male Horn : 118 Cm

Circumference - Male Horn : 30 Cm

Female Horn : About 10 to 25 Cm

(thin)

Hair Shedding : Mid spring





تاكسیدرمی: برادران تاجبخش



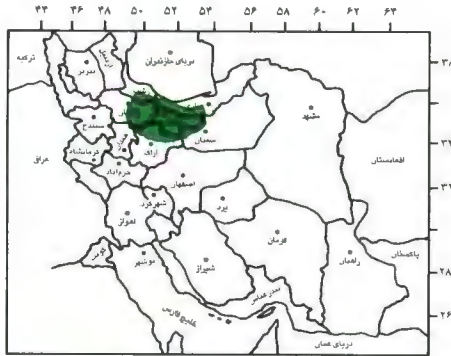
قوچ البرز مرکزی

Alborz Red Sheep
Ovis Ammon Orientalis



قوچ البرز مرکزی از ترکیب دو گونه قوچ اورپال و قوچ ارمنی به وجود آمده است. نمونه‌های مختلف این قوچ که در منطقه البرز مرکزی زندگی می‌کند، با حرکت به سمت آذربایجان از نظر ظاهری به قوچ ارمنی و با حرکت به سمت خراسان به قوچ اورپال شباهت می‌یابد. شاخ قوچ البرز مرکزی به سمت گردن پیچ می‌خورد. این حیوان دارای یالی سیاه‌رنگ است.





قوچ البرز مرکزی

راسته: زوج سمان Order : Artiodactyla

خانواده: گاوسانان Family : Bovidae



پراکندگی: ارتفاعات البرز مرکزی

محل زیست: مناطق کوهستانی و تپه ماهور

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۶۰ تا ۷۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۷۸ تا ۸۲ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۷۰ تا ۷۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۴۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۲۰ تا ۱۳۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۱ تا ۱۳ سال

فصل جفتگیری: اواخر پاییز

دوران بارداری: حدود ۵/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۱ تا ۲ بچه، اواسط بهار

بلندترین طول شاخ نر: ۹۰ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: ۲۷ سانتیمتر

شاخ ماده: حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر (نازک)

تعویض مو: اواسط بهار

Distribution : *The heights of central Alborz*

Habitat : *Mountainous & hilly regions*

Diet : *Grasses*

Weight - Male : 60 to 70 Kg

Weight - Female : 40 to 50 Kg

Shoulder Height - Male : 78 to 82 Cm

Shoulder Height-Female : 70 to 75 Cm

Body Length-Male : 140 to 150 Cm

Body Length - Female : 120 to 130 Cm

Maximum Age : 11 to 13 years

Breeding Season : *End of fall*

Gestation Period : *About 5.5 months*

Number Of Young : 1-2 at mid spring

Length - Male Horn: 90 Cm

Circumference - Male Horn: 27 Cm

Female Horn: *About 10 to 20 Cm (thin)*

Hair Shedding : *Mid spring*

پوشش زمستانی قوچ البرز مرکزی متمایل به رنگ قرمز است، از این رو آن را (Red Sheep) می‌نامند.
تصویر پایین: قوچ البرز مرکزی را باکت تابستانی نشان می‌دهد. رنگ پوشش تابستانی قوچ البرز مرکزی، متمایل به قهوه‌ای است.



پارک ملی سرخه حصار؛ استان تهران



دره زَرَّک؛ پارک ملی سرخه حصار
گله‌ای از قوچ البرز مرکزی در فصل تابستان با پوشش تابستانی



پارک ملی خجیر؛ استان تهران
گله‌ای از قوچ البرز مرکزی در فصل زمستان با پوشش زمستانی







یک گله قوچ البرز مرکزی: زیستگاه این قوچ، ارتفاعات البرز مرکزی است.



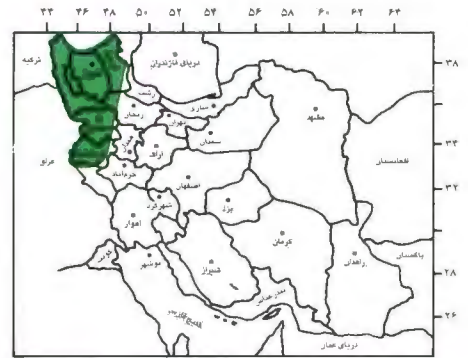
قوچ ارمنی

Western Red Sheep , Armenian Sheep
Ovis Ammon Gmelini



قوچ ارمنی، یکی از گونه‌های قوچ و میش ایران است که در شمال غربی ایران (آذربایجان)، مناطق حفاظت‌شده مراکان و انگوران در استان زنجان، زندگی می‌کند. قوچ ارمنی بیشتر در تپه‌ماهورها زیست می‌کند و مسافت‌های طولانی از ییلاق به قشلاق را به راحتی طی می‌کند. توسعه صنعت و رشد شهرسازی، حرکت این حیوان و در نتیجه زیستگاه‌های او را با خطر جدی مواجه و خطر انقراض را برای آن مطرح ساخته است. برخی به دلیل سفیدی دور کمر قوچ ارمنی، آن را ا... کمر هم می‌نامند و معتقدند که این سفیدی را خداوند به او ارزانی داشته است. شاخ قوچ ارمنی به سمت عقب و بالای گردن کشیده می‌شود.





قوچ ارمنی

پراکندگی: شمال غربی ایران

محل زیست: مناطق کوهستانی و تپه ماهور

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۶۰ تا ۷۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۷۵ تا ۸۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۶۷ تا ۷۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۴۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۲۰ تا ۱۳۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۱ تا ۱۳ سال

فصل جفت‌گیری: اواخر پاییز

دوران بارداری: حدود ۵/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۱ تا ۲ بچه، اواسط بهار

بلندترین طول شاخ نر: ۷۸ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: ۲۸ سانتیمتر

شاخ ماده: حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر (نازک)

تعویض مو: اواسط بهار

راسته: زوج سمان Order : Artiodactyla

خانواده: گاوسانان Family : Bovidae

Distribution : Northwest of Iran

Habitat : Hilly and mountainous regions

Diet : Grasses

Weight - Male : 60 to 70 Kg

Weight - Female : 40 to 50 Kg

Shoulder Height - Male : 75 to 80 Cm

Shoulder Height-Female : 67 to 70 Cm

Body Length - Male : 140 to 150 Cm

Body Length - Female : 120 to 130 Cm

Maximum Age : 11 to 13 years

Breeding Season : End of fall

Gestation Period : About 5.5 months

Number Of Young : 1-2 at mid spring

Length - Male Horn: 78 Cm

Circumference - Male Horn: 28 Cm

Female Horn : About 10 to 20 Cm (thin)

Hair Shedding : Mid spring



دسته دیگری از قوچ‌های ارمنی در منطقه حفاظت‌شده قویون داغی، از جرایر ارومیه، زیست می‌کنند. این قوچ‌ها از نظر نژادی ناخالص هستند؛ زیرا از دوران قاجاریه تاکنون در همان محل محدود به‌سر برده‌اند و از نظر تجدید نسل، تنها امکان زادوولد با یکدیگر را داشته‌اند. از این رو این قوچ در مقایسه با قوچ ارمنی مَرکانی ضعیف‌تر و لاغرتر شده است.





قوچ لارستان

Larestan Sheep
Ovis Ammon Laristanica



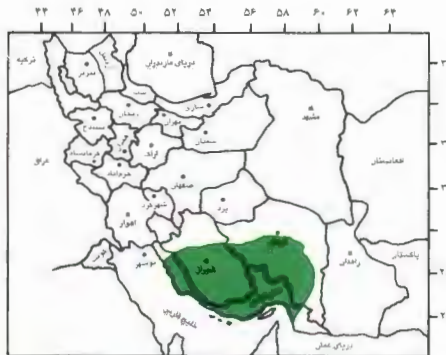
از دیگر گونه‌های قوچ، قوچ لارستان است که در ارتفاعات کوه‌شب در منطقه لار فارس گسترده است. جثه این قوچ بسیار کوچک است و کوچکترین گونه قوچ محسوب می‌شود.



قوچ لارستان

Order : Artiodactyla راسته: زوج سمان

Family : Bovidae خانواده: گاوسانان



پراکندگی: جنوب ایران

محل زیست: مناطق کوهستانی و تپه ماهور

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۵۵ تا ۶۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۵۰ تا ۵۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۲۰ تا ۱۲۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۰۰ تا ۱۱۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۰ تا ۱۲ سال

فصل جفت گیری: اوایل پاییز

دوران بارداری: حدود ۵/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۱ تا ۲ بچه، اوایل بهار

بلندترین طول شاخ نر: حدود ۶۵ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: حدود ۲۰ سانتیمتر

شاخ ماده: حدود ۵ تا ۱۵ سانتیمتر (نازک)

تعویض مو: اوایل بهار

Distribution : The south of Iran

Habitat : Mountainous and hilly regions

Diet : Grasses

Weight - Male : 35 to 40 Kg

Weight - Female : 25 to 30 Kg

Shoulder Height - Male : 55 to 60 Cm

Shoulder Height-Female : 50 to 55 Cm

Body Length - Male : 120 to 125 Cm

Body Length - Female : 100 to 110 Cm

Maximum Age : 10 to 12 years

Breeding Season : Beginning of fall

Gestation Period : About 5.5 months

Number Of Young : 1-2 ; Beg. of spring

Length - Male Horn : About 65 Cm

Circumference - Male Horn: About 20 Cm

Female Horn : About 5 to 15 Cm (thin)

Hair Shedding : Beg. of spring



بزرگترین قوچ و کوچکترین قوچ دنیا؛ قوچ لارستان در برابر قوچ آرگالی که قوچ آلتای شمالی است، قرار گرفته است. قوچ آرگالی بزرگترین گونه قوچ هاست.



تاکسیدرمی: برادران تاجبخش



آهو

Goitered Gazelle
Gazella Subgutturosa



آهو، این موجود ظریف و زیبای دشت‌های ایران، به دلیل شکار بی‌رویه، به‌نحو چشمگیری در خطر بوده است. این حیوان برای جستجوی علوفه، بیشتر به‌سوی حاشیه‌ی دهات و آبادی‌هایی که دارای مزارع سبز هستند حرکت می‌کند و این خود موجب شکار او در شب توسط شکارچیان محلی می‌شود. در آهو تنها جنس نر دارای شاخ است. زیستگاه‌های عمده‌ی این حیوان دشت موتۀ اصفهان و منطقه حفاظت‌شده‌ی سالوک در استان خراسان است.



پراکندگی: اکثر استان‌های کشور

محل زیست: دشت‌های صاف و تپه ماهورها

نوع تغذیه : علفخوار

متوسط وزن نر: ۴۰ تا ۴۵ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۷۰ تا ۷۵ سانت

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۶۵ تا ۷۳ سانت

متوسط طول بدن فر: ۱۲۰ تا ۱۲۵ سانت

متوسط طول بدن ماده: ۱۱۰ تا ۱۱۵ سانت

متوسط طول عمر: ١٠ تا ١٢ سال

فصل جفت گیری : اواخر پاییز

دوران بارداری: حدود ۵ تا ۵/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان : اواسط بهار، معمولاً ۲ بچه

بلندترین طول شاخ فر: ۴۴ سانتیمتر

بیرامون بن شاخ نر: حدود ۱۲ سانتیمتر

شاخ ماده: فاقد شاخ

تعويض مو: اواسط بهار

Order : Artiodactyla راسته : زوج سمان

Family : Bovidae خانواده : گاوسانان



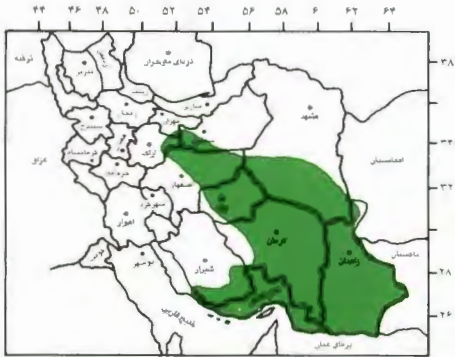


دشت میرزا بایلو، پارک ملی گلستان









جبیر

Order : Artiodactyla راسته: زوج سمان

Family : Bovidae خانواده: گاوسانان

پراکندگی: استان مرکزی، جنوب و جنوب شرقی ایران

محل زیست: نواحی خشک و کویری

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۲۵ تا ۲۷ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۲۳ تا ۲۵ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۶۴ تا ۶۶ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۶۰ تا ۶۳ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۱۰ تا ۱۲۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۰۵ تا ۱۱۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۰ تا ۱۳ سال

فصل جفتگیری: اواسط پاییز

دوران بارداری: حدود ۵/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۱ تا ۲ بچه، اوایل بهار

بلندترین طول شاخ نر: ۳۳ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: ۱۱/۵ سانتیمتر

شاخ ماده: حدود ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر (بسیار نازک)

تعویض مو: اوایل بهار



Distribution : *South, southeast and the central province of Iran*

Habitat : *Dry and desert regions*

Diet : *Grasses*

Weight - Male : *25 to 27 Kg*

Weight - Female : *23 to 25 Kg*

Shoulder Height - Male : *64 to 66 Cm*

Shoulder Height - Female: *60 to 63 Cm*

Body Length - Male : *110 to 125 Cm*

Body Length - Female : *105 to 110 Cm*

Maximum Age : *10 - 13 years*

Breeding Season : *Mid fall*

Gestation Period : *About 5.5 months*

Number Of Young : *1-2 ; Beg. of spring*

Length - Male Horn : *33 Cm*

Circumference - Male Horn: *11.5 Cm*

Female Horn : *20 to 25 Cm (very thin)*

Hair Shedding : *Beginning of spring*





گوزن، مرال، گاو کوهی

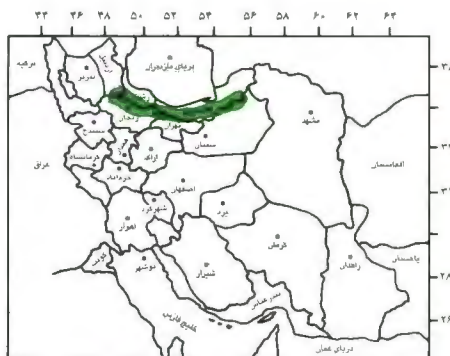
Red Deer - Maral
Cervus Elaphus



زیستگاه مرال، جنگل‌ها و مناطق مرتفع شمال ایران است.
در اواخر بهمن و اوایل اسفند شاخ مرال می‌افتد پس از مدتی شاخ جدید با طول بیشتر و شاخک‌های
افزونتر، مجدداً ظاهر می‌شود. جنس ماده این حیوان فاقد شاخ است.







گوزن، مرال، گاو کوهی

Order: Artiodactyla راسته: زوج سمان

Family: Cervidae خانواده: گوزن‌ها

Distribution: North and north east of Iran

Habitat: Mountainous and forest regions

Diet: Grasses

Weight - Male: 210 to 230 Kg

Weight - Female: 120 to 130 Kg

Shoulder Height-Male: 140 to 150 Cm

Shoulder Height - Female: 120 to 125 Cm

Body Length - Male: 195 to 210 Cm

Body Length - Female: 165 to 175 Cm

Maximum Age: 18 years

Breeding Season: Beginning of fall

Gestation Period: 8 months

Number Of Young: 1; Mid spring

Length - Male Horn: 110 Cm

Circumference - Male Horn: 17 Cm

Female Horn: Hornless

Hair Shedding: Mid spring

Horn Shedding: End of winter

پراکندگی: شمال و شمال شرق ایران

محل زیست: مناطق جنگلی و کوهستانی

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۲۱۰ تا ۲۳۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۱۲۰ تا ۱۳۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۱۴۰ تا ۱۵۰ سانت

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۱۲۰ تا ۱۲۵ سانت

متوسط طول بدن نر: ۱۹۵ تا ۲۱۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۶۵ تا ۱۷۵ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۸ سال

فصل جفت‌گیری: اوایل پاییز

دوران بارداری: حدود ۸ ماه

تولد و تعداد نوزادان: اواسط بهار، ۱ بچه

بلندترین طول شاخ نر: ۱۱۰ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: ۱۷ سانتیمتر

شاخ ماده: فاقد شاخ

تعویض مو: اواسط بهار

شاخ‌اندازی: اواخر زمستان



پوست مرال در بدو تولد دارای خال‌های سفید است که به مرور زمان از بین می‌رود.
شاخ مرال به‌هنگام رویش، غضروفی و کرک‌دار است اما بتدریج شاخی‌شکل و محکم
می‌شود.



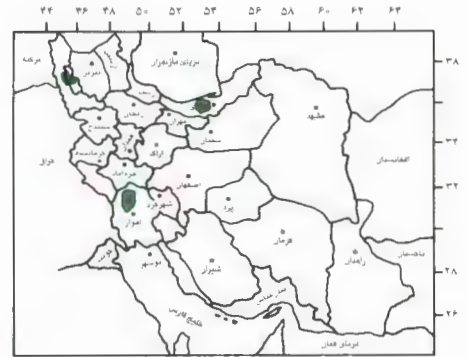
گوزن زرد

Persian Fallow Deer
Dama Mesopotamica



زمانی زیستگاه اصلی این حیوان زیبا، سلسله جبال زاگرس و جنگل‌های بلوط بود و علاوه بر ایران در عراق، ترکیه و سوریه نیز به‌سر می‌برد، اما با از بین رفتن جنگل‌ها، زیستگاه او به جنگل‌های انبوه حاشیه رودخانه دز و کرخه محدود شد.





گوزن زرد

پراکندگی: جنوب غربی و شمال ایران

محل زیست: مناطق جنگلی

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۱۲۰ تا ۱۴۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۷۰ تا ۸۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۱۱۰ تا ۱۱۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۹۰ تا ۹۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۸۰ تا ۱۹۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۶۰ تا ۱۷۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۸ سال

فصل جفت‌گیری: اوایل پاییز

دوران بارداری: حدود ۸ ماه

تولد و تعداد نوزادان: اواسط بهار، ۱ تا ۲ بچه

بلندترین طول شاخ نر: ۵۶ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر: ۱۴ سانتیمتر

شاخ ماده: فاقد شاخ

تعویض مو: اوایل بهار

شاخ‌اندازی: اواخر زمستان

Distribution: *South west and north of Iran*

Habitat: *Forest regions*

Diet : *Grasses*

Weight - Male : *120 to 140 Kg*

Weight - Female : *70 to 80 Kg*

Shoulder Height-Male : *100 to 110 Cm*

Shoulder Height-Female: *90 to 95 Cm*

Body Length - Male : *180 to 190 Cm*

Body Length - Female : *160 to 170 Cm*

Maximum Age : *18 years*

Breeding Season : *Beginning of fall*

Gestation Period : *About 8 months*

Number Of Young: *1 - 2; Mid spring*

Length-Male Horn : *56 Cm*

Circumference-Male Horn : *14 Cm*

Female Horn : *Hornless*

Hair Shedding : *Beg. of spring*

Horn Shedding : *End of winter*

راسته: زوج سمان Order : Artiodactyla

خانواده: گوزن‌ها Family : Cervidae



بر اثر تلاش‌هایی که برای بقای نسل این حیوان صورت گرفت، امروز تعداد قابل توجهی از آنها در مناطق حفاظت‌شده جزایر دریای ارومیه، منطقه میان کتل در تنگ شاهپور فارس و دشت ناز و سمسکنده ساری به حیات خود ادامه می‌دهند. در حال حاضر جز گوزن زرد ایران، نسل گوزن زرد در کشورهای دیگر منقرض شده است.

شاخ گوزن زرد در انتها پهن می‌شود و شکل پنجه دست را تداعی می‌کند. شاخ این حیوان از ویژگی‌های منحصر به فرد اوست.









شوگا

Roe Deer
Capreolus Capreolus



شوگا در منطقه خزر و جنگل‌های شمال، اما در ارتفاعات پایین به سر می‌برد.



شوکا

Order : Artiodactyla راسنه : زوج سمان

Family : Cervidae خانواده : گوزن ها



پراکندگی : شمال ایران
محل زیست : مناطق جنگلی

نوع تغذیه : علفخوار

متوسط وزن نر : ۲۸ تا ۳۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۲۰ تا ۲۵ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر : ۶۵ تا ۷۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۶۰ تا ۶۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۱۱۰ تا ۱۱۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۱۰۵ تا ۱۱۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر : ۱۰ سال

فصل جفت گیری : اواسط تابستان

دوران بارداری : حدود ۹ ماه

تولد و تعداد نوزادان : اواسط بهار، ۱ تا ۲ بچه

بلندترین طول شاخ نر : ۳۰ سانتیمتر

پیرامون بن شاخ نر : ۷ سانتیمتر

شاخ ماده : فاقد شاخ

تعویض مو : اواسط بهار

شاخ اندازی : اواخر پاییز

Distribution: North of Iran

Habitat: Forest regions

Diet : Grasses

Weight - Male : 28 to 30 Kg

Weight - Female : 20 to 25 Kg

Shoulder Height - Male: 65 to 70 Cm

Shoulder Height-Female: 60 to 65 Cm

Body Length - Male : 110 to 115 Cm

Body Length - Female : 105 to 110 Cm

Maximum Age : 10 years

Breeding Season : Mid summer

Gestation Period : About 9 months

Number Of Young: 1-2 ; Mid spring

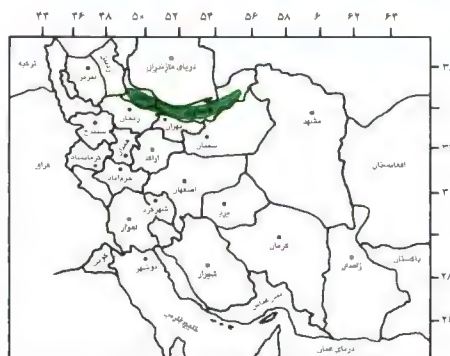
Length-Male Horn : 30 Cm

Circumference-Male Horn : 7 Cm

Female Horn : Hornless

Hair Shedding : Mid spring

Horn Shedding : End of fall





Distribution: *Most Provinces of Iran*
Habitat: *Forest regions and thickets*
Diet : *Plants and insects (omnivorous)*
Weight - Male : *150 to 200 Kg*
Weight - Female : *70 to 100 Kg*
Shoulder Height - Male: *75 to 85 Cm*
Shoulder Height-Female: *65 to 70 Cm*
Body Length - Male : *150 to 160 Cm*
Body Length - Female : *130 to 140 Cm*
Maximum Age : *15 years*
Breeding Season : *Beginning of winter*
Gestation Period : *4 months*
Number Of Young: *4-8 ; Beg. of spring*
Length of Tusks : *26 Cm*
Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی: اکثر استان‌های کشور
 محل زیست: مناطق جنگلی و بیشه‌زارها
 نوع تغذیه: گیاه و حشرات (همه‌چیزخوار)
 متوسط وزن نر: ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلوگرم
 متوسط وزن ماده: ۷۰ تا ۱۰۰ کیلوگرم
 متوسط ارتفاع از شانه نر: ۷۵ تا ۸۵ سانت
 متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۶۵ تا ۷۰ سانت
 متوسط طول بدن نر: ۱۵۰ تا ۱۶۰ سانت
 متوسط طول بدن ماده: ۱۳۰ تا ۱۴۰ سانت
 متوسط طول عمر: ۱۵ سال
 فصل جفت‌گیری: اوایل زمستان
 دوران بارداری: ۴ ماه
 تولد و تعداد نوزادان: اوایل بهار، ۴ تا ۸ بچه
 طول دندان: ۲۶ سانتیمتر
 تعویض مو: اواسط بهار

خوک وحشی، گراز

Wild Boar

Sus Scrofa

راسته: زوج‌سمان Order : Artiodactyla

خانواده: گراز Family : suidae





گراز تقریباً در تمامی نقاط کشور زندگی می‌کند. در جنس نر، طول دندان نیش افزایش یافته و عاجی شکل می‌شود و با افزایش سن حیوان، بر طول آن افزوده می‌گردد. یکی از عوامل کسب امتیاز نزد شکارچی‌ها، همین دندان گراز است. غذای مطبوع این حیوان پیاز گیاهان است. گراز برای به دست آوردن این غذا، تمامی خاک را زیرورو می‌کند.



گورخر

Persian Wild Ass
Equus hemionus

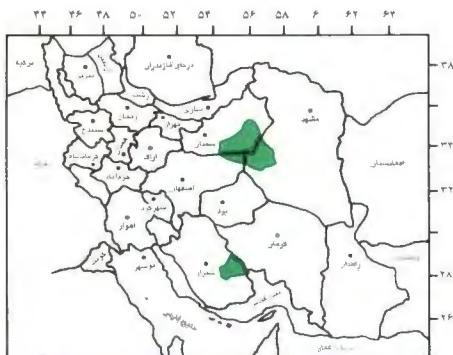


زیستگاه گورخر مثل جبیر، حاشیه کویر در میان جنگل‌های درخت طاق و قیچ‌زارهای کویری است. نسل این حیوان به دلیل شکار بی‌رویه روبه انقراض است و امروزه تنها در بخش‌های محدودی از دشت‌های ایران؛ منطقه حفاظت‌شده توران در جنوب شاهرود و بهرام‌گور دشت قطرویه، زندگی می‌کند.

گورخر در برابر کم‌آبی مقاوم است و با شتر همزیستی دارد.



پناهگاه حیات وحش توران؛ استان سمنان



گورخر

راسته : فردسمان Order : perissodactyla

خانواده : اسبها Family : Equidae



Distribution: *Central, Lut & Khar-touran desert*

Habitat : *Plains, wasteland & desert land*

Diet : *Grasses*

Weight - Male : *230 to 250 Kg*

Weight - Female : *220 to 230 Kg*

Shoulder Height - Male : *120 to 140 Cm*

Shoulder Height - Female: *115 to 130 Cm*

Body Length - Male : *240 to 260 Cm*

Body Length - Female : *230 to 240 Cm*

Maximum Age : *20 to 23 years*

Breeding Season : *Beginning of summer*

Gestation Period : *About 12 months*

Number Of Young : *1; Beg. of summer*

Skull Length : *45 to 49 Cm*

Skull Width: *17 to 19 Cm*

Hair Shedding : *Beginning of spring*

پراکندگی: کویر مرکزی، کویر لوت و کویر خارطوران

محل زیست: دشت‌ها و بیابان‌ها و مناطق کویری

نوع تغذیه: علفخوار

متوسط وزن نر: ۲۳۰ تا ۲۵۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۲۲۰ تا ۲۳۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۱۲۰ تا ۱۴۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۱۱۵ تا ۱۳۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۲۴۰ تا ۲۶۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۲۳۰ تا ۲۴۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۲۰ تا ۲۳ سال

فصل جفت‌گیری: اوایل تابستان

دوران بارداری: حدود ۱۲ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۱ بچه، اوایل تابستان

طول جمجمه: ۴۵ تا ۴۹ سانتیمتر

عرض جمجمه: ۱۷ تا ۱۹ سانتیمتر

تعویض مو: اوایل بهار

گورخر ایرانی، خلاف گورخرهای افریقایی، پوست رنگی و
راهراه ندارد.... نقطه سیاه روی یکی از دست‌های حیوان از
ویژگی گورخر ایرانی است.







پلنگ

Leopard *Panthera Pardus*



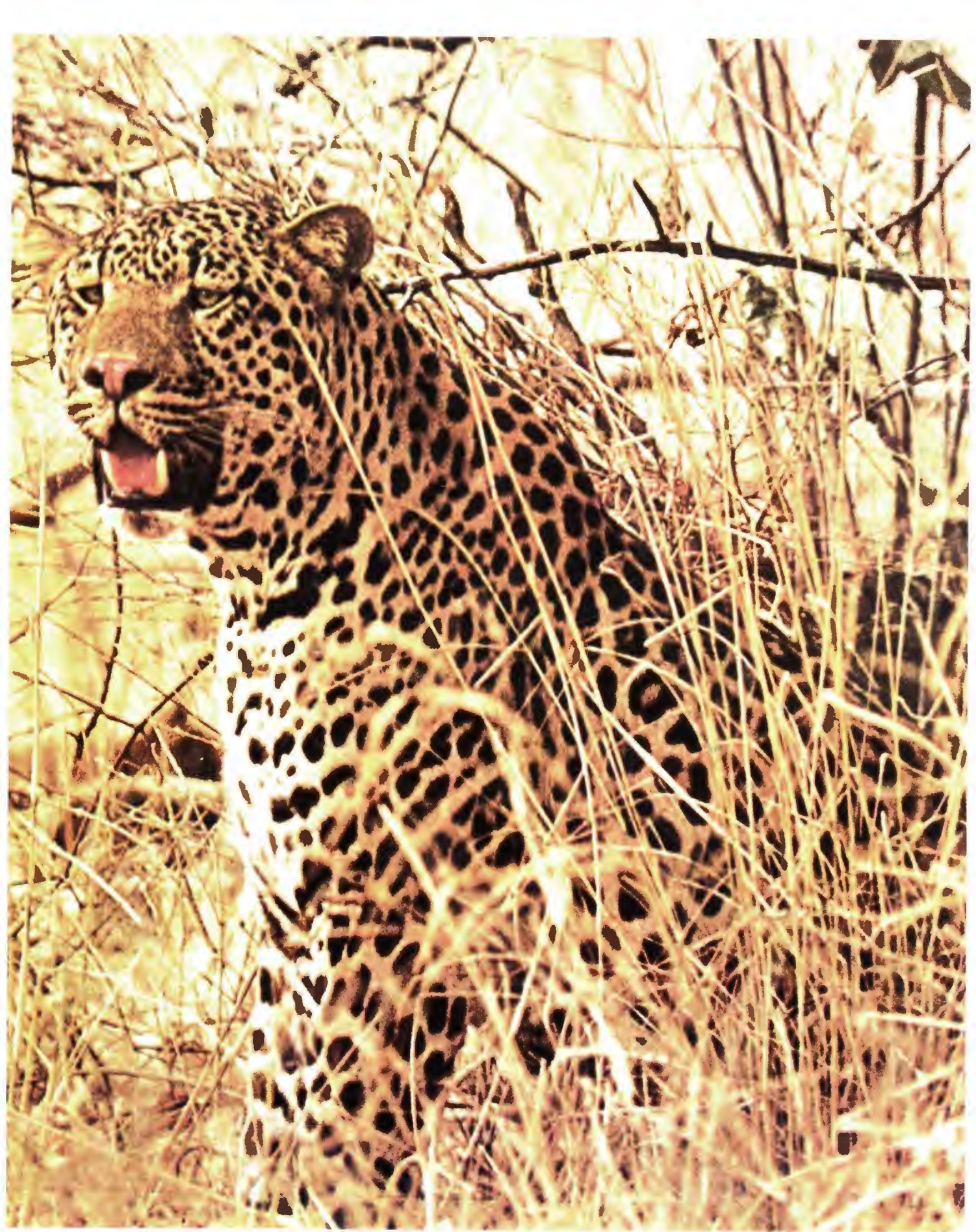
پراکندگی : اکثر نقاط کشور
 محل زیست : مناطق کوهستانی و جنگلی
 نوع تغذیه : گوشتخوار
 متوسط وزن نر : ۷۵ تا ۹۰ کیلوگرم
 متوسط وزن ماده : ۶۵ تا ۷۵ کیلوگرم
 متوسط ارتفاع از شانه نر : ۷۰ تا ۷۲ سانتیمتر
 متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۶۵ تا ۷۰ سانتیمتر
 متوسط طول بدن نر : ۲۷۵ تا ۲۹۵ سانتیمتر
 متوسط طول بدن ماده : ۲۵۰ تا ۲۷۰ سانتیمتر
 متوسط طول عمر : ۱۸ سال
 فصل جفت‌گیری : اواسط زمستان
 دوران بارداری : حدود ۳/۵ ماه
 تولد و تعداد نوزادان : اواسط بهار، ۲ تا ۳ بچه
 طول جمجمه : ۲۵ سانتیمتر
 عرض جمجمه : ۱۷ سانتیمتر
 تعویض مو : اواسط بهار

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Farnily : Felidae خانواده : گربه‌سانان

Distribution : Most provinces of Iran
 Habitat : Mountainous & forest regions
 Diet : Carnivorous
 Weight - Male : 75 to 90 Kg
 Weight - Female : 65 to 75 Kg
 Shoulder Height - Male : 70 to 72 Cm
 Shoulder Height-Female : 65 to 70 Cm
 Body Length - Male : 275 to 295 Cm
 Body Length - Female : 250 to 270 Cm
 Maximum Age : 18 years
 Breeding Season : Mid winter
 Gestation Period : About 3.5 months
 Number Of Young : 2-3; Mid spring
 Skull Length : 25 Cm
 Skull Width : 17 Cm
 Hair Shedding : Mid spring





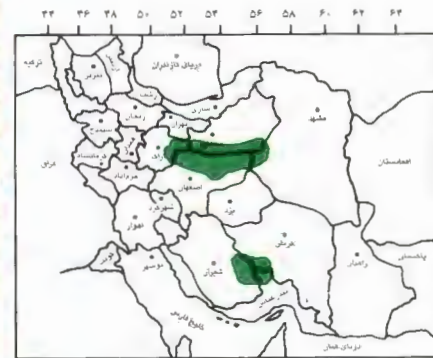
یوزپلنگ

Cheetah

Acinonyx Jubatus

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Felidae خانواده : گربه‌سانان



Distribution : *Central desert & eastern parts of Iran*

Habitat: *Desert and wasteland*

Diet : *Carnivorous*

Weight - Male : *55 to 60 Kg*

Weight - Female : *50 to 55 Kg*

Shoulder Height - Male : *70 to 75 Cm*

Shoulder Height-Female : *68 to 73 Cm*

Body Length - Male : *200 to 210 Cm*

Body Length - Female : *195 to 200 Cm*

Maximum Age : *16 years*

Breeding Season : *Beg. of spring*

Gestation Period : *About 3 months*

Number Of Young : *2-4; Beg. of summer*

Skull Length : *20 Cm*

Skull Width : *14 Cm*

Hair Shedding : *Beginning of spring*

پراکندگی : کویر مرکزی و شرق ایران

محل زیست : مناطق کویری و بیابان‌ها

نوع تغذیه : گوشتخوار

متوسط وزن نر : ۵۵ تا ۶۰ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۵۰ تا ۵۵ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر : ۷۰ تا ۷۵ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۶۸ تا ۷۳ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۲۰۰ تا ۲۱۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۱۹۵ تا ۲۰۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر : ۱۶ سال

فصل جفت‌گیری : اوایل بهار

دوران بارداری : حدود ۳ ماه

تولد و تعداد نوزادان : اوایل تابستان، ۲ تا ۴ بچه

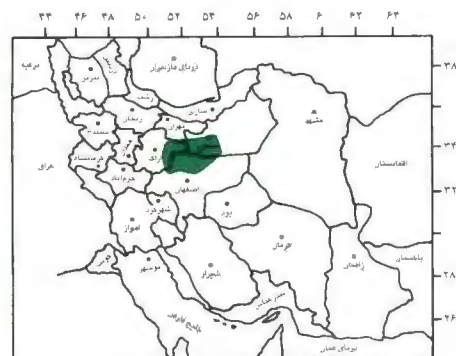
طول جمجمه : ۲۰ سانتیمتر

عرض جمجمه : ۱۴ سانتیمتر

تعویض مو : اوایل بهار

یوزپلنگ حیوانی است باهوش با توانایی بسیار برای تربیت پذیری و رام شدن، همین خصوصیت موجب می‌شد تا در گذشته‌های دور از آن برای شکار استفاده شود. زیستگاه این حیوان مناطق حفاظت‌شده توران شاهرود، کویر ورامین و کویر قطرویه نیریز است. به علت کاهش شدید آهوه غذای اصلی یوزپلنگ است، نسل این حیوان زیبا رو به انقراض دارد.





کاراکال

Caracal

Felis Caracal

Order : carnivora راسته: گوشتخواران

Family : Felidae خانواده: گربه‌سانان

Distribution: *From central desert to east of Iran*

Habitat: *Desert regions and wasteland*

Diet : *Small birds and mammals*

Weight - Male : *10 to 12 Kg*

Weight - Female : *9 to 11 Kg*

Shoulder Height - Male : *44 to 47 Cm*

Shoulder Height-Female : *43 to 45 Cm*

Body Length - Male : *95 to 105 Cm*

Body Length - Female : *95 to 100 Cm*

Maximum Age : *12 years*

Breeding Season : *End of fall*

Gestation Period : *2.5 months*

Number Of Young: *3 - 4; Mid winter*

Skull Length : *13 Cm*

Skull Width : *8 Cm*

Hair Shedding : *Beg. of spring*

پراکندگی: کویر مرکزی تا شرق ایران

محل زیست: مناطق کویری و بیابان‌ها

نوع تغذیه: پستانداران کوچک و پرندگان

متوسط وزن نر: ۱۰ تا ۱۲ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۹ تا ۱۱ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۴۴ تا ۴۷ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۴۳ تا ۴۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۹۵ تا ۱۰۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۹۵ تا ۱۰۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۲ سال

فصل جفت‌گیری: اواخر پاییز

دوران بارداری: حدود ۲/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: اواسط زمستان، ۳ تا ۴ بچه

طول جمجمه: ۱۳ سانتیمتر

عرض جمجمه: ۸ سانتیمتر

تعویض مو: اوایل بهار



سیاه‌گوش

Lynx Lynx Lynx

Order : Carnivora راسته: گوشتخواران

Family : Felidae خانواده: گربه‌سانان

Distribution: North & northeast to west of Iran

Habitat: Mountainous and forest regions

Diet : Small birds and mammals

Weight - Male : 11 to 13 Kg

Weight - Female : 10 to 11 Kg

Shoulder Height - Male : 45 to 50 Cm

Shoulder Height-Female : 42 to 45 Cm

Body Length - Male : 100 to 110 Cm

Body Length - Female : 105 to 107 Cm

Maximum Age : 12 years

Breeding Season : Beginning of winter

Gestation Period : 2.5 months

Number Of Young: 2 - 4; beginning of spring

Skull Length : 15 Cm

Skull Width : 8 Cm

Hair Shedding : Beginning of spring



پراکندگی: مناطق شمالی و شمال شرقی تا غرب ایران

محل زیست: مناطق کوهستانی و جنگلی

نوع تغذیه: پرندگان و پستانداران کوچک

متوسط وزن نر: ۱۱ تا ۱۳ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۱۰ تا ۱۱ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۴۵ تا ۵۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۴۲ تا ۴۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۰۰ تا ۱۱۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۱۰۵ تا ۱۰۷ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۲ سال

فصل جفت‌گیری: اوایل زمستان

دوران بارداری: حدود ۲/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: اوایل بهار، ۲ تا ۴ بچه

طول جمجمه: ۱۵ سانتیمتر

عرض جمجمه: ۸ سانتیمتر

تعویض مو: اوایل بهار

گر به جنگلی

Jungle Cat

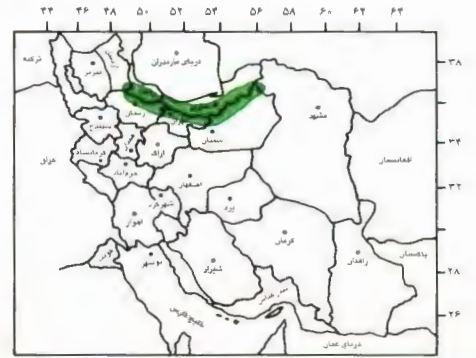
Felis Chaus

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Felidae خانواده : گربه سانان

Distribution : Northeast & northwest of Iran	پراکندگی : اکثر مناطق شمال شرقی و غرب ایران
Habitat : Forest regions	محل زیست : مناطق جنگلی
Diet : Small birds and mammals	نوع تغذیه : پرندگان و پستانداران کوچک
Weight - Male : 4 to 5.5 Kg	متوسط وزن نر : ۴ تا ۵/۵ کیلوگرم
Weight - Female : 4 to 5 Kg	متوسط وزن ماده : ۴ تا ۵ کیلوگرم
Shoulder Height - Male : 30 to 35 Cm	متوسط ارتفاع از شانه نر : ۳۰ تا ۳۵ سانتیمتر
Shoulder Height-Female : 28 to 30 Cm	متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۲۸ تا ۳۰ سانتیمتر
Body Length - Male : 95 to 100 Cm	متوسط طول بدن نر : ۹۵ تا ۱۰۰ سانتیمتر
Body Length - Female : 90 to 95 Cm	متوسط طول بدن ماده : ۹۰ تا ۹۵ سانتیمتر
Maximum Age : 12 years	متوسط طول عمر : ۱۲ سال
Breeding Season : Mid winter	فصل جفت گیری : اواسط زمستان
Gestation Period : 2.5 months	دوران بارداری : حدود ۲/۵ ماه
Number Of Young : 3-5; beg. of spring	تولد و تعداد نوزادان : اوایل بهار، ۳ تا ۵ بچه
Skull Length : 14 Cm	طول جمجمه : ۱۴ سانتیمتر
Skull Width : 7.5 Cm	عرض جمجمه : ۷/۵ سانتیمتر
Hair Shedding : Mid spring	تعویض مو : اواسط بهار







گره پالاس

Pallas Cat

Felis Manul

Distribution : *North, and North east of Iran*

Habitat: *Mountainous sides and bushy wasteland*

Diet : *Small birds and reptiles*

Weight - Male : *2.8 to 3 Kg*

Weight - Female : *2.5 to 2.8 Kg*

Shoulder Height - Male : *25 to 28 Cm*

Shoulder Height-Female : *23 to 25 Cm*

Body Length - Male : *80 to 85 Cm*

Body Length - Female : *80 to 82 Cm*

Maximum Age : *12 years*

Breeding Season : *Mid winter*

Gestation Period : *2.5 months*

Number Of Young : *2 -4; beg. of spring*

Skull Length : *8 Cm*

Skull Width : *5.5 Cm*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی: شمال و شمال شرق ایران

محل زیست: مناطق کوهپایه‌ای و بیابان‌های بوته‌ای

نوع تغذیه: خزندگان و پرندگان کوچک

متوسط وزن نر: ۲/۸ تا ۳ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۲/۵ تا ۲/۸ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۲۵ تا ۲۸ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۲۳ تا ۲۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۸۰ تا ۸۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۸۰ تا ۸۲ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۲ سال

فصل جفت‌گیری: اواسط زمستان

دوران بارداری: حدود ۲/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان: اوایل بهار، ۲ تا ۴ بچه

طول جمجمه: ۸ سانتیمتر

عرض جمجمه: ۵/۵ سانتیمتر

تعویض مو: اواسط بهار

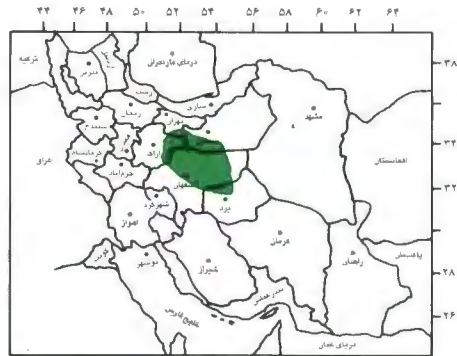


گر به شنی

Sand Cat

Felis Margarita

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران
Family : Felidae خانواده : گر به سانان



Distribution : South, Southwest & Central desert of Iran

Habitat : Desert regions

Diet : Small mammals and various birds

Weight - Male : 3 to 3,5 Kg

Weight - Female : 2.5 to 3 Kg

Shoulder Height - Male : 25 to 30 Cm

Shoulder Height - Female: 25 to 28 Cm

Body Length - Male : 85 to 90 Cm

Body Length - Female : 80 to 90 Cm

Maximum Age : About 12 years

Breeding Season : Mid winter

Gestation Period : About 2.5 months

Number Of Young : 3-5 ; Beginning of spring

Skull Length : 8.5 Cm

Skull Width : 6 Cm

Hair Shedding : Beginning of spring

پراکندگی : کویر مرکزی، جنوب و جنوب غربی ایران

محل زیست : مناطق کویری

نوع تغذیه : پستانداران کوچک و انواع پرندگان

متوسط وزن نر : ۳ تا ۳/۵ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۲/۵ تا ۳ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر : ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۲۵ تا ۲۸ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۸۵ تا ۹۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۸۰ تا ۹۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر : حدود ۱۲ سال

فصل جفت گیری : اواسط زمستان

دوران بارداری : حدود ۲/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان : اوایل بهار، ۳ تا ۵ بچه

طول جمجمه : ۸/۵ سانتیمتر

عرض جمجمه : ۶ سانتیمتر

تعویض مو : اوایل بهار





خرس قهوه‌ای

Brown Bear

Ursus Arctos









خرس قهوه‌ای

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Ursidae خانواده : خرس‌ها

Distribution: *North, northeast to west of Iran* پراکندگی : مناطق شمالی و شمال شرق تا غرب ایران

Habitat: *Mountainous and forest regions* محل زیست : مناطق جنگلی و کوهستانی

Diet : *Plants and animal materials* نوع تغذیه : انواع مواد گیاهی و حیوانی

Weight - Male : *200 to 250 Kg* متوسط وزن نر : ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلوگرم

Weight - Female : *200 to 230 Kg* متوسط وزن ماده : ۲۰۰ تا ۲۳۰ کیلوگرم

Shoulder Height - Male : *100 to 110 Cm* متوسط ارتفاع از شانه نر : ۱۰۰ تا ۱۱۰ سانت

Shoulder Height-Female: *95 to 105 Cm* متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۹۵ تا ۱۰۵ سانت

Body Length - Male : *190 to 200 Cm* متوسط طول بدن نر : ۱۹۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر

Body Length - Female : *180 to 190 Cm* متوسط طول بدن ماده : ۱۸۰ تا ۱۹۰ سانتیمتر

Maximum Age : *20 years* متوسط طول عمر : ۲۰ سال

Breeding Season : *End of spring* فصل جفت‌گیری : اواخر بهار

Gestation Period : *About 7 months* دوران بارداری : حدود ۷ ماه

Number Of Young: *1 - 2 ; Mid winter* تولد و تعداد نوزادان : اواسط زمستان، ۱ تا ۲ بچه

Skull Length : *38 Cm* طول جمجمه : ۳۸ سانتیمتر

Skull Width : *24 Cm* عرض جمجمه : ۲۴ سانتیمتر

Hair Shedding : *Beg. of spring* تعویض مو : اوایل بهار





خرس سیاه

Baluchestan Black Bear *Selenarctos Thibetanus*

راسته: گوشتخواران Order : Carnivora

خانواده: خرس ها Family : Ursidae

پراکندگی: جنوب شرقی ایران
محل زیست: مناطق جنگلی و کوهستانی
نوع تغذیه: انواع مواد گیاهی و حیوانی
متوسط وزن نر: ۱۳۰ تا ۱۵۰ کیلوگرم
متوسط وزن ماده: ۱۱۰ تا ۱۳۰ کیلوگرم
متوسط ارتفاع از شانه نر: ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر
متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۷۰ تا ۷۵ سانتیمتر
متوسط طول بدن نر: ۱۱۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر
متوسط طول بدن ماده: ۱۰۰ تا ۱۱۵ سانتیمتر
متوسط طول عمر: ۱۵ سال
فصل جفت گیری: اوایل تابستان
دوران بارداری: حدود ۷ ماه
تولد و تعداد نوزادان: اواسط زمستان، ۱ تا ۲ بچه
طول جمجمه: ۲۶ سانتیمتر
عرض جمجمه: ۱۷ سانتیمتر
تعویض مو: اوایل بهار

Distribution: Southeast of Iran

Habitat: Mountainous and forest regions

Diet : Plants and animal materials

Weight - Male : 130 to 150 Kg

Weight - Female : 110 to 130 Kg

Shoulder Height - Male: 70 to 80 Cm

Shoulder Height-Female: 70 to 75 Cm

Body Length - Male : 110 to 120 Cm

Body Length - Female : 100 to 115 Cm

Maximum Age : 15 years

Breeding Season : Beg. of summer

Gestation Period : About 7 months

Number Of Young: 1 - 2 ; Mid winter

Skull Length : 26 Cm

Skull Width : 17 Cm

Hair Shedding : Beginning of spring





زیستگاه اصلی خرس سیاه، ارتفاعات شمالی میناب، کوه‌های مهرویه در جنوب کرمان و ارتفاعات قصر قند بلوچستان است.

غذای مورد علاقه این حیوان خرما است. علامت مشخصه خرس سیاه ضمن سیاه بودن رنگ موی آن، حلقه سفیدرنگ هفت ماندنی است که در زیر گردن بر روی سینه نقش بسته است. تداوم نسل این حیوان نیز با خطر جدی مواجه است.



کفتار

Striped Hyaena *Hyaena hyaena*

Order : carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Hyaenidae خانواده : کفتارها

پراکندگی : شمال، جنوب و جنوب شرقی ایران
محل زیست : دشت‌ها و بیابان‌ها
نوع تغذیه : انواع مواد گیاهی و حیوانی (مردارخوار)
متوسط وزن نر : ۵۰ تا ۵۵ کیلوگرم
متوسط وزن ماده : ۵۰ تا ۵۲ کیلوگرم
متوسط ارتفاع از شانه نر : ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر
متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۶۰ تا ۶۵ سانتیمتر
متوسط طول بدن نر : ۱۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر
متوسط طول بدن ماده : ۱۳۰ تا ۱۴۰ سانتیمتر
متوسط طول عمر : ۱۴ سال
فصل جفت‌گیری : اوایل زمستان
دوران بارداری : حدود ۳ ماه
تولد و تعداد نوزادان : اوایل بهار، ۲ تا ۴ بچه
طول جمجمه : ۲۴ سانتیمتر
عرض جمجمه : ۱۶ سانتیمتر
تعویض مو : اوایل بهار

Distribution: North, south & south east
of Iran

Habitat: Plains and wasteland

Diet : Various plants and animal
materials (also carrion)

Weight - Male : 50 to 55 Kg

Weight - Female : 50 to 52 Kg

Shoulder Height - Male: 60 to 70 Cm

Shoulder Height-Female: 60 to 65 Cm

Body Length - Male : 130 to 150 Cm

Body Length - Female : 130 to 140 Cm

Maximum Age : 14 years

Breeding Season : Beginning of winter

Gestation Period : About 3 months

Number Of Young: 2 - 4; Beg. of spring

Skull Length : 24 Cm

Skull Width : 16 Cm

Hair Shedding : Beginning of spring





پراکندگی: اکثر استان های ایران
 محل زیست: مناطق استپی و تپه ماهورها
 نوع تغذیه: گوشتخوار
 متوسط وزن نر: ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم
 متوسط وزن ماده: ۴۵ تا ۵۵ کیلوگرم
 متوسط ارتفاع از شانه نر: ۶۵ تا ۷۰ سانتیمتر
 متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۶۰ تا ۶۷ سانتیمتر
 متوسط طول بدن نر: ۱۶۵ تا ۱۷۵ سانتیمتر
 متوسط طول بدن ماده: ۱۶۰ تا ۱۷۰ سانتیمتر
 متوسط طول عمر: ۱۵ تا ۱۶ سال
 فصل جفت گیری: اواخر زمستان
 دوران بارداری: حدود ۲ ماه
 تولد و تعداد نوزادان: اواسط بهار، ۳ تا ۵ بچه
 طول جمجمه: ۲۶ سانتیمتر
 عرض جمجمه: ۱۴ سانتیمتر
 تعویض مو: اواسط بهار

گرگ Wolf Canis Lupus

راسته: گوشتخواران Order : Carnivora
 خانواده: سگ سانان Family : Canidae

Distribution : Most provinces of Iran
Habitat : Steppes and hilly regions
Diet : Carnivorous
Weight - Male : 50 to 60 Kg
Weight - Female : 45 to 55 Kg
Shoulder Height - Male : 65 to 70 Cm
Shoulder Height-Female : 60 to 67 Cm
Body Length - Male : 165 to 175 Cm
Body Length - Female : 160 to 170 Cm
Maximum Age : 15 to 16 years
Breeding Season : End of winter
Gestation Period : About 2 months
Number Of Young : 3-5 ; mid spring
Skull Length : 26 Cm
Skull Width : 14 Cm
Hair Shedding : Mid spring





شغال

Jackal

Canis Aureus

Order : Carnivora راسته: گوشتخواران

Family : Canidae خانواده: سگسانان



Distribution : *Most provinces of Iran*

Habitat : *Rural regions and farms*

Diet : *Small mammals and fruit*

Weight - Male : *10 to 14 Kg*

Weight - Female : *8 to 12 Kg*

Shoulder Height - Male : *45 to 48 Cm*

Shoulder Height- Female: *42 to 45 Cm*

Body Length - Male : *100 to 105 Cm*

Body Length - Female : *95 to 100 Cm*

Maximum Age : *10 to 12 years*

Breeding Season : *End of winter*

Gestation Period : *About 2 months*

Number Of Young : *4 - 5; Mid spring*

Skull Length : *17 Cm*

Skull Width : *9 Cm*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی: اکثر استان‌های ایران

محل زیست: اطراف دهات و مزارع

نوع تغذیه: پستانداران کوچک و میوه

متوسط وزن نر: ۱۰ تا ۱۴ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۸ تا ۱۲ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۴۵ تا ۴۸ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۴۲ تا ۴۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۱۰۰ تا ۱۰۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۹۵ تا ۱۰۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۱۰ تا ۱۲ سال

فصل جفت‌گیری: اواخر زمستان

دوران بارداری: حدود ۲ ماه

تولد و تعداد نوزادان: اواسط بهار، ۴ تا ۵ بچه

طول جمجمه: ۱۷ سانتیمتر

عرض جمجمه: ۹ سانتیمتر

تعویض مو: اواسط بهار



روباه شنی

Ruppell's Fox

Vulpes Ruppelli

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران
Family : Canidae خانواده : سگ‌سانان

Distribution : South, Southwest and
Central desert of Iran

Habitat : Desert regions

Diet : Small mammals, various birds

Weight - Male : 3 to 3.5 Kg

Weight - Female : 2.5 to 3 Kg

Shoulder Height - Male : 30 to 32 Cm

Shoulder Height - Female: 27 to 29 Cm

Body Length - Male : 100 to 105 Cm

Body Length - Female : 90 to 95 Cm

Maximum Age : About 10 years

Breeding Season : Mid winter

Gestation Period : About 2 months

Number Of Young : 3-5 ; Beg of spring

Skull Length : 11 Cm

Skull Width : 6 Cm

Hair Shedding : Beginning of spring

پراکندگی : کویر مرکزی، جنوب و جنوب غربی
ایران

محل زیست : مناطق کویری

نوع تغذیه : پستانداران کوچک و انواع پرندگان

متوسط وزن نر : ۳ تا ۳/۵ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۲/۵ تا ۳ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر : ۳۰ تا ۳۲ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۲۷ تا ۲۹ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۱۰۰ تا ۱۰۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۹۰ تا ۹۵ سانتیمتر

متوسط طول عمر : حدود ۱۰ سال

فصل جفت‌گیری : اواسط زمستان

دوران بارداری : حدود ۲ ماه

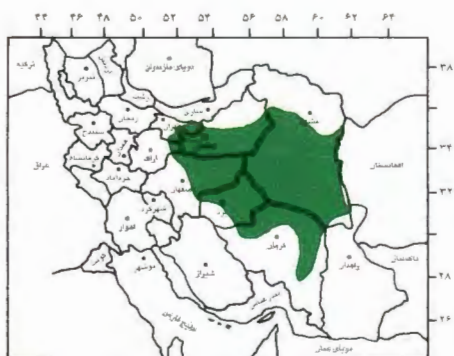
تولد و تعداد نوزادان : اوایل بهار، ۳ تا ۵ بچه

طول جمجمه : ۱۱ سانتیمتر

عرض جمجمه : ۶ سانتیمتر

تعویض مو : اوایل بهار





زیستگاه روباه شنی، کویر است. از این روی مشاهده آن چندان ساده نیست. این حیوان برای هماهنگی با طبیعت داغ و رونده کویبری، موهایی در پنجه‌ها دارد که حرکت آن را در میان شنزارهای تفتیده تسهیل می‌نماید.





روباه معمولی

Common Fox
Vulpes Vulpes

Order : Carnivora راسته: گوشتخواران

Family : Canidae خانواده: سگ‌سانان

پراکنندگی: اکثر استان‌های ایران
محل زیست: اطراف دهات و باغ‌ها
نوع تغذیه: پستانداران کوچک و پرندگان
متوسط وزن نر: ۳/۵ تا ۴ کیلوگرم
متوسط وزن ماده: ۳/۳ تا ۳/۷ کیلوگرم
متوسط ارتفاع از شانه نر: ۳۰ تا ۳۵ سانتیمتر
متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۳۰ تا ۳۴ سانتیمتر
متوسط طول بدن نر: ۱۱۰ تا ۱۱۵ سانتیمتر
متوسط طول بدن ماده: ۱۰۵ تا ۱۱۰ سانتیمتر
متوسط طول عمر: حدود ۱۰ سال
فصل جفت‌گیری: اواخر زمستان
دوران بارداری: حدود ۲ ماه
تولد و تعداد نوزادان: اواسط بهار، ۴ تا ۶ بچه
طول جمجمه: ۱۳ سانتیمتر
عرض جمجمه: ۷ سانتیمتر
تعویض مو: اواسط بهار



Distribution : Most Provinces of Iran
Habitat : Rural regions and gardens
Diet : Small birds and mammals
Weight - Male : 3.5 to 4 Kg
Weight - Female : 3.3 to 3.7 Kg
Shoulder Height - Male : 30 to 35 Cm
Shoulder Height-Female : 30 to 34 Cm
Body Length - Male : 110 to 115 Cm
Body Length - Female : 105 to 110 Cm
Maximum Age : About 10 years
Breeding Season : End of winter
Gestation Period : About 2 months
Number Of Young : 4 - 6; Mid spring
Skull Length : 13 Cm
Skull Width : 7 Cm
Hair Shedding : Mid spring







بچه روباه معمولی

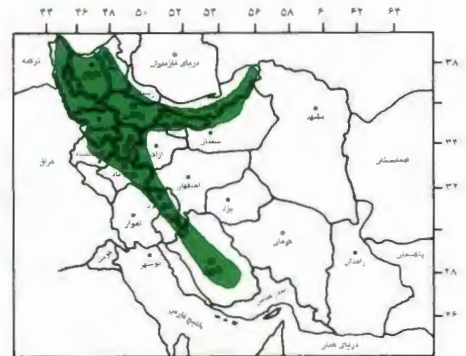
گورکن، رودک

Badger

Meles Meles

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Mustelidae خانواده : سمور



Distribution: *Most provinces of Iran*

Habitat: *Plains and hilly regions*

Diet : *Plants and animal materials*

Weight - Male : *6 to 7 Kg*

Weight - Female : *6 to 6.5 Kg*

Shoulder Height - Male: *30 to 35 Cm*

Shoulder Height-Female: *30 to 32 Cm*

Body Length - Male : *65 to 70 Cm*

Body Length - Female : *60 to 67 Cm*

Maximum Age : *10 years*

Breeding Season : *Beginning of spring*

Gestation Period : *About 2 months*

Number Of Young: *2 - 4; End of spring*

Skull Length : *12 Cm*

Skull Width : *7 Cm*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی : اکثر نقاط ایران

محل زیست : دشت‌ها و کوهپایه‌ها

نوع تغذیه : انواع مواد گیاهی و حیوانی

متوسط وزن نر : ۶ تا ۷ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۶ تا ۶/۵ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانۀ نر : ۳۰ تا ۳۵ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانۀ ماده : ۳۰ تا ۳۲ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۶۵ تا ۷۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۶۰ تا ۶۷ سانتیمتر

متوسط طول عمر : ۱۰ سال

فصل جفت‌گیری : اوایل بهار

دوران بارداری : حدود ۲ ماه

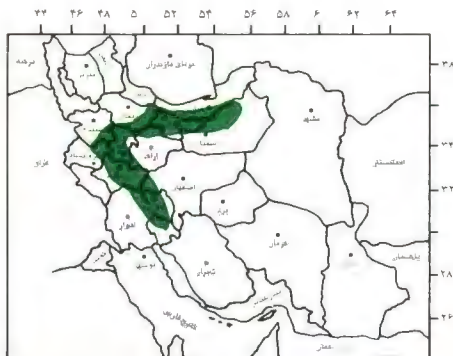
تولد و تعداد نوزادان : اواخر بهار، ۲ تا ۴ بچه

طول جمجمه : ۱۲ سانتیمتر

عرض جمجمه : ۷ سانتیمتر

تعویض مو : اواسط بهار





سمور سنگی، خز سنگی

Stone Marten

Martes Foina

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Mustelidae خانواده : سمور



Distribution: *Most provinces of Iran*

Habitat: *Near farms and gardens*

Diet : *Small birds, rodents and fruit*

Weight - Male : *1 to 1.5 Kg*

Weight - Female : *1 to 1.2 Kg*

Shoulder Height - Male: *16 to 18 Cm*

Shoulder Height-Female: *16 to 17 Cm*

Body Length - Male : *65 to 70 Cm*

Body Length - Female : *60 to 65 Cm*

Maximum Age : *12 years*

Breeding Season: *Beginning of summer*

Gestation Period : *About 8 months*

Number Of Young: *3-6; End of winter*

Skull Length : *8 Cm*

Skull Width : *4.5 Cm*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی : اکثر نقاط ایران

محل زیست : اطراف مزارع و باغها

نوع تغذیه : چوندگان، پرندگان کوچک و میوه

متوسط وزن نر : ۱ تا ۱/۵ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۱ تا ۱/۲ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر : ۱۶ تا ۱۸ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۱۶ تا ۱۷ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۶۵ تا ۷۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۶۰ تا ۶۵ سانتیمتر

متوسط طول عمر : ۱۲ سال

فصل جفت گیری : اوایل تابستان

دوران بارداری : حدود ۸ ماه

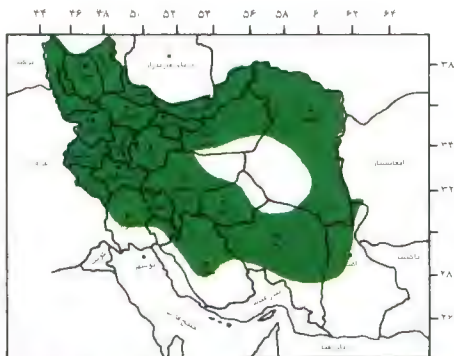
تولد و تعداد نوزادان : اواخر زمستان، ۳ تا ۶ بچه

طول جمجمه : ۸ سانتیمتر

عرض جمجمه : ۴/۵ سانتیمتر

تعویض مو : اواسط بهار





شنگ، سگ آبی

Otter

Lutra Lutra

Order : Carnivora راسته : گوشتخواران

Family : Mustelidae خانواده : سمور



Distribution: *Most provinces of Iran*

Habitat: *Most rivers and lakes*

Diet : *Fish and marine animals*

Weight - Male : *10 to 12 Kg*

Weight - Female : *8 to 10 Kg*

Shoulder Height - Male: *16 to 18 Cm*

Shoulder Height-Female: *15 to 17 Cm*

Body Length - Male : *110 to 120 Cm*

Body Length - Female : *100 to 115 Cm*

Maximum Age : *10 to 12 years*

Breeding Season: *Mid winter*

Gestation Period : *About 2.5 months*

Number Of Young: *3 - 5; Mid spring*

Skull Length : *12 Cm*

Skull Width : *8 Cm*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی : اکثر نقاط ایران

محل زیست : اکثر رودخانه‌ها و دریاچه‌ها

نوع تغذیه : ماهی و جانوران آبی

متوسط وزن نر : ۱۰ تا ۱۲ کیلوگرم

متوسط وزن ماده : ۸ تا ۱۰ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر : ۱۶ تا ۱۸ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده : ۱۵ تا ۱۷ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر : ۱۱۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده : ۱۰۰ تا ۱۱۵ سانتیمتر

متوسط طول عمر : ۱۰ تا ۱۲ سال

فصل جفت‌گیری : اواسط زمستان

دوران بارداری : حدود ۲/۵ ماه

تولد و تعداد نوزادان : اواسط بهار، ۳ تا ۵ بچه

طول جمجمه : ۱۲ سانتیمتر

عرض جمجمه : ۸ سانتیمتر

تعویض مو : اواسط بهار



تعویض مو: اواسط بهار

Hair Shedding : *Mid spring*

Lepus Capensis

Family : Leporidae خانواده : خرگوش







Distribution: *Most parts of Iran*

Habitat: *Hill sides and wasteland*

Diet : *Grasses*

Weight - Male : *16 to 18 Kg*

Weight - Female : *15 to 17 Kg*

Shoulder Height - Male: *25 to 30 Cm*

Shoulder Height-Female: *23 to 25 Cm*

Body Length - Male : *90 to 100 Cm*

Body Length - Female : *85 to 90 Cm*

Maximum Age : *8 years*

Breeding Season: *Beginning of fall*

Gestation Period : *About 2 months*

Number Of Young: *2-4; End of fall*

Skull Length : *15 Cm*

Skull Width : *8 Cm*

Hair Shedding : *Mid spring*

پراکندگی: اکثر نقاط ایران

محل زیست: دامنه کوه‌ها و بیابان‌ها

نوع تغذیه: گیاهخوار

متوسط وزن نر: ۱۶ تا ۱۸ کیلوگرم

متوسط وزن ماده: ۱۵ تا ۱۷ کیلوگرم

متوسط ارتفاع از شانه نر: ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر

متوسط ارتفاع از شانه ماده: ۲۳ تا ۲۵ سانتیمتر

متوسط طول بدن نر: ۹۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر

متوسط طول بدن ماده: ۸۵ تا ۹۰ سانتیمتر

متوسط طول عمر: ۸ سال

فصل جفت‌گیری: اوایل پاییز

دوران بارداری: حدود ۲ ماه

تولد و تعداد نوزادان: ۲ تا ۴ بچه؛ اواخر پاییز

طول جمجمه: ۱۵ سانتیمتر

عرض جمجمه: ۸ سانتیمتر

تعویض مو: اواسط بهار

تشی

Indian Crested Porcupine *Hystrix Indica*

Order : Rodentia راسته: جونندگان

Family : Hystricidae خانواده: تشی



نمونه گیری، رکورد و رکورد



اندازه گیری شاخ
رکوردها
و
رکوردداران



شورای جهانی شکار و حفظ حیات وحش

C. I. C

صورت رسمی، وابسته و افتخاری است. شورا از کلیه اعضای خود انتظار دارد که از اصول و هدف‌های این مجمع حمایت کنند و فعالانه C.I.C را در نیل به اهداف مدد رسانند. اعضای رسمی از حق رأی برخوردارند و می‌توانند در مقام نمایندگان مجامع یا اشخاص حقیقی به‌عنوان عضو ثابت پذیرفته شوند. اعضای ثابت توسط دولت‌ها یا سازمان‌های رسمی بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورها تعیین می‌شوند.

اعضای رسمی هیئت نمایندگی هر کشور بستگی به میزان جمعیت آن کشور دارد و براساس ۲ نفر در هر یک میلیون تعیین می‌شود. هیئت‌هایی که کمتر از ۱۰ نفر باشند طبق مقررات می‌توانند اعضا را تا ۱۰ نفر افزایش دهند. اما هیچ هیئت نمایندگی نمی‌تواند بیش از ۲۵ عضو داشته باشد.

اعضای C.I.C هر سال در یک مجمع عمومی گردهم جمع می‌شوند. زمان و محل برگزاری این گردهمایی باید حداقل سه ماه قبل به تصویب هیئت مدیره برسد. برای اینکه مذاکرات جلسات جنبه قانونی داشته باشد باید یک سوم از اعضای رسمی یا نمایندگان آنها در مجمع عمومی حضور داشته باشند. پس از هر مجمع عمومی گزارشی در مورد اقدامات انجام شده تهیه می‌شود و نسخ آن ظرف ۶ ماه برای کلیه اعضا ارسال می‌شود. در هر دوره سه ساله مجمع عمومی عادی در جلسه اختتامیه خود رئیس جدیدی برای C.I.C انتخاب می‌نماید.

هیئت مدیره می‌تواند بنابر شرایط در هر زمان تصمیم به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بگیرد. این تصمیم باید سه ماه قبل از تشکیل مجمع اعلام گردد و موافقت کتبی و امضاشده حداقل پنجاه عضو رسمی را مبنی بر تشکیل جلسه حاصل نماید. اگر هدف از تشکیل جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده تجدید نظر در قوانین یا انحلال C.I.C باشد این تصمیمات باید با اکثریت دوسوم آرای اعضای رسمی تصویب شود.

هیئت مدیره C.I.C متشکل از رئیس، دو معاون، رئیس افتخاری، مشاور حقوقی و رؤسای نمایندگی‌های کشورهای که حق عضویت می‌پردازند.

زبان‌های رسمی شورای جهانی شکار و حفظ حیات وحش، آلمانی، فرانسه و انگلیسی است و طبق مقررات C.I.C هنگام بروز تردید یا عدم توافق در مورد تغییر متون، متن فرانسه به خودی خود قوت قانونی خواهد داشت.

معرفی «شورای جهانی شکار و حفظ حیات وحش» (Conseil International De La Chasse) که به اختصار C.I.C خوانده می‌شود به دو دلیل اجتناب‌ناپذیر می‌نمود؛ نخست آنکه در این کتاب، برای به‌دست دادن شیوه‌های علمی اندازه‌گیری شاخ‌ها و مجسمه‌ها و... از روش C.I.C که شیوه‌ای علمی و جهانی است بهره جستیم و دلیل مهمتر اینکه جامعه جهانی شکار با اصول و مبانی مشترک به عرصه‌های شکار و شکارگری می‌نگرد...

به‌ویژه آنجا که سخن از اهمیت شکار و نقش آن در محیط زیست می‌رود، طرح اهداف سازمان‌های جهانی مرتبط با شکار و حفظ حیات وحش مؤید دیگری بر آگاهی و شناخت عمومی است و نیز نشانه‌ای از اعتقاد راستین ایرانیان در تمامی ادوار گذشته که به شکار به چشم ورزشی درخور احترام می‌نگریستند. شورای جهانی شکار و حفظ حیات وحش، تجمعی جهانی، اما غیرسیاسی در راستای حفظ و حراست از مبانی شکار و نیز حمایت خردمندانه از مسایل زیست‌محیطی است. این سازمان همچنین مرکزی است تحقیقی برای حفاظت از حیات وحش. «ماکسیم دوکرک» بنیان‌گذار شورای جهانی شکار و حفظ حیات وحش در سال ۱۹۲۸ مشهورترین شکارچیان اروپا را در پاریس گردهم آورد تا مجمعی به نام «شورای بین‌المللی شکار» پی‌ریزی کند. وی توانست با جلب حمایت دولت فرانسه اولین اجلاس این شورا در سال ۱۹۳۰ و در پاریس تشکیل دهد. مهمترین اهداف C.I.C شامل این موارد است:

- تعالی علم بهره‌گیری از منابع طبیعی و حمایت علایق عمومی شکار و هماهنگی آن با حفاظت از طبیعت و حیات وحش.
 - برقراری و حفظ ارتباط دایم میان دولت‌ها، سازمان‌های مربوط به بهره‌برداری از منابع طبیعی، شکارچیان و دانشمندان کلیه کشورهای جهان.
 - تحقیق در زمینه‌های مربوط به شکار و حفظ حیات وحش.
 - انتشار اطلاعاتی که از طریق گردهمایی کشورها حاصل می‌شود و کوشش برای حل مسایل مربوط به این زمینه‌ها.
 - عدم توسل به هرگونه راه حل سیاسی برای رفع مشکلات.
 - تشکیل آرشیوی از کلیه مدارک موجود در زمینه شکار.
 - تدوین مقررات مربوط به شکار با توافق بین دولت‌ها.
- عضویت در شورای جهانی شکار و حفظ حیات وحش به

شیوه اندازه گیری شاخ کل



برای اندازه گیری شاخ کل، طبق فرمول C.I.C به این ترتیب عمل می شود:

- ۱- معدل مجموع طول شاخ راست و چپ
- ۲- اندازه ضخامت شاخ راست
- ۳- اندازه ضخامت شاخ چپ
- ۴- معدل فاصله خارجی شاخ

امتیاز زیبایی:

رنگ؛ دودی پر رنگ؛ دو امتیاز بند؛ برجسته؛ دو امتیاز
دودی ؛ یک امتیاز متوسط؛ یک امتیاز
دودی روشن؛ صفر امتیاز کم ؛ صفر امتیاز

مدال های شاخ کل

مدال گران پری؛ از ۲۲۰ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۱۹۵-۲۲۰

مدال نقره ؛ ۱۸۵-۱۹۵

مدال برنز ؛ ۱۷۵-۱۸۵

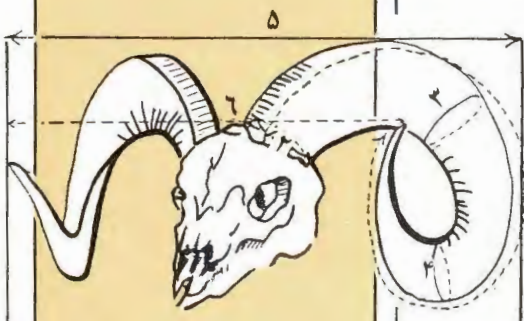
شیوه اندازه گیری شاخ قوچ

برای اندازه گیری شاخ قوچ های ایران؛ قوچ اوریل، قوچ البرز مرکزی و قوچ ارمنی، طبق فرمول C.I.C به این ترتیب عمل می شود:

- ۱- معدل مجموع طول شاخ راست و چپ
- ۲- معدل مجموع ضخامت شاخ راست و چپ
- ۳- معدل مجموع ضخامت در $\frac{1}{3}$ طول شاخ راست و چپ
- ۴- معدل مجموع ضخامت در $\frac{2}{3}$ طول شاخ راست و چپ
- ۵- فاصله خارجی شاخ ها

امتیاز زیبایی:

رنگ؛ از صفر تا سه امتیاز
بند؛ از صفر تا سه امتیاز
فرم؛ از صفر تا پنج امتیاز



مدال های شاخ قوچ اوریل

مدال گران پری؛ از ۲۶۰ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۲۴۰-۲۶۰

مدال نقره ؛ ۲۳۰-۲۴۰

مدال برنز ؛ ۲۲۰-۲۳۰

مدال های قوچ البرز مرکزی

مدال گران پری؛ از ۲۲۰ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۲۰۰-۲۲۰

مدال نقره ؛ ۱۹۰-۲۰۰

مدال برنز ؛ ۱۸۰-۱۹۰

مدال های شاخ قوچ ارمنی

مدال گران پری؛ از ۲۳۰ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۲۱۰-۲۳۰

مدال نقره ؛ ۲۰۰-۲۱۰

مدال برنز ؛ ۱۹۰-۲۰۰

شیوه اندازه گیری شاخ آهو و جبیر

برای اندازه گیری شاخ آهو و جبیر، طبق فرمول C.I.C به این ترتیب عمل می شود:

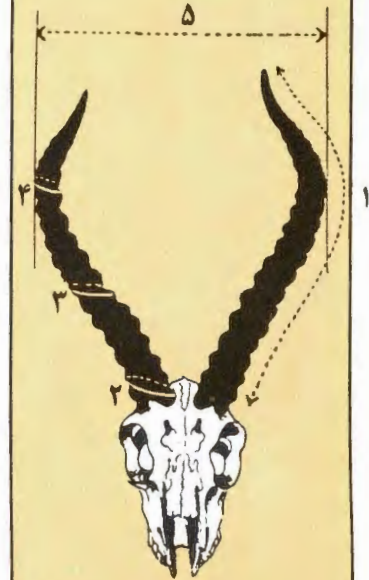
- ۱- معدل مجموع طول شاخ راست و چپ
- ۲- معدل مجموع ضخامت شاخ راست و چپ
- ۳- معدل مجموع ضخامت در $\frac{1}{4}$ طول شاخ راست و چپ
- ۴- معدل مجموع ضخامت در $\frac{3}{4}$ طول شاخ راست و چپ
- ۵- فاصله خارجی شاخ

مدال های شاخ آهو	مدال های شاخ جبیر
مدال گران پری؛ از ۹۵ امتیاز به بالا	مدال گران پری؛ از ۷۳ امتیاز به بالا
مدل طلا ؛ ۸۵-۹۵	مدل طلا ؛ ۷۰-۷۳
مدال نقره ؛ ۸۰-۸۵	مدال نقره ؛ ۶۷-۷۰
مدال برنز ؛ ۷۵-۸۰	مدال برنز ؛ ۶۰-۶۷

شیوه اندازه گیری شاخ مرال

برای اندازه گیری شاخ مرال طبق فرمول C.I.C به این ترتیب عمل می شود:

- ۱- معدل مجموع طول شاخ راست و طول شاخ چپ $\times ۰.۵\%$
- ۲- معدل مجموع طول شاخک چشمی راست و طول شاخک چشمی چپ $\times ۰.۲۵\%$
- ۳- معدل مجموع طول شاخک میانی راست و طول شاخک میانی چپ $\times ۰.۲۵\%$
- ۴- معدل مجموع پیرامون پایین شاخ راست و پیرامون پایین شاخ چپ
- ۵- مجموع پیرامون مابین شاخک چشمی داخلی و میانی راست و چپ
- ۶- مجموع پیرامون مابین شاخک میانی و تاج راست و چپ
- ۷- فاصله داخلی شاخها:
 - کمتر از ۰.۶% طول شاخ، صفر امتیاز
 - بین ۰.۶% تا ۰.۷% طول شاخ، یک امتیاز
 - بین ۰.۷% تا ۰.۸% طول شاخ، دو امتیاز
 - بیشتر از ۰.۸% طول شاخ، سه امتیاز
- ۸- به ازای هریک از شاخکهای راست و چپ؛ یک امتیاز (شاخک های از ۲ سانت به بالا منظور می شود)
- ۹- شاخک های چشمی خارجی که بین شاخک داخلی و شاخک میانی قرار دارند؛ از صفر تا دو امتیاز (از ۲۰ سانت به بالا؛ دو امتیاز منظور می شود)
- ۱۰- تاج؛ از صفر تا ۱۰ امتیاز (اگر تعداد شاخک های سر تشکیل کاسه داده باشد، یا تعداد شاخک ها از هر طرف بیشتر از ۴ شاخک باشد، ۱۰ امتیاز منظور می شود)
- ۱۱- وزن شاخ بر حسب کیلوگرم $\times ۲$



امتیاز زیبایی :

رنگ ؛ سفید ؛ صفر امتیاز

قهوه‌ای ؛ یک امتیاز

مایل به سیاه ؛ دو امتیاز

عاج ؛ از صفر تا دو امتیاز (عاج برجسته و مشخص ؛ دو امتیاز می‌گیرد)

نوک شاخ ؛ سفید و سالم بودن نوک شاخ‌ها ؛ از صفر تا دو امتیاز

(اگر شاخکی شکسته شده باشد، امتیاز نمی‌گیرد)

پس از محاسبه هریک از این مراحل، مجموع امتیاز به دست می‌آید.

مدال‌های شاخ مرال

مدال گران پری ؛ از ۲۲۰ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۱۹۵-۲۲۰

مدال نقره ؛ ۱۸۵-۱۹۰

مدال برنز ؛ ۱۷۵-۱۸۵

شیوه اندازه‌گیری دندان گراز

برای اندازه‌گیری دندان گراز بر طبق فرمول G.I.C به این ترتیب عمل می‌شود:

۱- معدل مجموع طول دندان راست و چپ (سانتیمتر)

۲- معدل مجموع عرض دندان راست و چپ بر حسب میلی‌متر $3 \times$

۳- اندازه پیرامون دندان کوچک راست (سانتیمتر)

۴- اندازه پیرامون دندان کوچک چپ (سانتیمتر)

امتیاز از مجموع هریک از قسمت‌های بالا به دست می‌آید.

شیوه اندازه‌گیری حجمه خرس، پلنگ و گورک

برای اندازه‌گیری حجمه، مجموع طول و عرض حجمه در بین دو خط عمود، بر حسب سانتی متر محاسبه می‌شود.

مدال‌های حجمه گرگ

مدال گران پری ؛ از ۴۳ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۴۱-۴۳

مدال نقره ؛ ۳۹-۴۱

مدال برنز ؛ ۳۷-۳۹

مدال‌های حجمه پلنگ

مدال گران پری ؛ از ۴۲ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۴۰-۴۲

مدال نقره ؛ ۳۸-۴۰

مدال برنز ؛ ۳۶-۳۸

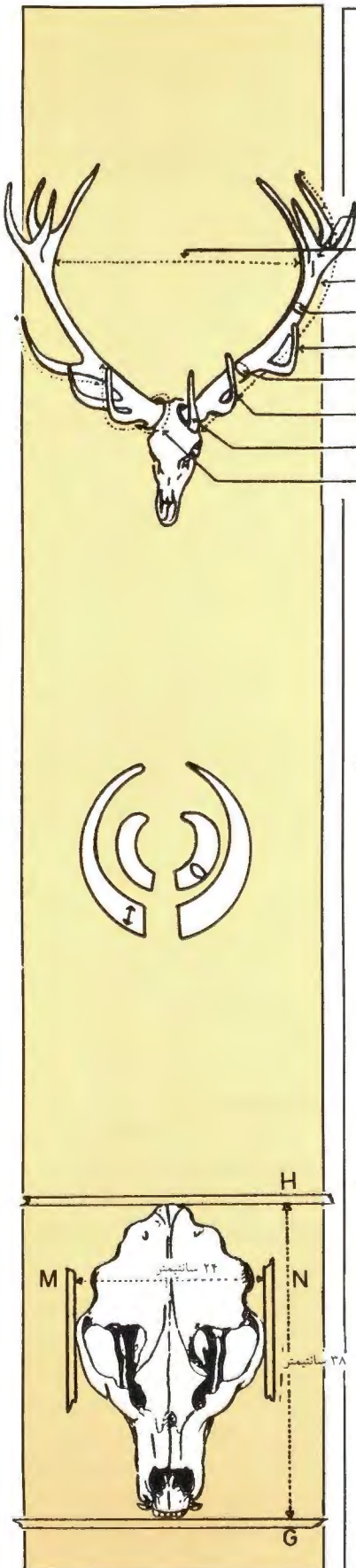
مدال‌های حجمه خرس

مدال گران پری ؛ از ۶۰ امتیاز به بالا

مدال طلا ؛ ۵۵-۶۰

مدال نقره ؛ ۵۳-۵۵

مدال برنز ؛ ۵۰-۵۳





۱- خسرو سریری؛ شکار قوچ اوربال،

شاهرود، ۱۳۵۲

۲- سیدکمال الدین عظیمی نیا؛ شکار

قوچ اوربال، منطقه اسفراین، ۱۳۷۱

۳- نورا... تاجبخش به اتفاق هدایت

تاجبخش؛ شکار قوچ اوربال، منطقه

خوش بیلاق، ۱۳۵۰

۴- بهمن شادلو به اتفاق هدایت

تاجبخش و علی علیجانی؛ شکار مرال،

بجنورد

۵- داریوش امین؛ شکار قوچ اوربال

۶- محمدابراهیم رفیعی

۷- اسدالله انوری؛ شکار قوچ البرز

مرکزی

۸- غلامحسین افخمی؛ شکار قوچ البرز

مرکزی، منطقه فیروزکوه، ۱۳۴۶



۹- هدایت تاجبخش؛ شکار پلنگ،

منطقه خوش ییلاق، ۱۳۵۲

۱۰- باقر حریری پارسا؛ شکار کل

۱۱- امان... جهانشاهی؛ شکار قوچ

البرز، منطقه البرز مرکزی - سوتک،

۱۳۵۸

۱۲- امیرحسن مظهري؛ شکار کل،

منطقه تخت سلیمان

۱۳- مهدی حقیقی؛ شکار قوچ اوربال،

بجنورد

۱۴- اسکندر فیروز؛ شکار قوچ ارمنی؛

منطقه قویون داغی، ۱۳۵۰

۱۵- مهدی مستوفی الممالک؛ شکار

کل و قوچ اوربال، ۱۳۳۹

۱۶- هدایت تاجبخش به اتفاق مرحوم

یارمحمد شادلو؛ شکار آهو، اصفهان -

موت، ۱۳۴۹

گروه کل، پزکوشی

Wild Goat



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین تست خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گراند پری	۲۵۱/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	کرمانشاه	۱۳۵/۸	۱۳۶	۲۰	۲۰	۱۳۷
۲	گراند پری	۲۴۰/۸۰	سهراب شیبانی	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۱۳۵/۵	۱۳۶/۵	۲۵/۲	۲۵	۹۳/۲
۳	گراند پری	۲۳۵/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	کرمانشاه	۱۵۱	۱۴۳	۲۱/۲	۲۱/۵	۷۳
۴	گراند پری	۲۳۳/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۲	البرز مرکزی جنوبی	۱۲۰	۱۱۸	۲۵	۲۵	۱۱۱
۵	گراند پری	۲۳۳/۳۰	رحمت... لواسانی پور	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۱۳۸/۲	۱۳۸	۲۲	۲۲	۸۶/۵
۶	گراند پری	۲۳۲/۶۵	مظفر عباس زاده فرد	۱۳۶۹	دماوند (لار)	۱۲۱	۱۲۲/۵	۲۲/۲	۲۲	۱۱۶
۷	گراند پری	۲۳۱/۵۰	حسین ثابت نیا توکلی	۱۳۶۳	البرز مرکزی	۱۲۸	۱۲۵	۲۴	۲۴	۹۸
۸	گراند پری	۲۳۰/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	کرمانشاه	۱۴۳	۱۳۸	۲۱/۵	۲۰/۵	۸۲/۲
۹	گراند پری	۲۲۵/۸۵	امیر مظهری	۱۳۶۸	البرز غربی	۱۳۲	۱۳۰/۵	۲۷/۷	۲۷/۵	۶۰/۸
۱۰	گراند پری	۲۲۵/۴۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۱۲۵/۳	۱۲۳/۵	۲۳	۲۲/۵	۹۲/۵
۱۱	گراند پری	۲۲۵/۲۰	هدایت تاج بخش	۱۳۵۶	البرز (خرسنگ)	۱۳۰	۱۲۸	۲۴	۲۴/۲	۸۴
۱۲	گراند پری	۲۲۵	رابرت ریچاردز	۱۳۵۰	کرمانشاه	۱۴۰/۵	۱۳۹/۵	۲۲/۲	۲۲/۲	۶۶
۱۳	گراند پری	۲۲۴/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	فرق جاجرود	۱۳۴/۶	۱۳۷/۱	۲۱	۲۱/۲	۷۷
۱۴	گراند پری	۲۲۳/۲۵	بهرز ایزدی	۱۳۵۳	چهارمحال بخیری	۱۳۰	۱۳۹/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۸۱
۱۵	گراند پری	۲۲۱/۵۰	امیر مظهری	۱۳۶۶	البرز غربی	۱۲۲	۱۲۰/۵	۲۴/۳	۲۴/۵	۸۵
۱۶	گراند پری	۲۲۰/۷۰	مجتبی طباطبایی	۱۳۵۰	گرگان	۱۲۷	۱۲۶/۵	۲۲	۲۱/۵	۸۴
۱۷	گراند پری	۲۲۰/۵۰	علی اصغر گیاهی	۱۳۶۹	البرز غربی	۱۱۵/۲	۱۱۴	۲۴/۳	۲۴/۱	۹۵
۱۸	گراند پری	۲۲۰/۲۵	صفر رحیم نیا	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۱۳۳/۵	۱۳۲	۲۰/۸	۲۰/۵	۷۶
۱۹	گراند پری	۲۲۰/۲۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	شیراز	۱۳۶	۱۳۴/۲	۲۱/۶	۲۱/۵	۸۴
۲۰	گراند پری	۲۲۰	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	کرمانشاه	۱۳۴	۱۳۲	۲۲/۵	۲۲/۵	۷۰
۲۱	طلا	۲۱۹/۹۰	محمدحسین معصومی	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۱۱۹	۱۱۸	۲۱/۸	۲۲/۶	۱۰۰
۲۲	طلا	۲۱۹/۶۰	عبدا... جهانگیری	۱۳۵۲	لرستان	۱۲۹	۱۲۵	۲۱	۲۱/۲	۸۸/۸
۲۳	طلا	۲۱۹/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۴	البرز مرکزی	۱۱۸	۱۱۲	۲۵/۵	۲۵/۵	۹۱
۲۴	طلا	۲۱۹/۴۰	یار محمد شادلو	۱۳۵۱	گلپایگان	۱۲۴	۱۲۲/۴	۲۲/۲	۲۲/۱	۸۵/۸
۲۵	طلا	۲۱۹/۲۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	بجنورد	۱۲۷	۱۲۷/۳	۲۴/۵	۲۳/۵	۷۶
۲۶	طلا	۲۱۸/۵۰	جواد کیانی	۱۳۷۰	البرز جنوبی	۱۲۲/۵	۱۲۸/۵	۲۰	۲۰	۹۲
۲۷	طلا	۲۱۷/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۲	البرز مرکزی	۱۲۴/۲	۱۲۲	۲۲/۵	۲۲/۳	۸۲
۲۸	طلا	۲۱۶/۱۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	کرمانشاه	۱۳۰	۱۲۹	۲۱/۵	۲۱/۳	۷۰
۲۹	طلا	۲۱۶	منوچهر افلاکی	۱۳۶۶	اصفهان	۱۲۶	۱۲۲	۲۲	۲۲	۸۰
۳۰	طلا	۲۱۶	رشید جمشید	۱۳۴۷	ماکو	۱۱۷/۶	۱۱۷/۶	۲۶/۴	۲۶	۷۹
۳۱	طلا	۲۱۵/۴۵	محمود سخت باز	۱۳۷۰	نخت سلیمان	۱۲۳	۱۲۹	۱۹/۲	۱۹	۸۶/۵
۳۲	طلا	۲۱۵/۱۰	هدایت تاج بخش	۱۳۵۶	البرز شمالی	۱۲۶	۱۲۲	۲۲/۵	۲۲/۶	۷۸
۳۳	طلا	۲۱۴/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	کرمانشاه	۱۳۴/۴	۱۲۶/۶	۲۱/۵	۲۱/۷	۶۵/۷
۳۴	طلا	۲۱۴/۴۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	کرمانشاه	۱۳۰/۵	۱۳۳/۵	۲۲/۲	۲۲/۲	۶۰
۳۵	طلا	۲۱۳/۵۰	منوچهر مجتبیایی	۱۳۴۲	خمین	۱۲۷	۱۲۸	۲۳/۵	۲۳	۶۱
۳۶	طلا	۲۱۳/۴۰	فیروز فرخزاد	۱۳۵۴	کرمانشاه	۱۲۲/۲	۱۱۷/۲	۲۳	۲۳/۸	۷۵/۸
۳۷	طلا	۲۱۳/۲۰	رشید جمشید	۱۳۴۵	آذربایجان غربی	۱۲۴/۵	۱۲۷	۲۵	۲۴	۶۵
۳۸	طلا	۲۱۲/۷۰	ه. ولف هارت	۱۳۵۲	آذربایجان غربی	۱۲۵/۲	۱۲۴/۸	۲۴/۵	۲۴/۵	۶۵/۳
۳۹	طلا	۲۱۲/۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی جنوبی	۱۱۶	۱۱۵/۷	۲۴	۲۴	۸۱
۴۰	طلا	۲۱۲	کامبیز رودگری	۱۳۵۶	تنکابن	۱۱۷/۵	۱۱۸	۲۲/۵	۲۲/۵	۸۴
۴۱	طلا	۲۱۱/۵۰	اردشیر ابراهیمی	۱۳۶۲	البرز - انگمار	۱۲۶/۵	۱۲۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۶۳/۵
۴۲	طلا	۲۱۱/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	البرز مرکزی شمالی	۱۲۴/۳	۱۲۳/۷	۲۲	۲۲	۷۱
۴۳	طلا	۲۱۱/۳۵	امیر مظهری	۱۳۶۵	البرز غربی	۱۲۱	۱۲۲/۵	۲۴/۵	۲۴/۶	۶۳
۴۴	طلا	۲۱۱/۳۵	سازمان محیط زیست	۱۳۳۷	لرستان	۱۲۲/۲	۱۲۱	۲۲/۲	۲۲/۱	۷۷/۵
۴۵	طلا	۲۰۹/۵۰	امیر امیرحسینی	۱۳۴۳	اصفهان	۱۲۱	۱۲۷	۲۱	۲۱	۷۳
۴۶	طلا	۲۰۹/۵۰	غلامرضا صالحی	۱۳۶۱	علم کوه	۱۲۰	۱۲۴	۲۲	۲۲	۷۱

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۴۷	طلا	۲۰۹/۳۰	عرب شیبانی	؟	دهبید فارس	۱۳۴/۹	۱۲۰	۲۲	۲۱/۸	۶۸
۴۸	طلا	۲۰۹/۲۵	جهانبخش سلیمی	۱۳۶۵	اصفهان	۱۲۵	۱۲۲	۲۱/۵	۲۱/۵	۷۶/۵
۴۹	طلا	۲۰۹/۲۰	محمود سخت‌باز	۱۳۵۴	یزد	۱۱۶/۵	۱۱۹/۵	۲۲/۲	۲۲	۷۶
۵۰	طلا	۲۰۸/۹۰	ضیاءالدین روحی	۱۳۵۵	تنکابن	۱۲۵	۱۳۲/۵	۲۲/۲	۲۲	۵۷
۵۱	طلا	۲۰۸/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	فارس	۱۱۴/۵	۱۰۲/۵	۲۲	۲۲	۷۸
۵۲	طلا	۲۰۸/۲۰	ناصر شعبانی	۱۳۵۳	گرمسار	۱۱۹/۵	۱۱۹/۵	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۹/۵
۵۳	طلا	۲۰۸/۱۵	بهروز ایزدی	؟	اصفهان	۱۲۱/۸	۱۲۳	۲۲	۲۲	۶۹/۵
۵۴	طلا	۲۰۷/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۵	لرستان	۱۲۱	۱۱۵/۳	۲۲	۲۱/۵	۷۷/۷
۵۵	طلا	۲۰۷/۱۰	جان استینسون هاول	۱۳۵۰	شیراز	۱۴۰	۱۳۵/۵	۱۹/۷	۱۹/۷	۴۸
۵۶	طلا	۲۰۷	رشید جمشید	۱۳۴۵	آذربایجان غربی	۱۲۱/۲	۱۲۱	۲۴	۲۴/۲	۵۷/۵
۵۷	طلا	۲۰۶/۵۰	اسماعیل شهیدی	۱۳۵۴	اصفهان	۱۱۹	۱۲۵	۲۲	۲۲	۶۵
۵۸	طلا	۲۰۶	محسن شکوه	۱۳۴۴	کرمانشاه	۱۳۳/۵	۱۲۹/۵	۲۱/۵	۲۲	۴۶
۵۹	طلا	۲۰۶	ایزد عقابیری	؟	یزد	۱۱۵	۱۲۰	۲۱	۲۱/۵	۷۶
۶۰	طلا	۲۰۵/۷۰	آرا وارطانیان	۱۳۴۵	کرمانشاه	۱۳۰	۱۳۰/۵	۲۰/۵	۲۰/۵	۵۷
۶۱	طلا	۲۰۵/۲۰	دونالد کاکس	۱۳۵۴	اراک	۱۲۳	۱۲۳	۲۳/۴	۲۳/۸	۵۴
۶۲	طلا	۲۰۵	اسفندیار لاری	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۱۱۳	۱۱۵	۲۷	۲۷	۵۶
۶۳	طلا	۲۰۴/۶۰	سیاوش صمصام	۱۳۵۲	کرمانشاه	۱۱۹/۳	۱۲۳/۵	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۲/۵
۶۴	طلا	۲۰۴/۲۵	رحمان صفدری	۱۳۵۱	لرستان	۱۲۱	۱۲۰/۵	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۱
۶۵	طلا	۲۰۴	رجبعلی غایبی	۱۳۶۳	خراسان	۱۳۲/۵	۱۳۱	۲۳/۵	۲۳/۵	۳۸/۵
۶۶	طلا	۲۰۴	ناصر وفاجو	۱۳۴۲	البرز مرکزی	۱۱۶/۷	۱۱۴/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۶۹/۸
۶۷	طلا	۲۰۳/۸	عبدا... جهانگیری	۱۳۵۲	لرستان	۱۲۳/۹	۱۲۶/۳	۲۳	۲۳/۲	۴۸
۶۸	طلا	۲۰۳	علی رجالی	۱۳۵۷	آباده (فارس)	۱۳۱	۱۲۶	۲۰	۲۰	۵۵
۶۹	طلا	۲۰۳	مهدی مشهدی	۱۳۵۲	اصفهان	۱۱۷	۱۲۱	۲۲	۲۲	۶۲
۷۰	طلا	۲۰۲/۵۰	شهرام شهلای	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۱۲۲	۱۱۳	۲۴	۲۴	۵۸/۵
۷۱	طلا	۲۰۲/۵۰	یحیی قره‌گزلو	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۱۱۱	۱۰۸	۲۲	۲۲/۵	۸۱
۷۲	طلا	۲۰۲/۴۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۴	البرز مرکزی	۱۱۱/۵	۱۰۹/۵	۲۲/۶	۲۲/۶	۷۵
۷۳	طلا	۲۰۲/۳۰	امیر مظهری	۱۳۶۵	البرز غربی	۱۱۸/۵	۱۱۹/۵	۲۷	۲۶/۷	۴۳/۲
۷۴	طلا	۲۰۲/۰۵	مصطفی ریخته‌گران	۱۳۵۳	اصفهان	۱۲۲/۵	۱۲۱/۵	۲۴	۲۴	۵۰
۷۵	طلا	۲۰۲	محمود اسحاق بیگی	۱۳۵۷	کاشان	۱۱۳/۵	۱۲۲/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۷۰
۷۶	طلا	۲۰۲	هوشنگ پوررستگار	۱۳۴۸	جلفا	۱۲۵	۱۲۳	۲۳/۵	۲۳/۵	۴۶
۷۷	طلا	۲۰۱/۹۰	امیر مظهری	۱۳۶۶	تخت سلیمان	۱۱۲/۵	۱۱۱	۲۱/۸	۲۱/۶	۷۵/۵
۷۸	طلا	۲۰۱/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۲	لرستان	۱۱۳	۱۲۱/۳	۲۲/۹	۲۳/۲	۵۹/۴
۷۹	طلا	۲۰۱/۹۰	امیرحسین گیاهی	۱۳۶۳	شاه البرز	۱۲۳	۱۲۱/۳	۲۳/۷	۲۳/۸	۵۰/۵
۸۰	طلا	۲۰۱/۷۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	تهران - خنجیر	۱۱۴	۱۱۳/۴	۲۰/۴	۲۰/۴	۷۶/۵
۸۱	طلا	۲۰۱/۵۰	مسعود ایوزیان	۱۳۶۹	تنکابن	۱۱۶	۱۱۰	۲۳	۲۳/۵	۶۶
۸۲	طلا	۲۰۱/۲۵	مصطفی پونکی	۱۳۵۷	دماوند	۱۱۹	۱۱۶/۵	۲۰	۲۰	۶۹
۸۳	طلا	۲۰۱/۲۵	امیر مظهری	۱۳۶۷	تخت سلیمان	۱۱۶/۵	۱۱۴/۵	۲۴	۲۴	۵۷/۵
۸۴	طلا	۲۰۱	محمود سخت‌باز	۱۳۶۹	تخت سلیمان	۱۰۱/۵	۱۰۷/۵	۲۴	۲۴	۷۹
۸۵	طلا	۲۰۱	محمد حسین والی‌زاده	۱۳۵۷	لرستان	۱۰۲/۵	۱۰۶	۲۲/۵	۲۲	۸۹
۸۶	طلا	۲۰۰/۷۵	غلامحسین افخمی	۱۳۳۸	الموت	۱۱۶/۵	۱۱۷	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۰
۸۷	طلا	۲۰۰/۵۰	غلامحسین افخمی	۱۳۳۹	البرز مرکزی	۱۳۰/۵	۱۱۸	۲۱/۵	۲۱/۷	۵۰
۸۸	طلا	۲۰۰/۵۰	هدایت تاج‌بخش	۱۳۴۴	اراک	۱۲۱	۱۲۰	۲۲	۲۱	۶۳
۸۹	طلا	۲۰۰/۳۵	احمد فشنگچی	۱۳۵۷	الموت	۱۰۸/۵	۱۰۸/۵	۲۵/۸	۲۵/۸	۶۲/۵
۹۰	طلا	۲۰۰/۲۵	احمد جهرمی	۱۳۶۹	؟	۱۰۷	۱۰۴	۱۹/۸	۱۹/۷	۹۲/۵
۹۱	طلا	۲۰۰/۲۵	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۱۱۰	۱۱۰	۲۵/۵	۲۵/۵	۶۲/۵
۹۲	طلا	۲۰۰/۲۵	احمد محرابی	۱۳۶۴	فیروزکوه	۱۳۰	۱۱۰	۲۲/۲	۲۲/۳	۵۳/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۹۳	طلا	۲۰۰/۲۰	یحیی قره گزلو	۱۳۵۲	البرز مرکزی	۱۱۸	۱۱۴	۲۲	۲۲	۶۴
۹۴	طلا	۲۰۰/۱۰	رجبعلی غایی	۱۳۶۳	خراسان	۱۱۶	۱۲۳	۲۳	۲۳/۵	۵۲/۲
۹۵	طلا	۲۰۰	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۱۱۴	۱۱۹	۲۳/۵	۲۳/۵	۵۷
۹۶	طلا	۲۰۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۹	لرستان	۱۲۵/۲	۱۲۲/۷	۲۳	۲۲/۹	۴۶/۴
۹۷	طلا	۲۰۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی جنوبی	۱۱۰/۵	۱۲۲	۲۲/۵	۲۳	۶۰/۴
۹۸	طلا	۲۰۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۶	اراک	۱۱۸	۱۲۳	۲۱	۲۲	۵۷
۹۹	نقره	۱۹۹/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۴	لرستان	۱۲۳/۲	۱۲۳/۲	۲۰/۳	۲۰/۳	۵۶/۲
۱۰۰	نقره	۱۹۹/۷۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۹	کرمانشاه	۱۲۳	۱۲۱	۲۲/۵	۲۲/۷	۵۱
۱۰۱	نقره	۱۹۹/۶۰	حسین قلی تاج بخش	۱۳۴۲	لرستان	۱۰۹	۱۱۰/۸	۲۵	۲۵	۵۷/۲
۱۰۲	نقره	۱۹۹/۲۰	هوشنگ امیربختیار	۱۳۵۰	بجنورد	۱۱۶	۱۱۳	۲۳/۲	۲۴	۵۹
۱۰۳	نقره	۱۹۸/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	کرمانشاه	۱۱۶/۵	۱۲۴/۵	۲۲	۲۲	۵۳
۱۰۴	نقره	۱۹۸/۴۰	مهران سیاهپوش	۱۳۵۵	البرز - خرسنگ	۱۱۱/۵	۱۱۵/۵	۲۲/۵	۲۳	۶۲/۸
۱۰۵	نقره	۱۹۸/۴۰	اسکندر فیروز	۱۳۳۴	البرز مرکزی	۱۲۲	۱۱۹/۴	۲۱/۵	۲۱/۴	۵۱/۶
۱۰۶	نقره	۱۹۷/۵۵	غلامحسین افخمی	۱۳۳۹	البرز مرکزی	۱۱۹/۲	۱۳۱/۸	۲۱	۲۱	۵۰
۱۰۷	نقره	۱۹۷/۲۵	مهدی مستوفی الممالکی	۱۳۵۳	کرمانشاه	۱۱۷	۱۱۳	۲۲/۵	۲۲/۵	۵۶/۵
۱۰۸	نقره	۱۹۷/۲۵	سید موسی میراسماعیل	؟	علم کوه	۱۱۴	۱۱۴/۵	۲۵	۲۵	۵۲
۱۰۹	نقره	۱۹۷	نصرا... محتجن	۱۳۵۶	فارس	۱۱۶/۸	۱۲۴/۲	۱۹	۱۹	۶۱
۱۱۰	نقره	۱۹۷	گُنت سیرانو	۱۳۵۱	اصفهان	۱۱۷	۱۲۵	۲۰/۵	۲۰/۵	۵۶
۱۱۱	نقره	۱۹۶/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۲	لرستان	۱۱۳/۳	۱۲۲/۲	۲۳/۲	۲۲/۹	۵۰/۲
۱۱۲	نقره	۱۹۶/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۳	لرستان	۱۱۳/۸	۱۱۲/۸	۲۲/۲	۲۲	۶۵
۱۱۳	نقره	۱۹۶/۷۵	فرهنگ ابوالقاسمی	۱۳۶۹	تنگابن	۱۰۹	۱۱۰/۵	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۶
۱۱۴	نقره	۱۹۶/۷۰	امیرحسین گیاهی	۱۳۶۴	الموت	۱۲۶/۵	۱۲۰	۲۱/۲	۲۱/۹	۴۸/۷
۱۱۵	نقره	۱۹۶/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۳۷	لرستان	۱۱۵/۴	۱۰۹/۲	۲۳/۵	۲۳/۸	۵۵/۹
۱۱۶	نقره	۱۹۶/۴	کلنل ب. میتز	۱۳۵۴	کرمان - خبر	۱۱۵/۵	۱۱۸/۵	۲۰	۲۰/۴	۵۶
۱۱۷	نقره	۱۹۶/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۳۳	لرستان	۱۱۸/۶	۱۱۸/۴	۲۱/۶	۲۱/۶	۵۳/۳
۱۱۸	نقره	۱۹۶/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	بجنورد	۱۲۱/۶	۱۲۲/۴	۲۳	۲۲/۸	۴۲
۱۱۹	نقره	۱۹۶	ایرج عالی پور	۱۳۵۷	فارس	۱۱۸	۱۱۶	۲۱	۲۱/۵	۶۱
۱۲۰	نقره	۱۹۵/۷	یحیی قره گزلو	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۱۱۵/۵	۱۱۳/۲	۲۰/۷	۲۱/۵	۶۰/۵
۱۲۱	نقره	۱۹۵/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	کرمانشاه	۱۲۲/۶	۱۲۴/۲	۲۱	۲۱	۴۴/۵
۱۲۲	نقره	۱۹۵/۴۰	اکبر دارآفرین	۱۳۵۳	الموت	۱۱۱/۵	۱۱۱	۲۴	۲۴	۵۴/۵
۱۲۳	نقره	۱۹۵/۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۱	تهران - خجیر	۱۱۹/۷	۱۱۶/۸	۲۰/۳	۱۹/۸	۶۲/۶
۱۲۴	نقره	۱۹۴/۷۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۵	البرز مرکزی	۱۱۷/۷	۱۱۶/۸	۲۳/۲	۲۳/۳	۴۴
۱۲۵	نقره	۱۹۴/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	فارس	۱۳۱	۱۲۹	۱۹	۱۹/۵	۳۵/۵
۱۲۶	نقره	۱۹۴/۴۰	باقر حریری پارسا	۱۳۴۶	دامغان	۱۲۴	۱۲۰/۵	۲۲/۵	۲۲	۴۲/۵
۱۲۷	نقره	۱۹۴/۲۵	غلامحسین افخمی	۱۳۴۵	کرمانشاه	۱۱۹	۱۱۵/۵	۱۹/۵	۱۹/۵	۵۸
۱۲۸	نقره	۱۹۴	رشید جمشید	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۱۰۹/۴	۱۰۹/۶	۲۳/۵	۲۳/۲	۵۷
۱۲۹	نقره	۱۹۴	ماطوس ماطوسیان	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۱۰۹/۴	۱۰۹/۶	۲۳/۵	۲۳/۲	۵۷
۱۳۰	نقره	۱۹۳/۶۰	هاشم مخبری	۱۳۶۹	طالقان	۱۲۱/۲	۱۲۳/۵	۲۳/۵	۲۳	۳۵/۵
۱۳۱	نقره	۱۹۳/۵۰	هنری کاواهارا	۱۳۵۴	انگوران - زنجان	۱۱۷	۱۱۷/۵	۲۲/۸	۲۲/۸	۴۴/۵
۱۳۲	نقره	۱۹۳/۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۹	لرستان	۱۲۲/۹	۱۱۹/۷	۲۲/۲	۲۲/۲	۴۳/۲
۱۳۳	نقره	۱۹۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	البرز مرکزی شمالی	۱۰۷	۱۰۹	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۴
۱۳۴	نقره	۱۹۲/۹۰	امیر مظهری	۱۳۶۵	علم کوه	۱۰۱	۱۰۱	۲۳/۶	۲۳/۳	۷۴
۱۳۵	نقره	۱۹۲/۵۰	یحیی قره گزلو	۱۳۵۱	چالوس	۱۱۱	۱۰۹	۲۴	۲۴	۵۳
۱۳۶	نقره	۱۹۲/۵۰	نورمن نیوتون	۱۳۵۱	بجنورد	۱۱۷/۵	۱۰۶	۲۲	۲۲	۵۷
۱۳۷	نقره	۱۹۲/۴۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۹	البرز مرکزی	۱۱۵	۱۲۴	۲۱	۲۱/۴	۴۵
۱۳۸	نقره	۱۹۲	اصغر صنعتی	؟	بیستون	۹۷	۱۰۲	۲۱	۲۲	۸۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱۳۹	نقره	۱۹۲	وحید کاظمی	۱۳۷۱	گرمسار	۱۰۹	۱۲۴	۲۰	۲۰	۶۳
۱۴۰	نقره	۱۹۲	سازمان محیط زیست	۱۳۳۷	لرستان	۱۰۷/۳	۱۱۸/۴	۲۲/۹	۲۲/۶	۵۵/۳
۱۴۱	نقره	۱۹۱/۹۵	علی اصغر گیاهی	۱۳۵۹	کاشان	۱۱۸/۵	۱۱۳/۵	۲۱/۲	۲۱	۵۵/۵
۱۴۲	نقره	۱۹۱/۸۵	ایزد عقاقیری	۱۳۶۸	سمنان	۱۱۰	۱۱۰/۲	۲۱	۲۱	۶۳/۵
۱۴۳	نقره	۱۹۱/۷۵	علی رجالی	۱۳۵۸	آباده	۱۱۱	۱۱۴	۲۳	۲۴	۵۲/۵
۱۴۴	نقره	۱۹۱/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۹	لرستان	۱۲۰/۲	۱۱۶/۸	۲۱	۲۱	۴۸/۳
۱۴۵	نقره	۱۹۱/۵۰	کوروش جمالی	۱۳۵۶	شاهرود	۱۱۸/۵	۱۱۸/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۴۲
۱۴۶	نقره	۱۹۱/۳۵	امیر مظهری	۱۳۶۸	الموت	۹۱/۵	۱۲۶/۶	۲۵	۲۳/۸	۵۳
۱۴۷	نقره	۱۹۱/۳۰	هاشم مخیری	۱۳۷۰	البرز مرکزی	۱۰۷/۵	۱۰۹/۵	۲۴/۲	۲۴/۲	۶۰
۱۴۸	نقره	۱۹۱/۲۵	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۱۱۶/۵	۱۱۷	۲۱/۵	۲۱	۴۸
۱۴۹	نقره	۱۹۱/۲۵	سهراب شیبانی	۱۳۵۴	کرمان	۱۰۵	۱۰۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۶۲/۵
۱۵۰	نقره	۱۹۱/۲۰	پرنس رويس	۱۳۴۹	تهران - خجیر	۱۰۷/۶	۱۰۷	۲۴/۱	۲۳/۸	۵۸
۱۵۱	نقره	۱۹۱	داریوش امین	۱۳۵۶	گرگان	۱۰۹	۱۰۸	۲۲	۲۲	۵۹
۱۵۲	نقره	۱۹۰/۷۰	جلال یزدانی	۱۳۴۳	البرز مرکزی	۹۵/۵	۹۸	۲۲	۲۲	۸۱
۱۵۳	نقره	۱۹۰/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۴	لرستان	۱۰۵/۹	۱۱۰/۷	۲۴/۶	۲۴/۶	۴۸/۲
۱۵۴	نقره	۱۹۰/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	لرستان	۱۱۴/۳	۱۱۴/۳	۲۱/۸	۲۱/۵	۵۴
۱۵۵	نقره	۱۹۰/۵۰	غلامحسین افخمی	۱۳۴۶	البرز مرکزی	۱۱۴	۱۱۴	۲۲	۲۲	۴۷
۱۵۶	نقره	۱۹۰/۵۰	احمد مظلوم	۱۳۵۴	اراک	۱۱۷/۵	۱۱۷/۵	۲۰/۵	۲۱	۴۷
۱۵۷	نقره	۱۹۰	امیر اسفندیاری	۱۳۵۶	بیستون - کرمانشاه	۱۰۶	۱۰۸	۲۳/۵	۲۳/۵	۵۶
۱۵۸	برنز	۱۸۸/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۰	البرز مرکزی	۱۰۵	۱۰۴/۷	۲۱/۶	۲۲	۶۵
۱۵۹	برنز	۱۸۸/۸۵	سیامک قره گزلب	۱۳۵۹	ساوه	۱۱۳	۱۱۳/۷	۲۱	۲۱	۵۳
۱۶۰	برنز	۱۸۸/۶۰	امیرحسین گیاهی	۱۳۶۶	الموت	۱۰۹	۱۰۸/۵	۲۰/۸	۲۱/۳	۵۷/۵
۱۶۱	برنز	۱۸۸/۵۰	غلامحسین افخمی	۱۳۶۹	الموت	۱۰۸/۵	۱۰۸	۲۵	۲۵	۴۲/۵
۱۶۲	برنز	۱۸۸/۵۰	عباس کریمی	۱۳۵۵	گرمسار	۱۰۸	۱۰۹	۲۱	۲۱	۵۸
۱۶۳	برنز	۱۸۸/۵۰	فروزان همایون	۱۳۶۴	سمنان	۱۲۷/۵	۱۲۱/۵	۲۲	۲۲/۵	۲۷
۱۶۴	برنز	۱۸۸/۴۰	اسدا... انوری	۱۳۴۹	اراک	۱۲۱/۵	۱۱۹/۳	۲۰	۱۹/۵	۴۳
۱۶۵	برنز	۱۸۸/۱	رشید جمشید	۱۳۵۲	فارس	۱۱۶/۴	۱۱۴/۴	۲۱/۳	۲۱/۱	۴۹/۶
۱۶۶	برنز	۱۸۸	هدایت تاج بخش	۱۳۴۸	دامغان	۱۱۴/۵	۱۱۴	۲۱/۵	۲۱/۳	۴۶
۱۶۷	برنز	۱۸۷/۹۰	رشید جمشید	۱۳۵۲	فارس	۱۲۰/۷	۱۲۰/۸	۱۹/۱	۱۹/۵	۳۳/۶
۱۶۸	برنز	۱۸۷/۷۵	ماشا... سرتیپی	۱۳۶۲	البرز مرکزی	۱۰۴	۱۰۵/۵	۲۱	۲۱	۶۶
۱۶۹	برنز	۱۸۷/۵۰	خسرو سریری	۱۳۴۴	انارک - یزد	۱۱۸	۱۰۷	۲۳/۵	۲۳	۴۱
۱۷۰	برنز	۱۸۷/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	تهران - خجیر	۱۰۸/۵	۱۰۸	۲۰/۸	۲۱/۵	۵۶
۱۷۱	برنز	۱۸۷	مهدی اردلان	۱۳۳۴	محلات	۱۰۴/۵	۱۱۳	۲۳/۵	۲۳/۲	۵۳
۱۷۲	برنز	۱۸۷	بهروز ایزدی	؟	اصفهان	۱۱۱	۱۱۱	۲۱/۵	۲۱	۵۹
۱۷۳	برنز	۱۸۶/۷۵	محمد اسحاق بیگی	؟	یزد	۱۰۹/۵	۱۲۴	۲۲	۲۲	۴۰
۱۷۴	برنز	۱۸۶/۵۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۶	اراک	۱۱۷	۱۱۵	۲۲/۵	۲۲	۳۶
۱۷۵	برنز	۱۸۶/۵۰	متصور شیخی	۱۳۴۹	طالقان	۱۰۲	۱۰۳	۲۳/۵	۲۳/۵	۵۸
۱۷۶	برنز	۱۸۵/۹۵	متصور شیخی	۱۳۷۰	طالقان	۱۰۲	۱۰۱	۲۵/۲	۲۴	۵۴
۱۷۷	برنز	۱۸۵/۷۵	داریوش امین	۱۳۵۲	یزد	۱۱۰	۱۰۷	۱۹/۸	۱۹/۴	۶۴
۱۷۸	برنز	۱۸۵/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۲	لرستان	۱۰۶/۲	۱۰۱/۳	۲۲/۴	۲۲/۲	۵۶/۵
۱۷۹	برنز	۱۸۵/۵۰	هرپ کلاین	۱۳۵۲	البرز مرکزی	۱۱۴	۱۱۷/۲	۲۲/۴	۲۲/۳	۳۹/۵
۱۸۰	برنز	۱۸۵/۲۰	حیدر منصوری	۱۳۵۲	الموت	۱۰۴/۵	۹۱/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۵۲/۵
۱۸۱	برنز	۱۸۵/۱۰	اسکندر فیروز	۱۳۳۴	البرز مرکزی	۱۱۰/۵	۱۱۵/۷	۲۲/۵	۲۲/۵	۴۱
۱۸۲	برنز	۱۸۵	مهدی اردلان	۱۳۳۵	محلات	۱۰۷/۸	۱۰۹/۴	۲۱/۷	۲۲/۲	۵۱
۱۸۳	برنز	۱۸۴/۸۰	عباس مفیدی	۱۳۷۱	کاشان	۱۰۹	۱۰۸	۱۸/۸	۱۹	۵۹
۱۸۴	برنز	۱۸۴/۷۵	مصطفی پونکی	۱۳۵۷	ورامین	۱۰۶	۱۰۵	۲۲/۸	۲۳/۲	۵۰/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱۸۵	برنز	۱۸۴/۲۵	ایزد عفاقیری	؟	؟	۱۱۰	۱۱۱/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۴۷
۱۸۶	برنز	۱۸۴/۲۵	علی تبریزی	۱۳۶۰	استان مرکزی	۱۱۶/۵	۱۱۴	۲۰	۲۰/۵	۴۱
۱۸۷	برنز	۱۸۴/۲۰	مهدی اردلان	۱۳۴۸	کرمانشاه	۱۲۶/۳	۱۰۱/۳	۲۱/۷	۲۱/۷	۴۰
۱۸۸	برنز	۱۸۴/۱۰	یوسف دانیل	۱۳۷۱	الموت	۱۰۲/۵	۱۰۴/۵	۲۲/۶	۲۳	۵۴
۱۸۹	برنز	۱۸۴/۱۰	سید اصغر طباطبایی	۱۳۶۷	الموت	۱۰۳/۳	۱۰۴	۲۳	۲۳/۲	۵۰/۵
۱۹۰	برنز	۱۸۴	یزدان رسولی	۱۳۵۷	تنگابن	۱۰۸	۱۰۷	۲۵	۲۵	۳۷
۱۹۱	برنز	۱۸۳/۵۰	محمود پازوکی نژاد	۱۳۵۵	البرز مرکزی	۱۰۷	۱۰۷	۲۴	۲۴/۵	۳۸
۱۹۲	برنز	۱۸۳/۵۰	فرانکلین تار	۱۳۵۴	کرمان - خیر	۱۱۱	۱۱۳	۱۹	۱۹	۴۹
۱۹۳	برنز	۱۸۳/۵۰	رجبعلی غائبی	۱۳۶۸	گرگان	۱۰۸	۱۰۷	۲۲	۲۲/۵	۴۷
۱۹۴	برنز	۱۸۳/۲۵	امیر اسفندیاری	۱۳۴۵	چهارمحال بختیاری	۱۰۶/۵	۱۰۵	۲۰	۱۹/۵	۶۲
۱۹۵	برنز	۱۸۲/۸۰	ماطوس ماطوسیان	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۱۰۴/۸	۱۰۴	۲۲	۲۲	۵۲/۵
۱۹۶	برنز	۱۸۲/۱۰	امیر مظهري	۱۳۶۵	علمکوه	۱۰۲	۱۰۵	۲۲/۴	۲۲/۷	۵۳
۱۹۷	برنز	۱۸۲	نادر صادقی	۱۳۵۷	اراک	۹۶	۹۵/۵	۱۹/۵	۲۰	۴۹
۱۹۸	برنز	۱۸۱/۹۵	امیر مظهري	۱۳۶۷	علمکوه	۱۰۴	۱۰۲	۲۱/۸	۲۱/۹	۵۴/۵
۱۹۹	برنز	۱۸۱/۸۰	ظل السلطان	۱۲۷۸	اصفهان	۱۲۱/۳	۹۹	۱۹/۶	۱۹/۶	۵۵
۲۰۰	برنز	۱۸۱/۵۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۱	بجنورد	۱۱۱/۶	۱۱۱/۳	۲۰/۹	۲۰/۷	۴۱
۲۰۱	برنز	۱۸۱/۳۰	الجین گیتس	۱۳۳۸	البرز مرکزی جنوبی	۱۰۳/۸	۱۰۱/۹	۲۴/۵	۲۴/۵	۴۵/۱
۲۰۲	برنز	۱۸۱	بیژن صبور	۱۳۷۰	الموت	۱۰۳	۱۰۱	۲۳/۵	۲۳/۵	۴۶
۲۰۳	برنز	۱۸۱	علی اصغر گیاهی	۱۳۵۸	البرز مرکزی	۱۱۰	۱۱۱/۵	۲۳/۸	۲۳/۸	۳۱/۳
۲۰۴	برنز	۱۸۰/۵۰	یارمحمد شادلو	۱۳۵۱	گلپایگان	۱۱۲/۵	۹۸	۲۰/۷	۲۰/۵	۵۹/۲
۲۰۵	برنز	۱۸۰/۲۵	سیاوش سمیدی	۱۳۵۳	خمین	۱۰۹/۵	۱۰۹	۲۰	۲۰	۴۴
۲۰۶	برنز	۱۸۰/۱۰	داریوش امین	۱۳۵۵	بستون	۱۱۳	۹۸	۲۱/۸	۲۱/۳	۴۷
۲۰۷	برنز	۱۸۰/۱۰	شهریار شهریاری	۱۳۶۶	اراک	۹۷/۷	۹۶/۵	۲۲/۵	۲۲/۵	۵۸
۲۰۸	برنز	۱۸۰	مارتیک آوانسیان	۱۳۶۵	چالوس	۱۰۲/۵	۱۰۴/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۴۲

تروفه قوچ اوریاں

Urrial Sheep



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گراند پری	۲۷۳/۶	اسکندر فیروز	۱۳۴۵	بجنورد	۱۰۶	۱۱۳/۵	۳۱/۲	۳۱/۷	۶۸/۵
۲	گراند پری	۲۶۷/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	بجنورد	۱۱۵	۱۱۸	۲۶/۳	۲۶/۴	۶۵
۳	طلا	۲۵۹/۵	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۵۳	بجنورد	۱۰۸/۵	۱۰۷/۵	۲۷/۵	۲۷/۵	۶۷
۴	طلا	۲۵۸/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	بجنورد	۱۰۰/۵	۱۰۹/۵	۲۸/۷	۳۰	۶۰/۵
۵	طلا	۲۵۸/۳	استانیسلاو اورکیچو	۱۳۵۲	بجنورد	۱۰۳	۱۰۳	۳۰/۷	۳۰/۵	۶۵
۶	طلا	۲۵۷/۶	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۲۶	بجنورد	۱۰۸	۱۰۳/۵	۲۹/۳	۲۹	۶۴/۶
۷	طلا	۲۵۷/۲	رجیملی غائبی	۱۳۶۳	بجنورد	۱۱۷/۵	۱۰۹	۲۴	۲۴/۵	۶۴
۸	طلا	۲۵۷/۲	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۹	۱۱۰	۲۵/۵	۲۵/۵	۶۵/۸
۹	طلا	۲۵۶/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	بجنورد	۱۰۳	۱۰۸	۲۷/۵	۲۷/۳	۶۵/۳
۱۰	طلا	۲۵۶/۷	اسکندر فیروز	۱۳۲۹	بجنورد	۱۰۷/۳	۱۰۳/۸	۲۸/۶	۲۸/۵	۶۱/۷
۱۱	طلا	۲۵۶/۳	هدایت تاج بخش	۱۳۵۶	بجنورد	۱۰۸	۱۰۶/۴	۲۸/۴	۲۸/۲	۶۴/۲
۱۲	طلا	۲۵۶/۲	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۴۰	شیروان	۱۰۵/۴	۱۰۲/۵	۲۷/۹	۲۷/۴	۶۸
۱۳	طلا	۲۵۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۲	بجنورد	۱۰۵/۴	۱۰۳/۴	۲۷/۵	۲۷/۵	۶۲/۱
۱۴	طلا	۲۵۵/۶	ایزد عقاقیری	؟	؟	۱۰۰	۱۰۰/۵	۲۸/۸	۲۸/۸	۶۴/۵
۱۵	طلا	۲۵۵/۵	غفار فرمانفرمائیان	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۱	۱۰۴	۳۰/۲	۲۹/۵	۶۲
۱۶	طلا	۲۵۵/۵	رجیملی غائبی	۱۳۷۱	دره گز	۱۰۴	۱۰۳/۵	۲۹/۵	۲۹/۳	۶۱
۱۷	طلا	۲۵۵/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	بجنورد	۹۹/۷	۱۰۸	۲۸/۳	۲۸	۵۹/۵
۱۸	طلا	۲۵۴/۸	غفار فرمانفرمائیان	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۱/۵	۱۰۱/۵	۲۸/۵	۲۸/۵	۶۴
۱۹	طلا	۲۵۴/۵	لاندی	۱۳۵۲	خوش یلاق	۹۸	۹۹	۲۶/۵	۲۶/۵	۷۴
۲۰	طلا	۲۵۴/۵	نوسی فیروز	۱۳۴۵	بجنورد	۱۰۲	۱۰۳	۲۸	۲۷/۶	۶۷
۲۱	طلا	۲۵۳/۷	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۵۱	بجنورد	۱۱۲/۶	۱۱۲	۲۷/۵	۲۶/۵	۶۰
۲۲	طلا	۲۵۲/۳	منوچهر صنیعی	۱۳۵۱	بجنورد	۹۹/۸	۱۰۴/۲	۲۷/۸	۲۸/۵	۶۴/۳
۲۳	طلا	۲۵۱/۵	فیروز فرخزاد	۱۳۴۸	بجنورد	۹۸	۹۹	۲۹	۲۹/۶	۶۳/۵
۲۴	طلا	۲۵۱/۴	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۴۲	بجنورد	۱۰۴/۳	۱۰۳/۸	۲۷/۷	۲۷/۷	۶۱/۴
۲۵	طلا	۲۵۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	بجنورد	۱۰۹/۵	۹۳/۵	۲۷	۲۶/۵	۶۳/۵
۲۶	طلا	۲۵۰/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	بجنورد	۱۰۵	۱۰۴/۵	۲۸/۵	۲۹	۵۶/۲
۲۷	طلا	۲۵۰/۵	محمد راجی	۱۳۷۲	اسفراین	۱۰۶	۱۰۳/۵	۲۷	۲۷/۵	۶۰/۵
۲۸	طلا	۲۵۰/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۴۵	بجنورد	۱۰۸/۵	۱۰۸/۶	۲۷/۸	۲۷/۲	۵۶/۶
۲۹	طلا	۲۵۰/۱	منصور شادلو	۱۳۲۸	بجنورد	۹۷/۸	۹۴/۵	۲۸	۲۸	۶۷
۳۰	طلا	۲۴۹/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	بجنورد	۱۱۱	۱۰۹	۲۵/۵	۲۵/۲	۵۷
۳۱	طلا	۲۴۹/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۴۰	بجنورد	۹۸/۳	۹۸/۲	۳۱/۱	۳۱/۱	۶۱/۷
۳۲	طلا	۲۴۹/۵	بیژن شادلو	۱۳۲۷	بجنورد	۱۰۴/۱	۱۰۵/۳	۲۴/۵	۲۴	۶۴/۵
۳۳	طلا	۲۴۹/۱	رشید جمشید	۱۳۵۱	بجنورد	۱۰۳	۹۵/۵	۲۸/۶	۲۹	۵۸/۲
۳۴	طلا	۲۴۸/۳	امیر مظهري	۱۳۵۶	بجنورد	۱۰۹	۸۰	۳۰	۳۰/۵	۵۹
۳۵	طلا	۲۴۸/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۲۸	بجنورد	۹۵/۲	۹۲/۴	۲۸/۵	۲۸/۱	۶۸
۳۶	طلا	۲۴۷/۸	مهدی اردلان	۱۳۳۷	دره گز	۱۰۴/۳	۱۰۱/۳	۲۵/۸	۲۵/۸	۶۴/۶
۳۷	طلا	۲۴۷/۷	رشید جمشید	۱۳۵۱	بجنورد	۹۵/۴	۹۳/۳	۲۹	۲۹	۶۵/۵
۳۸	طلا	۲۴۷/۶	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۳۵	بجنورد	۱۰۲/۹	۱۰۱	۲۷/۶	۲۸	۶۰
۳۹	طلا	۲۴۷/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	بجنورد	۹۴	۹۸/۵	۲۹	۲۹/۵	۶۴/۶
۴۰	طلا	۲۴۷/۵	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۳۹	مراوه تپه	۹۲/۴	۱۰۸/۶	۲۹	۲۹	۶۰
۴۱	طلا	۲۴۷/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	بجنورد	۱۰۵/۸	۱۰۳/۸	۲۷	۲۶/۵	۵۹
۴۲	طلا	۲۴۶/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	بجنورد	۱۰۳	۱۰۲/۵	۲۵	۲۵/۲	۵۸/۵
۴۳	طلا	۲۴۶/۶	رشید جمشید	۱۳۴۸	گلکول سرانی	۹۹/۷	۱۰۱/۵	۲۸	۲۸	۵۹/۵
۴۴	طلا	۲۴۶/۵	کاوه فرمانفرمائیان	۱۳۴۷	بجنورد	۹۵	۹۵	۳۰/۵	۳۰/۵	۶۸
۴۵	طلا	۲۴۶/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	بجنورد	۹۲/۸	۹۳	۲۸	۲۸	۶۸/۵
۴۶	طلا	۲۴۶/۳	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۴۲	شیروان	۱۰۴/۳	۱۰۴/۴	۲۶/۷	۲۶/۷	۵۸/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۴۷	طلا	۲۴۶	رجبعلی غائبی	۱۳۶۵	خراسان	۱۰۴/۵	۱۰۴	۲۶	۲۶/۵	۵۹
۴۸	طلا	۲۴۵/۶	یارمحمد شادلو	۱۳۲۷	بجنورد	۹۸/۸	۹۰/۶	۳۰/۴	۳۱/۲	۶۴/۸
۴۹	طلا	۲۴۵/۴	سیاوش سعیدی	۱۳۷۱	بجنورد	۹۸	۱۰۵	۲۷/۵	۲۷/۵	۶۳
۵۰	طلا	۲۴۵/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۵۲	بجنورد	۱۰۰/۱	۱۰۰/۳	۲۹	۲۸/۵	۵۹/۵
۵۱	طلا	۲۴۴/۷	اسکندر فیروز	۱۳۴۳	شاهرود	۹۸	۹۵	۳۱/۴	۳۰/۵	۵۶/۶
۵۲	طلا	۲۴۴/۵	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۹۰	۱۰۲	۳۰	۳۰	۶۰
۵۳	طلا	۲۴۴	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	بجنورد	۹۲/۸	۹۵/۸	۲۷/۷	۲۷/۷	۶۶/۵
۵۴	طلا	۲۴۳/۹	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۴۵	بجنورد	۱۰۷/۵	۱۰۷/۴	۲۷/۱	۲۶/۷	۵۷/۷
۵۵	طلا	۲۴۳/۵	مهدی مستوفی الممالکی	۱۳۴۳	بجنورد	۹۹/۵	۹۹/۵	۲۷/۵	۲۷/۲	۵۹/۵
۵۶	طلا	۲۴۳/۳	جی.ام. آریستین	۱۳۵۴	بجنورد	۹۱	۹۶	۲۹	۲۹	۶۵
۵۷	طلا	۲۴۳/۲	سیاوش سعیدی	۱۳۷۱	بجنورد	۹۴/۵	۹۹/۳	۲۹/۳	۲۸/۱	۵۸/۵
۵۸	طلا	۲۴۳	آرا وارطانیان	۱۳۲۸	بجنورد	۱۰۱/۳	۱۰۱/۳	۲۸	۲۸/۳	۵۶/۷
۵۹	طلا	۲۴۲/۴	رشید جمشید	۱۳۴۴	خراسان	۱۰۲	۱۰۱/۴	۲۵/۵	۲۵	۶۴/۹
۶۰	طلا	۲۴۲/۱	چارلز ویجین	۱۳۴۷	بجنورد	۹۳/۵	۹۹/۵	۲۷/۸	۲۸	۶۴/۵
۶۱	طلا	۲۴۱/۶	هدایت تاجبخش	۱۳۴۹	خوش ییلاق	۹۲/۵	۹۲/۱	۲۷	۲۶/۸	۶۷/۴
۶۲	طلا	۲۴۱	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	بجنورد	۹۰/۲	۹۱/۸	۲۷/۷	۲۸/۳	۶۵
۶۳	طلا	۲۴۰/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	بجنورد	۹۸/۹	۱۰۲/۳	۲۵/۷	۲۵/۷	۵۸/۵
۶۴	طلا	۲۴۰/۷	م. عبدالهیان	۱۳۵۴	دره گز	۹۷/۵	۹۱/۵	۲۸	۲۸	۶۱
۶۵	طلا	۲۴۰	رابرت لی	۱۳۴۲	بجنورد	۱۰۱/۶	۹۲/۱	۲۵/۹	۲۶	۶۱/۵
۶۶	طلا	۲۴۰	بیژن شادلو	۱۳۳۷	گیلان	۹۲/۶	۹۵	۲۹/۲	۲۸/۹	۶۰/۳
۶۷	طلا	۲۴۰	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۳۰	بجنورد	۹۵/۷	۹۱/۷	۲۶/۷	۲۷/۱	۷۰
۶۸	نقره	۲۳۹/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	بجنورد	۹۸/۵	۹۸/۸	۲۷/۵	۲۷/۸	۵۶/۵
۶۹	نقره	۲۳۹/۲	اسفندیار شهرستانی	؟	شهریزاد	۹۷	۹۷	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۶/۵
۷۰	نقره	۲۳۹/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	بجنورد	۹۸/۵	۹۸/۸	۲۷/۵	۲۷/۸	۵۶/۵
۷۱	نقره	۲۳۸/۷	محمد مهدی خلیقی	۱۳۴۷	بجنورد	۹۹	۹۷	۲۸	۲۸	۵۴
۷۲	نقره	۲۳۸/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	بجنورد	۹۷/۵	۹۷/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۵۹
۷۳	نقره	۲۳۸/۷	رشید جمشید	۱۳۵۰	خراسان	۹۴/۳	۹۳	۲۸/۲	۲۷/۶	۶۱/۵
۷۴	نقره	۲۳۸/۱	سعید ثقفی	؟	بجنورد	۹۷/۳	۹۳/۵	۲۶	۲۵/۶	۶۳/۵
۷۵	نقره	۲۳۸	مارتیک آوانسیان	۱۳۵۳	سمنان	۹۰	۹۱	۲۸/۵	۲۸/۵	۶۳
۷۶	نقره	۲۳۷/۷	بیژن شادلو	۱۳۴۹	بجنورد	۹۶	۹۶	۲۸/۵	۲۸/۵	۵۳/۲
۷۷	نقره	۲۳۷/۵	منوچهر ریاحی	۱۳۳۹	بجنورد	۸۹/۳	۹۹/۵	۲۷/۹	۲۸	۵۹/۶
۷۸	نقره	۲۳۷/۲	رشید جمشید	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۳	۹۳/۲	۲۶/۵	۲۶/۲	۵۵/۶
۷۹	نقره	۲۳۶/۸	رشید جمشید	۱۳۵۱	بجنورد	۱۰۳	۹۳/۴	۲۶/۷	۲۶/۹	۵۶/۱
۸۰	نقره	۲۳۶/۷	آرا وارطانیان	۱۳۴۳	بجنورد	۹۶	۹۲/۵	۲۶/۵	۲۶/۵	۶۶
۸۱	نقره	۲۳۶/۳	مهدی گل سرخی	؟	خوش ییلاق	۹۸/۵	۹۹/۵	۲۵/۳	۲۴/۸	۵۸
۸۲	نقره	۲۳۶	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۵۱	بجنورد	۹۲/۵	۱۰۳	۲۶/۱	۲۶	۵۷/۵
۸۳	نقره	۲۳۵/۹	امیر امیرحسینی	۱۳۴۰	بجنورد	۹۶/۵	۹۷/۵	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۷/۵
۸۴	نقره	۲۳۵/۵	الچین گیتس	۱۳۴۱	بجنورد	۹۵/۶	۹۷/۸	۲۶/۱	۲۶/۲	۵۸/۱
۸۵	نقره	۲۳۵/۳	یارمحمد شادلو	۱۳۴۲	بجنورد	۹۴/۵	۹۴	۲۷/۵	۲۷/۸	۵۵
۸۶	نقره	۲۳۵/۲	خسرو سریری	۱۳۴۸	تندوره	۹۹	۹۲	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۵/۵
۸۷	نقره	۲۳۴	رجبعلی غائبی	۱۳۶۹	خراسان	۹۳/۵	۸۹	۳۱	۳۱	۵۵/۵
۸۸	نقره	۲۳۳/۸	موسی دهی	۱۳۴۶	بجنورد	۱۰۲/۵	۹۷/۵	۲۵	۲۵/۵	۵۷/۲
۸۹	نقره	۲۳۳/۲	مهدی خلیقی	۱۳۴۷	بجنورد	۹۷/۷	۹۶/۳	۲۷/۸	۲۷/۸	۵۳/۳
۹۰	نقره	۲۳۳	رشید جمشید	۱۳۴۴	خراسان	۹۶/۳	۹۷/۷	۲۷/۵	۲۷/۶	۵۴/۴
۹۱	نقره	۲۳۲/۷	محمد خوشبین	۱۳۷۰	خراسان	۸۷	۸۸	۲۸/۵	۲۸/۵	۶۴
۹۲	نقره	۲۳۲/۴	منوچهر شجاع پور	۱۳۵۳	دامغان	۸۵/۵	۹۲	۲۹	۲۸/۷	۵۹/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین تست خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۹۳	نقره	۲۳۲/۴	میراحمد شهلای	۱۳۵۱	خوش ییلاق	۸۵/۹	۹۲/۴	۲۷/۱	۲۷/۹	۵۸/۷
۹۴	نقره	۲۳۲/۱	ضیاءالدین روحی	۱۳۳۸	بجنورد	۸۹/۵	۹۳/۵	۲۶/۸	۲۷/۱	۵۷/۲
۹۵	نقره	۲۳۲/۱	امیر مظهري	۱۳۵۴	بجنورد	۸۵	۹۰	۲۵	۲۴/۵	۶۶
۹۶	نقره	۲۳۱/۷	علی تبریزی	۱۳۵۸	میامی	۹۴/۵	۹۵/۵	۲۶/۵	۲۶/۷	۵۵
۹۷	نقره	۲۳۱/۶	کوروش جمالی	۱۳۵۵	شاهرود	۹۵	۹۷	۲۷	۲۶/۵	۵۴
۹۸	نقره	۲۳۱/۲	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۹۲/۵	۹۷	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۳
۹۹	نقره	۲۳۰/۶	شهریار مسعود	۱۳۷۱	اسفراین	۹۷	۹۸	۲۶	۲۶/۵	۵۲
۱۰۰	نقره	۲۳۰/۵	رضا قلی بیگی	۱۳۵۹	شاهرود	۹۱	۹۶/۵	۲۶	۲۶	۵۵
۱۰۱	نقره	۲۳۰/۴۵	ایزد عقابیری	؟	؟	۹۱/۲	۹۰/۶	۲۵/۵	۲۶	۵۸
۱۰۲	نقره	۲۳۰/۴۰	امیر هوشنگ بختیار	۱۳۵۱	بجنورد	۸۴/۷	۹۱/۵	۲۹/۱	۲۸/۴	۶۰/۳
۱۰۳	نقره	۲۳۰/۲۵	رجبعلی غائبی	۱۳۷۱	خراسان	۹۳/۵	۹۶/۵	۲۵/۵	۲۵	۵۵
۱۰۴	نقره	۲۳۰/۲	الچین گیش	۱۳۴۷	بجنورد	۹۲/۱	۹۲/۵	۲۸/۵	۲۶/۵	۵۸
۱۰۵	نقره	۲۳۰/۲	شهریار شهریار	۱۳۶۷	قوچان	۹۷	۹۶	۲۶	۲۶/۵	۵۵
۱۰۶	نقره	۲۳۰/۱	اسکندر فیروز	۱۳۴۰	بجنورد	۸۵	۹۰	۲۵	۲۴/۸	۶۶
۱۰۷	نقره	۲۳۰/۱	جان. آ. انزل	۱۳۵۵	دامغان	۸۲/۵	۸۴	۲۷	۲۷/۵	۶۳/۵
۱۰۸	برنز	۲۲۹/۳	سیاوش سعیدی	۱۳۶۷	بجنورد	۸۶	۸۲	۲۹	۲۹	۶۲/۲
۱۰۹	برنز	۲۲۹/۱	هدایت تاج بخش	۱۳۴۸	بجنورد	۸۷/۴	۸۵/۲	۲۵/۳	۲۵/۴	۶۵/۶
۱۱۰	برنز	۲۲۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	بجنورد	۹۳/۴	۹۰/۲	۲۵/۶	۲۵/۶	۵۹
۱۱۱	برنز	۲۲۹	مجید شیریان	۱۳۷۱	اسفراین	۹۲	۸۳/۵	۲۷/۵	۲۷/۵	۵۸
۱۱۲	برنز	۲۲۸/۹	منوچهر مجتبابی	۱۳۵۴	اسفراین	۹۴	۹۳/۵	۲۵/۶	۲۶	۵۴
۱۱۳	برنز	۲۲۸/۵	امیر مظهري	۱۳۵۹	بجنورد	۸۲	۹۰	۲۹	۳۰	۵۷/۵
۱۱۴	برنز	۲۲۸	رشید جمشید	۱۳۴۲	خراسان	۹۷	۹۴/۷	۲۵	۲۵/۵	۵۵/۳
۱۱۵	برنز	۲۲۷/۲	اسکندر فیروز	۱۳۴۰	بجنورد	۹۱/۵	۸۹	۲۷	۲۷/۳	۵۷/۲
۱۱۶	برنز	۲۲۷	استارک	۱۳۴۷	بجنورد	۹۳	۹۵/۴	۲۷/۵	۲۷/۷	۵۱/۵
۱۱۷	برنز	۲۲۷	عزیز قنبری	۱۳۷۰	بجنورد	۸۷	۸۷	۲۷	۲۷	۵۷
۱۱۸	برنز	۲۲۶/۷	حمید حمیدنژاد	۱۳۷۲	اسفراین	۹۲/۵	۹۲	۲۶/۵	۲۶	۵۲/۵
۱۱۹	برنز	۲۲۶/۷	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	بجنورد	۸۶/۲	۸۸/۴	۲۶/۶	۲۶	۵۹/۸
۱۲۰	برنز	۲۲۶/۲	داریوش امین	۱۳۴۸	میامی	۸۹	۸۸/۵	۲۴/۵	۲۵	۶۰
۱۲۱	برنز	۲۲۵/۲	کورت زیگلن	۱۳۵۳	خوش ییلاق	۸۷	۸۹	۲۷	۲۷/۲	۵۹
۱۲۲	برنز	۲۲۵/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	بجنورد	۸۶	۸۶	۲۷/۵	۲۷	۵۴
۱۲۳	برنز	۲۲۴/۸	امیر مظهري	۱۳۵۵	بجنورد	۸۶/۵	۹۳/۵	۲۴/۵	۲۴/۸	۵۵/۵
۱۲۴	برنز	۲۲۴/۸	یارمحمد شادلو	۱۳۴۲	بجنورد	۹۱	۸۱/۵	۲۵/۴	۲۵/۶	۶۱/۵
۱۲۵	برنز	۲۲۳/۷	هاشم مخبری	؟	شاهرود	۸۵	۸۶/۵	۲۷/۵	۲۷/۵	۵۵
۱۲۶	برنز	۲۲۴/۲	بیژن شادلو	۱۳۴۲	بجنورد	۹۴/۳	۹۳/۵	۲۳/۲	۲۵/۲	۵۵/۲
۱۲۷	برنز	۲۲۴	هوشنگ اعتضادی	۱۳۳۸	بجنورد	۹۱/۴	۸۹	۲۴/۳	۲۴/۵	۵۹
۱۲۸	برنز	۲۲۲/۸	علی اصغر گیاهی	۱۳۶۱	سمنان	۸۷/۵	۸۵	۲۵/۵	۲۶	۵۶
۱۲۹	برنز	۲۲۲/۴	جک اوکانر	۱۳۳۸	بجنورد	۹۷/۱	۸۷/۶	۲۶/۴	۲۶/۴	۵۷/۲
۱۳۰	برنز	۲۲۲/۳	اسکندر فیروز	۱۳۳۷	بجنورد	۸۶/۵	۸۷/۱	۲۷	۲۷/۸	۵۶/۶
۱۳۱	برنز	۲۲۲	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۸۳/۵	۸۳	۲۸	۲۸	۵۷
۱۳۲	برنز	۲۲۱/۸	علی تبریزی	۱۳۶۰	شاهرود	۸۱	۹۲	۲۵/۶	۲۵/۹	۵۵
۱۳۳	برنز	۲۲۱/۸	امیر مظهري	۱۳۵۹	بجنورد	۸۱/۳	۸۰/۵	۲۷/۳	۲۷	۵۷/۵
۱۳۴	برنز	۲۲۱/۷	غلامحسین افخمی	۱۳۳۹	شاهرود	۸۹	۸۹	۲۴	۲۴/۵	۵۲/۵
۱۳۵	برنز	۲۲۱/۵	رضا سوخته سرای	۱۳۶۹	شاهرود	۸۲	۸۶	۲۵	۲۵	۵۸
۱۳۶	برنز	۲۲۱/۱	محمدعلی قره گزلو	۱۳۷۰	شاهرود	۸۵/۵	۸۵/۵	۲۶/۳	۲۶/۵	۵۳
۱۳۷	برنز	۲۲۰/۹	رشید جمشید	۱۳۵۰	بجنورد	۸۰/۴	۸۳/۸	۲۷/۷	۲۷/۷	۵۷/۹
۱۳۸	برنز	۲۲۰/۷	مهران سیاهپوش	۱۳۵۶	سمنان	۸۶	۸۳	۲۷/۵	۲۶/۶	۵۵/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارج شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱۳۹	برنز	۲۲۰/۶	داریوش امین	۱۳۵۰	بجنورد	۸۴/۴	۸۷/۸	۲۶	۲۶	۵۴/۲
۱۴۰	برنز	۲۲۰/۵	آرش اینانلو	۱۳۷۱	شاهرود	۸۲	۸۲	۲۷/۵	۲۷/۵	۵۸
۱۴۱	برنز	۲۲۰/۵	حبیب... تسلیمی	۱۳۵۰	سمنان	۶۸/۵	۹۱/۵	۲۴	۲۴	۶۲/۵
۱۴۲	برنز	۲۲۰/۵	محمد رحیمیان	۱۳۵۴	شاهرود	۸۹/۵	۸۰	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۷
۱۴۳	برنز	۲۲۰/۳	هدایت تاج بخش	۱۳۵۰	خوش ییلاق	۸۰/۷	۸۲/۲	۲۶/۳	۲۶/۴	۵۶/۶
۱۴۴	برنز	۲۲۰/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۳۵	بجنورد	۹۰/۷	۹۰/۳	۲۶	۲۶	۵۰/۵
۱۴۵	برنز	۲۲۰/۲	سهراب شیبانی	۱۳۵۵	سبزوار	۹۱	۸۳	۲۳/۷	۲۳/۴	۵۷/۵
۱۴۶	برنز	۲۲۰/۱	مهدی خلیقی	۱۳۴۷	بجنورد	۸۳/۲۵	۸۳/۵	۲۶/۲۵	۲۶/۲	۵۴/۵
۱۴۷	برنز	۲۲۰	علی رجالی	۱۳۵۵	شاهرود	۸۴/۵	۸۳	۲۶/۵	۲۶	۵۸
۱۴۸	برنز	۲۲۰	عزیز قنبری	۱۳۷۰	بجنورد	۷۶/۵	۷۹/۵	۲۶	۲۶	۶۱

تروفه قوچ البرز مرکزی

Red Sheep



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گRAND پری	۲۳۲	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی جنوبی	۸۵/۷	۸۶/۷	۲۵/۳	۲۵/۳	۶۰
۲	گRAND پری	۲۳۱/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۵۷	البرز مرکزی جنوبی	۸۵	۷۹/۶	۲۵/۵	۲۵/۷	۶۸
۳	گRAND پری	۲۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی جنوبی	۸۴/۶	۸۶	۲۷/۴	۲۷/۲	۵۹
۴	گRAND پری	۲۲۸/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۵۷	البرز مرکزی جنوبی	۸۵/۶	۷۷	۲۶/۷	۲۶/۳	۶۴/۴
۵	گRAND پری	۲۲۷/۷	حسین جابری	۱۳۵۷	البرز مرکزی جنوبی	۸۷	۷۵/۵	۲۷	۲۶/۵	۶۴/۵
۶	گRAND پری	۲۲۷/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۵۳	البرز مرکزی جنوبی	۸۶/۲	۸۸	۲۶/۲	۲۶/۸	۶۱
۷	گRAND پری	۲۲۷/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۵۲	البرز مرکزی جنوبی	۸۸/۲	۹۰	۲۴/۵	۲۵	۶۱
۸	گRAND پری	۲۲۷	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	البرز مرکزی جنوبی	۸۷	۸۹	۲۶/۶	۲۶/۹	۵۷
۹	گRAND پری	۲۲۵/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	البرز مرکزی جنوبی	۷۷	۸۰	۲۷	۲۷/۲	۶۳
۱۰	گRAND پری	۲۲۴/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	البرز مرکزی جنوبی	۸۱	۸۱	۲۶	۲۵	۶۴/۵
۱۱	گRAND پری	۲۲۴/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	البرز مرکزی جنوبی	۸۲/۲	۸۲/۶	۲۶/۴	۲۶/۶	۶۲/۶
۱۲	گRAND پری	۲۲۳/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	حفاظت شده جاجرود	۸۶	۸۳/۵	۲۲/۷	۲۳	۶۶
۱۳	گRAND پری	۲۲۲/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	البرز مرکزی جنوبی	۹۳	۹۵/۲	۲۴	۲۴/۲	۵۱/۵
۱۴	گRAND پری	۲۲۱/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۳۱	البرز مرکزی شمالی	۸۴	۸۰	۲۶/۸	۲۶/۳	۶۱/۵
۱۵	گRAND پری	۲۲۱/۹	مهدی شهبازی	۱۳۵۳	البرز مرکزی شمالی	۸۲/۵	۷۸/۵	۲۵	۲۴/۵	۶۳/۶
۱۶	گRAND پری	۲۲۱/۸	منوچهر ریاحی	۱۳۴۱	البرز مرکزی	۹۱/۴	۹۰/۵	۲۴/۲	۲۳/۸	۵۷/۲
۱۷	گRAND پری	۲۲۱/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۸۳	۸۲	۲۴	۲۴/۲	۶۴
۱۸	گRAND پری	۲۲۰/۹	وحید کاظمی	۱۳۶۵	فیروزکوه	۸۳	۸۲	۲۶/۴	۲۷/۳	۵۳/۸
۱۹	گRAND پری	۲۲۰/۸	وحید کاظمی	۱۳۶۶	فیروزکوه	۸۴	۸۷/۵	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۶/۵
۲۰	گRAND پری	۲۲۰/۸	ریچارد وارطانیان	۱۳۵۳	حفاظت شده جاجرود	۷۷/۵	۷۹	۲۷	۲۷/۵	۵۸/۴
۲۱	گRAND پری	۲۲۰/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	البرز مرکزی جنوبی	۸۱	۸۰	۲۵	۲۵	۵۹
۲۲	طلا	۲۱۹/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۶	حفاظت شده جاجرود	۸۳/۶	۷۸	۲۳/۵	۲۳/۵	۶۶/۳
۲۳	طلا	۲۱۹/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	حفاظت شده جاجرود	۸۰/۵	۷۹/۵	۲۷	۲۶/۸	۵۷/۵
۲۴	طلا	۲۱۹/۳	ر. کیویک	۱۳۵۵	حفاظت شده جاجرود	۷۹	۸۸	۲۵	۲۴/۷	۵۹/۵
۲۵	طلا	۲۱۹	کلنل. پ. شافرن	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۷۵/۸	۷۵/۵	۲۶/۳	۲۷/۳	۵۸/۹
۲۶	طلا	۲۱۸/۴	هدایت تاج بخش	۱۳۵۲	البرز مرکزی	۸۳/۱	۸۳/۳	۲۴/۷	۲۴	۶۰/۷
۲۷	طلا	۲۱۸/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۷۵/۵	۸۸	۲۳/۵	۲۳/۵	۶۵
۲۸	طلا	۲۱۸/۱	اسکندر فیروز	۱۳۴۹	البرز مرکزی	۸۱/۲	۷۵	۲۶/۷	۲۶/۶	۶۲/۳
۲۹	طلا	۲۱۸	منوشان زنگنه	۱۳۵۴	جاجرود	۷۴/۵	۷۷/۲	۲۵	۲۴/۷	۶۴
۳۰	طلا	۲۱۸	وحید کاظمی	۱۳۶۸	گرمسار	۷۶	۷۷	۲۸	۲۷	۵۸
۳۱	طلا	۲۱۷	ملک منصور قشقای	۱۳۴۳	البرز مرکزی	۸۲	۸۳	۲۵	۲۵	۵۸/۵
۳۲	طلا	۲۱۶/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۳۵	البرز مرکزی	۸۷/۶	۸۴/۹	۲۴/۶	۲۴/۸	۵۶/۸
۳۳	طلا	۲۱۵/۹	مصطفی پونکی	۱۳۶۴	البرز مرکزی	۷۴	۷۴	۲۸/۵	۲۸/۳	۶۰
۳۴	طلا	۲۱۵/۸	هدایت تاج بخش	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۸۵	۸۳	۲۵	۲۵/۲	۵۷/۵
۳۵	طلا	۲۱۵/۷	منوچهر ریاحی	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۸۵/۵	۷۲	۲۵	۲۵	۶۰
۳۶	طلا	۲۱۵/۱	امیر مظهری	۱۳۵۵	البرز مرکزی	۸۲	۸۱	۲۷/۶	۲۷/۸	۵۶/۳
۳۷	طلا	۲۱۵	امیر مظهری	۱۳۷۱	البرز مرکزی	۷۴/۵	۷۳/۵	۲۵/۸	۲۵/۸	۶۱
۳۸	طلا	۲۱۴/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی جنوبی	۷۹/۴	۷۹/۵	۲۵/۸	۲۶	۵۴/۴
۳۹	طلا	۲۱۴/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۳۱	البرز مرکزی	۸۴/۵	۸۶/۴	۲۴/۱	۲۴/۱	۵۶
۴۰	طلا	۲۱۳/۵	کامیل جعفری	۱۳۵۴	البرز مرکزی جنوبی	۸۱	۸۱	۲۵/۲	۲۵	۵۶/۷
۴۱	طلا	۲۱۳/۳	حسینقلی تاج بخش	۱۳۴۳	البرز مرکزی	۷۸	۷۷	۲۳/۵	۲۴	۶۵
۴۲	طلا	۲۱۲/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	حفاظت شده جاجرود	۷۸/۱	۷۷/۸	۲۲	۲۲	۶۶
۴۳	طلا	۲۱۲/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی	۸۰	۸۳	۲۳/۸	۲۳/۸	۵۹
۴۴	طلا	۲۱۲/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۷۹/۸	۷۳	۲۵/۳	۲۵/۲	۵۵/۷
۴۵	طلا	۲۱۱/۷	کامبیز آتابای	۱۳۵۱	البرز مرکزی جنوبی	۶۷	۶۹	۲۶	۲۶/۵	۶۶
۴۶	طلا	۲۱۱/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۳۴	قرق جاجرود	۶۰/۳	۷۶/۲	۲۳/۶	۲۳/۶	۶۷/۶

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۴۷	طلا	۲۱۱/۲	رحمان صفدری	۱۳۶۳	البرز مرکزی	۸۰/۵	۸۰/۵	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۱
۴۸	طلا	۲۱۱/۱	علی افشار	۱۳۴۰	البرز مرکزی	۷۱	۷۲	۲۱	۲۱/۳	۶۸
۴۹	طلا	۲۱۰/۵	مجید کاظمی	۱۳۶۵	گرمسار	۷۳/۵	۶۸	۲۹/۵	۲۹/۵	۵۵/۵
۵۰	طلا	۲۱۰/۵	ب. دس. کلرز	۱۳۵۷	حفاظت شده، جاجرود	۸۰	۸۰/۵	۲۳/۵	۲۳	۶۰
۵۱	طلا	۲۱۰/۴	رابرت لی	۱۳۴۲	البرز مرکزی جنوبی	۷۳/۲	۷۳/۳	۲۴/۱	۲۴/۴	۶۰/۴
۵۲	طلا	۲۱۰/۲	داریوش امین	۱۳۵۵	البرز مرکزی	۷۶/۵	۷۴/۵	۲۴/۸	۲۵	۵۸
۵۳	طلا	۲۰۹/۸	امیر مظهری	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۷۵/۵	۷۵	۲۴	۲۴/۲	۶۱
۵۴	طلا	۲۰۹/۶	حسین شریف بیگی	۱۳۵۱	البرز مرکزی جنوبی	۷۴	۷۴/۵	۲۳	۲۲/۶	۶۳/۷
۵۵	طلا	۲۰۹/۲	وحید کاظمی	۱۳۶۶	فیروزکوه	۶۲/۵	۷۰	۲۵/۵	۲۵/۵	۶۲
۵۶	طلا	۲۰۹/۱	سهراب شیبانی	۱۳۵۷	البرز مرکزی شمالی	۷۵	۷۳	۲۵	۲۵	۵۶/۸
۵۷	طلا	۲۰۸/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	البرز مرکزی جنوبی	۷۹/۵	۷۴/۵	۲۵	۲۵	۵۸/۸
۵۸	طلا	۲۰۸/۶	امیر مظهری	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۷۶	۷۳/۵	۲۵/۳	۲۵/۴	۵۸/۵
۵۹	طلا	۲۰۸/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	حفاظت شده، جاجرود	۷۳/۷	۷۸	۲۳/۲	۲۳/۳	۶۴/۵
۶۰	طلا	۲۰۸/۲	بیژن صبور	۱۳۶۹	فیروزکوه	۷۴	۷۴/۵	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۶
۶۱	طلا	۲۰۷/۷	امیر صمصام بختیار	۱۳۵۴	حفاظت شده، جاجرود	۷۳/۵	۷۴/۵	۲۵/۵	۲۵/۵	۵۶
۶۲	طلا	۲۰۷/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	البرز مرکزی جنوبی	۸۸/۵	۸۶	۲۳	۲۳/۲	۴۹/۲
۶۳	طلا	۲۰۷/۶	داریوش امین	۱۳۵۳	لار	۷۳	۷۱	۲۶/۸	۲۶/۴	۵۵
۶۴	طلا	۲۰۷/۴	امیر مظهری	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۷۹/۵	۷۵/۵	۲۳/۵	۲۳/۷	۵۷
۶۵	طلا	۲۰۷/۱	رشید جمشید	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۷۷/۵	۷۳/۵	۲۳	۲۳	۵۹
۶۶	طلا	۲۰۶/۲	داریوش امین	۱۳۵۳	لار	۷۷/۵	۷۴/۲	۲۳/۷	۲۳/۸	۵۸
۶۷	طلا	۲۰۶/۲	ریچارد وارطانیان	۱۳۵۳	حفاظت شده، جاجرود	۶۸	۶۹/۵	۲۵	۲۵	۵۶/۵
۶۸	طلا	۲۰۵/۳	حبیب مسلمی	۱۳۵۱	فیروزکوه - لزوره	۷۸/۵	۷۸	۲۳/۷	۲۳/۵	۵۵
۶۹	طلا	۲۰۴/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	حفاظت شده، جاجرود	۷۶/۵	۷۵/۵	۲۴/۵	۲۴	۵۲/۷
۷۰	طلا	۲۰۴	حسین جابری	۱۳۶۴	فیروزکوه	۷۲/۵	۷۵/۵	۲۵	۲۴/۸	۵۶/۵
۷۱	طلا	۲۰۳/۹	هوشنگ پوررستگار	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۶۹	۷۰	۲۶	۲۵/۵	۵۸
۷۲	طلا	۲۰۳/۸	باقر تاج بخش	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۷۱/۸	۶۷/۴	۲۵/۶	۲۵/۲	۵۸/۲
۷۳	طلا	۲۰۳/۷	احمد محرابی	۱۳۵۹	لار	۷۲	۷۱	۲۴/۵	۲۴/۲	۵۴
۷۴	طلا	۲۰۳/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	حفاظت شده، جاجرود	۷۸/۱	۷۴/۹	۲۳/۶	۲۳/۷	۵۳
۷۵	طلا	۲۰۳/۱	داریوش امین	۱۳۵۴	لار	۶۵/۵	۸۱	۲۲/۳	۲۴	۵۷
۷۶	طلا	۲۰۳	اکبر منصوری	۱۳۴۰	البرز مرکزی	۷۱	۷۴	۲۳/۵	۲۴	۵۶
۷۷	طلا	۲۰۲/۹	لئونارد دتريک	۱۳۵۴	البرز مرکزی	۷۷/۵	۶۵/۵	۲۴	۲۵	۵۳
۷۸	طلا	۲۰۲/۶	علی اصغر گیاهی	۱۳۶۳	البرز مرکزی	۶۶/۵	۶۶	۲۳	۲۴	۶۴
۷۹	طلا	۲۰۲/۲	الجبین گیتس	۱۳۴۸	حفاظت شده، جاجرود	۷۳/۳	۷۴	۲۴/۸	۲۴/۸	۵۴/۳
۸۰	طلا	۲۰۲	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۶۸	۶۷	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۱
۸۱	طلا	۲۰۱/۷	ایرج عالی پور	۱۳۶۷	فیروزکوه	۷۲	۷۱/۵	۲۷	۲۷	۵۳
۸۲	طلا	۲۰۱/۶	فرانسوا ادموند بلاند	۱۳۵۷	حفاظت شده، جاجرود	۶۹	۶۹/۵	۲۲	۲۲	۶۳/۳
۸۳	طلا	۲۰۱/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۲	البرز جنوبی	۷۲/۱	۷۱/۶	۲۲/۹	۲۳	۵۸/۶
۸۴	طلا	۲۰۱/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	فرق جاجرود	۶۲	۷۳	۲۶/۴	۲۶/۴	۵۶
۸۵	طلا	۲۰۱/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	فرق جاجرود	۶۷	۶۵	۲۰/۹	۲۰/۷	۶۶/۵
۸۶	طلا	۲۰۱/۲	داریوش امین	۱۳۵۶	لار	۶۲	۶۹/۵	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۶/۵
۸۷	طلا	۲۰۰/۷	ا.د. لاریجانی	۱۳۴۹	البرز مرکزی	۷۳/۴	۶۹/۲	۲۵/۸	۲۶/۳	۵۶/۸
۸۸	طلا	۲۰۰/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۴۶	فرق جاجرود	۷۶	۷۶/۲	۲۰/۷	۲۱	۶۱
۸۹	طلا	۲۰۰/۶	شهرام شهلای	۱۳۵۲	البرز جنوبی	۶۸/۷	۶۵/۱	۲۶/۹	۲۷/۲	۵۲/۳
۹۰	طلا	۲۰۰/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	حفاظت شده، جاجرود	۷۶/۸	۷۷/۵	۲۱/۸	۲۱/۴	۵۶/۳
۹۱	طلا	۲۰۰/۵	فرشاد روفه	۱۳۶۵	گرمسار	۸۰	۶۳	۲۵	۲۵/۵	۵۲
۹۲	طلا	۲۰۰/۴	یحیی قره گزلی	۱۳۷۱	فیروزکوه	۷۵	۷۲/۵	۲۵/۳	۲۵/۵	۵۰/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۹۳	طلا	۲۰۰/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	غرق جاجرود	۷۶/۲	۷۵/۵	۲۲/۴	۲۲/۷	۵۷
۹۴	طلا	۲۰۰/۱	اصغر صنعتی	؟	؟	۶۶	۶۶	۲۴	۲۴/۲	۶۴
۹۵	نقره	۱۹۹/۷	احمد قوهکی	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۷۰	۷۱	۲۵	۲۵/۵	۵۴
۹۶	نقره	۱۹۹/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۶	غرق جاجرود	۶۶	۶۶/۴	۲۳/۲	۲۳/۲	۶۲/۶
۹۷	نقره	۱۹۹/۶	وحید کاظمی	۱۳۶۵	فیروزکوه	۶۶/۲	۶۶/۲	۲۳	۲۳	۶۳
۹۸	نقره	۱۹۹/۱	پرنس رويس	۱۳۴۹	غرق جاجرود	۶۸/۳	۶۸	۲۱/۶	۲۱/۵	۶۳/۱
۹۹	نقره	۱۹۹/۱	هدایت تاج بخش	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۶۴/۱	۶۵/۳	۲۳/۹	۲۳/۹	۶۱
۱۰۰	نقره	۱۹۹	هدایت تاج بخش	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۷۸/۲	۷۷/۱	۲۳/۶	۲۳/۸	۵۱/۱
۱۰۱	نقره	۱۹۸/۶	سازمان محیط زیست	؟	غرق جاجرود	۶۵/۷	۶۷/۳	۲۰/۸	۲۰/۵	۶۵/۴
۱۰۲	نقره	۱۹۸/۵	امیرحسین خداپنده لو	۱۳۴۰	البرز مرکزی	۶۳/۳	۷۰/۵	۲۳/۱	۲۳/۱	۶۰
۱۰۳	نقره	۱۹۷/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	غرق جاجرود	۶۲	۶۲/۴	۲۳/۲	۲۳	۶۳/۳
۱۰۴	نقره	۱۹۷/۹	۱. صمصام بختیار	۱۳۵۵	غرق جاجرود	۵۷	۵۵/۵	۲۵	۲۵	۶۲
۱۰۵	نقره	۱۹۷/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	غرق جاجرود	۷۳	۷۲	۲۱/۱	۲۱	۵۹/۷
۱۰۶	نقره	۱۹۷/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۳۳	البرز مرکزی	۷۸/۲	۶۸/۶	۲۴/۱	۲۴/۳	۵۴
۱۰۷	نقره	۱۹۷/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	غرق جاجرود	۷۵/۴	۷۷/۵	۲۲/۶	۲۲/۸	۵۳
۱۰۸	نقره	۱۹۷/۵	مسمود مسمود	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۷۰	۷۱	۲۵/۵	۲۵	۵۲
۱۰۹	نقره	۱۹۷/۴	میراحمد شهلای	۱۳۵۴	غرق جاجرود	۷۱	۶۵/۵	۲۵	۲۴/۵	۵۵
۱۱۰	نقره	۱۹۷/۲۰	رابرت دوناهو	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۷۱/۶	۷۰/۴	۲۳	۲۳/۵	۵۸
۱۱۱	نقره	۱۹۶/۹	سازمان محیط زیست	؟	غرق جاجرود	۷۶	۷۴/۴	۲۱/۳	۲۲	۵۵/۷
۱۱۲	نقره	۱۹۵/۵	مجید کاظمی	۱۳۷۰	گرمسار	۷۲	۷۲/۳	۲۳	۲۳	۶۰/۵
۱۱۳	نقره	۱۹۵/۵	مجید مسمود	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۷۰	۷۱	۲۵/۲	۲۵/۳	۵۰
۱۱۴	نقره	۱۹۴/۹	افشار قاسملو	۱۳۴۸	البرز مرکزی	۷۲/۱	۷۲/۹	۲۴/۱	۲۴/۵	۵۰/۹
۱۱۵	نقره	۱۹۴/۸	مصطفی پونکی	۱۳۶۸	دماوند	۶۹/۵	۷۷/۵	۲۳/۲	۲۳	۴۸/۵
۱۱۶	نقره	۱۹۴/۷	منوشان زنگنه	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۷۲/۶	۶۹/۹	۲۴/۵	۲۵	۵۲/۲
۱۱۷	نقره	۱۹۴/۵	داود شیوخی	۱۳۵۷	خرسنگ	۶۲	۵۸/۵	۲۶/۸	۲۶/۸	۵۷/۵
۱۱۸	نقره	۱۹۴/۵	مجید کاظمی	۱۳۶۴	فیروزکوه	۶۷/۵	۷۳	۲۴/۵	۲۴	۵۳
۱۱۹	نقره	۱۹۴/۱	ماشالا... سرتیپی	۱۳۶۶	البرز مرکزی	۶۹	۶۶/۸	۲۴	۲۳/۵	۵۱
۱۲۰	نقره	۱۹۴/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۵۱	غرق جاجرود	۶۷	۶۶/۴	۲۳/۸	۲۳/۷	۵۵/۲
۱۲۱	نقره	۱۹۳/۷	داروین لویز	۱۳۵۴	البرز مرکزی	۶۷	۵۸	۲۵/۳	۲۵/۸	۵۲/۵
۱۲۲	نقره	۱۹۳/۵	آ.وی یوسری	۱۳۴۷	غرق جاجرود	۷۵/۵	۷۰/۲	۲۴/۴	۲۴/۲	۴۹/۵
۱۲۳	نقره	۱۹۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	غرق جاجرود	۷۲	۷۱/۸	۲۲/۶	۲۳	۵۰
۱۲۴	نقره	۱۹۲/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	غرق جاجرود	۷۲	۷۰/۲	۲۱/۱	۲۱/۱	۵۷
۱۲۵	نقره	۱۹۲/۷	علی افشار	۱۳۳۹	البرز مرکزی	۷۴	۷۹/۳	۲۳	۲۲/۴	۴۹/۵
۱۲۶	نقره	۱۹۲/۶	نادر صادقی	۱۳۵۷	؟	۶۷/۵	۷۰/۵	۲۵	۲۴/۸	۵۳
۱۲۷	نقره	۱۹۲/۴	فتح... تاج بخش	۱۳۴۹	البرز مرکزی	۷۱/۱	۶۸/۶	۲۴	۲۲/۷	۵۰/۳
۱۲۸	نقره	۱۹۲/۳	حسین جابری	۱۳۶۵	فیروزکوه - ارجمند	۷۲	۶۵	۲۲/۵	۲۳	۵۰/۵
۱۲۹	نقره	۱۹۱/۷	امیر مظهري	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۶۴	۶۴/۵	۲۵/۵	۲۶	۵۳/۵
۱۳۰	نقره	۱۹۰/۸	مجید کاظمی	۱۳۶۹	فیروزکوه	۶۵	۶۵	۲۴/۳	۲۴/۲	۵۱
۱۳۱	نقره	۱۹۰/۵	نادر صادقی	۱۳۵۷	؟	۶۴	۶۳	۲۲/۸	۲۲/۸	۴۹
۱۳۲	نقره	۱۹۰/۵	امیر مظهري	۱۳۵۶	البرز مرکزی	۶۳	۶۴	۲۳	۲۲/۸	۵۰
۱۳۳	نقره	۱۹۰/۴	عطا... بیگدلی	۱۳۴۰	البرز مرکزی	۶۹/۹	۶۹/۹	۲۱/۷	۲۱/۵	۵۳/۸
۱۳۴	نقره	۱۹۰/۲	ضیاء الدین روحی	۱۳۵۰	غرق جاجرود	۶۹	۷۱/۱	۲۱/۶	۲۱/۵	۵۳
۱۳۵	نقره	۱۹۰	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۶۲/۷	۶۷/۳	۲۴/۸	۲۳/۱	۵۲/۳
۱۳۶	برنز	۱۸۸/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	غرق جاجرود	۷۰	۷۱/۱	۲۱	۲۱	۵۰
۱۳۷	برنز	۱۸۸/۴	نورا... تاج بخش	۱۳۴۸	البرز مرکزی	۶۱/۴	۶۰/۹	۲۳/۱	۲۳/۶	۵۶/۸
۱۳۸	برنز	۱۸۸	رضا علی بیگی	۱۳۷۱	گرمسار	۷۲	۷۳/۵	۲۵/۳	۲۵/۵	۵۰/۵

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱۳۹	برنز	۱۸۶/۸	شهریار شهریار	۱۳۶۸	فیروزکوه	۶۱	۵۹/۲	۲۶/۵	۲۶	۵۱
۱۴۰	برنز	۱۸۶/۴	ماشنا... سرتپی	۱۳۶۳	فیروزکوه	۶۹	۶۸/۵	۲۴	۲۴	۴۴/۵
۱۴۱	برنز	۱۸۵/۷	امیرحسین گیاهی	۱۳۵۷	البرز مرکزی	۶۷/۵	۵۸	۲۲/۳	۲۲/۵	۵۱
۱۴۲	برنز	۱۸۵/۱	پرنس رويس	۱۳۴۹	فرق جاجرود	۶۹/۲	۷۱	۲۰	۱۹/۸	۵۹/۶
۱۴۳	برنز	۱۸۳/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۶۲/۶	۶۳/۳	۲۳/۸	۲۳/۸	۵۱/۱
۱۴۴	برنز	۱۸۳/۲	ل: چاوان	۱۳۵۷	فرق جاجرود	۶۳/۳	۶۱	۲۲	۲۲/۵	۵۵/۹
۱۴۵	برنز	۱۸۲/۶	نورا... تاج بخش	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۶۰/۳	۵۹/۸	۲۲/۴	۲۲/۹	۵۳/۷
۱۴۶	برنز	۱۸۲/۵	مجید کاظمی	۱۳۷۰	گرمسار	۶۰	۶۴	۲۴/۵	۲۴/۵	۴۶/۵
۱۴۷	برنز	۱۸۱/۷	مجید کاظمی	۱۳۶۹	گرمسار	۵۹/۵	۶۲/۵	۲۳	۲۳	۴۸/۵
۱۴۸	برنز	۱۸۰/۵	ماشنا... سرتپی	۱۳۶۴	فیروزکوه	۶۲/۵	۶۱/۵	۲۴/۵	۲۵	۴۵
۱۴۹	برنز	۱۸۰/۴	امان... جهان شاهی	۱۳۵۰	البرز مرکزی	۵۹/۷	۵۸/۷	۲۳/۶	۲۳/۷	۵۱/۵
۱۵۰	برنز	۱۸۰/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	فرق جاجرود	۶۶	۶۳/۵	۲۱/۴	۲۱/۴	۴۹
۱۵۱	برنز	۱۸۰/۱	امیر مظهري	۱۳۵۷	فیروزکوه	۶۱	۶۱	۲۲/۸	۲۳	۴۸

تروغه قوچ ارمنی

Armenian Sheep



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروغه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گران‌دپری	۲۴۱	آرا وارطانیان	۱۳۴۴	آذربایجان غربی	۸۸	۸۹	۲۸	۲۸	۷۱
۲	طلا	۲۲۹/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	سیلان	۷۹	۷۷/۳	۲۵	۲۵	۷۳
۳	طلا	۲۲۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۰	آذربایجان غربی	۷۱/۵	۶۹	۲۹	۲۹	۷۱
۴	طلا	۲۲۳/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۵۴	انگوران	۷۸	۷۹	۲۵/۵	۲۵	۷۰
۵	طلا	۲۲۲/۹	هدایت تاج‌بخش	۱۳۴۶	بیجار	۷۴	۷۲/۸	۲۸	۲۸/۴	۶۸/۵
۶	طلا	۲۲۲/۹	علی تبریزی	۱۳۶۴	انگوران	۷۲	۷۴	۲۴	۲۳/۸	۷۱
۷	طلا	۲۲۲/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۴	آذربایجان غربی	۷۶/۵	۷۸/۸	۲۵/۵	۲۵/۸	۶۵
۸	طلا	۲۲۲/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۶	آذربایجان غربی	۷۴	۷۲	۲۸	۲۸	۶۸
۹	طلا	۲۲۱/۹	رشید جمشید	۱۳۴۶	آذربایجان غربی	۸۱	۷۰	۲۵/۵	۲۵/۵	۶۷/۵
۱۰	طلا	۲۲۱/۴	منوچهر ریاحی	۱۳۴۲	آذربایجان غربی	۷۵/۲	۷۵/۹	۲۶/۹	۲۷/۱	۶۴/۱
۱۱	طلا	۲۲۱/۲	نورا... تاج‌بخش	۱۳۵۱	آذربایجان غربی	۷۹	۷۸	۲۴	۲۴	۶۸
۱۲	طلا	۲۲۰/۱	ضیاءالدین روحی	۱۳۵۵	زنجان	۷۹	۷۶/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۶۵/۵
۱۳	طلا	۲۱۸/۳	محمدحسن مهذب	۱۳۴۰	خوی	۶۷/۳	۶۸/۵	۲۵/۲	۲۵/۳	۷۴
۱۴	طلا	۲۱۷/۹	خسرو سریری	۱۳۴۴	آذربایجان غربی	۷۵/۵	۷۳	۲۴/۵	۲۴/۵	۶۸/۵
۱۵	طلا	۲۱۷/۳	ایزد عقابری	۱۳۵۵	زنجان	۷۰/۲	۶۹/۸	۲۷/۲	۲۷	۶۶/۵
۱۶	طلا	۲۱۵/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	زنجان	۷۴/۵	۷۴/۳	۲۴	۲۴	۶۶
۱۷	طلا	۲۱۵	امیر مظهري	۱۳۶۴	خوی	۷۴	۷۰	۲۷/۲	۲۶/۸	۶۱/۵
۱۸	طلا	۲۱۴/۵	ضیاءالدین روحی	۱۳۵۵	زنجان	۷۷/۵	۷۶	۲۳/۷	۲۳/۷	۶۳
۱۹	طلا	۲۱۴/۱	وحید کاظمی	۱۳۶۰	زنجان	۶۸	۶۷/۵	۲۵/۵	۲۵/۵	۶۸
۲۰	طلا	۲۱۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۱	آذربایجان غربی	۷۴	۸۳	۲۳/۸	۲۳/۸	۶۳
۲۱	طلا	۲۱۴	رابرت پنی	۱۳۵۵	مراکان	۷۳/۵	۷۸/۵	۲۳/۳	۲۳/۳	۶۶/۵
۲۲	طلا	۲۱۲/۹	علیرضا ذوالفقاری	۱۳۵۰	زنجان	۷۷/۵	۷۷	۲۴/۵	۲۴/۵	۵۹
۲۳	طلا	۲۱۲/۳	سهراب شیبانی	؟	انگوران	۷۸/۷	۷۱/۵	۲۴	۲۴	۶۱
۲۴	طلا	۲۱۲/۲	رحمان صفدری	۱۳۶۷	بیجار	۶۵/۵	۶۳/۵	۲۶/۵	۲۶/۵	۶۶
۲۵	طلا	۲۱۱/۷	داریوش امین	۱۳۵۵	خوی	۶۸	۶۸/۵	۲۵	۲۵	۶۶
۲۶	طلا	۲۱۱/۵	داریوش امین	۱۳۵۳	خوی	۶۸/۵	۶۴	۲۴	۲۴	۷۰
۲۷	طلا	۲۱۱/۳	رشید جمشید	۱۳۴۴	آذربایجان غربی	۷۱	۶۸	۲۵/۸	۲۵/۸	۶۵
۲۸	طلا	۲۱۰/۵	محمد شریفی	۱۳۴۱	جلفا	۷۰	۶۹	۲۴/۵	۲۴/۸	۶۶/۵
۲۹	طلا	۲۱۰/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	جزیره کیودان	۷۱/۱	۷۱/۱	۲۴/۵	۲۴/۵	۶۵/۵
۳۰	طلا	۲۰۸/۷	منوچهر مجتبیایی	۱۳۴۸	اهواز	۷۰/۵	۶۹/۵	۲۸/۲	۲۸/۲	۵۵
۳۱	طلا	۲۰۸/۵	سهراب شیبانی	۱۳۵۶	زنجان	۷۵	۷۸	۲۴/۵	۲۴/۵	۵۷
۳۲	طلا	۲۰۶/۸	مهدی مستوفی‌الممالکی	۱۳۴۸	بیجار	۷۴	۷۲	۲۲/۸	۲۲/۵	۶۲/۸
۳۳	طلا	۲۰۶/۷	داریوش امین	۱۳۵۳	خوی	۶۷/۵	۶۸	۲۴/۶	۲۴/۶	۶۳/۵
۳۴	طلا	۲۰۵/۷	هدایت تاج‌بخش	۱۳۴۷	بیجار	۶۵/۳	۶۲/۳	۲۲/۸	۲۳/۲	۶۹/۲
۳۵	طلا	۲۰۴/۳	مهدی اردلان	۱۳۴۱	بیجار	۷۶/۵	۷۴/۵	۲۳/۹	۲۴/۲	۵۵/۸
۳۶	طلا	۲۰۴/۲	هاشم مخبری	۱۳۶۲	زنجان	۶۴/۵	۷۲/۵	۲۴/۵	۲۵	۶۰
۳۷	طلا	۲۰۴	سید اصغر طباطبایی	۱۳۶۳	تاکستان	۷۳	۷۲	۲۴	۲۴/۸	۵۴/۵
۳۸	طلا	۲۰۳/۱	رشید جمشید	۱۳۴۶	آذربایجان غربی	۷۵/۵	۷۰/۵	۲۱/۸	۲۲/۸	۶۱
۳۹	طلا	۲۰۲/۹	رشید جمشید	۱۳۴۷	اهواز	۷۶	۷۴	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۲
۴۰	طلا	۲۰۲/۵	محمدحسن مهذب	۱۳۴۱	خوی	۶۱/۲	۵۸	۲۷/۴	۲۷/۸	۶۳
۴۱	طلا	۲۰۲/۴	ایرج برهمن	۱۳۵۵	لرستان	۶۸/۵	۶۸	۲۴/۲	۲۴/۲	۵۹
۴۲	طلا	۲۰۲/۳	رشید جمشید	۱۳۴۴	آذربایجان غربی	۶۷	۶۶	۲۴/۵	۲۴/۸	۶۲
۴۳	طلا	۲۰۲/۳	خسرو سریری	۱۳۴۵	آذربایجان غربی	۶۶/۵	۷۳/۵	۲۶/۵	۲۶/۵	۵۸/۵
۴۴	طلا	۲۰۱/۸	یارمحمد شادلو	۱۳۵۱	آذربایجان غربی	۶۹	۶۸/۶	۲۵/۲	۲۵/۳	۵۶/۶
۴۵	طلا	۲۰۰/۷	علی اوستایی	۱۳۵۵	زنجان	۶۴/۵	۶۸/۵	۲۴/۵	۲۵/۵	۵۷
۴۶	طلا	۲۰۰/۶	محمدعلی بانکی	۱۳۴۹	ابهر	۶۵/۶	۶۴/۸	۲۴	۲۴/۱	۶۱/۷

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۴۷	طلا	۲۰۰/۳	یحیی قره گزلو	۱۳۵۰	کرمانشاه	۶۹/۹	۷۲/۵	۲۳/۸	۲۳/۸	۵۴
۴۸	طلا	۲۰۰/۲	داریوش امین	۱۳۵۳	خوی	۶۱/۲	۶۱/۲	۲۵/۵	۲۵/۳	۶۳/۵
۴۹	طلا	۲۰۰/۱	بن. و. ایرس	۱۳۵۳	همدان	۶۶	۶۵	۲۳/۵	۲۳	۶۱/۵
۵۰	طلا	۲۰۰	داریوش امین	۱۳۵۷	خوی	۷۱/۲	۷۱/۲	۲۲/۴	۲۲/۳	۶۲/۲
۵۱	برنز	۱۹۹/۴	ه. ولف هارت	۱۳۵۱	ماکو	۶۳	۶۴	۲۳	۲۳/۵	۶۳/۵
۵۲	برنز	۱۹۹/۳	ضیاءالدین روحی	۱۳۵۱	قزوین	۷۲/۴	۷۱/۲	۲۳/۲	۲۳/۲	۵۶/۹
۵۳	برنز	۱۹۹/۲	سازمان محیط زیست (موزه)	۱۳۴۸	بیجار	۶۷	۶۴	۲۴/۸	۲۴/۸	۵۸
۵۴	برنز	۱۹۸/۵	هاشم مخبری	؟	؟	۷۰	۷۰/۵	۲۵	۲۵/۵	۵۳
۵۵	برنز	۱۹۸/۴	مهدی اردلان	۱۳۴۰	کردستان	۷۰/۸	۷۴	۲۴/۸	۲۵	۵۳/۱
۵۶	برنز	۱۹۷/۲	محمد اسحاق بیگی	۱۳۴۵	ماکو	۶۹	۶۵	۲۴	۲۳/۵	۵۸
۵۷	برنز	۱۹۶/۴	منوشان زنگنه	۱۳۵۰	زنجان	۶۱/۹	۶۳/۶	۲۵/۹	۲۶/۱	۵۹/۴
۵۸	برنز	۱۹۶/۲	اسدا... انوری	۱۳۵۵	زنجان	۶۲/۴	۶۳	۲۵/۴	۲۵/۴	۵۹
۵۹	برنز	۱۹۶/۱	سازمان محیط زیست	؟	جزیره کیودان	۶۴/۷	۶۴/۴	۲۵/۳	۲۵/۵	۵۸
۶۰	برنز	۱۹۶	سازمان محیط زیست	۱۳۳۴	لرستان	۶۷/۶	۶۷/۶	۲۵/۴	۲۵/۴	۵۲
۶۱	برنز	۱۹۵/۹	یارمحمد شادلو	۱۳۴۹	زنجان	۶۴/۳	۶۶/۵	۲۳/۵	۲۴	۶۱/۴
۶۲	برنز	۱۹۵/۹	امیر مظهری	۱۳۵۷	خوی	۶۱/۵	۶۲/۵	۲۳/۴	۲۳/۴	۶۱/۵
۶۳	برنز	۱۹۵/۹	علی تبریزی	۱۳۵۷	اراک	۷۱	۷۰	۲۴/۵	۲۴/۶	۵۱
۶۴	برنز	۱۹۵/۷	اصغر صنعتی	؟	جزیره قویونداغی	۶۴/۵	۶۷	۲۳	۲۴	۵۸
۶۵	برنز	۱۹۵	سازمان محیط زیست	؟	جزیره کیودان	۶۴/۹	۶۴	۲۴/۵	۲۴/۸	۵۷/۲
۶۶	برنز	۱۹۴/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	جزیره کیودان	۶۴/۸	۷۴/۳	۲۲/۳	۲۱/۵	۵۶/۳
۶۷	برنز	۱۹۴/۵	امان... جهانشاهی	۱۳۵۰	همدان	۶۷	۶۷/۲	۲۵/۴	۲۵/۳	۵۲/۵
۶۸	برنز	۱۹۲/۸	خسرو سریری	۱۳۴۶	آذربایجان غربی	۶۳	۵۶/۵	۲۳	۲۳/۵	۶۱/۷
۶۹	برنز	۱۹۱/۷	خسرو افشار	۱۳۵۲	قزوین	۶۲/۸	۶۳/۲	۲۱/۸	۲۱/۶	۶۰/۸
۷۰	برنز	۱۹۰/۵	مارتیک آوانسیان	۱۳۵۱	همدان	۶۴/۵	۶۴/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۵۵/۵
۷۱	برنز	۱۹۰/۲۵	حسین جابری	۱۳۵۷	زنجان	۶۵	۵۹/۵	۲۴	۲۴	۵۶
۷۲	برنز	۱۹۰/۲۴	حسین جابری	۱۳۶۲	اراک	۶۰	۶۲	۲۴/۲	۲۴	۵۴
۷۳	برنز	۱۹۰/۲	امیر مظهری	۱۳۵۷	خوی	۶۶/۷	۶۸	۲۲/۵	۲۱/۵	۵۴/۵
۷۴	برنز	۱۹۰/۱	امیر مظهری	۱۳۵۸	اراک	۶۱	۶۲	۲۴/۷	۲۴/۳	۵۷
۷۵	برنز	۱۹۰	سهراب شیبانی	۱۳۶۹	جزیره قویونداغی	۶۰/۵	۶۰/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۵۷

تروغه آهو

Goitered Gazelle



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت غارچی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گراند پری	۱۱۳/۵	ایزد عقاقیری	۱۳۴۶	اشتهارد	۴۴	۴۵	۱۱/۷	۱۱/۵	۳۸
۲	گراند پری	۱۱۰	علی رجالی	۱۳۵۲	موته	۴۱/۲	۴۲/۲	۱۱/۵	۱۱/۵	۴۰
۳	گراند پری	۱۰۸/۶	علی علیجانی	۱۳۴۲	زنجان	۴۰/۲	۴۰/۳	۱۱	۱۱/۱	۴۱/۸
۴	گراند پری	۱۰۸/۵	صفر رحیم نیا	۱۳۵۷	زنجان	۴۴	۴۴/۵	۱۲/۴	۱۲/۲	۳۴
۵	گراند پری	۱۰۳	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	زنجان	۴۳	۴۴/۱	۱۲/۹	۱۲/۹	۲۷/۶
۶	گراند پری	۱۰۲/۸	باقر حریری پارسا	۱۳۴۱	ساوه	۴۴	۴۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۲	۳۰/۳
۷	گراند پری	۱۰۲/۱	آرا وارطانیان	۱۳۳۹	زنجان	۴۴/۳	۴۴	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۷/۷
۸	گراند پری	۱۰۰/۰۵	ایزد عقاقیری	۱۳۵۴	اصفهان	۳۸/۵	۳۹	۱۱/۵	۱۱/۵	۳۳/۴
۹	گراند پری	۱۰۰	چنگیز اعتصام	۱۳۵۳	اصفهان	۴۰/۵	۴۱/۵۰	۱۲	۱۲	۲۹/۵
۱۰	گراند پری	۱۰۰	سیاوش سعیدی	۱۳۶۴	گرمسار	۴۱/۵۰	۴۳	۱۲/۸	۱۳	۲۷/۵
۱۱	طلا	۹۹/۷۰	نسرین قشقایی	۱۳۵۵	شیراز	۴۲/۵۰	۴۲	۱۲/۵	۱۲/۲	۲۸/۷
۱۲	طلا	۹۹/۶۰	ابوالحسن ملک التجار	۱۳۳۴	اصفهان	۴۱/۶۰	۴۳/۶۰	۱۲	۱۲	۲۷/۷
۱۳	طلا	۹۹/۵۰	سیاوش سعیدی	؟	گرمسار	۳۹/۷	۴۰/۷	۱۲	۱۲	۳۰
۱۴	طلا	۹۹/۴۵	پرویز صادقی	؟	اصفهان	۴۲/۵	۴۳	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۸/۵
۱۵	طلا	۹۹/۳۰	هاینریش هاسمان	۱۳۵۵	اصفهان	۳۷	۳۶	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۵/۶
۱۶	طلا	۹۹/۲۰	علی صدیق	۱۳۴۴	زنجان	۴۳/۱	۴۲/۵	۱۲/۹	۱۳	۲۵/۴
۱۷	طلا	۹۸/۸۵	اصغر صنعتی	۱۳۷۱	اصفهان	۴۴/۵	۴۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۶/۵
۱۸	طلا	۹۸/۸۰	علی اصغر گیاهی	۱۳۵۷	زنجان	۴۳	۴۲	۱۱/۳	۱۱/۳	۲۹
۱۹	طلا	۹۸/۷۰	ابوالحسن ملک التجار	۱۳۳۴	ناین	۴۱/۵	۴۱/۸	۱۱	۱۰/۸	۳۰/۵
۲۰	طلا	۹۸/۵۰	ابوالحسن ملک التجار	۱۳۳۰	اصفهان	۴۲/۲	۴۱	۱۱/۸	۱۱/۹	۲۲/۵
۲۱	طلا	۹۸/۴۰	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	زنجان	۴۱	۴۲	۱۱/۸	۱۱/۶	۲۸
۲۲	طلا	۹۸/۳۵	صفر رحیم نیا	۱۳۵۵	قزوین	۳۹/۲	۳۹	۱۲/۵	۱۲/۲	۲۹/۵
۲۳	طلا	۹۸/۲۰	یهمن باقرزاده	۱۳۵۶	گرمسار	۴۵/۵	۴۴/۵	۱۳/۵	۱۳/۵	۲۱
۲۴	طلا	۹۸	محمود بازوکی نژاد	۱۳۵۵	قم	۳۶/۴	۳۷	۱۲	۱۱/۵	۳۳
۲۵	طلا	۹۸	عبدالله دولتشاهی	۱۳۵۲	شیراز	۳۷/۳	۳۷/۹	۱۲/۲	۱۲/۱	۳۰/۹
۲۶	طلا	۹۷/۹۰	یحیی قره گزلو	؟	؟	۳۷/۵	۳۷/۵	۱۱/۵	۱۱/۵	۳۰/۴
۲۷	طلا	۹۷/۸۰	التفات علی قره خانی	۱۳۴۲	زنجان	۴۲/۵	۴۳/۱	۱۳	۱۳	۲۲/۸
۲۸	طلا	۹۷/۶۰	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	زنجان	۴۰/۷	۳۹/۴	۱۲/۸	۱۲/۷	۲۷/۳
۲۹	طلا	۹۷/۵۰	عباس کریمی	۱۳۵۵	ورامین	۴۲/۵	۴۲/۵	۱۲	۱۲	۲۶/۵
۳۰	طلا	۹۷/۵۰	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	قزوین	۴۲/۵	۴۲	۱۲/۲	۱۲	۲۵
۳۱	طلا	۹۷/۲۰	جی. اس. مک کورد	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۹/۵	۳۹	۱۲	۱۲	۲۸
۳۲	طلا	۹۶/۹۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۴	گلپایگان	۴۲/۳	۴۲/۳	۱۳	۱۲/۸	۲۳/۴
۳۳	طلا	۹۶/۵۰	باقر حریری پارسا	۱۳۴۰	قزوین	۴۲/۵	۴۲/۵	۱۱	۱۱	۲۶/۵
۳۴	طلا	۹۶/۳۵	مجید کاظمی	۱۳۵۷	زنجان	۴۱/۲	۴۰/۵	۱۲	۱۲	۲۷
۳۵	طلا	۹۶/۳۵	علی رجالی	۱۳۵۱	موته	۳۹/۵	۳۸/۲	۱۲	۱۲	۲۹
۳۶	طلا	۹۶/۳۰	باقر حریری پارسا	۱۳۴۵	زنجان	۴۲/۳	۴۳/۳	۱۲	۱۲	۲۴/۷
۳۷	طلا	۹۶/۳۰	باقر حریری پارسا	۱۳۴۰	زنجان	۴۵/۵	۴۳/۵	۱۲/۴	۱۲/۶	۲۴
۳۸	طلا	۹۶/۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	گلپایگان	۴۰/۵	۴۰/۲	۱۲	۱۱/۵	۲۶/۵
۳۹	طلا	۹۶/۳۰	داود شیوخی	۱۳۵۷	موته	۴۲/۵	۴۰/۶	۱۲	۱۱/۸	۲۵
۴۰	طلا	۹۶/۱۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۹	شاهرود	۴۰/۶	۴۰/۲	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۵/۲
۴۱	طلا	۹۵/۹۵	داود شیوخی	۱۳۵۷	موته	۴۰/۷	۴۰/۸	۱۲	۱۲	۲۶
۴۲	طلا	۹۵/۹۰	عبدالله دولتشاهی	۱۳۴۲	شیراز	۳۹/۲	۴۰/۴	۱۱/۳	۱۱/۲	۲۷/۸
۴۳	طلا	۹۵/۸۰	د. پیرجانلو	۱۳۵۰	ساوه	۳۹/۵	۳۸/۵	۱۲	۱۲/۴	۲۶/۵
۴۴	طلا	۹۵/۸۰	مسعود مدیر	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۹	۳۸/۵	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۸
۴۵	طلا	۹۵/۷۵	نادر صادقی	؟	محلات	۳۹/۴	۴۰/۳	۱۲/۲	۱۲/۴	۲۶/۵
۴۶	طلا	۹۵/۷۵	سیروس جمالی	۱۳۵۵	سمنان	۴۳	۴۲/۵	۱۱	۱۱	۲۶

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین فست خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۴۷	طلا	۹۵/۵۵	غلامرضا جلیلووند	۱۳۵۲	قم	۴۱	۴۰/۵	۱۲/۴	۱۲/۲	۲۵
۴۸	طلا	۹۵/۵۰	منوچهر افلاکی	۱۳۶۴	زنجان	۴۰/۵	۴۰/۵	۱۲	۱۲	۲۶
۴۹	طلا	۹۵/۲۰	تاری وردی فرمانفرمائی	۱۳۴۱	سمنان	۴۴	۴۴	۱۱/۳	۱۱/۳	۲۳/۵
۵۰	طلا	۹۴/۹۵	خسرو سریری	۱۳۳۲	تهران	۴۱/۳	۴۰/۴	۱۲/۷	۱۲/۷	۲۳/۵
۵۱	طلا	۹۴/۹۵	منوچهر مجتبیائی	۱۳۴۲	قزوین	۴۲/۵۰	۴۲	۱۲/۴	۱۲/۴	۲۳
۵۲	طلا	۹۴/۹۰	شکرا... اینانلو	۱۳۵۶	قزوین	۴۳/۵۰	۴۳/۵۰	۱۲	۱۲/۲	۲۲
۵۳	طلا	۹۴/۸۵	حمیدرضا حمیدی	؟	سیزوار	۴۰	۴۰/۸	۱۲	۱۱/۹	۲۵/۵
۵۴	طلا	۹۴/۷	رودولف سند	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۹/۸	۳۸/۸	۱۲/۸	۱۲/۶	۲۴/۵
۵۵	طلا	۹۴/۷	نورا... تاجبخش	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۵	۳۵/۳	۱۲	۱۲	۳۰
۵۶	طلا	۹۴/۶۵	مسعود ایوزیان	۱۳۵۴	گرمسار	۳۸/۵	۳۹/۵	۱۲	۱۲/۲	۲۶
۵۷	طلا	۹۴/۶۰	محمد رحیمیان	۱۳۵۱	شاهرود	۴۱/۲	۴۱	۱۲/۲	۱۲/۵	۱۷
۵۸	طلا	۹۴/۶۰	ابوالحسن ملکالتجار	۱۳۳۴	اصفهان	۴۵/۲	۴۶/۲	۱۱/۷	۱۱/۳	۲۱
۵۹	طلا	۹۴/۴۰	محمود جهانبانی	۱۳۵۰	گلپایگان	۳۹/۲	۳۹	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۱
۶۰	طلا	۹۴/۲۵	علی رجالی	۱۳۵۱	موته	۴۱	۴۲	۱۱/۵	۱۱	۲۵
۶۱	طلا	۹۴/۲۰	مجتبی موثقی	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۸/۲	۳۷/۳	۱۳/۳	۱۳	۲۴/۲
۶۲	طلا	۹۴/۱۶	نادر صادقی	؟	زنجان	۳۷/۳	۳۹/۱	۱۳/۳	۱۳/۳	۲۵
۶۳	طلا	۹۴/۱۵	نادر صادقی	۱۳۵۴	؟	۴۳/۲	۴۴	۱۲	۱۲	۲۱/۳
۶۴	طلا	۹۳/۸۰	ضیاءالدین روحی	۱۳۴۲	قزوین	۴۲/۳	۴۲/۲	۱۲/۵	۱۲/۷	۲۲
۶۵	طلا	۹۳/۷۵	مسعود مسعود	۱۳۴۶	محلات	۳۷	۳۷	۱۲	۱۲/۵	۲۶
۶۶	طلا	۹۳/۷۰	هدایت تاجبخش	۱۳۴۸	دامغان	۳۵	۳۳	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۹
۶۷	طلا	۹۳/۶۰	اسکندر فیروز	۱۳۴۲	گلپایگان	۳۷	۳۵/۲	۱۲/۲	۱۱/۸	۲۸
۶۸	طلا	۹۳/۴۰	رینر نوبلوخ	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۶/۵	۳۶/۵	۱۱	۱۱	۲۸
۶۹	طلا	۹۳/۳۵	مظفر عباسزاده فرد	۱۳۵۵	تهران	۴۳/۴	۴۳/۳	۱۱	۱۱	۲۳/۵
۷۰	طلا	۹۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۷	قزوین	۴۱	۴۰	۱۳	۱۲/۵	۲۵/۵
۷۱	طلا	۹۳	علی رجالی	۱۳۵۰	موته	۴۰	۴۰	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۲
۷۲	طلا	۹۳	بهروز ایزدی	؟	اصفهان	۳۸	۳۹	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۷
۷۳	طلا	۹۲/۸۰	منوچهر مجتبیائی	۱۳۴۹	گلپایگان	۴۲	۴۱	۱۲	۱۲	۲۲
۷۴	طلا	۹۲/۸۰	بهروز ایزدی	؟	اصفهان	۳۸	۳۹	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۶/۴
۷۵	طلا	۹۲/۷۰	هدایت تاجبخش	۱۳۴۴	قزوین	۳۷/۸	۴۰	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۹
۷۶	طلا	۹۲/۶۰	مجتبی موثقی	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۶/۳	۳۸/۵	۱۳	۱۲/۵	۲۳
۷۷	طلا	۹۲/۵۰	پرنس رويس	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۹/۳	۴۰	۱۲/۶	۱۲/۶	۲۳/۲
۷۸	طلا	۹۲/۳۰	دیر اشमित	۱۳۵۳	گلپایگان	۳۶	۳۶	۱۲	۱۲	۲۷/۵
۷۹	طلا	۹۲/۲۰	یارمحمد شادلو	۱۳۵۳	سمنان	۳۸/۸	۴۰	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۵/۲
۸۰	طلا	۹۲/۲۰	علی علیجانی	۱۳۴۲	زنجان	۳۶/۵	۳۵/۸	۱۱/۹	۱۱/۷	۲۷/۶
۸۱	طلا	۹۲/۲۰	ماروی کورسون	۱۳۵۴	گلپایگان	۳۷/۵	۳۷	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۶/۵
۸۲	طلا	۹۲/۲۰	ایزد عقاقیری	؟	؟	۳۷/۵	۳۸/۴	۱۱/۲	۹	۲۸/۲
۸۳	طلا	۹۲/۰۵	اسفندیار شهرستانی	؟	؟	۳۹	۳۸/۸	۱۲/۵	۱۲/۸	۲۴
۸۴	طلا	۹۱/۹۵	ایزد عقاقیری	؟	؟	۳۶	۳۶/۷	۱۲/۲	۹/۹	۲۶
۸۵	طلا	۹۱/۸۵	امیرحسین گیاهی	۱۳۵۴	زنجان	۳۹	۳۹/۲	۱۲/۹	۱۲/۸	۲۲/۸
۸۶	طلا	۹۱/۸۰	وحید کاظمی	۱۳۵۶	گرمسار	۳۳/۷	۳۳/۵	۱۱	۱۱/۲	۳۰/۵
۸۷	طلا	۹۱/۷۵	امیر اسفندیاری	۱۳۵۱	موته	۳۸/۵	۳۹/۵	۱۲	۱۲/۵	۲۳
۸۸	طلا	۹۱/۷۲	امیر مظهري	۱۳۵۵	قزوین	۳۸/۴	۳۹/۸	۱۲	۱۱/۸	۲۳/۷
۸۹	طلا	۹۱/۷۱	امیر مظهري	۱۳۵۴	قزوین	۳۵/۵	۳۷/۲	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۵/۶
۹۰	طلا	۹۱/۷۰	آ. ماتيو	۱۳۵۳	گلپایگان	۳۹/۸	۳۹/۵	۱۳/۵	۱۳/۵	۱۹/۵
۹۱	طلا	۹۱/۵۰	علی رجالی	۱۳۵۲	موته	۴۱	۴۱/۲	۱۱	۱۱	۲۴
۹۲	طلا	۹۱/۵	علی رجالی	۱۳۵۲	موته	۳۹/۵	۴۶	۱۱/۸	۱۱/۸	۲۰/۲

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین تست غارچی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۹۳	طلا	۹۱/۴۵	حسین جابری	۱۳۵۵	دامغان	۳۷	۳۷	۱۲/۲	۱۲/۳	۲۵/۸
۹۴	طلا	۹۱/۴۰	فرشاد روفه	۱۳۵۷	گرمسار	۳۸	۳۹/۵	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۳/۵
۹۵	طلا	۹۱/۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	گلپایگان	۳۸	۳۸/۳	۱۲	۱۲	۲۳/۳
۹۶	طلا	۹۱/۳۰	محمد شهبازی	۱۳۳۹	زنجان	۴۰	۴۲/۲	۱۲/۵	۱۲/۲	۲۰
۹۷	طلا	۹۱/۳۰	ابوالحسن ملک التجار	۱۳۳۲	اصفهان	۴۰/۴	۴۱/۵	۱۱/۸	۱۱/۹	۲۱/۴
۹۸	طلا	۹۱/۲۵	اصغر صنعتی	۱۳۷۱	اصفهان	۴۰	۳۹/۵	۱۲	۱۲	۲۳
۹۹	طلا	۹۱/۲۵	نادر صادقی	؟	؟	۳۹/۸	۳۹/۷	۱۲	۱۲	۲۳
۱۰۰	طلا	۹۱/۲۰	مهدی حقیقی	۱۳۴۱	همدان	۳۶/۸	۳۶/۶	۱۱/۲	۱۱/۲	۲۷/۲
۱۰۱	طلا	۹۱	رشید جمشید	۱۳۴۰	نیشابور	۳۹/۹	۴۰/۷	۱۱/۳	۱۱/۳	۲۳/۷
۱۰۲	طلا	۹۱	علی رجالی	۱۳۵۲	موته	۳۷/۵	۳۸	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۳/۵
۱۰۳	طلا	۹۰/۹۵	علی رجالی	۱۳۵۱	موته	۳۸	۳۸/۵	۱۱/۵	۱۱/۷۵	۲۵
۱۰۴	طلا	۹۰/۷۵	خسرو سریری	۱۳۳۴	قزوین	۳۸/۵	۳۸	۱۲	۱۲	۲۴
۱۰۵	طلا	۹۰/۷۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	گلپایگان	۳۹/۵	۳۹	۱۲	۱۲	۲۲
۱۰۶	طلا	۹۰/۷۰	مهدی اردلان	۱۳۴۹	فارس	۳۶/۲	۳۷	۱۲	۱۲	۲۵/۸
۱۰۷	طلا	۹۰/۷۰	ابوالحسن ملک التجار	۱۳۳۰	اصفهان	۴۱/۲	۴۱	۱۲/۲	۱۲	۲۰/۶
۱۰۸	طلا	۹۰/۷۰	داریوش امین	۱۳۵۴	اصفهان	۴۰	۳۸	۱۲	۱۲	۲۳/۵
۱۰۹	طلا	۹۰/۶۵	ایزد عقاقیری	؟	؟	۳۱/۷	۳۲/۵	۱۰/۸	۱۰	۲۰/۷
۱۱۰	طلا	۹۰/۶۵	خسرو سریری	۱۳۳۳	قم	۳۶/۵	۳۹/۲	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۳/۵
۱۱۱	طلا	۹۰/۶۰	ملک منصور قشقانی	۱۳۵۵	سمنان	۳۹	۳۹/۹	۱۲	۱۲/۵	۲۲
۱۱۲	طلا	۹۰/۵۱	اسماعیل شهیدی	۱۳۵۱	موته	۳۷/۵	۳۹	۱۲	۱۲/۴	۲۲
۱۱۳	طلا	۹۰/۵۰	حبیب ایثانلو	۱۳۵۵	قزوین	۳۸	۳۸	۱۲	۱۲	۲۳
۱۱۴	طلا	۹۰/۵۰	محمود جهانبانی	۱۳۵۰	گلپایگان	۳۷	۳۶	۱۱	۱۱/۵	۲۶/۵
۱۱۵	طلا	۹۰/۴۰	محسن شکوه	۱۳۴۸	گلپایگان	۳۸	۴۰	۱۲	۱۲	۲۹/۵
۱۱۶	طلا	۹۰/۴۰	داریوش امین	۱۳۳۴	اصفهان	۳۷/۸	۳۷/۲	۱۱/۹	۱۱/۸	۲۴/۵
۱۱۷	طلا	۹۰/۳۰	هاینریش هوسمان	۱۳۵۵	اصفهان	۳۷	۳۶	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۵/۶
۱۱۸	طلا	۹۰/۲۵	نادر صادقی	۱۳۵۴	؟	۳۷	۳۷/۵	۱۱/۲	۱۱/۲	۲۶
۱۱۹	طلا	۹۰/۱۰	امیر مظهري	۱۳۵۶	گرمسار	۴۰/۷	۴۰/۷	۱۱	۱۱/۱	۲۲/۸
۱۲۰	طلا	۹۰	سید اصغر طباطبائی	۱۳۵۵	قزوین	۴۰	۳۷	۱۲	۱۲/۵	۲۱/۵
۱۲۱	طلا	۹۰	امیر اسفندیاری	۱۳۵۱	موته	۳۹/۵	۴۰/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۲/۵
۱۲۲	نقره	۸۹/۴۰	ایزد عقاقیری	؟	؟	۳۳	۳۳/۴	۱۰/۷	۱۰/۷	۲۸/۸
۱۲۳	نقره	۸۹/۳۰	دی. پتیت	۱۳۵۲	گلپایگان	۳۵/۸	۳۷/۲	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۴/۴
۱۲۴	نقره	۸۹/۲۵	امیر اسفندیاری	۱۳۵۰	موته	۳۵	۳۶	۱۳	۱۳	۲۱
۱۲۵	نقره	۸۹/۲۰	رودلف سند	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۷	۳۷/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۴/۵
۱۲۶	نقره	۸۹/۲۰	عبدا... دولتشاهی	۱۳۴۲	شیراز	۳۷/۴	۳۷/۴	۱۱/۱	۱۱/۲	۱۸/۷
۱۲۷	نقره	۸۹/۱۰	یار محمد شادلو	۱۳۵۰	گلپایگان	۳۹/۹	۳۹	۱۲	۱۱/۵	۲۲/۱
۱۲۸	نقره	۸۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	گلپایگان	۳۸/۵	۳۸	۱۱	۱۱/۱	۲۳/۲
۱۲۹	نقره	۸۹	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	گلپایگان	۴۰/۳	۳۹	۱۱/۱	۱۱/۲	۲۲/۵
۱۳۰	نقره	۸۹	مهدی اردلان	۱۳۵۰	همدان	۴۱	۴۲/۷	۱۱	۱۱	۱۹/۸
۱۳۱	نقره	۸۹	امیر اسفندیاری	۱۳۵۱	اصفهان	۳۵	۳۶/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۱/۵
۱۳۲	نقره	۸۹	وحید کاظمی	۱۳۵۶	سمنان	۳۸	۳۸	۱۲	۱۲	۲۱
۱۳۳	نقره	۸۹	جهانگیر آذر هوش	؟	؟	۳۳	۳۳	۱۳	۱۳	۲۱
۱۳۴	نقره	۸۸/۷۵	مسعود مسعود	۱۳۵۲	دلیجان	۴۰	۴۰/۵	۱۲	۱۲	۱۹
۱۳۵	نقره	۸۸/۷۵	یحیی قره گزلو	۱۳۴۸	قزوین	۳۸/۲	۳۷	۱۲/۵	۱۲/۴	۲۱
۱۳۶	نقره	۸۸/۵۵	علی قره باغی	۱۳۵۴	ورامین	۴۰	۳۹/۵	۱۲	۱۱/۸	۲۱
۱۳۷	نقره	۸۸/۳۵	امیر مظهري	۱۳۵۵	دامغان	۳۵	۳۵/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۲۲/۵
۱۳۸	نقره	۸۸/۳۰	امیر مظهري	۱۳۵۴	دامغان	۳۵/۲	۳۴/۵	۱۲	۱۲	۲۴

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱۳۹	نقره	۸۸/۲۵	نادر صادقی	؟	؟	۴۱	۴۱	۱۱/۸	۱۱/۸	۱۷/۸
۱۴۰	نقره	۸۸/۲۰	نادر صادقی	؟	محلات	۳۴/۵	۳۵/۵	۱۱/۵	۱۱	۲۱
۱۴۱	نقره	۸۸/۲۰	امان... جهانشاهی	۱۳۵۰	همدان	۳۳/۳	۳۵/۵	۱۲/۲	۱۲/۳	۲۴/۵
۱۴۲	نقره	۸۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۳/۵	۳۷/۵	۱۱	۱۱/۲	۲۷/۸
۱۴۳	نقره	۸۷/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	گلپایگان	۳۵/۵	۳۶/۷	۱۱/۸	۱۲	۲۲/۸
۱۴۴	نقره	۸۷/۸	هدایت تاج بخش	۱۳۴۷	قزوین	۳۷/۶	۳۶/۴	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۹
۱۴۵	نقره	۸۷/۷۵	مسعود مسعود	۱۳۴۸	محلات	۳۵	۳۴	۱۲	۱۲	۲۴
۱۴۶	نقره	۸۷/۶۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	گلپایگان	۳۵/۷	۳۵/۱	۱۱/۳	۱۱/۲	۲۵/۴
۱۴۷	نقره	۸۷/۶۰	خسرو شهبندی	؟	؟	۴۰	۴۰	۱۲/۸	۱۲/۷	۱۶/۸
۱۴۸	نقره	۸۷/۳۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۹	سمنان	۳۵/۲	۳۵/۶	۱۲/۲	۱۲/۲	۲۲
۱۴۹	نقره	۸۷/۳۰	هامو آسایشان	۱۳۵۱	قزوین	۳۷/۳	۳۷/۳	۱۲/۱	۱۱/۹	۲۲/۱
۱۵۰	نقره	۸۷/۲۰	و. هندرسون	۱۳۵۳	گلپایگان	۳۵	۳۷/۵	۱۱/۷	۱۱/۷	۲۰/۵
۱۵۱	نقره	۸۷/۱۰	امیر مظهري	۱۳۴۹	شاهرود	۳۷/۶	۳۷/۸	۱۰/۷	۱۰/۷	۲۳/۵
۱۵۲	نقره	۸۷/۱۰	هوشنگ پورستگار	۱۳۴۴	قزوین	۴۰/۵	۳۹	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۶/۵
۱۵۳	نقره	۸۷/۱۰	هدایت تاج بخش	۱۳۴۹	همدان	۳۷/۶	۳۸/۴	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۱/۵
۱۵۴	نقره	۸۷	خسرو سریری	۱۳۳۵	ورامین	۳۹/۵	۳۸/۸	۱۲/۲	۱۲/۳	۱۹
۱۵۵	نقره	۸۶/۸	مسیح کیا	۱۳۵۲	گلپایگان	۳۵/۲	۳۴/۳	۱۱/۵	۱۱/۸	۲۴/۸
۱۵۶	نقره	۸۶/۷۵	سیاوش سعیدی	۱۳۵۵	گرمسار	۳۲	۳۴/۵	۱۱	۱۰/۵	۲۷/۵
۱۵۷	نقره	۸۶/۷۰	مهدی مستوفی الممالکی	۱۳۴۵	همدان	۳۵/۶	۳۴/۴	۱۲/۲	۱۲/۳	۲۲/۱
۱۵۸	نقره	۸۶/۶۰	ماطوس ماطوسیان	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۷/۶	۳۷/۷	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۹/۱
۱۵۹	نقره	۸۶/۵۰	داریوش امین	۱۳۳۵	سمنان	۳۵	۳۶/۵	۱۰/۹	۱۰/۹	۲۴/۶
۱۶۰	نقره	۸۶/۴۰	امیرحسین گیاهی	۱۳۵۶	زنجان	۳۹/۳	۳۹/۳	۱۱	۱۱/۲	۲۱
۱۶۱	نقره	۸۶/۱۰	گرین وُد	۱۳۵۲	گلپایگان	۳۷/۳	۳۶/۵	۱۱/۹	۱۱/۹	۲۰/۷
۱۶۲	نقره	۸۶	علی علیجانی	۱۳۵۱	زنجان	۳۷	۴۰	۱۳/۱	۱۲/۸	۱۷/۲
۱۶۳	نقره	۸۵/۷۵	امیر اسفندیاری	۱۳۵۰	موته	۳۵	۳۶	۱۲	۱۲	۲۱
۱۶۴	نقره	۸۵/۶۰	ویکتور نیوسی	۱۳۵۱	اصفهان	۳۷/۵	۳۸	۱۱/۲	۱۱/۵	۲۱
۱۶۵	نقره	۸۵/۵۰	مارتیک آوانسیان	۱۳۵۳	موته	۳۵/۵	۳۵/۵	۱۲	۱۲	۲۱
۱۶۶	نقره	۸۵/۵۰	حبیب اینانلو	۱۳۵۶	قزوین	۳۷/۵	۳۳/۵	۱۲/۵	۱۲/۳	۲۰/۵
۱۶۷	نقره	۸۵/۳۰	وحید کاظمی	۱۳۵۵	سمنان	۳۸/۶	۳۹	۱۰/۵	۱۰/۵	۲۱
۱۶۸	نقره	۸۵/۲۵	علی رجالی	۱۳۵۰	موته	۳۷/۵	۳۸/۵	۱۱/۲۵	۱۱/۲۵	۲۰/۵
۱۶۹	نقره	۸۵/۱۰	فدريكو پاريايی	۱۳۴۲	گلپایگان	۳۶/۵	۳۵/۵	۱۱/۳	۱۲/۲	۲۱
۱۷۰	نقره	۸۵/۱۰	شهرام شهلای	۱۳۵۲	گلپایگان	۳۶	۳۶/۵	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۱/۵
۱۷۱	نقره	۸۵	مارتیک آوانسیان	۱۳۵۳	موته	۳۶	۳۶	۱۲	۱۲	۲۰/۵
۱۷۲	برنز	۸۴/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	موته	۳۸/۴	۳۹	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۳
۱۷۳	برنز	۸۴/۵	ل. سیمیار	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۵/۳	۳۸/۴	۱۱/۶	۱۱/۶	۲۱/۶
۱۷۴	برنز	۸۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	گلپایگان	۳۵	۳۶/۱	۱۲/۷	۱۲/۷	۱۸/۴
۱۷۵	برنز	۸۳/۹۰	احمد جابری	۱۳۴۳	دامغان	۳۴/۲	۳۵/۲	۱۲/۲	۱۲/۴	۲۰/۴
۱۷۶	برنز	۸۳/۵۰	شهرام شهلای	۱۳۵۲	گلپایگان	۳۵/۵	۳۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۹/۱
۱۷۷	برنز	۸۳/۴۰	نورا... تاج بخش	۱۳۵۲	گلپایگان	۳۵/۳	۳۴	۱۱/۷	۱۱/۵	۱۹/۵
۱۷۸	برنز	۸۳/۴۰	یحیی قره گزلی	۱۳۴۳	زنجان	۳۵/۳	۳۴	۱۱/۷	۱۱/۵	۱۹/۵
۱۷۹	برنز	۸۳/۴۰	هوشنگ پورستگار	۱۳۵۱	گلپایگان	۴۰	۳۹	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۶/۵
۱۸۰	برنز	۸۳/۳۵	امیر مظهري	۱۳۵۶	گرمسار	۳۶	۳۵/۲	۱۰/۵	۱۰/۵	۲۲
۱۸۱	برنز	۸۳/۳۵	ایزد عقاقیری	؟	؟	۳۶	۳۵/۴	۹/۴	۹/۴	۲۰/۵
۱۸۲	برنز	۸۳/۱۰	داریوش امین	؟	؟	۳۴/۴	۳۴/۵	۱۲	۱۰	۲۰/۶
۱۸۳	برنز	۸۳	رابرت لی	۱۳۴۲	بجنورد	۳۳/۳	۳۳/۷	۱۱/۴	۱۱/۳	۲۲/۲
۱۸۴	برنز	۸۲/۸۰	منوشان زنگنه	۱۳۴۷	همدان	۳۵/۲	۳۶/۳	۱۴/۲	۱۳/۶	۱۵/۴

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱۸۵	برنز	۸۲/۸۰	کوروش جمالی	۱۳۵۵	سمنان	۳۵	۳۶	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۷/۵
۱۸۶	برنز	۸۲/۷۰	سازمان محیط زیست	۱۳۳۲	بجنورد	۳۶/۲	۳۵/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۸/۷
۱۸۷	برنز	۸۲/۶۵	ایزد عقاقیری	۱۳۶۵	شیراز	۳۶/۵	۳۶/۳	۱۱/۴	۹/۴	۱۹
۱۸۸	برنز	۸۲/۶۰	و. وزیری	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۴	۳۵/۵	۱۴/۲	۱۲/۲	۱۹
۱۸۹	برنز	۸۲/۶۰	پ. برادبری	۱۳۴۵	بجنورد	۳۶	۳۶/۳	۱۱/۹	۱۱/۶	۱۷/۶
۱۹۰	برنز	۸۲/۵۰	امیر مظهري	۱۳۵۷	سمنان	۳۴/۲	۳۴/۶	۱۱/۴	۱۱/۷	۲۰/۵
۱۹۱	برنز	۸۲/۴۵	داریوش امین	۱۳۵۵	اصفهان	۳۴/۵	۳۴/۵	۱۱/۵	۹/۸	۲۰/۵
۱۹۲	برنز	۸۲/۴۵	امیرحسین گیاهی	۱۳۵۶	قزوین	۳۶/۸	۳۵/۵	۱۲	۱۲	۱۹
۱۹۳	برنز	۸۱/۴۰	شهرام شهلای	۱۳۵۱	گلپایگان	۳۷/۸	۳۸/۷	۱۰/۸	۱۱	۱۷/۵
۱۹۴	برنز	۸۱/۳۵	خسرو شهبندی	؟	اصفهان	۳۴	۳۳/۳	۱۱	۱۱	۲۱
۱۹۵	برنز	۸۱/۳۰	ضیاءالدین روحی	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۴	۳۹/۵	۱۲	۱۲/۲	۲۰/۳
۱۹۶	برنز	۸۱/۲۵	سیداصغر طباطبایی	۱۳۵۵	قزوین	۳۳/۵	۳۴	۱۱	۱۱	۲۰
۱۹۷	برنز	۸۱/۰۵	داود شیوخی	۱۳۵۶	تهران	۳۶/۵	۳۷	۱۱/۳	۱۱/۳	۱۷/۷
۱۹۸	برنز	۸۱	حسین فرید	۱۳۵۲	سمنان	۳۵/۵	۳۴/۷	۱۱/۷	۱۱/۶	۱۷/۳
۱۹۹	برنز	۸۰/۷	یارمحمد شادلو	۱۳۵۲	سمنان	۳۳/۶	۳۳/۴	۱۱/۸	۱۱/۱	۱۹/۵
۲۰۰	برنز	۸۰/۰۵	غلامرضا جلیلود	۱۳۵۵	قم	۳۰/۵	۳۱	۱۰/۸	۱۰/۸	۲۲
۲۰۱	برنز	۸۰	مصطفی پونکی	۱۳۵۷	سمنان	۳۳	۳۳	۱۱	۱۱	۲۱
۲۰۲	برنز	۸۰	سیاوش سعیدی	۱۳۵۷	سمنان	۳۱/۵	۳۲/۵	۱۲/۲	۱۲	۱۸/۵
۲۰۳	برنز	۸۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	گلپایگان	۳۴	۳۳/۸	۱۲/۳	۱۲/۲	۲۱/۶

تروفه جیبر

Jabeer Gazelle



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		بازترین قسمت خارجی شاخ
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گراند پری	۷۵/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	پارک کویر	۲۹/۵	۳۰/۲	۱۰/۵	۱۰/۵	۱۸
۲	گراند پری	۷۵/۴	یارمحمد شادلو	۱۳۵۳	کویر توران	۳۰/۳	۲۹/۵	۱۱	۱۱/۲	۱۹/۲
۳	گراند پری	۷۵/۳	ناصر ممتحن	۱۳۴۱	فارس	۳۲	۳۲	۱۱/۵	۱۱/۵	۱۸/۵
۴	طلا	۷۴/۹	داریوش امین	۱۳۴۲	فارس	۳۲/۸	۳۳	۱۱/۶	۱۱/۷	۱۴/۴
۵	طلا	۷۴/۵	مجتبی موقی	۱۳۴۸	کویر مرکزی	۳۱/۸	۳۱/۹	۱۱/۶	۱۱/۴	۱۴/۸
۶	طلا	۷۴/۳	باقر حریری پارسا	۱۳۳۸	کویر	۳۱/۵	۳۰/۷	۱۰	۸/۷	۱۸/۵
۷	طلا	۷۳/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	پارک کویر	۲۹	۲۹/۵	۱۱	۱۱	۱۶/۳
۸	طلا	۷۲/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	کرمان	۲۸	۲۷/۷	۱۰/۱	۱۰/۲	۱۹/۹
۹	طلا	۷۲/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	کویر مرکزی	۳۰	۳۱	۱۰/۵	۱۰/۵	۱۵
۱۰	طلا	۷۱/۷	علی حدادیان	۱۳۵۴	سیرجان	۳۰	۳۱/۵	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۵/۳
۱۱	طلا	۷۱	یحیی قره گزلو	۱۳۵۱	خار و توران	۳۰	۳۰	۱۱/۵	۱۱/۳	۲۱
۱۲	طلا	۷۰/۹۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۶	کویر	۲۸	۲۹	۱۱	۱۱	۱۵
۱۳	طلا	۷۰/۹۵	ایزد عقاقیری	۱۳۵۵	؟	۲۹/۸	۲۷	۱۱/۶	۱۱/۷	۱۴/۵
۱۴	طلا	۷۰/۶۰	رشید جمشید	۱۳۴۸	کویر توران	۲۸/۵	۲۸	۹/۶	۹/۸	۱۷/۳
۱۵	طلا	۷۰/۵۰	محمد کریم بخش آبکار	۱۳۷۱	جاسک	۲۸/۵	۲۸/۵	۱۱	۱۱	۱۳/۵
۱۶	طلا	۷۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	پارک کویر	۳۲	۳۲/۵	۱۰	۱۰	۱۳
۱۷	نقره	۶۹/۷۰	داریوش امین	۱۳۴۲	اصفهان	۲۹/۸	۳۰/۲	۱۱/۱	۱۱/۲	۱۲/۵
۱۸	نقره	۶۸/۷۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	فارس - لارستان	۲۸/۲	۲۸	۱۰/۲	۱۰/۲	۱۵/۴
۱۹	نقره	۶۷/۹۰	علی رجالی	۱۳۴۵	فارس	۲۸	۲۷	۱۱/۵	۱۱	۱۳/۵
۲۰	نقره	۶۷/۸۰	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	فارس	۲۸/۸	۲۷/۸	۱۰/۱	۱۰/۵	۱۴/۲
۲۱	نقره	۶۷/۷۵	داریوش امین	۱۳۴۱	اصفهان	۲۸	۲۸/۳	۱۱/۳	۱۱/۲	۱۳/۵
۲۲	نقره	۶۶/۲۰	هدایت تاج بخش	۱۳۵۰	فارس	۲۷/۳	۲۸/۲	۱۰/۲	۱۰	۱۳/۵
۲۳	نقره	۶۵/۳۰	ایزد عقاقیری	۱۳۵۲	؟	۲۶/۵	۲۸	۱۰/۲	۱۰/۳	۱۳/۳
۲۴	برنز	۶۴/۸۰	محمد کریم بخش آبکار	۱۳۷۱	جاسک	۲۳	۲۳	۱۱/۵	۱۱/۵	۱۲
۲۵	برنز	۶۳/۳۰	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	فارس	۲۴/۳	۲۴/۳	۱۰/۷	۱۰/۶	۱۳/۴
۲۶	برنز	۶۲/۸۵	داریوش امین	۱۳۴۳	اصفهان	۲۷/۴	۲۷/۲	۱۰/۲	۱۰	۱۲/۵
۲۷	برنز	۶۲/۴۰	سازمان محیط زیست	۱۳۵۰	فارس	۲۴	۲۶/۳	۹/۵	۹/۷	۱۲/۲
۲۸	برنز	۶۱/۷۵	امیر مظهري	۱۳۵۴	کویر - دامغان	۲۷/۸	۲۳/۲	۱۰/۲	۱۰	۱۱
۲۹	برنز	۶۰/۹۰	یارمحمد شادلو	۱۳۵۱	سمتان	۲۵/۸	۲۶/۲	۱۰/۲	۱۰/۲	۱۱/۲
۳۰	برنز	۶۰/۷۵	غلامحسین افخمی	۱۳۴۵	بندرعباس	۲۷/۵	۲۶/۵	۱۰/۲	۱۰/۳	۱۰
۳۱	برنز	۶۰/۷۰	ضیاءالدین روحی	۱۳۴۹	کویر	۲۴	۲۴/۳	۱۰/۵	۱۰/۵	۱۰/۸

تروغه موال

Maral



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروغه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		تعداد شاخک
						راست	چپ	راست	چپ	
۱	گراند پری	۲۲۱	اسکندر فیروز	۱۳۳۸	نوشهر	۱۱۱	۱۱۱	۱۷/۳	۱۶/۶	۹+۸
۲	طلا	۲۱۵/۴	بهمن شادلو	۱۳۴۱	بجنورد	۹۵/۸	۹۸	۱۶/۵	۱۵/۵	۹+۱۱
۳	طلا	۲۱۲/۸	قدریکو پارانی	۱۳۴۱	نوشهر	۱۱۹	۱۲۰/۷	۱۶/۵	۱۶/۹	۷+۷
۴	طلا	۲۱۲/۱	یارمحمد شادلو	۱۳۴۳	بجنورد	۱۱۴	۱۱۳	۱۶/۴	۱۶/۳	۷+۷
۵	طلا	۲۱۱/۶	احمد امیرحسینی	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۹	۱۰۳	۱۷/۲	۱۷	۵+۷
۶	طلا	۲۱۰	پرویز شادلو	۱۳۲۲	بجنورد	۹۵/۸	۹۲/۱	۱۵/۲	۱۴/۶	۹+۱۰
۷	طلا	۲۰۸/۸	پُل وَن مالکوت	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۲	۱۰۰	۱۵/۵	۱۶	۹+۸
۸	طلا	۲۰۸/۴	احمد امیرحسینی	۱۳۵۰	بجنورد	۹۵	۹۳	۱۴/۶	۱۴/۶	۱۱+۱۱
۹	طلا	۲۰۶/۶	مهران سیاهپوش	۱۳۵۶	پرور	۱۰۱/۵	۹۹	۱۶	۱۶/۲	۶+۷
۱۰	طلا	۲۰۶/۱	مهدی ملکپور	۱۳۵۵	چالوس	۹۸	۹۸	۱۷	۱۷/۴	۹+۸
۱۱	طلا	۲۰۵	آرا وارطانیان	۱۳۲۷	بجنورد	۹۵	۹۳	۱۴/۵	۱۴/۶	۱۱+۱۱
۱۲	طلا	۲۰۳/۲	عباس ملک	۱۳۵۰	نوشهر	۹۲	۸۳	۱۵	۱۴/۵	۱۰+۷
۱۳	طلا	۲۰۲/۴	رضا مروستی	۱۳۵۳	گرگان	۹۰	۹۲	۱۵	۱۵/۲	۸+۸
۱۴	طلا	۲۰۱/۶	منوچهر شجاعپور	۱۳۵۱	بجنورد	۱۰۲	۱۰۵/۵	۱۵	۱۵/۶	۸+۸
۱۵	طلا	۲۰۱/۳	هوشنگ بختیار	۱۳۵۱	بجنورد	۹۳	۹۴	۱۵/۲	۱۴/۶	۹+۱۰
۱۶	طلا	۲۰۱	کارلو کالدسی	۱۳۵۱	بجنورد	۱۰۳	۱۰۲	۱۵	۱۵	۹+۱۰
۱۷	طلا	۲۰۰/۹	اسفندیار سیاهپوش	۱۳۵۵	پرور	۱۱۲	۱۰۶	۱۷	۱۶/۵	۷+۸
۱۸	طلا	۲۰۰/۵	ابوالبشر فرمانفرمایان	۱۳۵۲	پرور	۱۰۷/۴	۱۰۷	۱۵	۱۴	۸+۸
۱۹	طلا	۱۹۸/۵	غلامعلی معظمی	۱۳۵۰	پرور	۹۶	۹۵	۱۵/۸	۱۴/۵	۸+۷
۲۰	طلا	۱۹۸/۳	امیرحسین تاجبخش	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۷	۱۰۷/۵	۱۴/۴	۱۵/۸	۷+۷
۲۱	طلا	۱۹۸	سهراب شیبانی	۱۳۵۹	آمل	۹۷/۵	۱۰۰	۱۵/۵	۱۶	۸+۷
۲۲	طلا	۱۹۶/۳	علی اصغر سعیدی	۱۳۶۷	تنکابن	۸۳	۸۵	۱۶	۱۵/۵	۹+۷
۲۳	طلا	۱۹۶	فریدون علاء	۱۳۳۸	گرگان	۹۷/۵	۹۳/۵	۱۴/۵	۱۵/۲	۷+۱۰
۲۴	طلا	۱۹۵/۸	امیرهمايون شاهین	۱۳۴۱	گرگان	۱۰۳	۱۰۰	۱۶	۱۵	۸+۸
۲۵	طلا	۱۹۵/۷	باقر حریری پارسا	۱۳۵۲	گرگان	۹۶	۱۰۲	۱۵/۵	۱۵	۷+۷
۲۶	طلا	۱۹۵/۶	ایرج پارس تبار	۱۳۵۵	کیاسرمازندران	۹۷	۹۵	۱۴	۱۴	۸+۹
۲۷	طلا	۱۹۵/۶	رجبعلی غائبی	۱۳۵۷	گرگان	۱۰۵	۱۰۴/۵	۱۴	۱۴	۸+۸
۲۸	طلا	۱۹۵/۳	هوشنگ بختیار	۱۳۵۱	بجنورد	۹۲	۸۳	۱۵	۱۴/۵	۸+۱۰
۲۹	طلا	۱۹۵/۱	رشید جمشید	۱۳۴۸	بجنورد	۹۵	۹۵	۱۵	۱۵	۷+۸
۳۰	نقره	۱۹۴/۸	امیر امیرحسینی	۱۳۵۰	بجنورد	۸۷	۸۸	۱۵	۱۵	۸+۱۰
۳۱	نقره	۱۹۴/۶	خسرو سریری	۱۳۴۰	بجنورد	۹۳/۵	۸۶/۵	۱۵	۱۵	۹+۱۰
۳۲	نقره	۱۹۴	علی نکونی	۱۳۴۱	گیلان	۱۰۸	۱۰۲	۱۷	۱۸	۶+۶
۳۳	نقره	۱۹۳/۵	جوزف. بی. بالیو	۱۳۵۱	بجنورد	۱۰۰	۹۵	۱۴/۵	۱۵	۷+۷
۳۴	نقره	۱۹۳/۵	ویکتور نیوسی	۱۳۴۹	بجنورد	۱۰۱	۱۰۵	۱۵	۱۵/۲	۶+۶
۳۵	نقره	۱۹۲/۵	الجین گیتس	۱۳۴۱	بجنورد	۱۰۰/۸	۱۰۱/۲	۱۴/۸	۱۴/۸	۹+۸
۳۶	نقره	۱۹۲	بونت وُلَف	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۵	۱۰۸	۱۴/۵	۱۴/۵	۷+۷
۳۷	نقره	۱۹۱/۸	ناصر یاسی	۱۳۵۴	چالوس	۹۹	۱۰۵	۱۴/۲	۱۴/۲	۸+۶
۳۸	نقره	۱۹۱/۵	باقر حریری پارسا	۱۳۵۷	مازندران	۸۸	۹۲	۱۴/۵	۱۴/۵	۷+۷
۳۹	نقره	۱۹۰/۴	اسکندر فیروز	۱۳۳۸	بجنورد	۹۲	۹۳/۵	۱۶/۵	۱۶	۷+۷
۴۰	نقره	۱۸۹/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۱	بجنورد	۹۳	۹۶	۱۵/۵	۱۶	۸+۷
۴۱	نقره	۱۸۹/۷	ای. گورتلر	۱۳۵۰	بجنورد	۸۸	۹۳/۵	۱۵	۱۴/۵	۸+۹
۴۲	نقره	۱۸۹/۳	غلامحسین افخمی	۱۳۳۸	گرگان	۱۰۳	۹۶	۱۴/۵	۱۴/۵	۷+۷
۴۳	نقره	۱۸۹/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۳۸	بجنورد	۱۰۰	۹۹	۱۴/۷	۱۵/۵	۷+۹
۴۴	نقره	۱۸۹/۲	ای. اس. پانتالیونی	۱۳۵۱	بجنورد	۹۳	۸۷	۱۵	۱۴/۵	۸+۸
۴۵	نقره	۱۸۸/۷	بهمن شادلو	۱۳۴۲	بجنورد	۱۰۲/۵	۱۰۶	۱۵	۱۴/۵	۶+۶
۴۶	نقره	۱۸۸/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۳۵	بهنهر	۹۴	۹۳	۱۴/۵	۱۴/۶	۹+۸

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول شاخ		پیرامون پایه شاخ		تعداد شاخک
						راست	چپ	راست	چپ	
۴۷	نقره	۱۸۷/۶	باقر حریری پارسا	۱۳۵۶	چالوس	۹۱	۹۳	۱۴	۱۴	۷+۷
۴۸	نقره	۱۸۷/۶	ب. دادگر	۱۳۵۵	پرور	۹۲/۵	۸۹/۵	۱۵	۱۶	۷+۸
۴۹	نقره	۱۸۷/۴	مهران سیاهپوش	۱۳۵۵	پرور	۱۰۴/۵	۱۰۸	۱۶	۱۶/۲	۵+۵
۵۰	نقره	۱۸۷	منوچهر ریاحی	۱۳۴۸	چالوس	۹۴/۳	۹۱	۱۴/۵	۱۴/۲	۸+۸
۵۱	نقره	۱۸۶/۶	خسرو سریری	۱۳۳۹	ساری - دودانگه	۹۶	۹۶	۱۴	۱۴/۵	۶+۶
۵۲	نقره	۱۸۶/۶	عبدال... نصر	۱۳۵۲	نوشهر	۹۰	۹۱	۱۴/۶	۱۳/۸	۸+۷
۵۳	نقره	۱۸۶/۵	مهدی گلسترخی	۱۳۳۸	نوشهر	۹۴	۹۶	۱۴/۲	۱۴/۲	۸+۸
۵۴	نقره	۱۸۶/۵	پُل وَن مالکوت	۱۳۵۰	بجنورد	۹۹	۱۰۰	۱۴/۵	۱۴/۵	۷+۷
۵۵	نقره	۱۸۶/۴	احمد عمادی	۱۳۳۹	ساری	۹۹/۲	۹۵/۷	۱۳/۹	۱۳/۶	۸+۷
۵۶	نقره	۱۸۶/۲	داریوش امین	۱۳۵۴	گرگان	۹۲/۵	۹۲/۳	۱۵/۳	۱۵/۵	۶+۶
۵۷	نقره	۱۸۶	مهدی اردلان	۱۳۴۸	گرگان	۹۹	۹۹	۱۳/۴	۱۳/۸	۷+۶
۵۸	نقره	۱۸۵/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۳۷	بهشهر	۹۷	۹۵/۲	۱۴	۱۳/۸	۶+۸
۵۹	نقره	۱۸۵/۸	شهریار شهریاری	؟	؟	۹۸	۹۸	۱۴/۲	۱۳/۵	۸+۷
۶۰	نقره	۱۸۵/۶	امیر مظهري	۱۳۵۹	آمل	۹۱/۵	۹۵/۵	۱۴/۵	۱۵	۶+۸
۶۱	نقره	۱۸۵/۵	ایرج پارس تبار	۱۳۶۲	گرگان	۹۶	۹۶	۱۳/۵	۱۴	۷+۷
۶۲	نقره	۱۸۵/۴	فتح... تاج بخش	۱۳۵۳	گرگان	۱۰۴	۹۶	۱۴/۵	۱۴	۷+۷
۶۳	نقره	۱۸۵/۲	فرزین عطانی	؟	؟	۹۳/۵	۹۵	۱۴/۳	۱۴/۵	۸+۷
۶۴	نقره	۱۸۵/۱	داریوش امین	۱۳۵۱	بجنورد	۸۸/۲	۹۲/۵	۱۴/۷	۱۴/۵	۸+۱۰
۶۵	نقره	۱۸۵/۱	پ. صفاری	۱۳۵۵	پرور	۹۸	۹۹/۵	۱۵	۱۵	۶+۸
۶۶	نقره	۱۸۵	مهدی خلیقی	۱۳۳۸	گنبدکاوس	۸۸	۹۰/۸	۱۳	۱۳/۴	۷+۸
۶۷	برنز	۱۸۴/۵	یزدان رسولی	۱۳۵۵	تنکابن	۹۴	۹۴	۱۳	۱۳/۵	۸+۷
۶۸	برنز	۱۸۳/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۳۵	بهشهر	۸۸/۱	۹۵/۶	۱۳/۵	۱۳/۶	۸+۸
۶۹	برنز	۱۸۳/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۳۱	بهشهر	۹۲/۲	۸۹/۴	۱۴/۲	۱۳/۷	۸+۸
۷۰	برنز	۱۸۲/۶	امیر مظهري	۱۳۵۷	مازندران	۱۰۳	۱۰۲	۱۳/۷	۱۳	۶+۷
۷۱	برنز	۱۸۱/۶	وِرد پُل	۱۳۵۰	بجنورد	۹۱	۹۳	۱۳/۵	۱۴	۷+۷
۷۲	برنز	۱۸۱/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۴۲	بجنورد	۹۷/۲	۹۸	۱۵	۱۳/۹	۶+۶
۷۳	برنز	۱۸۱/۲	منوچهر افلاکی	؟	گرگان	۹۶	۹۶	۱۴	۱۴	۶+۷
۷۴	برنز	۱۸۱/۱	مهدی خلیقی	۱۳۳۷	گنبدکاوس	۸۹	۸۳	۱۴/۵	۱۴	۷+۸
۷۵	برنز	۱۸۰/۸	سازمان محیط زیست	۱۳۵۶	بجنورد	۹۱	۸۹	۱۴	۱۴/۵	۷+۱۱
۷۶	برنز	۱۸۰/۸	تاری وردی فرمانفرمائیان	۱۳۴۰	گرگان	۹۷/۲	۹۹/۸	۱۳	۱۲/۵	۸+۹
۷۷	برنز	۱۸۰/۶	باقر حریری پارسا	۱۳۵۶	چالوس	۹۲	۹۹	۱۳	۱۴	۶+۷
۷۸	برنز	۱۸۰	کینت واگن	۱۳۵۰	بجنورد	۱۰۳/۳	۱۰۱	۱۵/۵	۱۵/۵	۶+۶
۷۹	برنز	۱۸۰	امیر مظهري	۱۳۵۶	مازندران	۹۳/۵	۹۴	۱۴/۵	۱۴/۵	۶+۷
۸۰	برنز	۱۸۰	منوچهر ریاحی	۱۳۳۳	ساری	۱۰۱/۲	۹۸	۱۳/۸	۱۳/۵	۸+۷
۸۱	برنز	۱۷۸/۶	باقر حریری پارسا	۱۳۵۴	گرگان	۹۱/۵	۹۰/۵	۱۵	۱۵	۵+۵
۸۲	برنز	۱۷۷/۵	توج آبتین	۱۳۵۳	آمل	۹۲	۹۸	۱۳/۵	۱۳	۶+۷
۸۳	برنز	۱۷۷/۵	مهدی ملک شهابی	۱۳۷۰	گرگان	۸۷	۸۲	۱۴	۱۳/۵	۶+۷
۸۴	برنز	۱۷۷/۲	باقر حریری پارسا	۱۳۴۹	مازندران	۸۸	۹۲	۱۴/۵	۱۴/۵	۷+۶
۸۵	برنز	۱۷۶/۹	مارتیک آوانسیان	۱۳۵۴	پُل سفید	۸۸	۸۷	۱۳	۱۳/۵	۷+۷
۸۶	برنز	۱۷۵/۷	کامبیز رودگری	۱۳۷۰	تنکابن	۹۷	۹۸	۱۳	۱۴	۸+۷
۸۷	برنز	۱۷۵/۲	خسرو شهبندی	۱۳۵۶	گرگان	۹۷	۱۰۰	۱۳	۱۳	۵+۶

تروفه کورک

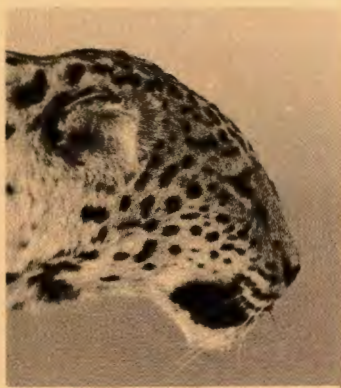
Wolf



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول جمجمه (سانتیمتر)	عرض جمجمه (سانتیمتر)
۱	طلا	۴۱/۶	فرانک تار	۱۳۵۳	چالوس	۲۶/۸	۱۴/۸
۲	طلا	۴۱/۱	امیرحسن مظهري	۱۳۵۸	اراک	۲۶/۷	۱۴/۴
۳	نقره	۴۰/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	گلپایگان	۲۶/۷	۱۳/۵
۴	نقره	۴۰/۲	نادر صادقی	؟	اراک	۲۵/۸	۱۴/۴
۵	نقره	۳۹/۶	داریوش امین	۱۳۵۶	خوی	۲۵/۸	۱۳/۸
۶	نقره	۳۹/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	گلپایگان	۲۶/۲	۱۳/۴
۷	نقره	۳۹/۵	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	همدان	۲۵	۱۴/۵
۸	نقره	۳۹/۴	مسیح کیا	۱۳۵۰	شاهرود	۲۵/۵	۱۳/۹
۹	نقره	۳۹/۳	هدایت تاج بخش	۱۳۵۰	زنجان	۲۵/۵	۱۳/۸
۱۰	نقره	۳۹/۱	امان... جهانشاهی	۱۳۴۹	همدان	۲۵/۳	۱۳/۸
۱۱	نقره	۳۹/۱	سیامک صمصام	۱۳۵۱	همدان	۲۵/۲	۱۳/۹
۱۲	برنز	۳۸/۸	عبدا... دولتشاهی	۱۳۵۰	همدان	۲۵/۱	۱۳/۷
۱۳	برنز	۳۸/۷	هدایت تاج بخش	۱۳۵۲	دامغان	۲۴/۶	۱۴/۱
۱۴	برنز	۳۸/۴	ایرج دیبیم	۱۳۵۱	زنجان	۲۴/۷	۱۳/۷
۱۵	برنز	۳۸/۳	امیرحسن مظهري	۱۳۶۰	قزوین	۲۴/۶	۱۳/۷
۱۶	برنز	۳۸/۳	ن. ج. مگیل	۱۳۵۵	زنجان	۲۴/۵	۱۳/۸
۱۷	برنز	۳۷/۸	هویرت ولف هارت	۱۳۵۲	زنجان	۲۴/۸	۱۳
۱۸	برنز	۳۷/۵	هویرت ولف هارت	۱۳۵۲	زنجان	۲۴/۷	۱۲/۸
۱۹	برنز	۳۷/۳	داریوش امین	۱۳۵۳	شاهرود	۲۴	۱۳/۴
۲۰	برنز	۳۷/۱	داریوش امین	۱۳۵۶	خوی	۲۴/۲	۱۲/۹
۲۱	برنز	۳۷	وحید کاظمی	۱۳۶۸	گرمسار	۲۴/۲	۱۲/۸

تروفه پلنگ

Leopard



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول جمجمه (سانتیمتر)	عرض جمجمه (سانتیمتر)
۱	گراند پری	۴۶/۲	امیرحسن مظهري	۱۳۵۶	مازندران	۲۷/۱	۱۹/۱
۲	گراند پری	۴۴/۸	سهراب شیبانی	۱۳۵۶	آمل	۲۷/۱	۱۷/۷
۳	گراند پری	۴۴	ه. هانیمان	۱۳۵۵	آمل	۲۷	۱۷
۴	گراند پری	۴۲/۹	هدایت تاج بخش	۱۳۴۷	شاهرود	۲۵/۹	۱۷
۵	گراند پری	۴۲/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	بجنورد	۲۵/۷	۱۶/۸
۶	طلا	۴۱/۶	هدایت تاج بخش	۱۳۴۸	گرگان	۲۵/۶	۱۶
۷	طلا	۴۱/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	دامغان	۲۵/۶	۱۵/۸
۸	طلا	۴۰/۲	شهرام آل بویه	۱۳۵۲	لوشان	۲۴/۱	۱۶/۱
۹	نقره	۳۹/۵۰	یحیی قره گزلو	۱۳۵۴	آذربایجان شرقی	۲۴	۱۵/۵
۱۰	نقره	۳۸/۹	هدایت تاج بخش	۱۳۴۷	مازندران	۲۳/۳	۱۵/۶
۱۱	نقره	۳۸/۵	هاشم مخبري	؟	؟	۲۳	۱۵/۵
۱۲	نقره	۳۸/۵	هنری هاسمان	۱۳۵۴	خوش ییلاق	۲۳/۲	۱۵
۱۳	نقره	۳۸/۲	کامبیز آتابای	۱۳۵۴	خوش ییلاق	۲۳/۲	۱۵
۱۴	نقره	۳۸	امیر مظهري	۱۳۵۵	مازندران	۲۳	۱۵
۱۵	برنز	۳۷/۹	علی صدیق	۱۳۵۲	شاهرود	۲۳/۶	۱۴/۳

تروفه خرسی

Brown Bear

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول مجسمه (سانتیمتر)	عرض مجسمه (سانتیمتر)
۱	گراند پری	۶۲	فیروز فرخزاد	۱۳۵۱	بجنورد	۳۸	۲۴
۲	گراند پری	۶۰	منوچهر ریاحی	۱۳۳۹	بجنورد	۳۷	۲۳
۳	طلا	۵۹/۵	چارلز بابیت	۱۳۵۱	بجنورد	۳۷	۲۲/۵
۴	طلا	۵۹	کاویانی	۱۳۵۱	بجنورد	۳۵/۵	۲۳/۵
۵	طلا	۵۸/۶	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	شاهرود	۳۵/۴	۲۳/۲
۶	طلا	۵۸	جی. ایناسیو تریلو	۱۳۵۳	البرز مرکزی شمالی	۳۵	۲۳
۷	طلا	۵۷/۵	غفار فرمانفرمائیان	۱۳۵۲	بجنورد	۳۵	۲۲/۵
۸	طلا	۵۷/۳	سهراب شیبانی	۱۳۵۴	البرز مرکزی شمالی	۳۶	۲۱/۳
۹	طلا	۵۷/۳	هانس فریشل	۱۳۴۱	لرستان	۳۵/۱	۲۲/۲
۱۰	طلا	۵۷	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	بجنورد	۳۴	۲۳
۱۱	طلا	۵۷	جان باخ سابام	۱۳۵۲	بجنورد	۳۵	۲۲
۱۲	طلا	۵۶/۹	سهراب شیبانی	۱۳۵۵	البرز مرکزی شمالی	۳۵/۷	۲۱/۲
۱۳	طلا	۵۶/۶	جمشید بهرامی	۱۳۵۴	گرگان	۳۴/۲	۲۲/۴
۱۴	طلا	۵۶/۵	منوچهر ریاحی	۱۳۴۱	بجنورد	۳۵	۲۱/۵
۱۵	طلا	۵۶	سازمان محیط زیست	۱۳۳۴	لرستان	۳۵	۲۱
۱۶	طلا	۵۵/۸	امیرحسن مظهري	۱۳۵۷	مازندران	۳۴/۵	۲۱/۳
۱۷	طلا	۵۵/۸	رینر نوبلوخ	۱۳۵۲	مازندران	۳۵	۲۰/۸
۱۸	طلا	۵۵/۷	محمد رحیمیان	۱۳۵۵	شاهرود	۳۴	۲۱/۷
۱۹	طلا	۵۵/۶	کریستوفر سی. کاری	۱۳۵۵	چالوس	۳۴/۴	۲۱/۲
۲۰	طلا	۵۵/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۴۸	گرگان	۳۴/۵	۲۱
۲۱	طلا	۵۵/۲	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	شاهرود	۳۴/۵	۲۰/۷
۲۲	طلا	۵۵	ورنر جورینخ	۱۳۵۱	بجنورد	۳۴	۲۱
۲۳	نقره	۵۴/۷	قاسم زندی پور	۱۳۵۲	لرستان	۳۳/۹	۲۰/۸
۲۴	نقره	۵۴/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۴۴	لرستان	۳۴/۵	۲۰
۲۵	نقره	۵۴/۴	حسین سیدی	۱۳۵۲	شاهرود	۳۴	۲۰/۴
۲۶	نقره	۵۴/۲	امیرحسن شیروانی	۱۳۵۴	چالوس	۳۳/۲	۲۱
۲۷	نقره	۵۴/۱	ویکتور نیوسی	۱۳۵۲	کلاردشت	۳۳	۲۱/۱
۲۸	نقره	۵۴	هدایت تاج بخش	۱۳۴۷	شاهرود	۳۳/۵	۲۰/۵
۲۹	نقره	۵۴	شاهپور فرهمند	۱۳۵۷	لرستان	۳۱/۶	۲۲/۴
۳۰	نقره	۵۳/۹	جمشید بهرامی	۱۳۵۳	گرگان	۳۲/۲	۲۱/۷
۳۱	نقره	۵۳/۴	مسیح کیا	۱۳۵۱	البرز مرکزی	۳۳/۳	۲۰/۱
۳۲	نقره	۵۳/۲	امیرحسن مظهري	۱۳۵۵	مازندران	۳۳	۲۰/۲
۳۳	نقره	۵۳/۱	ایرج پارس تبار	۱۳۵۷	ساری	۳۲/۸	۲۰/۳
۳۴	نقره	۵۳/۱	امان... جهانشاهی	۱۳۴۸	گرگان	۳۳/۸	۱۹/۳
۳۵	برنز	۵۲/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	بجنورد	۳۴	۱۸/۵
۳۶	برنز	۵۲/۴	امیرحسن مظهري	۱۳۵۶	مازندران	۳۳/۲	۱۹/۲
۳۷	برنز	۵۲	بوویس باپانیان	۱۳۵۰	بجنورد	۳۲	۲۰
۳۸	برنز	۵۱/۸	یحیی قره گزلو	۱۳۵۳	آذربایجان شرقی	۳۱	۲۰/۸
۳۹	برنز	۵۱/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۰	لرستان	۳۱/۹	۱۹/۸
۴۰	برنز	۵۱/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۱	نوشهر	۳۱/۹	۱۹/۵
۴۱	برنز	۵۰/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۰	بجنورد	۳۱/۸	۱۸/۶



گروغه گراز

Wild Boar



ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول دندان	
						راست	چپ
۱	گراند پری	۱۳۲/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	بجنورد	۲۵	۲۶
۲	گراند پری	۱۳۱/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۲/۹	۲۵/۹
۳	گراند پری	۱۳۰/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	بجنورد	۲۴	۲۳/۴
۴	طلا	۱۲۹/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۵/۵	۲۶
۵	طلا	۱۲۹/۱	سازمان محیط زیست	۱۳۴۰	بجنورد	۲۷/۹	۲۹/۵
۶	طلا	۱۲۷/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	مازندران	۲۴	۲۵
۷	طلا	۱۲۶/۷	امیرحسن مظهري	۱۳۷۲	پل سفید	۲۷/۵	۲۶/۷
۸	طلا	۱۲۶/۵	محمود جهانبانی	۱۳۵۱	بجنورد	۲۷/۵	۲۷/۵
۹	طلا	۱۲۵/۳	امیرحسین تاج بخش	۱۳۴۳	بجنورد	۲۳/۲	۲۳/۵
۱۰	طلا	۱۲۵	خسرو شهبندی	؟	کردکوی	۲۷	۲۷/۲
۱۱	طلا	۱۲۵	امیرحسن مظهري	۱۳۶۷	تنکابن	۲۷	۲۸
۱۲	طلا	۱۲۵	رابرت هاموند	۱۳۵۴	گرگان	۲۵	۲۴/۵
۱۳	طلا	۱۲۵	فردریک هینسلی	۱۳۵۵	ساری	۲۵/۲	۲۴/۸
۱۴	طلا	۱۲۴/۴	خسرو شهبندی	؟	؟	۲۵/۲	۲۴/۸
۱۵	طلا	۱۲۴/۳	هدایت تاج بخش	۱۳۵۲	چالوس	۲۵/۸	۲۶/۵
۱۶	طلا	۱۲۴/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۶	بجنورد	۲۳/۵	۲۴/۱
۱۷	طلا	۱۲۳/۵	هدایت تاج بخش	۱۳۵۷	بجنورد	۲۳	۲۲
۱۸	طلا	۱۲۳/۳	دایل اس. ساندerson	۱۳۵۵	ساری	۲۶	۲۶/۵
۱۹	طلا	۱۲۲/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۳/۳	۲۳
۲۰	طلا	۱۲۲/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۱/۵	۲۲/۹
۲۱	طلا	۱۲۲/۳	خسرو سریری	۱۳۴۰	گرگان	۲۳/۵	۲۳/۷
۲۲	طلا	۱۲۲/۲	قاسم زندی پور	۱۳۴۵	مازندران	۲۵	۲۶
۲۳	طلا	۱۲۱/۸	خسرو شهبندی	؟	؟	۲۵	۲۳/۵
۲۴	طلا	۱۲۱/۶	سارو میرزاخانیاں	۱۳۵۶	مازندران	۲۳	۲۳
۲۵	طلا	۱۲۱/۲	اچ.دبلیو. کلاین	۱۳۴۵	بجنورد	۲۵	۲۴/۳
۲۶	طلا	۱۲۱/۱	امیرحسن مظهري	۱۳۶۲	تنکابن	۲۴/۵	۲۶/۲
۲۷	طلا	۱۲۱	سیاوش سعیدی	؟	گرگان	۲۴/۵	۲۵
۲۸	طلا	۱۲۰/۲	نورا... تاج بخش	۱۳۵۱	شاهرود	۲۴/۵	۲۳/۵
۲۹	طلا	۱۲۰/۲	ضفر رحیم نیا	۱۳۵۸	چالوس	۲۵	۲۶
۳۰	طلا	۱۲۰	خسرو سریری	۱۳۳۹	چالوس	۲۴	۲۴/۵
۳۱	نقره	۱۱۹/۴	سازمان محیط زیست	۱۳۴۲	بجنورد	۲۶	۲۵/۶
۳۲	نقره	۱۱/۹	اچ.دبلیو. کلاین	۱۳۴۵	بجنورد	۲۴/۹	۲۵/۶
۳۳	نقره	۱۱۸/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۳/۸	۲۳/۸
۳۴	نقره	۱۱۸/۶	مهدی حقیقی	۱۳۴۵	چالوس	۲۵/۲	۲۵
۳۵	نقره	۱۱۸/۵	جیمز کُنرات	۱۳۵۴	گرگان	۲۳/۵	۲۱
۳۶	نقره	۱۱۸/۴	نورا... تاج بخش	۱۳۵۰	چالوس	۲۳/۳	۲۳/۱
۳۷	نقره	۱۱۸/۳	ایم. جی. کوانتز	۱۳۵۴	ساری	۲۲/۲	۲۲
۳۸	نقره	۱۱۸	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	ساری	۲۳/۷	۲۲/۸
۳۹	نقره	۱۱۸	هدایت تاج بخش	۱۳۵۰	بجنورد	۲۳	۲۵
۴۰	نقره	۱۱۷/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۹	بجنورد	۲۳	۲۳/۴
۴۱	نقره	۱۱۷/۶	ناصر یاسی	۱۳۵۵	پل سفید	۲۴	۲۳/۵
۴۲	نقره	۱۱۷/۳	سازمان محیط زیست	۱۳۴۱	بجنورد	۲۱/۸	۲۰/۵
۴۳	نقره	۱۱۶/۹	الچین گیتس	۱۳۴۱	بجنورد	۲۲/۱	۲۳/۵
۴۴	نقره	۱۱۶/۶	بی.برادبری	۱۳۴۵	بجنورد	۲۱/۶	۲۲/۸
۴۵	نقره	۱۱۶/۶	امیرحسن مظهري	۱۳۴۹	بجنورد	۲۴/۸	۲۶/۴
۴۶	نقره	۱۱۶/۳	امیرحسن مظهري	۱۳۵۱	بجنورد	۲۳/۷	۲۲/۲

ردیف	مدال	امتیاز (C.I.C)	دارنده تروفه	تاریخ	مکان	طول دندان	
						راست	چپ
۴۷	نقره	۱۱۶/۲	امیرحسن مظهری	۱۳۶۴	تنکابن	۲۷	۲۶/۲
۴۸	نقره	۱۱۵/۹	امیرحسن مظهری	۱۳۴۷	رامسر	۲۵	۲۵/۲
۴۹	نقره	۱۱۵/۷	امیرحسن مظهری	۱۳۵۵	کلاردشت	۲۳/۲	۲۳/۵
۵۰	نقره	۱۱۵/۵	امیرحسن مظهری	۱۳۵۶	بجنورد	۲۱	۲۲/۶
۵۱	نقره	۱۱۵/۴	امیرحسن مظهری	۱۳۶۵	کلاردشت	۲۱	۲۲/۵
۵۲	نقره	۱۱۵/۳	مارتین مکلاگلین	۱۳۵۳	شاهرود	۲۲/۸	۲۳
۵۳	نقره	۱۱۵/۳	ایرج پارس تبار	۱۳۶۰	نوشهر	۲۴	۲۳/۵
۵۴	نقره	۱۱۵/۲	امیرحسن مظهری	۱۳۷۱	پل سفید	۲۲	۲۱/۷
۵۵	نقره	۱۱۵/۱	کامیل جعفری	۱۳۵۶	البرز مرکزی شمالی	۲۴	۲۵
۵۶	نقره	۱۱۵/۱	ایرج پارس تبار	۱۳۵۷	ساری	۲۳/۵	۲۳/۵
۵۷	نقره	۱۱۵	فرانک پیترز	۱۳۵۴	ساری	۲۱/۵	۲۱/۴
۵۸	برنز	۱۱۴/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۰/۲	۲۰
۵۹	برنز	۱۱۴/۵	فیروز فرخزاد	۱۳۵۲	گرگان	۲۴/۵	۲۵
۶۰	برنز	۱۱۴/۳	جهانگر مدهوش	۱۳۷۰	لامیجان	۲۴	۲۵
۶۱	برنز	۱۱۳/۸	وحید کاظمی	۱۳۷۰	فیروزکوه	۲۲	۲۲/۵
۶۲	برنز	۱۱۳/۸	امیرحسن مظهری	۱۳۵۴	بجنورد	۲۱	۱۹/۶
۶۳	برنز	۱۱۳/۵	سازمان محیط زیست	۱۳۴۸	بجنورد	۲۶/۵	۱۸/۵
۶۴	برنز	۱۱۳/۴	صفر رحیم نیا	۱۳۶۴	مازندران	۲۲	۲۲
۶۵	برنز	۱۱۳/۱	ضیاءالدین روحی	۱۳۴۸	بجنورد	۲۲/۲	۲۳
۶۶	برنز	۱۱۲/۹	سازمان محیط زیست	۱۳۴۴	ساری	۲۲/۶	۲۲
۶۷	برنز	۱۱۲/۸	وحید کاظمی	۱۳۶۹	فیروزکوه	۲۲	۲۲/۲
۶۸	برنز	۱۱۲/۷	امیرحسن مظهری	۱۳۶۸	آلاشت	۲۳	۲۲
۶۹	برنز	۱۱۲/۶	سازمان محیط زیست	۱۳۵۵	بجنورد	۲۰/۲	۲۱
۷۰	برنز	۱۱۲/۲	خسرو شهبندی	؟	مازندران	۱۹	۲۱/۵
۷۱	برنز	۱۱۲/۲	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۲/۸	۲۳/۲
۷۲	برنز	۱۱۱/۷	سازمان محیط زیست	۱۳۴۳	بجنورد	۲۰/۲	۲۴/۵
۷۳	برنز	۱۱۰/۳	یوسف دانیل	؟	مازندران	۲۱/۴	۲۱/۴
۷۴	برنز	۱۱۰	خسرو شهبندی	؟	چالوس	۱۹/۵	۲۰



انتشارات موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران

آنچه منتشر شد:

۱- کتاب‌های رنگی «حیوانات زیبای من» در قطع جیبی

تمام‌رنگی، ۲۴ عنوان

۲- کتاب «نخجیران» از آغاز تا امروز در ایران در قطع بزرگ

تمام‌رنگی، یک عنوان

در دست انتشار:

۱- کتاب «آینه طبیعت» چگونگی پیدایش موزه در قطع بزرگ ۲۰۰ صفحه

تمام‌رنگی، یک عنوان

کتاب‌های رنگی «حیوانات زیبای من» در قطع جیبی

تمام‌رنگی، ۷۶ عنوان

واحد تحقیقات و انتشارات موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران مترصد تهیه و تدوین چاپ و

انتشار تازه‌ترین و بدیع‌ترین آثار از حیات جانوری ایران و جهان است.

آثار موزه را می‌توانید از کتابفروشی‌های معتبر سراسر کشور و فروشگاه موزه خریداری کنید.

مرکز توزیع: دفتر نشر- تلفن: ۶۴۵۱۰۸۵

موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران- تهران- نیاوران- دارآباد

تلفن‌ها: ۲۲۸۷۷۸۹ و ۲۲۹۰۰۰۲ فاکس: ۲۲۹۰۰۰۱